



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



المراد  
علیهما الصواب

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

عزیز

عزیز

عزیز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعانت: آئین دادرسی و طریق نیکوکاری از دیدگاه اهل البیت علیهم السلام

نویسنده:

علیرضا ملازاده تقی پور

ناشر چاپی:

استوار

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	اعانت: آئین دادرسی و طریق نیکوکاری از دیدگاه اهل البیت علیهم السلام
۸	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۲	فهرست
۱۷	پیشگفتار
۱۹	تفکر صحیح
۲۳	اهمیت عمل خیر
۳۴	اهمیت احسان به برادران دینی
۴۰	شناخت حقوق برادران دینی
۴۳	زیارت مؤمن زیارت خداست
۴۹	روش انتخاب دوست
۵۴	نشانه های دوستان حقیقی
۶۵	عمل خیری که باعث ضرر است
۶۸	دوستی با مؤمنین
۸۱	امتیاز و ارزش خیرین
۸۶	حقیقت احسان
۹۰	ثروت باعث امتحان
۱۰۲	اموال مال خداست
۱۱۱	حق معلوم
۱۱۴	اعتدال در انفاق
۱۲۰	مذمت دنیا
۱۲۵	ارزش اعانت
۱۳۸	عواقب عدم یاری

۱۵۸	حکایت شگفت انگیز خیرین
۱۸۳	مذمت دنیا پرستی
۱۹۳	رنج و سختی های فقر
۲۰۴	صبر و تسلیم فقرا
۲۲۰	فواید مهمان نوازی
۲۳۱	پاداش قرض دادن
۲۴۴	خمس و زکات
۲۵۴	خمس، زکات و انفاق به چه کسانی تعلق می گیرد؟
۲۵۷	مستحقین حقیقی
۲۶۰	احسان به والدین و ارحام
۲۶۴	شرایط استحقاق احسان
۲۶۹	نحوه برخورد با مستمندان
۲۷۱	ویژگی های مستحق واقعی
۲۷۶	شرط قبولی عمل خیر
۲۸۱	اولین شرط، تقواست
۲۸۸	اخلاص
۳۰۳	نیت
۳۰۵	شتاب و عجله
۳۱۲	وفای به عهد
۳۱۹	حفظ آبرو
۳۲۲	دوری از منت
۳۲۸	احسان انسانهای بی بضاعت
۳۳۴	واسطه گری بین خیر و نیازمند
۳۳۵	اصلاح بین دو مؤمن
۳۴۷	عفو بهترین احسان
۳۶۸	غیبت بدترین گناه

۳۸۱ ..... عواقب اهانت به مؤمن

۳۸۵ ..... نحوه سخن گفتن

۳۸۷ ..... تغافل و چشم پوشی

۴۰۵ ..... منابع و مآخذ

۴۱۱ ..... درباره مرکز

## اعانت: آئین دادرسی و طریق نیکوکاری از دیدگاه اهل البیت علیهم السلام

### مشخصات کتاب

سرشناسه : تقی پور، علی

عنوان و نام پدیدآور : اعانت: آئین دادرسی و طریق نیکوکاری از دیدگاه اهل البیت علیهم السلام/ علی تقی پور؛ ویراستار صابر بهلولی.

مشخصات نشر : مشهد: استوار ' 1394.

مشخصات ظاهری : 325 ص.

شابک : 250000 ریال 978-600-6865-81-2

یادداشت : کتابنامه: ص. [323] - 325؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : آئین دادرسی و طریق نیکوکاری از دیدگاه اهل البیت علیهم السلام.

موضوع : انفاق -- احادیث

Charity -- Hadiths

رفتار مددکارانه -- جنبه های مذهبی -- اسلام

Helping behavior -- Religious aspects -- Islam

نیکوکاری -- احادیث

Benevolence -- Hadiths

رده بندی کنگره : BP250/3/ت7الف6 1394

رده بندی دیویی : 297/632

شماره کتابشناسی ملی : 5482112

اطلاعات رکورد کتابشناسی : رکورد کامل

ص: 1



## اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

يا صاحب الزمان

ص: 2

اعانت

آئین دادرسی و طریق نیکوکاری از دیدگاه اهل البیت (علیهم السلام)

علی تقی پور

ص: 3



پیشگفتار 8

تفکر صحیح 10

اهمیت عمل خیر 14

اهمیت احسان به برادران دینی 25

شناخت حقوق برادران دینی 31

زیارت مؤمن زیارت خداست 34

روش انتخاب دوست 40

نشانه های دوستان حقیقی 45

عمل خیری که باعث ضرر است 56

دوستی با مؤمنین 59

امتیاز و ارزش خیرین 72

حقیقت احسان 77

ثروت باعث امتحان 81

اموال مال خداست 93

حق معلوم 102

اعتدال در انفاق 105

مذمت دنیا 111

ارزش اعانت 116

عواقب عدم یاری 129

حکایت شگفت انگیز خیرین 149

مذمت دنیا پرستی 174

رنج و سختی های فقر 184

صبر و تسلیم فقرا 195

فواید مهمان نوازی 211

پاداش قرض دادن 222

ص: 5

خمس و زکات 235

خمس، زکات و انفاق به چه کسانی تعلق میگیرد؟ 245

مستحقین حقیقی 248

احسان به والدین و ارحام 251

شرایط استحقاق احسان 255

نحوه برخورد با مستمندان 260

ویژگی های مستحق واقعی 262

شرط قبولی عمل خیر 1

اولین شرط، تقواست 6

اخلاص 13

نیت 28

شتاب و عجله 30

وفای به عهد 37

حفظ آبرو 44

دوری از منت 47

احسان انسانهای بی بضاعت 53

واسطه گری بین خیر و نیازمند 59

اصلاح بین دو مؤمن 60

عفو بهترین احسان 72

غیبت بدترین گناه 93

عواقب اهانت به مؤمن 106

نحوه سخن گفتن: 110

تغافل و چشم پوشی: 112

منابع و مآخذ: 130

ص: 6





هدف از نگارش این مجموعه، بیان چگونه زیستن بر اساس فرمایشات نورانی خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) است تا با روش شایسته ایشان، خود را در دنیا و آخرت به سعادت و خوشبختی برسانیم.

تنها با رهنمودهای ائمه هدایت (علیهم السلام) است که می توان از منجلاب شهوات، آلودگی و ظلمت دنیوی که همگان را در کام خود فرو برده و به هلاکت رسانده، به سوی خرمی، آسایش، صفا و صمیمیت هدایت شد. پایبندی به دین و قوانین اسلام، هم منافع مادی و هم منافع معنوی دارد. اما همه آن به کسی بخشیده می شود که به دین عامل و مقید باشد. کوتاهی و بی بند و باری در برابر قانون الهی، موجب بدبختی، سرگردانی و هلاکت در دنیا و آخرت می گردد.

بشر برای بهتر زیستن باید در چهارچوب شرایطی الهی که فقط در اسلام مشخص گردیده است، حرکت کند تا بهای نعمات دنیوی و زندگی اخروی خود را پردازد و با الهام گرفتن و عمل نمودن به فرمایشات معصومین (علیهم السلام)، کرامت، شرافت، صفا و صمیمیت را در خود گردآوری کند.

تبعیت از دستورات راه نمای ذوات مقدسه (علیهم السلام)، هم باعث زندگی بهتر شده و هم خشنودی ایشان که همان خشنودی حقتعالی باشد را در پی دارد. یکی از

مسائلی که ذوات مقدسه (علیهم السلام) بر آن پافشاری بسیار نموده و روایات فراوانی در این زمینه وارد گشته، مسئله اعانت و یاری رسانی به مومنین می باشد. یاری رسانی به دیگران، مانند یاری رساندن به ذوات مقدسه (علیهم السلام) است و اعانت مومن نزد ائمه اطهار (علیهم السلام) جایگاه ویژه ای دارد.

طاعات سبک با بهره عظیم فقط در گرو اعانت مومن بوده، همینطور غضب الهی در ورای ترک یاری رسانی به برادر ایمانی است. احادیثی که در ادامه خواهد آمد در بیان چگونگی ثوابها و صوابها، و دوری از عقابهاست.

ص: 9

هر مکتبی به ایده ای متمسک است و با مَنیشی مخصوص بخود به رفتار در جامعه می پردازد. اما شعار افرادی که میل به آسایش دوگیتی دارند، بنا به فرمایش ائمه اطهار (علیهم السلام) این است:

«.. فَأَحِبِّ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا..» (1)

.. آنچه برای خودت می پسندی برای دیگران نیز پسند و آنچه برای خود نمی پسندی برای دیگران نیز نپسند..

اگر بشر به همین کلام امام هدایت عمل می کرد، هیچ جنایت، فقر، کشتار و تجاوزی در جهان صورت نمی گرفت و دنیا سراسر گلستان می شد. (إنشاءالله به زودی با ظهور مولا صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شاهد چنین روزگاری، خواهیم بود).

متأسفانه بخاطر وجود صفت زشت خودخواهی در اکثر انسانها، که هر کسی بهترینها را فقط برای خویش می خواهد، شعار عملی انسانها این شده است: «همه داریهای دنیا برای من و خانواده ام». برای رسیدن به این آرزو و تحقق این شعار، به هر جنایتی دست می زنند تا جائیکه صدای ناله در ماندگان و اشک چشم مستمندان را می شنوند و می بینند، اما توجه نمی کنند.

تنها دینی که اهتمام جدی و ارزش فوق العاده برای این شعار: «آنچه برای خود نمی پسندی برای دیگران نیز نپسند..»، قائل شده است، مذهب تشیع

ص: 10

---

1- مشكاة الانوار 178 - نهج البلاغة (للصبي صالح) 397 - عيون الحكم و المواعظ (لليثي) 77 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 72/29 - 74/203 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 11/311

می باشد که رهبرانش از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) الی قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ایشان، عامل به این امر بوده و برای بهتر زیستن پیروانشان در دو سرا، این دستور را صادر فرمودند.

اینکه شعار «فقط برای خودم» کم و بیش در افکار همگان ریشه دارد و باید برای حل آن اقدام نمود شکی نیست. اما به دلیل رسوخ آن در تفکر جامعه و تبدیل آن به دأب و روش برای کل افراد، ریشه کن کردن آن نیاز به زمان داشته و جایگزینی سیره اهل بیت (علیهم السلام) به جای این شیوه مذموم، همتی عمومی را می طلبد. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره این مطلب می فرمایند:

«فَعَلَيْكُمْ بِمِثْلِ هَذِهِ الْأَخْلَاقِ الْكَرِيمَةِ إِنْ أَطَقْتُمُوهَا فَإِنْ لَمْ تُطِيقُوهَا كُلَّهَا فَآخِذُوا بِالْقَلِيلِ خَيْرٌ مِنْ تَرْكِ الْكَثِيرِ» (1)

پس بر شما باد چنین خوی های پسندیده ای، اگر توان آنها را داشته باشید. پس اگر تاب همه آن صفات نیکو را ندارید، آوردن اندک بهتر از فرو گذاشتن بسیار است.

با این فرمایش، حجت برای انسانهایی که خواهان زندگی بهتر هستند، تمام می شود. با توجه به آنچه که به عنوان مقدمه گفته شد، هر انسان عاقلی باید براساس رهنمودهای رهبران الهی، حرکتی را برای رسیدن به آسایش آغاز کند و تابع قوانین و فرمایشات معصومین (علیهم السلام) گردد و در صورت عدم رعایت این شرایط، هیچ عذری از او [علی الخصوص در آخرت] پذیرفته نیست. چه

ص: 11

بسیار انسانها در جهان، خصوصاً کشورهای غربی و اروپایی وجود دارند که بدون رعایت شرافت انسانی، همانند چهارپایان وحشی برای ارضای تمایلات نفسانی، همدیگر را می درند. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

«النَّاسُ كُلُّهُمْ بَهَائِمٌ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنُ غَرِيبٌ» (1)

«مردم همگی مثل چهارپایانند (سه بار فرمودند) جز اندکی از مومنان (و باز هم سه بار فرمودند) مومن غریب و تنها و بی کس است»

چون همانند چهارپایان شدند، نحوه استفاده از مسائل دنیوی در ایشان نیز مانند چهارپایان و درندگان خواهد بود لذا باعث برانگیختن خشم حق تعالی خواهند شد. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«..وَرَأَيْتَ الْعَظِيمَ مِنَ الْمَالِ يُنْفَقُ فِي سَخَطِ اللَّهِ..» (2)

می نگری که مالهای فراوان در راه هایی صرف می شود که موجب خشم و غضب الهی است.

و اگر هم به ظاهر عمل نیکی را انجام دهند مگر برای ریا و دروغ. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«..وَرَأَيْتَ الصَّدَقَةَ بِالشَّفَاعَةِ لَا يَرَادُ بِهَا وَجْهُ اللَّهِ وَيُعْطَى لِطَلَبِ النَّاسِ..» (3)

..می نگری که کار خیر و اعطاء مال با وساطت (پارتی بازی) انجام می شود و برای خدا نیست بلکه برای جذب مردم است.

ایشان در جای دیگر فرمودند:

ص: 12

---

1- کافی 2/242

2- بحار الانوار 52/257 - عصر زندگی 289

3- بحار الانوار 52/260 - الکافی (ط - الإسلامية) 8/41 - الوافی 26/457 - وسائل الشیعة 16/279

«می نگری که در راه دنیا (برای شهرت و ریا) بخششهای فراوان می کنند ولی در راه خدا (طبق ضوابط و شرائط و بدون ریا) از دادن اندکی هم دریغ دارند» (1)

احسانی که برای ریا و شهرت انجام می گیرد، بدلیل عدم آگاهی و رعایت حقوق الهی است. انجام اعمال با اصول الهی نیز مستلزم فراگیری راهنماییهای امامان معصوم (علیهم السلام) است. چه بسیار افرادی که هرگز حتی تا پایان عمر، اقدام به فراگیری علوم اهل بیت (علیهم السلام) ننموده، اجل ایشان سر می رسد و جز حسرت و زیان چیزی بدست نمی آورند. امام معصوم (علیه السلام) فرمودند:

«روز قیامت از افرادی که نمی دانستند و یا به امر و نهی های پروردگار عمل نمی کردند، می پرسند، چرا عمل نکردید؟ می گویند: نمی دانستیم. می گویند: چرا نرفتید یاد بگیرید (تا عمل نمایید)؟ و بدین وسیله حجت بر آنها تمام می شود»

اگر انسان عاقل قدری بیاندیشد، درمی یابد که طوفان گمراهی، همگان را در عصر غیبت امام عصر (علیه السلام) غرق می کند. بنابراین باید با تفکر صحیح، دست خود و وابستگان خویش را گرفته و برای رسیدن به ساحل نجات، در کشتی محمد و آل محمد (علیهم السلام) سوار شود. وقت بسیار تنگ و طوفان امتحانات و حوادث که ارمغانِ آخرینش مرگ است، با سرعت هرچه تمامتر به سوی خلق رو می کند. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرموده اند:

«مرگ با سرعت در جستجوی شماست» (2)

ص: 13

---

1- کتاب عصر زندگی 288 - بحار الانوار 52/259

2- نهج البلاغه

و نیز فرموده اند:

«وَهُوَ الْأَزْمُ لَكُمْ مِنْ ظِلِّكُمْ» (1)

مرگ از سایه شما به شما نزدیکتر است.

پس بنا به فرمایش حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام):

«عمر خود را دریاب و گذشته را جبران و تدارک کن و بیش از این فردا و پس فردا مگو، که کسانی پیش از توبه این نحوه هلاکت رسیدند و عمر خود را به آرزوها گذرانیدند و هر روز تدارک سفر آخرت را به تأخیر افکندند تا ناگاه و بی خبر، امر خدا در رسید و هنگام رحیل و کوچ کردن آمد و ایشان بر بستر غفلت خوابیده بودند پس آنها را از کاخها (منزلهای مجلل) به ظلمتکده گور درآورد و اهل و اولادشان پا از ایشان کشیدند و به قسمت کردن اموالشان پرداختند»

چه چیز از این مهمتر که تا مرگ فرانسیده باید حرکتی را آغاز نمود. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید:

«هم اکنون در دنیایی زندگی می کنید که می توانید رضایت خداوند را به دست آورید. با مهلت و آسایش خاطری که دارید، اکنون نامه عمل باز و سرگشاده و قلم ملائکه نویسنده در حرکت است... توبه و اعمال نیکو را می پذیرند» (2)

### اهمیت عمل خیر

با شعار انسانی «خوبیها و نیکیها برای همگان» و بنا به فرمان ائمه دین (علیهم السلام)، باید سفره نیکی و احسان را برای همگان گسترانید و لذت و

ص: 14

1- نهج البلاغه ترجمه نامه 27

2- خطبه 94

کامروایی را در پخش انفاق و نیکی به همنوعان و همکیشان پیدا کرد. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده اند:

«اطْلُبُوا الْخَيْرَ دَهْرَكُمْ...» (1)

همه عمر خویش را جویای کارهای خیر باشید..

زیرا انسان وقتی نیکوکار می شود محبوب خدا می گردد. خدای منان فرمود:

«خیر و نیکویی را من آفریدم سپس هر که را که دوست داشته باشم بدست او جاری می سازم پس خوشا به حال کسی که عمل خیر را به دستش به اجرا در آورم» (2)

پس در انجام وظایف انسانی و تکلیف دینی که خیر رسانیدن به مخلوقات است، نباید از حرکت به سوی خیرات باز ایستاد؛ هر چند دیگران شاکر و سپاس گزار اعمال نیک شخص نباشند. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«از انجام کار خیر خودداری مکن هر چند کسی قدر آن را نداند»

پاداش دهنده و ستاینده شخص خیر، پروردگار عالمیان است که فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (3)

«همانا خداوند با پرهیزکاران است و با آنان که نیکوکارند»

ص: 15

---

1- شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله وسلم)) 318 - شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید

[عامه] 6/193 - تاج العروس من جواهر القاموس 10/92 - کنز العمال 43597 [متقی هندی - عامه]

2- اصول کافی ج 1، باب الخیر و الشرح 1

3- سورة مبارکه نحل آیه شریفه 128



حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«لَا يَهْدِنَاكَ فِي الْمَعْرُوفِ مَنْ لَا يَشْكُرُهُ لَكَ فَقَدْ يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَسْتَمْتِعُ بِشَيْءٍ مِنْهُ وَقَدْ تُدْرِكُ [يُدْرِكُ] مِنْ شُكْرِ الشَّاكِرِ أَكْثَرَ مِمَّا أَضَاعَ الْكَافِرُ وَاللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (1)

ناسپاسی مردم تو را از کار نیکو باز ندارد زیرا کسی هست که بی آنکه از تو سودی ببرد تو را می ستاید. چه بسا ستایش اندک وی برای تو بیشتر باشد از آنچه ناسپاسان ضایع کردند و خداوند نیکوکارانرا دوست دارد.

وانگهی کمال دین و انسانیت در انحصار اعمال خیر و صالح است که فرموده اند:

«برای هر روز کاری کن (عمل خیری انجام ده) که به سبب آن رشد کرده و به کمال برسی» (2)

با پوشیدن لباس احسان، به طور تلویحی از ستارالعیوب می خواهیم بدهایمان را بپوشاند. و کسی که زشتیهایش پوشیده باشد شامل لطف و کرم خدا شده است. همچنین حضرتش فرموده اند:

«مَنْ لَبَسَ الْخَيْرَ تَعَرَّى عَنِ الشَّرِّ» (3)

هرکه جامه خوبی به تن کند از بدی برهنه (دور) شود.

مثل لباس که برای انسان، جدای از محافظت در برابر سرما و گرما، زینت

ص: 16

---

1- نهج البلاغه (للصباحی صالح) 505 - شرح نهج البلاغه 19/24 - وسائل الشیعة 16/307 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/417

2- میزان الحکمه 7: 315؛ الجعفریات: 233

3- غرر الحکم 595 ح 8085 - عیون الحکم و المواعظ (لیثی) 442

به حساب می آید، لباس نیکی نیز محافظت در برابر بلیات و امتحانات شده و نیز زینتی برای انسان نزد خدای متعال، انبیاء و ذوات مقدسه (علیهم السلام) و ملائک می باشد. پس نفع اول نیکوکاری به خود نیکوکار برمی گردد. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ فَعَلَ الْخَيْرَ فَبِنَفْسِهِ بَدَأَ» (1)

هرکس کار خوب کند نتیجه اش پیش از همه به خود او می رسد.

و نیز حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ بِهٖ كَسَىٰ اِحْسَانٍ وَ خَوَّبَىٰ نَكَرًا وَ بِهٖ كَسَىٰ نِزَىٰ بَدَىٰ نَمُودَم»

به ایشان عرض شد: شما تمام عمرتان را صرف احسان به مردم کردید و کسانی نیز به شما بی حرمتی و ظلم کردند.

حضرت (علیه السلام) فرمودند:

«أَيَا كَفْتَهُ خَدَا رَا نَخْوَانَدَهٗ اِيْدَ كَهٗ دَرِ قِرْآنِ فَرْمُودَهٗ:

«إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا..» (2)

اگر نیکی کنید به خود نیکویی نمودید و اگر بدی کنید به خود بد نمودید» (3)

همچنین حضرت علی (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّكَ إِنْ أَحْسَنْتَ فَنَفْسَكَ تُكْرِمُ وَ إِلَيْهَا تُحْسِنُ» (4)

ص: 17

---

1- غرر الحکم 601 ح 8177 - عیون الحکم و المواعظ (لیثی) 444 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 105

2- سوره مبارکه اسراء آیه شریفه 7

3- شرح نهج البلاغه 6/236

4- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 386 - غرر الحکم و درر الکلم 267

تو اگر نیکی کنی خودت را گرامی داشته ای و به خودت نیکی نموده ای (همه نیکیها به حساب آخرتی خودت واریز و پس انداز می گردد) و اگر بدی کنی خودت را خوار کرده ای و به خودت زیان رسانده ای.

از خصوصیات این لباس زیبا؛ سد شدن در برابر بلاها و حوادث ناگوار حتی مرگ بد است. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«هرچه می توانید کار خیر کنید که از مرگ بد جلوگیری می کند» (1)

و همچنین فرمودند:

«..اصْطَبِعُوا الْمَعْرُوفَ بِمَا قَدَرْتُمْ عَلَىٰ اصْطِنَاعِهِ فَإِنَّهُ يَقِي مَصَارِعَ السَّوْءِ..» (2)

تا جایی که توانایی بر کار خوب دارید خوبی کنید زیرا خوبی (آدمی را) از مهلکه ها و مرگ های ناگوار ننگه می دارد.

عمر کسانی که با احسان و کارهای نیک زندگی می کنند، بیشتر از کسانیست که با عمر مقرر زندگی را ادامه می دهند. در روایتی به این مضمون اشاره شده است:

«مردم در پرتو احسانشان بیشتر زندگی می کنند تا با عمر مقرر» (3)

دایره حفاظت و سپر دفاعی اعمال نیک، حتی فرزندان شخص خیر را نیز تحت پوشش قرار خواهد داد. حضرت امام باقر (علیه السلام) در این باره میفرمایند:

«خداوند فرزندان را به اعمال صالح و نیکوی پدرانشان حفظ و حراست

ص: 18

---

1- کتاب نصاب 380

2- الخصال 2/617 - وسائل الشیعة 25/29 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 10/95؛ 71/409 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/345

3- کتاب صفات و علامات متقین 1/306 - بحار الانوار 5: 140 ح 6 - 7

حال که اندکی از خواص و پاداشهای بیکران احسان و نیکی، آگاه شدیم پس تعلق ورزیدن از بی خردی است؛ هر چند دست ما تهی و کم مایه باشد. در امر انفاق و احسان، در درگاه حق تعالی، عمل کوچک را بزرگ می‌شمارند و شادمانی آخرت را در پی خواهد داشت. چنانکه حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«..وَلَا تُصَغِّرْ شَيْئاً مِّنَ الْخَيْرِ فَإِنَّكَ تَرَاهُ عَدَاً حَيْثُ يَسُرُّكَ..» (2)

عمل خیر را هرگز کوچک ندان زیرا فردای قیامت آن را طوری می‌بینی که شادمانت می‌کند.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«افْعَلُوا الْخَيْرَ وَلَا تُحَقِّرُوا مِنْهُ شَيْئاً فَإِنَّ صَغِيرَةً كَبِيرٌ وَقَلِيلَةٌ كَثِيرٌ..» (3)

کار نیک و خیر را انجام دهید و چیزی از آن را کوچک مشمارید، زیرا کوچک آن بزرگ و اندک آن بسیار است..

برای انجام عمل خیر هر چند بسیار ناچیز، باید کوشید زیرا پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده اند:

ص: 19

---

1- تفسیر جامع 6/272 - تفسیر عیاشی 2/338 ح 65

2- بحار الانوار 71/182 ح 37 - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 134 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/182 - تفسیر نور الثقلین 2/402

- تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 6/254

3- نهج البلاغه: حکمت 422 - نهج البلاغه (صبحی صالح) 550 - روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة) 2/372 - وسائل

الشيعة 1/118 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 1/47 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/190 - الحياة 1/530

«دَخَلَ عَبْدُ الْجَنَّةِ بَعْضُنْ مِنْ شَوْكِكِ كَانَ عَلَى طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَأَمَّاطَهُ عَنْهُ» (1)

بنده ای از بندگان خدا در اثر اینکه شاخه خاری را از سر راه مسلمین برداشت، اهل بهشت شد.

یعنی اینکه کوچکی عمل، مانع از انجام دادن آن نگردد. از سوی دیگر هر عمل خیری که از بنده سر بزند، هم در برابر نعمتهای خداوند، کوچک بوده و هم این خداست که در هر کار خیری، بانی آن و معین انسان می گردد. پس جای هیچگونه عجبی باقی نمی ماند. باز، در اینکه با هیچ عمل صالحی نمی توان شکر پروردگار را ولو در عطایای به زعم ما جزئی، بجای آورد. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره فرمودند:

«کار نیک خود را کم شمار، هر چند که زیاد باشد»

اهمیت انجام کارهای خیر در حالیکه عمل به دین خداست، برای مؤمنان باعث گشایش و رهایی از مشکلات دنیایی میگردد. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرموده اند:

«..وَمَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ كَفَّاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ..» (2)

..کسی که برای دین خود کار کند، خدا دنیای او را کفایت فرماید..

«..مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ..» (3)

ص: 20

- 
- 1- الخصال 1/32 - وسائل الشيعة 16/338 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 5/602 - بحار الأنوار (بيروت) 72/49 - نقطه های آغاز در اخلاق عملی 479 - سفينة البحار 2/82
  - 2- نهج البلاغه حکمت 423 - وسائل الشيعة 15/298 - بحار الأنوار (ط بیروت) 68/367
  - 3- نهج البلاغه حکمت 86 - عيون الحكم و المواعظ (لیثی) 457 - غرر الأخبار 130 - وسائل الشيعة 15/298 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/367؛ 69/305 - منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئی (رحمة الله) ) 21/134

.. هر که امر آخرت خود را به صلاح آورد خداوند دنیای او را برایش نیکو می گرداند..

احسان به خلاق در کلام معصومین (علیهم السلام)، سرمایه ایمان نامیده شده است. یعنی مانند سرمایه دنیوی که باعث رونق کسب و کار می شود، احسان به مردم نیز مانند سرمایه عمل کرده و باعث رونق ایمان می گردد:

«رَأْسُ الْإِيْمَانِ الْإِحْسَانُ إِلَى النَّاسِ» (1)

ریشه و اساس ایمان نیکی به مردم است.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«فَكَيْفَ بِمَنْ يَنْقَطِعُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لَا يَرَى أَثْرَهُ عَلَيْهِ» (2)

چگونه ممکن است کسی که خود را وقف خدمت به خداوند متعال کند، اثر رحمت آن بر وی دیده نشود؟

{..إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثِّبْ أَقْدَامَكُمْ} (3)

«ای کسانی که ایمان آورده اید اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و قدمهایتان را ثابت می نماید»

وقتی نماینده خدای متعال یعنی امام هدایت؛ حضرت امام صادق (علیه السلام) خدمت به خدای متعال را مقارن هبوط رحمت الهی بر خادم دانسته و کلام

ص: 21

---

1- غرر الحکم 1/402

2- میزان الحکمه 5/61 - اعلام الدین 304 - بحار الانوار 75/278

3- سوره مبارکه محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) آیه شریفه 7

وحی در قرآن مجید در تاکید بفرماید "اگر خدا را یاری نمائید [خدا] یاریتان می کند و قدمهایتان را ثابت می کند"، قطعاً جای تعمق است.

شاید بتوان گفت یاری خلق خدا، همه یاری خداست. ارزنده ترین اثر برکات الهی خدمت به خلق، دعای امام آن زمان است برای هر کسی که خویش را وقف خدمتگزاری مؤمنین نماید. چنانکه حضرت امام صادق (علیه السلام) دعا می فرمودند:

«بارالها مرا و برادران مرا که مال خود را از روی میل در راه نیکی به ما و امید به فضل تو و صلۀ ما و مسرور نمودن پیامبر تو (صلی الله علیه و آله وسلم) انفاق کردند بیامرز. بارالها در مقابل این نیکی آنان را در رضوان خود جای ده و شب و روز از نعمتهای بهشتی به آنان بچشان و از شرّ هر جبار بداندیش حفظ کن و به آنان و فرزندان و خانواده و نزدیکانشان در قبال آنچه فدای ما کرده اند بیشتر و بهتر از آنچه امید و آرزو دارند عطا کن. خداوندا این روحها و بدنها (ی شیعیان) را نزد تو امانت می گذارم تا آنچه به آنها وعده داده ایم در روز تشنگی (قیامت) در کنار حوض، وفا کنیم» (1)

اما مقصد احسان چیزی نیست که بتوان براحتی از آن غمض عین نمود. هدف غائی ذوات مقدسه (علیهم السلام) نیز اینست که احسان به مستحق صورت بگیرد یعنی فردی که به وی نیکی و کمک می شود، شایستگی این نعمت را داشته باشد تا لباس احسان برارزنده اندام وی شود. متأسفانه بر اثر عدم آگاهی از فرمایشات معصومین (علیهم السلام) و عدم تشخیص کافی بین مستمند واقعی و غیر

ص: 22

آن، در بیشتر اوقات خیرات و احسان در اختیار افرادی که مناسبت با آن را ندارند، قرار می‌گیرد و در این میان، شایستگان به خاطر حیاء و مناعت طبع، همچنان محروم و تهیدست می‌مانند و مستمندان کاذب که با زرنگی، خبرگی و مهارت خاصی، گریان و با هیأتی به ظاهر مستحق، خیرات و احسان را که امانات خداست، از چنگ نیکوکاران مخلص ربوده، سپس به زرنگی و نیرنگ خود افتخار ورزیده و بر دارائیهای خویش می‌افزایند. بارها شاهد چنین افراد دورویی در جامعه بوده ایم. دلیل واضح این موضوع، تحقیقات مکرر مکانهای مقدس خیریه‌ها است که بعد از هر تحقیق از افراد تحت پوشش خود، تعدادی از ایشان از لیست، ریزش می‌کنند.

و یا در برخورد های شخصی و خارج از مکانهای خیریه، پس از امداد و کمک مالی معلوم گشته است که شخص مزبور، مستحق این خیرات نبوده و یا میزان کمک بیش از اندازه بوده است. متأسفانه شیادان با سوء استفاده از رأفت افراد نیکوکار و با اظهار عجز و ناله های ظاهری تظاهر به درماندگی نموده و مسیر احسان را تغییر داده، باعث می‌شوند که اقدام به این عمل والا و مقدس (نیکی) از استقبال مطلوب و مناسب در جامعه برخوردار نشود. در نتیجه تنها راه به ثمر رسانیدن غنچه های احسان و انفاق که باعث نجات مستمند واقعی و پیشرفت در امر عبودیت و قرب اشخاص سخاوتمند می‌گردد، آگاهی از راهنمائیهای امامان معصوم (علیهم السلام) است تا جایگاه های شایسته احسان را شناخته و برای رسیدن به پادشاهی الهی و جمع آوری توشه برای



سفر آخرت به وسیله نیکی به خلق و نجات در ماندگان با الهام از فرمایشات معصومین (علیهم السلام)، اقدام شایسته صورت گیرد. باید مراتب و شئونات نیکی و احسان نمودن را فرا گرفته و با طی نمودن مراحل آن که آموخته های دستورات ائمه دین (علیهم السلام) است احسان به خلق، شکوفا شده، میوه های پربار و لذیذ خود را برای صاحب نیکوئیها آشکار نماید.

بدین سبب باید در پی یافتن نوری پر فروغ رفته تا در جامعه تاریکی که سراسرش فریب و نیرنگ است، بتوان باطن حقیقی افراد را با آن نور مقدس تشخیص داده و احسان اسراف نشود. این نور ویژه، فقط در وجود مقدس امامان معصوم (علیهم السلام) یافت می شود. کلام گهربار آنان، آفتاب عالمتابی است برای همه شئونات زندگی، که استفاده از آن باعث تقویت عقل و قوه تشخیص اهل از نااهل و بد از خوب است و بر همین اساس در این کتاب سعی شده است تا با نقل روایات متعدد، احسان و انفاق در جامعه جایگاه خویش را پیدا کند. اولین، اصلیتین و زیباترین جایگاه نیکی، محمد و آل محمد (علیهم السلام) می باشند که در ذیل این آیه:

{..وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ..} (1)؛ «به معروف امر کن»

به صراحت اشاره شده است. حضرت امام صادق (علیه السلام) در مورد این آیه شریفه می فرمایند:

«مراد از نیکی ها دعوت به ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می باشد» (2)

ص: 24

---

1- سوره مبارکه لقمان آیه شریفه 17

2- القطرة 2/75 - بحار الانوار 24/188

مطلبی که در ادامه بعرض می رسد برای اثبات آنست که بگوئیم تمام دین یعنی ولایت چهارده معصوم (علیهم السلام) و سپس ولایت معصومین (علیهم السلام)، یعنی دوستی با محبین محمد و آل محمد (علیهم السلام) و دشمنی با دشمنانشان. در باب دوستی که جای جای مذهب تشیع را فرا گرفته است همینطور عدم یاری و اعانت برادران مؤمن که به فراموشی سپرده شده است، بشارت و انذار زیادی در روایات دیده می شود. طبق کلام معصوم (علیهم السلام) عدم اعانت برابر است با، ابطال اعمال و قطع ولایت و عذاب در آخرت. در زیارت وارث میخوانیم:

«أَشْهَدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ أَنْبِيَاءَهُ وَ رُسُلَهُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي» (1)

خدا و ملائکش و پیامبرانش و فرستادگانش را به شهادت می گیرم که همانا من به شما ایمان دارم و به بازگشت شما اقرار می کنم طبق آنچه که شرع دین من بیان نموده و با مهرهای عَمَلَم [این شهادت را امضاء میکنم].

ما خدا و ملائک و پیامبران و فرستادگانش را شاهد گرفتیم که به ائمه هدی (علیهم السلام) که راه هدایت هستند، ایمان داریم و به بازگشتشان نیز معترف. و این شهادت را بر اساس نکته های دینی و مهرهای اعمالمان اقرار می نمائیم. نکته های دینی در حب و بغض و... نهفته اند و مهر اعمال ما نهفته در شگفتیهای فرمایشات حضرت امام کاظم (علیه السلام) است که فرمودند:

ص: 25

«..إِنَّ خَوَاتِيمَ أَعْمَالِكُمْ فِضَاءٌ حَوَائِجِ إِخْوَانِكُمْ وَ الْإِحْسَانُ إِلَيْهِمْ مَا قَدَرْتُمْ وَ إِلَّا لَمْ يُقْبَلْ مِنْكُمْ عَمَلٌ..» (1)

همانا مهرهای (تأیید) اعمال شما در برآوردن نیازهای برادرانتان و نیکی کردن به آنان در حدّ توانتان است، اگر چنین نباشد هیچ عملی از شما پذیرفته نشود.

ملاک پذیرش همه اعمال عبادی، اعانت برادران دینی می باشد و اگر کسی در امر یاری و رفع گرفتاریهای مؤمنین تلاش نداشته باشد، طبق فرمایش امام معصوم (علیهم السلام)، هیچ عملی از او پذیرفته نمی شود و ایمان به ائمه هدی (علیهم السلام) قبول نمی گردد. هر کس می تواند جایگاه خویش را در بهشت یا جهنم را با ارزیابی اعمال خویش توسط ترازوی رفع گرفتاری برادران مؤمن، معین کند.

ما برای ترغیب خوانندگان گرامی در به جا آوردن این عمل عظیم الهی یعنی دادرسی از مؤمنین، احادیث شگفتی را که باعث مجذوب شدن افراد به سوی این عمل بزرگ می گردد، ارائه می کنیم، تا إن شاء الله [اگر اراده خدای منان تعلق گرفت] با تعقل، تفکری صحیح و تصمیمی جوانمردانه، قدمی برای جلب رضایت ذوات مقدسه (علیهم السلام)، بالاخص حضرت امام زمان (علیه السلام) برداریم چرا که همه دین و سعادت‌ها در یاری برادران مؤمن است. بالاترین مرتبه پاداشها را می توان از این طریق کسب نمود که فرموده اند:

«کسی که جدیت در ادای حقوق برادران دینی دارد، بالاترین مقام را نزد خداوند خواهد داشت» (2)

ص: 26

---

1- بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/379

2- مشکاة الانوار 178

نیز حضرت امام سجّاد (علیه السلام) فرمودند:

«کسی که حاجتی از حاجات برادر دینی اش را برآورده سازد پس گویا حاجت خدای بی نیاز را برآورده است» (1)

«هر که یک حاجت برادر خود را برآورده کند مثل این است که تمام عمر، خدا را خدمت نموده» (2)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ دَهْرَهُ...» (3)

هرکس برای برادر مؤمن خود حاجتی را برآورد، چنان است که همه عمرش را به عبادت خدا سر کرده است.

حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«...وَمَا عَبَدَ اللَّهُ بَشِيءًا أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ إِذْخَالِ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ» (4)

خداوند به چیزی محبوبتر از شاد کردن مومن، نزد او، عبادت نشد.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«لَا يَرَى أَحَدَكُمْ إِذَا أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُورًا أَنَّهُ عَلَيْهِ أَدْخَلَهُ فَقَطُّ بَلْ وَاللَّهِ عَلَيْنَا

ص: 27

---

1- کتاب صفات و علامات متقین 1/48 - وسائل الشیعه باب 22 از ابواب فعل معروف

2- اعلام الدین 148

3- الأمالی (للطوسی) 481 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/302؛ 90/383 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 5/242

4- الکافی (ط - الإسلامية) 2/188؛ (ط - دارالحدیث) 3/482 - الوافی 5/653 - وسائل الشیعة 16/219؛ 16/349 - بحار الأنوار (ط

- بیروت) 71/288

بَلِّغْ وَ اللَّهُ عَلَى رَسُولٍ اللَّهُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ)» (1)

مبادا از شما کسی بیندازد که چون مؤمنی را شادمان نموده تنها وی را خوشحال کرده بلکه به خدا سوگند رسوله خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) را نیز شاد نموده است.

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَدْخَلَ عَلَى قَلْبِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مَسْرَةً» (2)

هنگامی که بنده به خدا از همه اوقات نزدیکتر می شود، وقتی است که دل برادر مؤمن خود را شاد کند.

حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَكَأَنَّمَا عَبَدَ اللَّهَ تِسْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ صَائِمًا نَهَارَهُ قَائِمًا لَيْلَهُ» (3)

کسی که در راه برآوردن نیاز برادر مؤمن خود بکوشد، چنان است که نه هزار سال با روزه گرفتن و شب زنده داری خدا را عبادت کرده باشد.

آیا واقعاً راه و عملی بهتر از رفع گرفتاری مومن و خوشحال نمودن او که خوشحالی خداوند را در پی داشته باشد و تمام عمر بلکه، نه هزار سال خدمت خداوند کرده باشد، پیدا می شود؟ کدامین عمل و عبادتی نیکوتر از دادرسی از

ص: 28

---

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/189؛ (ط - دارالحدیث) 3/484 - الوافی 5/654 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (علیهم

السلام) 9/93 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/290

2- بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/316 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/398

3- بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/315 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/409

مؤمنین؛ که در این مورد حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«وَاللَّهُ مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ» (1)

خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمن عبادت نگشته است.

ادای حق مؤمن در کلام معصوم (علیهم السلام) بعنوان چیزی که بیشترین فضل را دارد به ما می فهماند هر جا سخن از فضل است، راهگشا و راه برنده آن، ادای حق مؤمن است کما اینکه بندگی خدا نیز بجا می آید. بنابراین باید به سوی آن شتافت.

{..إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ\* يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ} (2)

«همانا فضل به دست خداست به هر کس بخواهد می دهد و خداوند "واسع" و "علیم" است \* هر کس را که بخواهد به رحمتش اختصاص می دهد و خدا صاحب "فضل عظیم" است»

اعانت مؤمن از اعظم نعمتهای الهی است. در حدیث شگفت انگیزی از حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در ذیل سوره حمد که حداقل روزی ده بار آن را میخوانیم: «صراط الذین انعمت علیهم» فرمودند:

«منظور از نعمت در این سوره ثروت دنیا و یا تندرستی نبوده است گرچه تمامی اینها از نعمتهای آشکار خداوند است مگر نمی بینی گاهی کافران بی دین

ص: 29

1- المؤمن 42، 43 - الکافی (ط - الإسلامية) 2/170؛ (ط - دارالحدیث) 3/436 - الإختصاص 28 - الوافی 5/565 - وسائل الشیعة

12/203 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/222 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/39

2- سوره مبارکه آل عمران آیات 73 و 74

دارای این نعمتها هستند ولی خداوند شما را تشویق نفرموده است که دعا کنید تا راه آنها را به شما نشان دهد بلکه فقط دستور داده شدید به امر تقیه نیک در برابر دشمنان، سپس مأمور گشته اید تا از خدا بخواهید که شما را به شناختن حقوق برادران مؤمنتان راهنمایی فرماید (1)

(بقیه این روایت که تفصیل اعانت برادران است در صفحات بعدی درج گردیده).

پس در هر نمازی از خداوند متعال طلبِ شناختن حقوق برادران [أنعمت علیهم] را می کنیم و سپس عمل و قیام نمودن به آن عبادت بی نظیر که هیچ کس مستثنی در این امر الهی نیست؛ چرا که طبق این آیه قرآن برای ادای این عبادت بزرگ (دادرسی از مؤمنین) خلق شده ایم و توجیه هیچ مخلوقی در پیشگاه خداوند متعال پذیرفته نیست. حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرموده اند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكُنْتَ عَالِمًا فَإِنْ قَالَ نَعَمْ قَالَ لَهُ أَفَلَا عَمِلْتَ بِمَا عَلِمْتَ وَإِنْ قَالَ كُنْتُ جَاهِلًا قَالَ لَهُ أَفَلَا تَعَلَّمْتَ حَتَّى تَعْمَلَ فَيَخْصِمُهُ وَذَلِكَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ» (2)

خداوند در روز قیامت به بنده می گوید آیا دانا بودی؟ پس اگر بگویند بله، به او می گویند چرا به آنچه آموختی عمل نکردی و اگر بگویند جاهل بودم (نمیدانستم) به او می گویند چرا نیاموختی که عمل کنی؟ پس خدا با او دشمنی می کند و آن حجت بالغه خداوند است. (در سوره مبارکه انعام آیه شریفه 149 گفته شده پس خداوند دارای حجت بالغه است)

ص: 30

---

1- بحار الأنوار 71/227 - تفسیر حضرت امام عسکری (علیه السلام)

2- الأمالی (للمفید) 292؛ (للطوسی) 9 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 1/178 - تفسیر نور الثقلین 1/776

ممکن است افراد به علت سنگینی مطالب بخواهند با نخواندن احادیث، خود را بری الذمة کنند اما هیئات، حتی اگر چشم خود را بر روی واقعیت ببندند، مانع از اتمام حجت نمی شود. در صورتی که با روایات ذکر شده، حجت بر همگان تمام است. پس دانستن فرمایشات معصومین (علیهم السلام) و گام به گام نفس را با عمل به کلمات نورانی ائمه اطهار (علیهم السلام) تربیت نمودن، بهتر است تا اینکه برای فرار از این مسئولیت، این مجموعه احادیث را مطالعه نکنند. پس باید رحمی بحال خود نمود، چرا که مرگ به شدت در جستجوی همه است. باید خاضعانه با پذیرفتن فرمایشات معصومین (علیهم السلام) در دنیا برای سفر آخرت، بهترین سعادت‌ها را نصیب خود گردانید. قدم اول آن است که از حقوق برادران ایمانی مان شناخت حاصل شود. حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«..وَالْمَعْرِفَةُ بِحُقُوقِ الْإِخْوَانِ مِنْ أَفْضَلِ الصَّدَقَاتِ وَالزُّكُوتِ وَالصَّلَاةِ وَالْحَجِّ وَالْمُجَاهَدَاتِ» (1)

شناخت حقوق برادران (دینی) از بهترین صدقات و نمازها و زکات و حج و

ص: 31

---

1- تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) 322 ح 168 - جامع الأخبار (لشعیری) 95 - وسائل الشیعة 16/223 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/415



جهادها به شمار می آید.

حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) فرموده اند:

«..أَعْرِفُ النَّاسَ بِحُقُوقِ إِخْوَانِهِ، وَأَشَدُّهُمْ قَضَاءً لَهَا، أَعْظَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا..» (1)

آشناترین مردم نسبت به حقوق برادران دینی و جدی ترین ایشان در ادای آن حقوق بالاترین مقام را در میان آنها نزد خداوند دارد.

پس از معرفت بر حقوق برادران مؤمن، باید در وادی عمل، گام برداشت، زیرا ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) به تنهایی مورد قبول نیست مگر با اداء حقوق محبین ذوات مقدسه (علیهم السلام). چنانکه پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«أَلَا فَلَا تَتَّكِلُوا عَلَى الْوَلَايَةِ وَحَدَّهَا، وَأَدُّوا مَا بَعَدَهَا مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ، وَقَضَاءِ حُقُوقِ الْإِخْوَانِ، وَاسْتِعْمَالِ النَّبِيِّ، فَإِنَّهُمَا اللَّذَانِ يَتَمَّمَانِ الْأَعْمَالَ وَيَقْصِرَانِ بِهَا» (2)

پس آگاه باشید بر ولایت به تنهایی تکیه نکنید و واجبات الهی و حقوق برادران که پس از قبول ولایت است را ادا نمایید و تقیه کنید پس براستی آن دو، چیزهایی هستند که اعمال را کم و زیاد می کنند.

عدم اقرار به ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)، انکار خدای متعال است. اگر این مطلب که سند بهشت است، به تنهایی قابل اتکاء نباشد و مهر قبولی آن در ادای حقوق برادران ایمانی باشد، بر ما می نمایاند که ادای حقوق برادران دینی به مثابه ولایت ذوات مقدسه (علیهم السلام) و شاید در حکم عدل آن

ص: 32

---

1- تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) 325 ح 173 - الإحتجاج علی أهل اللجاج (طبرسی (رحمة الله) ) 2/460 - بحار

الأنوار (ط - بیروت) 41/55 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 11/295

2- تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) 365 ح 256 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/229

می باشد. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«وَدُّ الْمُؤْمِنِينَ فِي اللَّهِ مِنْ أَعْظَمِ شُعَبِ الْإِيمَانِ...» (1)

دوستی مومن بخاطر خدا از بزرگترین شعبه های ایمان است..

دوستی از حقوق واجب است که حق تعالی در میان مخلوقاتش وضع نموده، تا بدین سان آزمایش الهی انجام گیرد. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«لَكِنْ مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْعِبَادِ النَّصِيحَةُ لَهُ بِمَبْلَغِ جُهِدِهِمْ وَالتَّعَاوُنُ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ...» (2)

از حقوق واجب خداوند بر بندگانش این است که با تمام توانشان خیرخواه یکدیگر باشند و برای برپاداشتن حق در میان خویش، همیاری کنند.

با اداء همین حقوق واجب که می باید با تمام توان بدان عمل نمود، در واقع برای دین خدا ارزش قائل شده ایم و جالب اینکه عدم اعانت برادران دینی، مساوی است با خواری و به ذلت کشاندن دین. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ عَظَّمَ دِينَ اللَّهِ عَظَّمَ حَقَّ إِخْوَانِهِ وَ مَنْ اسْتَحَفَّ بِدِينِهِ اسْتَحَفَّ بِإِخْوَانِهِ» (3)

هر که دین خدا را ارج نهد برای حقوق برادران خود نیز ارج قایل شود و هر که

ص: 33

---

1- کافی 2/102 ح3 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/152

2- نهج البلاغه؛ خطبه 216 - الکافی (ط - الإسلامية) 8/354؛ 15/780 - الوافی 26/68 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (علیهم السلام) 26/521 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 27/252؛ 34/184

3- بحار الأنوار 74/287 ح13 - میزان الحکمه 3/164 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 186؛ 322 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/287 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/50

دین خدا را خفیف و خوار شمارد، برادران خود را نیز خوار می سازد.

برادر برای برادر مومن خویش دل می سوزاند. اگر در کار وی خللی ایجاد شود، این برادر است که به همه توان برای رفع آن اقدام می کند بدون اینکه از وی درخواست شده باشد. بزرگترین منفعت در دین، ایجاد زمینه برادری است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمًا فَاِنْدَةً بَعْدَ فَاِنْدَةِ الْاِسْلَامِ مِثْلَ اَخٍ يَسْتَفِيْدُهُ فِي اللّٰهِ» (1)

هیچ مسلمانی پس از فایده اسلام فایده ای به دست نیاورد همچون برادری در راه خدا.

از روایات بسیار شگفت که حقیقتاً باید در آن تأمل و دقت فراوان نمود، این روایت از فرمایش حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) درباره دوستی با برادران مؤمن است که فرمودند:

«الْاَخُ الْمُكْتَسَبُ فِي اللّٰهِ اَقْرَبُ الْاَقْرِبَاءِ وَاَحَمُّ [اَرْحَمُ] مِنَ الْاُمَّهَاتِ وَاَلْبَاءِ» (2)

برادری که برای خدا به دست آید نزدیکترین خویشاوند است و از پدر و مادر به انسان مهربانتر است.

## زیارت مؤمن زیارت خداست

امتیاز والای دوستی مومن در آنست که همان دوستی با خدا است. آثاری بر آن مترتب است و ما بر آنیم تا با تمسک به عبارات بی نظیر در کلام نورانی

ص: 34

---

1- میزان الحکمه 1/46 - الأمالی (للطوسی) 47؛ 808 - مجموعة ورام 2/179 - البرهان فی تفسیر القرآن 4/178 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/196؛ 81/4

2- غرر الحکم 1845/ 423 - غرر الحکم و درر الکلم 100 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 423 - شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم 2/63

ائمه معصومین (علیهم السلام) آنرا بیان کنیم. اولین اثر از نشانه های صداقت در برادری، به دیدار آنان رفتن است که فرموده اند:

«مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِيَّايَ زُرْتُ وَتَوَابُكَ عَلَيَّ وَ لَسْتُ أَرْضَى لَكَ تَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ» (1)

هرکس برای خدا از برادرش دیدن کند خدای عزوجل می فرماید: مرا دیدن کردی و ثوابت بر من است و به ثوابی جز بهشت برایت خرسند نیستم.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي جَانِبِ الْمِصْرِ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ فَهُوَ زُورُهُ وَ حَقَّقَ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَكْرِمَ زُورَهُ» (2)

هرکس برادرش را در ناحیه شهر (از راه دور) برای رضای خدا دیدن کند او زائر خدا است. بر خدا سزاوار است که زائر خود را گرامی دارد.

پس با زیارت نمودن برادر دینی، حقوق خداوند اداء می شود و با کدامین عمل جز با یاری و احترام مؤمن، حقوق خداوند را می توان اداء نمود؟ در روایت دیگری در این باره می فرمایند:

«ای بنده ای که حقم را (با زیارت کردن برادرت) بزرگ داشتی و از آثار پیغمبرم پیروی کردی، بزرگداشت تو حقی است بر من. از من بخواه تا به تو بدهم، دعا کن تا اجابت کنم، خاموش باش تا بسود تو آغاز کنم، بهشتم را برایت واجب

ص: 35

- 
- 1- کافی 3 باب دیدار برادران ح4 - الکافی (ط - الإسلامية) 2/176؛ (ط - دارالحدیث) 3/452 - الوافی 5/591 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 9/55 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/345
- 2- کافی 3 باب دیدار برادران ح5 - الکافی (ط - الإسلامية) 2/176 - (ط - دارالحدیث) 3/452 - الوافی 5/591 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (علیهم السلام) 9/55 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/345

ساختم و همچننن تو را شفیع بندگانم نمودم» (1)

«دیدن رفیق ستایشی از محبتهای اوست»

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

هرکس برای خدا در حال بیماری یا تندرستی از برادر دینی اش دیدن کند و هیچ گونه غرضی (جز رضای خدا) نداشته باشد خداوند هفتاد هزار فرشته بر او گمارد که از پشت سرش فریاد زنند: پاک شدی و بهشت برایت خوش باد. شما زوار خدایید؛

«فأنتم زوار الله وانتم وفد الرحمن»

شما یسید واردین (میهمان) بر خدای رحمان، تا اینکه شخص پس از دیدار برادرش به منزلش رسد. راوی گوید به امام عرض کردم: «قربانت کردم اگرچه راه دور باشد؟» فرمود: «آری! اگرچه یک سال راه باشد زیرا خداوند جواد است و فرشتگان بسیار او را بدرقه کنند تا به منزلش مراجعت کند. (2)

{يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا} (3)

حضرت امام باقر (علیه السلام) و حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«هر مؤمنی که برای زیارت برادرش بیرون برود و حق او را بشناسد، در برابر هر گامی که بردارد، خداوند یک حسنه به او دهد و یک گناه از او بزداید و یک درجه او را بالا برد، و چون در خانه اش را بکوبد، درهای آسمان برایش گشوده شود (باب رحمت گشوده شود) و چون ملاقات و مصافحه و معانقه کنند، خداوند به آنها روی آورد، سپس بوجود آن دو برادر بر فرشتگان ببالد و

ص: 36

1- کافی 3 باب دیدار برادران ح 12

2- کافی 3 باب دیدار برادران ح 7

3- سوره مبارکه مریم (علیها السلام) آیه شریفه 85

می فرماید: «(ای ملائکه) دو بنده ام را بنگرید که برای من یکدیگر را ملاقات کردند و دوستی نمودند بر من سزاست که پس از این ایشان را به آتش عذاب نکنم، و چون برگردد بشمارید نفس کشیدن و گامها و کلماتش را» (1)

حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ اسْتَفَادَ أَخَا فِي اللَّهِ عَلَى إِيْمَانٍ بِاللَّهِ وَوَفَاءٍ بِإِخْوَانِهِ طَلَبًا لِمَرْضَاةِ اللَّهِ فَقَدْ اسْتَفَادَ شُعَاعًا مِنْ نُورِ اللَّهِ وَ أَمَانًا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَ حُجَّةً يَفْلُجُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ..» (2)

هر که در راه خدا و برای ایمان به خدا، دوستی یابد و برای خشنودی خداوند در دوستی با او پایداری کند، بی تردید پرتویی از نور خدا و پناهی از عذاب خدا و دلیلی که در روز رستاخیز کامیابش سازد..

بدست آوردن برادر در راه خدا، برابر با بدست آوردن شعائی از نور الهی است و شاید بصورت استحسان بتوان گفت: {اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ..} (3) خدا دوست کسانی است که ایمان آورده اند، آنان را از ظلمات به سوی نور خارج می کند. حضرت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْكُنُ إِلَى الْمُؤْمِنِ كَمَا يَسْكُنُ الظَّمَانُ إِلَى المَاءِ البَارِدِ» (4)

مؤمن با مؤمن آرام می گیرد چنان که جگر تشنه با آب سرد.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمود:

ص: 37

- 
- 1- اصول کافی 3 باب دیدار برادران
  - 2- تحف العقول 295 - ثواب الاعمال 182 ح 1 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/175
  - 3- بخشی از آیه شریفه 257 از سوره مبارکه بقره
  - 4- الکافی (ط - الإسلامية) 2/247؛ (ط - دارالحدیث) 3/623 - الوافی 5/743 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 64/165؛ 71/280 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/156 - میزان الحکمه 1/68

«لِكُلِّ شَيْءٍ شَيْءٌ يَسْتَرِيحُ إِلَيْهِ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْتَرِيحُ إِلَىٰ أَحِبِّهِ الْمُؤْمِنِ كَمَا يَسْتَرِيحُ الطَّيْرُ إِلَىٰ شِكْلِهِ» (1)

هر چیزی با چیزی آرام می‌گیرد و مؤمن با برادر مؤمن خود آرامش می‌یابد، چنان‌که پرنده با همجنس خود آرام می‌گیرد.

یکی از دلایل مهمی که مؤمن باید به دیدار و گفتگو با برادرانش رفته و از ایشان دستگیری نماید از کلام حضرت امام باقر (علیه السلام) استخراج می‌شود که فرمودند:

«الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ؛ لِأَنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - خَلَقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ طِينَةِ الْجَنَانِ، وَ أَجْرَى فِي صُورِهِمْ مِنْ رِيحِ الْجَنَّةِ، فَلِذَلِكَ هُمْ إِخْوَةٌ لِأَبٍ وَ أُمٍّ» (2)

مؤمن، برادر پدر و مادری مؤمن است، زیرا خدای عزوجل مؤمنین را از سرشت بهشتی آفریده و از نسیم بهشت در پیکرشان دمید، از این جهت مؤمنین برادر پدر و مادری یکدیگرند.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود:

«رُبَّ أَخٍ لَمْ تَلِدْهُ أُمَّكَ» (3)

چه بسا برادر (دینی) که مادرت او را نزیاید.

حضرت امام صادق (علیه السلام) اهمیت و وابستگی این برادری را اینچنین بیان می‌فرماید:

ص: 38

1- بحار الانوار 74/234 ح 30

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/167؛ (ط - دارالحدیث) 3/427 - الوافی 5/552 - تفسیر نور الثقلین 5/87

3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 267 - غرر الحکم و درر الکلم 383 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 424 - تاج العروس من جواهر القاموس 19/142

«الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنْ اشْتَكَ شَيْئاً مِنْهُ، وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ وَأَزْوَاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ وَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ اتِّصَالاً بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اتِّصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا» (1)

مؤمن برادر مؤمن است، مانند یک پیکری که هرگاه عضوی از آن دردمند شود، اعضاء دیگر هم احساس درد کنند و نیز روحهای آنها از یک روح می باشد. همانا روح مؤمن پیوستگی اش به روح خدا از پیوستگی پرتو خورشید به خورشید بیشتر است.

خوانندگان گرامی با تأمل و دقت بیشتری در سطر آخر روایت بالا، می توانند به اهمیت و ارزش برادران دینی را تا مقداری پی ببرند. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ بِمَنْزِلَةِ الْبُنْيَانِ يُشَدُّ بَعْضُهُ بَعْضاً» (2)

مؤمن برای مؤمن همانند اجزای یک ساختمان است که هر آجری آجر دیگر را نگاه می دارد و هر جزء ساختمان برای جزء دیگر پایگاه ثابت و محکمی است.

خداوند متعال، مومنان را پشتیبان یکدیگر قرار داده است. حضرت امام سجاد (علیه السلام) فرمودند:

«أَمَّا حَقُّ أَخِيكَ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ يَدُكَ وَعِزُّكَ وَقُوَّتُكَ» (3)

ص: 39

---

1- کافی 3 باب اخوة المؤمنین ح4 - المؤمن 38 - الکافی (ط - الإسلامیة) 2/166؛ (ط - دارالحدیث) 3/425 - الوافی 5/552 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 58/148

2- رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام) 415 - بحار الانوار 58/150

3- الخصال 568 ح1 - میزان الحکمه 3/165 - من لا یحضره الفقیه 2/622 - الأمالی (للصدوق) 371 - الخصال 2/568 - الوافی 5/715 - وسائل الشیعة 15/175



حق برادرت این است که بدانی او دست، عزت و نیروی تو است.

## روش انتخاب دوست

انسان موجودی اجتماعی است. برای رفع نیازمندیهایش متوسل به همنوعان خویش می شود. دستیابی به آرامش روحی توأم با مصاحبت همدم و مونس است. با آن از تنهایی، رهایی می یابد. غمها و شادیهای خود را از اجتماع کسب کرده و در اجتماع، مرتفع می نماید. همچنین می تواند با دوستی، توان مالی و معنوی خویش را برای دستگیری افتادگان به کار بگیرد. به ناچار انسان باید برای بقای حیات به یارانی متصل گردد. در حالیکه انسان از اجتماع و اطرافیان خود بسیار تاثیر می پذیرد، بنابراین باید در انتخاب دوست، دقت بخرج دهد. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره فرمودند:

«الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَقَرِينِهِ» (1)

مرد از دین و روش دوستش پیروی می کند.

پس می باید برای انتخاب یک دوست خوب شرایط و ضوابطی را رعایت کرد تا در مواقع ضروری یار و همدم یکدیگر باشند و این یکرنگی و ایثار در هیچ مکتبی جز تشیع که سراسر خودگذشتگی، صفا و صمیمیت است، یافت نمی شود. طبق روایت فوق دوست را باید بر طریق مکتب اهل بیت (علیهم السلام) که دارای شرایط خاصی است، انتخاب نمود. پیوند با دوستانی ولایتی، که وجودشان سرشار از مهر، محبت و ایثار است می تواند کمبودها و نواقص دو

ص: 40

---

1- رساله حقوق، رسائل 4/207 - الکافی (ط - الإسلامية) 2/375؛ 2/642 - مجموعة ورام 2/162 - الوافی 5/581؛ 5/1046 -  
وسائل الشيعة 12/48 - وسائل الشيعة 16/260 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 71/201

طرف را جبران و ترمیم کند. از سوی دیگر مشی و منش همدم آدمی، بر او تاثیر مستقیم می گذارد. بهترین توشه در دنیا و آخرت، دوستان مؤمن و یکدل اند که چراغهای نورانی شبهای ظلمانی می باشند. حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره شناسایی و انتخاب رفیق بد و خوب این چنین می فرماید:

«الْإِخْوَانُ ثَلَاثَةٌ فَوَاحِدٌ كَالْغِذَاءِ الَّذِي يَحْتَاجُ إِلَيْهِ كُلُّ وَفْتٍ فَهُوَ الْعَاقِلُ وَالثَّانِي فِي مَعْنَى الدَّاءِ وَهُوَ الْأَحْمَقُ وَالثَّلَاثُ فِي مَعْنَى الدَّوَاءِ فَهُوَ اللَّيِّبُ» (1)

رفقای صمیمی که همانند برادر به انسان وابسته هستند سه دسته اند:

اول - کسی که همانند غذا از لوازم ضروری به حساب می آید و در همه حالات، آدمی به وی نیاز دارد او رفیق عاقل است.

دوم - کسی است که وجود او برای انسان به منزله یک بیماری مزاحم و رنج آور است و او رفیق احمق است.

سوم - رفیقی است که وجودش بسیار نافع همانند داروی شفابخش است که او رفیق لیب (یعنی بسیار عاقل و دانا و...) است.

برادر لیب یا در مقام پائینتر برادر عاقل، نعمت بزرگی برای مومن اند. ایشان گنجهایی برای رسیدن به سعادت و خرمی در دنیا و آخرتند. موجبات رهائی از چنگال شیاطین بوده، با کمک آنها غم از چهره مومن زدوده و هم از قلب وی دور می شود. برای بدست آوردن آنها باید به درگاه ائمه اطهار (علیهم السلام) توسل کرد. حضرت امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«وَاطْلُبْ مُوَاخَاةَ الْأَتْقِيَاءِ وَ لَوْ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَإِنْ أَفْنَيْتَ عُمْرَكَ فِي طَلِبِهِمْ» (2)

ص: 41

1- تحف العقول 323 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/328

2- مصباح الشریعة 150 - تفسیر الصافی 4/399 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/282

طلب کن برادران اهل تقوا را هر چند برای جستن آنها در اعماق زمین فروری و هر چند عمر خود را در این راه صرف کنی.

البته پیدا کردن چنین اشخاصی مخصوصاً در عصر ظلمت و تاریک غیبت امام عصر (علیه السلام) بسیار مشکل است که پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ أَعَزُّ مِنْ أَخِ أُنَيْسٍ..» (1)

روزگاری فرا می رسد که چیزی کمیابتر از یک برادر همدم نیست.

در صورت تحقق دستیابی به این نعمت عظیم و سپس نگهداری و مواظبت بر آن، محققاً متضمن دین مومن خواهد بود.

«برادر (مومن) دین توست پس به هر وسیله ای از دین خود پاسداری کن» (2)

مومن با پاسداری از برادرش در واقع تمامی پایه های دین خود را مستحکم نموده، چرا که این دوستان در دنیا کمک و راهنما و در آخرت شفیع و دستگیر وی از حوادث قبر و قیامت هستند. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«عَلَيْكُمْ بِالْإِحْوَانِ فَإِنَّهُمْ عُدَّةٌ لِلدُّنْيَا وَعُدَّةٌ لِلْآخِرَةِ أَلَا تَسْمَعُ إِلَى قَوْلِ أَهْلِ النَّارِ { فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ \* وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ }» (3)

پیوند دوستی را با برادران دینی خود محکم سازید که آنان ذخایر دنیا و آخرت

ص: 42

---

1- تحف العقول 368 - مصادقة الإخوان 82 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 75/251 - عوالم العلوم و.. (مستدرک سیده النساء (علیها السلام) إلى الإمام الجواد (علیه السلام) ) 20/853

2- وسائل الشیعه 27/167

3- سورة مبارکه شعراء آیات شریفه 100 و 101 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 187 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 8/323

هستند، مگر نشنیده ای که خداوند در قرآن کریم به ناراحتی و تأسف تأثر اهل آتش اشاره می کند: «(در این روز سخت قیامت) نه شفيعی داریم و نه دوستی که در کارمان همت گمارد»

پس برای طی نمودن منازل آخرتی و طولانی بودن عرصه قیامت باید برای نجات خویش در افزودن و نگهداری برادران مؤمن تلاش کرد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«اسْتَكْبِرُوا مِنَ الْإِخْوَانِ فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ شَفَاعَةً» (1)

بر شمار برادران خود بیفزایید، زیرا در روز قیامت هر مؤمنی را شفاعتی است.

در اهمیت فزونی دوستی با مؤمنین، پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«وَمَنْ جَدَّدَ أَخًا فِي الْإِسْلَامِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بُرْجًا فِي الْجَنَّةِ مِنْ جَوْهَرَةٍ» (2)

هرکس برادر مسلمان جدیدی برگزیند، خداوند در بهشت برای او برجی از گوهر بنا می نهد.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ صَيَّعَ مَنْ ظَفِرَ بِهِ مِنْهُمْ» (3)

ناتوانترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوستان و برادران (دینی) عاجز باشد و ناتوانتر از او کسی است که برادران به دست آورده را از دست

ص: 43

---

1- وسائل الشیعة 12/17 - میزان الحکمه 1/69 - کنز العمال 24642 [متقی هندی - عامه]

2- الاختصاص 228 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/260 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 8/323

3- نهج البلاغه حکمت 12 - غرر الأخبار 124 - وسائل الشیعة 12/18 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/278

بدبخت کسی که نتواند چراغ راه و یا بازوی توانایی برای خود تهیه نموده و یا پس از به دست آوردن آن، ارزش آن را نداند و به سادگی آن را از دست بدهد. و آن که برای در امان ماندن از زیانها و طوفانهای سهمگین حوادث و تسریع در امر آسایش دو سرا، به نیرو و توان خود بیفزاید، عاقل است. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«وَمَنْ لَمْ يَرْغَبْ فِي الْإِسْتِكْثَارِ مِنَ الْإِخْوَانِ ابْتُلِيَ بِالْخُسْرَانِ» (1)

هرکه خواهان افزایش شمار برادران نباشد، به زیان گرفتار می آید.

همانطور که گفته شد چون انسان موجودی اجتماعی است، کارها تقسیم شده و هر کس امری را عهده دار است. بنابراین باید برای حل مشکلات، همبستگی و نزدیکی هر چه بیشتر در بین برادران مومن باشد و چه ضروری است جبران ناپذیر اگر برادران که به منزله اعضای یک بدن هستند، یکی یکی قطع شوند. برای دوری از این ضایعه بزرگ باید با تمام قوا و با چشم پوشی از خطایای برادران، آنها را در آغوش مهر خود جای داد که رفاقت دوستان قدیمی کاراتر از رفاقت دوستان جدید است. حضرت داود (علیه السلام) به فرزندش حضرت سلیمان (علیه السلام) فرمود:

«لَا تَسْتَبْدِلَنَّ بِأَخٍ قَدِيمٍ أَخًا مُسْتَفَادًا مَا اسْتَفَامَ لَكَ» (2)

تا زمانی که برادر (دوست) قدیمی بر وفق مراد توست، هیچگاه برادر تازه به

ص: 44

1- تحف العقول 319 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/232

2- بحار الأنوار 74/264 ح 3 - میزان الحکمه 1/83

دست آمده ای را جایگزین او مکن.

چرا که خداوند همین روش را دوست دارد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ حِفْظَ الْوَدِّ الْقَدِيمِ» (1)

خداوند متعال حفظ دوستی دیرینه را دوست می دارد.

### نشانه های دوستان حقیقی

برای پیدا کردن برادرانی حقیقی، جوانمرد و دادرس که روش و تفکرشان بر پایه پارسایی و ورع استوار گشته است، باید بدنبال شاخصها و نشانه هایی بود. در این باره احادیثی از ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل شده است که برای نمونه به ذکر تعدادی از آنها می پردازیم. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«خَيْرُ الْإِخْوَانِ الْمُسَاعِدُ عَلَى أَعْمَالِ الْآخِرَةِ» (2)

بهترین برادر آن است که در کارهای آخرت تو را یاری رساند.

بنابراین خشت اول در انتخاب دوست، اعانت او در امر دین، نسبت به برادرش می باشد، چنانکه حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرِ وَجَذَبَكَ إِلَيْهِ وَأَمَرَكَ بِالْبِرِّ وَأَعَانَكَ عَلَيْهِ» (3)

بهترین برادران تو کسی است که برای انجام کارهای نیک بشتابد و تو را نیز به نیکوکاری بکشاند و به نیکی فرمانت دهد و در آن یاریت دهد.

ص: 45

---

1- کنز العمال [متقی هندی - عامه] 24760

2- تنبيه الخواطر 2/123 - میزان الحکمه 1/86 - مجموعة ورام 2/123

3- غرر الحکم 5021 - عیون الحکم و المواعظ (لیثی) 239

در کلامی دیگر، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، از نشانه دیگری از دوست خوب، رونمایی می کنند:

«يَا كَمِيلُ [مَنْ] أَخُوكَ أَخُوكَ الَّذِي لَا يَخْذُلُكَ عِنْدَ الشَّدَّةِ وَلَا يَغْفُلُ عَنْكَ عِنْدَ الْجَرِيْرَةِ وَلَا يَخْدَعُكَ حِينَ تَسْأَلُهُ» (1)

برادر تو آن کسی است که هنگام سختی تنهایت نگذارد و جور تو را بر دوش کشد و هرگاه از او چیزی بخواهی فریبت ندهد.

این رفیق شفیق، علامات دیگری نیز دارد. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«برادر حقیقی تو کسی است که از لغزشت درگذرد، نیازت را برآورد، پوزش تو را بپذیرد، عیبت را بپوشاند، ترس را از تو دور کند و آرزویت را برآورد»

حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند:

«خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ نَسِيَ ذَنْبَكَ إِلَيْهِ» (2)

بهترین برادر تو آن کسی است که گناه و خطای تو را نسبت به خود فراموش کند.

وقتی برادر مومن، از برادر خویش می گذرد و خطای او را نادیده می گیرد، خود در مقامی بسیار شایسته جای گرفته، برادر خاطی خود را نیز با عمل خویش هدایت می کند. یعنی امر به معروف، همینطور نهی از منکر، آنهم نه به

ص: 46

---

1- بحار الانوار 77/269 ح 11 - بشارة المصطفى لشيعة المرتضى (ط - القديمة) 2/26 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 8/331

2- بحار الانوار 78/377 ح 3 - نزهة الناظر و تنبيه الخاطر 145 - الدررة الباهرة من الأصداف الطاهرة با ترجمه (ط - القديمة) 46

لسان بلکه با عمل که از صدها گوشزد لسانی بالاتر است و این فقط گوشه ای از آثار برادر اینچنینی است. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ فِي نَكْبَتِهِ وَغَيْبَتِهِ وَوَفَاتِهِ» (1)

دوست دوست نیست مگر آن که حقوق برادرش را در سه جایگاه نگهبان باشد؛ در روز گرفتاری، آن هنگام که حضور ندارد و پس از مرگ. مایه منفعت در دنیا و عزت در آخرت برای مومنانی است که دوستی با این شرایط و برای خدا انتخاب می کنند. حضرت پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«آنهایی که برای خدا با هم دوستی کنند در روز قیامت روی زبرجدی سبز زیر سایه عرش خدا سمت راستش باشند. چهره آنها بسیار سفید و نورانی تر از خورشید درخشان است و هر فرشته مقرب و پیغمبر مرسلی به مقام آنها غبطه می خورند. مردم گویند: اینها چه کسانی هستند؟ به آنها گفته شود: هؤلاء المتحابون فی الله (دوستی کنان برای خدایند)» (2)

حضرت امام سجّاد (علیه السلام) می فرمایند:

«روز قیامت جارچی به آواز بلند که همه بشنوند گوید: "دوستی کنان برای خدا کجایند؟" جماعتی از مردم برخیزند و به آنها گفته شود بدون حساب به بهشت روید. فرشتگان به آنها برخوردند و گویند: "کجا می روید؟" گویند: "بسوی بهشت بدون حساب" گویند: "شما چه صنفی از مردمید؟" گویند:

ص: 47

- 
- 1- نهج البلاغه حکمت 134 - إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی) 1/193 - وسائل الشیعة 12/26 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 5/139 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/163
  - 2- اصول کافی 3 باب دوستی برای خدا و دشمنی برای خدا، ح 7



”ما دوستی کنان برای خدائیم“ گویند: ”اعمال شما چه بوده؟“ گویند:

«..كُنَّا نُحِبُّ فِي اللَّهِ وَنُبْغِضُ فِي اللَّهِ..»

برای خدا دوستی می کردیم و برای خدا دشمنی می ورزیدیم. گویند: ”نعم أجر العاملين“ (چه خوبست پاداش اهل عمل). (1)

اینگونه افراد که یافتشان از توفیقات و نعمات عظیم الهی است، دارای خصوصیات ویژه ای هستند که در واقع آرم و نشان چنین افرادی می باشد. اگر آن شرایطی که امام معصوم (علیه السلام) می فرماید در ایشان نبود، پس وی، آن برادر دینی که منظور امام (علیه السلام) است و تأکید فراوان بر آن کرده اند، نیست و آن کس که باید تا پای جان برایش مایه گذاشت، او نخواهد بود. حضرت امام صادق (علیه السلام) در باب دوری از آنها کلمه ”عزب“ را بکار برده و فرمودند:

«اخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ بِخَصَمَتَيْنِ فَإِنْ كَانَتَا فِيهِمْ وَإِلَّا فَاعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ ثُمَّ اعْزُبْ مُحَافَظَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ فِي مَوَاقِيتِهَا وَالْبِرِّ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْأَيْسْرِ» (2)

برادران خود را به دو خصمت بیازمایید، اگر آن دو خصمت را داشتند با آنها دوستی کنید و گرنه از ایشان دوری کن، دوری کن، دوری کن، (دو خصمت) پایبندی به خواندن نماز اول وقت و نیکی کردن و احسان به برادران در سختی و آسایش.

ص: 48

- 
- 1- اصول کافی 3 باب دوستی برای خدا و دشمنی برای خدا، ح 8 - المحاسن 1/264 - الکافی (ط - الإسلامية) 2/126؛ (ط - دارالحدیث) 3/327 - الوافی 4/483 - وسائل الشیعة 16/167 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 66/245
  - 2- الکافی 2/672 ح 7 - الکافی (ط - الإسلامية) 2/672؛ (ط - دارالحدیث) 4/771 - الوافی 5/574 - وسائل الشیعة 12/148 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (علیهم السلام) 12/580

«دوستی و برادری نشان، آثار و حدودی دارد، کسی که واجد تمام آن حدود نیست او دوست کامل نیست و آن کسی که دارای هیچیک از آن حدود و آثار نیست، اساساً دوست نیست:

اول آن که ظاهر و باطن رفیقت (برادرت) نسبت به تو یکسان باشد.

دوم آن که زیبایی و آبروی تو را آبرو و زیبایی خود ببیند و زشتی تو را، پستی و زشتی خویش بداند (و به معنای دیگری خوشحالی تو خشنودی او و غمگینی و اندوه و گرفتاری تو غم و مصیبت او باشد).

سوم دست یافتن به مال یا رسیدن به مقام، روش دوستانه او را نسبت به تو تغییر ندهد»

از آثار برادری و صداقت در امر دوستی که از همه مهمتر است شرط چهارم و پنجم امام است که در ادامه می فرمایند:

«چهارم در زمینه رفاقت از آنچه و هرچه در اختیار دارد نسبت به تو مضایقه نداشته باشد.

پنجم تو را مواقع آلام و مصایب ترک نگوید» (1)

دوست آن باشد که گیرد دست دوست \*\*\* در پریشان حالی و درماندگی

حضرت امام صادق (علیه السلام)، معیاری را برای انتخاب دوست بیان فرمودند:

«مَنْ غَضِبَ عَلَيْكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَلَمْ يَقُلْ فِيكَ شَرًّا فَاتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ صَدِيقًا» (2)

کسی که سه بار نسبت به تو خشمگین شود و درباره ات به بدی سخن نگوید

ص: 49

---

1- رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام) 389 - امالی صدوق (رحمة الله) 397

2- مجموعه ورام 2/118 - وسائل الشیعة 12/147 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 110/99

شایسته رفاقت است او را برای دوستی انتخاب کن.

طبق فرمان ذوات مقدسه (علیهم السلام)، مودت با دوست حقیقی که دارای امتیازات ویژه ای باشد، محبت با خداست. برای شناخت دوست باید آزمایش به میان آید. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره فرموده اند:

«هرکس پس از آزمایش درست، برادری را انتخاب کند رفاقتش پایدار می ماند و هرکه بدون آزمایش، برادری را انتخاب کند به ناچار به همنشینی با بدان دچار خواهد شد» (1)

نیز یکی از راه های شناخت و تمیز دادن دوست خوب از بد از طریق دل است. صالح بن حکم گفت: شنیدم مردی از حضرت امام صادق (علیه السلام) پرسید: کسی می گوید من تو را دوست دارم، چگونه بدانم که واقعاً مرا دوست دارد؟ امام (علیه السلام) فرمودند:

«دل را بکاو (بنگر) اگر تو او را دوست داشتی او نیز تو را دوست دارد» (2)

حضرت امام حسن (علیه السلام) در مورد این انتخاب فرمودند:

«با هیچ کس برادری مکن تا بدانی کجاها رفت و آمد دارد، چون از حالش به خوبی آگاه شدی و معاشرتش را پسندیدی، بر پایه گذشت از لغزشها و کمک و همیاری در سختیها، با او برادری کن» (3)

پس اگر دیدید این صفات در او نبود از دوستی با آن بپرهیز که دوستی با غیر اهل تقوا جز بدبختی و نکبت چیزی همراه ندارد. حضرت امیرالمؤمنین

ص: 50

---

1- غرر الحکم 8921

2- کافی 2/652 ح 2

3- تحف العقول 233

علی (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ لَمْ تَكُنْ مَوَدَّةً فِي اللَّهِ فَاحْذَرُهُ فَإِنَّ مَوَدَّةً لَيْسِمَةٌ وَصُحْبَةٌ مَشُومَةٌ» (1)

از کسی که دوستی اش برای خدا نیست بپرهیز، زیرا دوستی او پستی است و همنشینی با او شوم است.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود:

«مردم (مسلمانان) برادرند اگر برادری آنان برای غیر خدا باشد آن برادری دشمنی است و این سخن خداوند متعال است {در آن روز دوستان با هم دشمن هستند مگر پرهیزکاران}» (2)

و همچنین فرمودند:

«كُلُّ مَوَدَّةٍ مَبْنِيَّةٍ عَلَى غَيْرِ ذَاتِ اللَّهِ ضَلَالٌ وَالْإِعْتِمَادُ عَلَيْهَا مُحَالٌ» (3)

هر دوستی ای که مبنای غیر خدایی داشته باشد گمراهی است و تکیه نمودن بر آن محال است.

پس می باید برای انتخاب دوست بسیار دقیق عمل کرد تا به نحو احسن، این سرمایه بزرگ (برادر دینی) کسب گردد. رفیق بد نه تنها سرمایه انسان به حساب نمی آید، بلکه باعث هلاکت مؤمن در دنیا و آخرت می گردد. قرآن مجید در این باره می فرماید:

ص: 51

---

1- غرر الحکم و درر الکلم 652 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 423 - شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم

5/412

2- بحار الانوار 74/165 ح 29 - سورة مبارکه زخرف آیه شریفه 67

3- غرر الحکم 6915 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 376

{ يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا } (1)

«وای بر من ای کاش فلان شخص گناهکار را به دوستی نمی گرفتم و به مصاحبت و همنشینی او تن نمی دادم»

جدای از اینکه ظاهر آیه درباره دوست بد است، باطن آیه همانطور که در تفاسیر شیعه آمده، مربوط به خلفای جور است. حضرت امام صادق (علیه السلام) در تأیید این مطلب و عاقبت دوستی با فرد غیر صالح می فرماید:

«مَنْ يَصْحَبْ صَاحِبَ السَّوِّءِ لَا يَسْلَمْ» (2)

کسی که با رفیق بد مصاحبت داشته باشد سالم نمی ماند و عاقبت به ناپاکی آلوده می شود.

و نیز حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ اتَّخَذَ أَخًا مِنْ غَيْرِ اخْتِبَارِ الْجَاهِ الاضْطِرَّاءِ إِلَى مُرَافَقَةِ الْأَشْرَارِ» (3)

کسی که نسنجیده دوستانی را اخذ می کند به ناچار باید به رفاقت افراد شرور و مفسد تن در دهد.

تن دادن به دوستی با افراد دنیاپرست و شرور، موجب مذلت می شود. از آنجائیکه خلق و خوی ایشان بر اساس الگوی رفتاری مورد رضای الهی نیست، امکان تبدیل رفاقت به شرارت در آن با هر مسئله ای ممکن می باشد و کوچکترین دلخوری و رنجش، آنرا از هم می پاشاند. چنانکه حضرت

ص: 52

1- سورة مبارکه فرقان آیه شریفه 28

2- مستدرک وسائل الشیعه 2/65 - تحف العقول 376 - الخصال 1/169 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/278

3- غرر الحکم 695 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 345

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در چند حدیث فرمودند:

«مَوَدَّةُ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا تَزُولُ لِأَذْنَى عَارِضٍ يَعْْرِضُ» (1)

دوستی دنیاپرستان با اندکی پیشامد از بین می رود.

«لَا تَسْتَكْبِرَنَّ مِنْ إِخْوَانِ الدُّنْيَا فَإِنَّكَ إِنْ عَجَزْتَ عَنْهُمْ تَحَوَّلُوا أَعْدَاءَ وَإِنَّ مَثَلَهُمْ كَمَثَلِ النَّارِ كَثِيرُهَا يَحْرِقُ وَقَلِيلُهَا يَنْفَعُ» (2)

بر شمار برادران دنیایی میفزای که اگر از برآوردن نیازهایشان در مانده شوی، دشمنت می گردند حکایت آنان حکایت آتش است که بسیار آن می سوزاند و کم آن سود می رساند.

«مَنْ وَادَّكَ لِأَمْرٍ وَوَلَّى عِنْدَ انْقِصَائِهِ» (3)

کسی که برای کاری با تو دوستی می کند، پس از تمام شدن آن به تو پشت می کند.

و نیز حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«بِئْسَ الْأَخُ أَخٌ يَزْعَاكَ غَنِيًّا وَيَقْطَعُكَ فَقِيرًا» (4)

چه بد برادری است آن که به هنگام توانگری هوادار توست و در وقت تهیدستی رهایت می کند.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

ص: 53

1- غرر الحکم 9828 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 487

2- غرر الحکم 10381 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 527

3- غرر الحکم 8552 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 457

4- الارشاد 2/166 - میزان الحکمه 1/82 - مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام) (لابن شهر آشوب) 4/207 - کشف الغمة فی معرفة

الأئمة (علیهم السلام) (ط - القديمة) 2/127 - حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار (علیهم السلام) 4/411

«لَا تُؤَاخِ مَنْ يَسْتُرُ مَنَاقِبَكَ وَ يَنْشُرُ مَثَالِبَكَ» (1)

با کسی که خوبیهایت را می پوشاند و عیبهایت را پخش می کند برادری مکن.

پس باید از دوستی با اینچنین افرادی پرهیز کرد. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«يُنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَتَجَنَّبَ مُوَاخَاةَ ثَلَاثَةِ الْمَاجِنِ الْفَاجِرِ وَالْأَحْمَقِ وَالْكَذَّابِ» (2)

مسلمان باید از برادری کردن با سه گروه دوری ورزد: لوده فاسد، احمق و دروغگو.

و حضرت امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

«وَمَنْ لَمْ يَجْتَنِبْ مُصَاحَبَةَ الْأَحْمَقِ يُوْشِكُ أَنْ يَتَخَلَّقَ بِأَخْلَاقِهِ» (3)

کسی که از همنشینی با احمق دوری نکند، احتمال ابتلاء به اخلاق احمق در او هست.

و نیز حضرت امام سجاد (علیه السلام) در نهی نمودن فرزنداناش (مؤمنین) از همنشینی با افراد احمق می فرمایند:

«وَإِيَّاكَ وَ مُصَاحَبَةَ الْأَحْمَقِ فَإِنَّهُ يَرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيُضُرُّكَ» (4)

ص: 54

1- غرر الحکم 10420 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 519

2- الکافی (ط - الإسلامیة) 2/639؛ (ط - دارالحديث) 4/688 - شرح الکافی - الأصول و الروضة (للمولی صالح المازندرانی) 11/84

- وسائل الشیعة 12/28 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (علیهم السلام) 12/533

3- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 8/336 - مستدرک 2/64 - بحار الانوار 71/190

4- الکافی (ط - الإسلامیة) 2/377؛ (ط - دارالحديث) 4/126 - تحف العقول 279 - الخصال 1/244 - الوافی 5/579 - وسائل

الشیعة 12/32 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/209

از رفاقت با احمق پرهیز؛ چرا که او اراده می کند به نفع تو قدمی بردارد ولی بر اثر حمق و ناهمی (و در نظر نگرفتن جهات مختلف دینی و اجتماعی) مایه زیان و ضررت (و از دست دادن حیثیت تو) می شود.

آنچنان پیوند با برادران دینی با اهمیت است که شخصیت فرد را نیز تحت تاثیر آنها دانسته و وی را به آنها منتسب می کنند.

«لَا تَحْكُمُوا عَلَى رَجُلٍ بِشَيْءٍ حَتَّى تَنْظُرُوا مَنْ يَصَاحِبُ فَإِنَّمَا يَعْرِفُ الرَّجُلُ بِأَشْكَالِهِ وَأَقْرَانِهِ وَ يَنْسَبُ إِلَى أَصْحَابِهِ وَ إِخْوَانِهِ» (1)

درباره کسی به نیکی یا بدی قضاوت مکن تا رفقایش را ببینی؛ چه آنکه آدمی از امثال دوستان و اقراش شناخته می شود و به صفات همشینان و دوستان صمیمیش توصیف می گردد.

هر کس با مانند خود همشین است. پس دور از ذهن نیست که هر که را با مصاحب خود مثال بزنند. دوستی، خود یک امر دو طرفه است. نمی توان از کسی انتظار دوستی و فایده های دوستی را داشت اما خود در ادای حقوق دوست، کوتاهی نمود. چنانکه حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید:

«لَا خَيْرَ لَكَ فِي صُحْبَةِ مَنْ لَا يَرَى لَكَ مِثْلَ الَّذِي يَرَى لِنَفْسِهِ» (2)

در مصاحبت کسی که آنچه برای خود میخواهد برای تو نخواهد خیری برای تو نیست. [در حدیثی: آنچه برای او میخواهی برای تو نخواهد]

ص: 55

---

1- کنز الفوائد 1/98 - أعلام الدين في صفات المؤمنين 183 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 71/188 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 8/327

2- بحار الأنوار (ط - بيروت) 71/198 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 8/211 - نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم)) 676 - رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام) 247 - تاریخ یعقوبی 66



راوی گوید: به امام (علیه السلام) عرض شد: کسی که برای من حق نمی شناسد، آیا برایش حقی قائل باشم؟ فرمودند:

«نه هیچ احترامی برایش قائل نشو» (1)

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«... تو خود به برادرت خدمت کن، اما اگر او از تو خدمتکاری خواست هرگز این کار را نکن»

هر فردی که از روش و سیره اهل بیت (علیه السلام) دوری کند، صراحتاً اخلاق صحیح را در خود کشته است. اگر در لباس اهل ایمان نیز باشد، دوستی وی، امری ظاهری بوده و برای انتفاع و رسیدن به مقاصد دنیویست که اظهار دوستی می نماید. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درباره آنان فرمودند:

«مَا أَكْثَرَ الْإِخْوَانَ عِنْدَ الْجِفَانِ وَأَقْلَهُمْ عِنْدَ حَادِثَاتِ الزَّمَانِ» (2)

چه بسیارند دوستان به هنگام چیده شدن کاسه ها (بر سر سفره) و چه اندکند به گاه گرفتاری های دوران.

### عمل خیری که باعث ضرر است

باید توجه داشت عمل خیر دارای حدود و میزانی است که عقل، نقل، تجربه و ضرورت دادرسی در کنار یکدیگر باید حدود کار خیر را روشن کنند. به عنوان مثال در مسئله تضامن (به وسیله چک و یا..) که اکثر مردم به عنوان ضامن به آن مبتلا هستند، باید به چند نکته توجه داشت تا مشکلات بوجود

ص: 56

1- الاختصاص 2564 - میزان الحکمه 3/15

2- غرر الحکم 9657 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 479

نیامده و به جای عمل خیر، شر برنگردد. آیا اضطرار و نیاز شخص [سوال کننده] در حدی است که باید با خرج آبرو و مال خود، او را ضمانت نمود؟ حتی در صورت تقوا و راستگویی وی و نیاز حتمی و اضطرار برادر مومن، امکان عدم پایبندی به ضمانت از سوی وی هست. اگر بنا به دلایل منطقی نه از روی تقلب و کلاهبرداری، قادر نشود در موعد مقرر به وعده خویش عمل کند، آیا توان مالی فرد خَیْر در حدی هست که به عنوان امری واجب برای یاری برادر مومن بار او را بدوش بکشد؟ اگر در همین شرایط، توان مالی و... فرد خَیْر کفاف مشکل برادر خویش را نداد، آیا مجاز است از آبرو و اندک مال خود (که کفاف او را نمی کند) استفاده نماید؟ در صورتیکه بر اثر ضمانت شخص و بد قولی برادر ایمانی، شرایط هتک حرمت یا محرومیت‌هایی از قبیل زندان و... [برای خَیْر] فراهم شود، وظیفه فرد در قبال برادرش چیست؟ جواب و راه واضح از نظر عقل و نقل از معصومین (علیهم السلام)، آن است که باید از چنین کاری که از عهده مالی مومن بدور است اجتناب ورزید. روز قیامت از کسی بازخواست نخواهد شد و به دلیل عدم توانائی مالی، عذر فرد برای عدم ضمانت پذیرفته است. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این مورد فرمودند:

«لَا تَضْمَنُ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَى الْوَفَاءِ بِهِ» (1)

چیزی را که بر اداء آن توانا نیستی ضمانت نکن.

در این باره حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

ص: 57

«لَا تَدْخُلْ لِأَخِيكَ فِي أَمْرِ مَضَرَّتْهُ عَلَيْكَ أَعْظَمُ مِنْ مَنَفَعَتِهِ لَهُ» (1)

به خاطر برادرت دست به کاری نزن که زیان آن کار برای تو، بیش از سودش برای او باشد.

حضرت امام کاظم (علیه السلام) نیز می فرمایند:

«لَا تَبْدُلْ لِأَخْوَانِكَ مِنْ نَفْسِكَ مَا ضَرَّهُ عَلَيْكَ أَكْثَرَ مِنْ مَنَفَعَتِهِ لَهُمْ» (2)

به برادرانت از خود چیزی مبخش که زیان آن برای تو بیشتر از سودش برای آنان است.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«وَمَا خَيْرٌ بِخَيْرٍ بَعْدَهُ النَّارُ وَ مَا شَرٌّ بِشَرٍّ بَعْدَهُ الْجَنَّةُ» (3)

خیری که در پی آن آتش (شرّ) باشد خیر نخواهد بود، و شرّی که در پی آن بهشت است شرّ نخواهد بود.

و حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«اگر مردی دار و ندار خود را در راهی از راه های خدا انفاق کند، کار پسندیده و موفقیت آمیزی نکرده است، مگر نه اینکه خداوند متعال می فرماید: "با دستهایتان خود را به هلاکت میندازید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد" مقصود از "نیکوکاران" افراد میانه رو هستند»

ص: 58

- 
- 1- الکافی (ط - الإسلامية) 4/32 - (ط - دارالحدیث) 7/285 - الوافی 10/461 - وسائل الشیعة 16/316 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 5/599 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (عليهم السلام) 16/160
  - 2- الکافی (ط - الإسلامية) 4/33؛ (ط - دارالحدیث) 7/285 - الوافی 10/461 - وسائل الشیعة 16/316؛ 16/317 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (عليهم السلام) 16/161
  - 3- من لا يحضره الفقيه 4/391 - نهج البلاغة (للصبيح صالح) 544 - روضة المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة) 13/75 - الوافی 26/239 - منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی (رحمة الله)) 21/476

می توان از ضمانت برای محبینی که متعهد به وعده خویش نیستند یا امکان وفای به عهد ندارند، صرف نظر کرد و عدم تعهد ایشان، حجتی در برابر پروردگار خواهد بود ولکن عدم دادرسی در صورت امکان، از برادرانی که میزان تقوا و تعهدات اخلاقیشان به درجه متعادل رسیده، طبق فرمایشات معصومین (علیهم السلام)، مساوی است با خذلان در دو سرا و خروج از دایره ولایت ائمه معصومین (علیهم السلام). در حالیکه همه می توانند با تعمق در این دو بخش از روایات، موقعیت و وظیفه خویش نسبت به این دو نوع افراد را دریابند.

## دوستی با مؤمنین

با توجه به فرمایشات و راهنمایی های گرانقدر امامان معصوم (علیهم السلام)، در دوستی مردم عامی، خیری نیست؛ مگر رفاقت با اشخاص مؤمن. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«ای اباذر هم سخن برای خود انتخاب مکن مگر فرد مؤمن» (1)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) جناب اباذر (رحمة الله) را از انتخاب مصاحب غیر مومن، منع نمودند. زیرا انس مرد به همنشین خود باعث تاثیر پذیری از وی شده تا جائیکه دین، تحت الشعاع قرار می گیرد. امام معصوم (علیه السلام) فرمودند:

«برادر (دینی) خود را به قدر پرهیزکاری آنان دوست داشته باش» (2) (یعنی به اندازه تقوایشان مورد اعانت و احترام بیشتری قرار گیرد).

این گفته باید برای نگرشی جدید بر روابط، نصب العین گردد. یعنی حب و

ص: 59

---

1- اسرار موفقیت 124 - بحار الانوار 77/86

2- اسرار موفقیت 326

بغض که باعث دین می شود، اگر اشتباه بکار برده شود در جهت عکس عمل نموده و محو کننده دین و آثارش می شود. بنابراین انتخاب مصاحب، تلویحاً انتخاب دین است. اما زمانیکه به برادران مومن دست یافته شد، باید در دوستی ایشان اهتمام به خرج داده شود و باید آنها را محل مشورت خویش قرار داد. حضرت امام کاظم (علیه السلام) به هشام فرمودند:

«ای هشام! همنشینی با اهل دین و مردمان متدین، شرافت دنیا و آخرت است و مشورت نمودن با شخص عاقل نصیحت کننده، خوشبختی و مایه برکت. رشد و توفیقی است از طرف خداوند پس زمانی که شخص عاقل ناصح را طرف مشورت قرار دادی از مخالفت با او بپرهیز که به زحمت می افتی» (1)

حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«همنشین صالح چون عطر فروش است که اگر عطر خویش به تو ندهد بوی خوشش در تو آویزد، و همنشین بد چون آهنگر است که اگر شراره آتشش به تو نرسد بوی بد و گرمایش آزارت می دهد»

همنشینی با صالحان خواص عالی و ارزش متعالی دارد. حضرت امام جواد (علیه السلام) می فرمایند:

«مَلَأَةٌ الْإِخْوَانِ نُشْرَةٌ وَ تَلْقِيحٌ لِلْعَقْلِ وَإِنْ كَانَ نَزْرًا قَلِيلًا» (2)

ملاقات با برادران، موجب رفع دلنگی و سبب باروری عقل می شود، هر چند اندک و کوتاه باشد.

ص: 60

---

1- رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام) 484

2- الأمالی (للمفید) 329 - الأمالی (للتوسی) 812 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/353 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل

از برکت مصاحبت صالحان، مرتفع نمودن مشکلات عدیده مومنین است که می توان با مشورت از عقول برادران بی حسد و کینه، بهره برد. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) درباره آن فرمودند:

«الِاسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهُدَايَةِ» (1)

مشورت، چشمه هدایت است.

و نیز فرمودند:

«وَمَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْأَرْءَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا» (2)

اگر کسی از آرا و نظرات دیگران استقبال کند می تواند محل خطا و اشتباه را کاملاً بشناسد.

«مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْأَلْبَابِ دُلَّ عَلَى الصَّوَابِ» (3)

اگر کسی با انسانهای خردمند مشورت کند، راه را پیدا می کند.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ رُشْدٌ وَ يَمْنٌ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ» (4)

مشورت با افراد عاقل و دلسوز، راهنمایی و مبارکی در پی دارد و برای انسان

ص: 61

---

1- غرر الحکم و درر الکلم 55 - وسائل الشیعة 12/40 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 66/410 - رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام) 478

2- الکافی (ط - الإسلامية) 8/22؛ (ط - دارالحدیث) 15/70 - تحف العقول 90 - کنز الفوائد 1/367 - الوافی 26/21 - وسائل الشیعة 12/46

3- الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد 1/300 - کنز الفوائد 1/367 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/105

4- المحاسن 2/602 - وسائل الشیعة 12/42 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 5/141 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/102 - رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام) 479

توفیق الهی را فراهم می کند.

البته در بعضی از موارد، افرادی با تجربه، هوشیار و دانا به بسیاری از مسایل اجتماعی هستند که می توان از تجارب و اندوخته های فکری آنها استفاده کرد و چون بر اثر عدم تقوا و سجایای اخلاق هم سنخ با مؤمنین نمی باشند، همنشینی و رفاقت با آنها باعث بدنامی و دیگر مسائل می گردد که حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در این باره می فرماید:

«وَلَا عَلَيْكَ أَنْ تَصْحَبَ ذَا الْعُقْلِ فَإِنْ لَمْ تَحْمَدْ كَرَمَهُ انْتَفِعَ بِعَقْلِهِ وَاحْتَرَزْ مِنْ سَيِّئِ الْأَخْلَاقِ» (1)

مانعی ندارد که با فرد عاقل و خردمندی که دارای طبع بلند و سجایای اخلاقی نیست رفاقت نمایی که در برخوردهای دوستانه تنها از تجربیات و افکار صحیحش استفاده کنی و به رفتار و اخلاق پستش متخلق نگردی.

در مجموع فقط دوستیهائی که بر پایه رضایت خداوند انجام می گیرد، ماندگار و باعث تقویت مسائل مادی و معنوی شده و هدایت انسان را شامل می شود. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«الْإِخْوَانُ فِي اللَّهِ تَعَالَى تَدُومُ مَوَدَّتُهُمْ لِدَوَامِ سَبَبِهَا» (2)

کسانی که برای خدا برادری ورزند، دوستی شان می ماند چون سبب آن دوستی پایدار است.

ص: 62

- 
- 1- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (عليه السلام) 356 - الكافي (ط - الإسلامية) 2/638 - تحف العقول 206 - الوافي 5/571 -  
وسائل الشيعة 12/19 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (عليهم السلام) 12/531 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 71/188 -  
مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 8/324
- 2- غرر الحکم و درر الکلم 1820 / 96 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 422

سبب دوستی، میزان پایداری آنرا معین می کند و وقتی سبب دوستی خدائی باشد که همیشه برقرار است، انتظار می رود دوستی ای که بر پایه ای الهی شکل گرفت، قوام یابد. از چیزهائی که پایه های دوستی را محکم می نماید، فرمایش گهربار حضرت امام صادق (علیه السلام) است. بعید نیست که با رعایت آن، درب همه خوبیها باز شود، رسیدن به خیر دنیا و آخرت حاصل گردد.

در فرمایش حضرت امام صادق (علیه السلام) هفت حق واجب را بر عهده برادران دینی نسبت به اعانت به همدیگر گذاشته که کمترین آن حقوق آن است که فرموده اند:

«أَيُّسِرُ حَقِّ مَنِهَا أَنْ تُحِبَّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَأَنْ تَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُهُ لِنَفْسِكَ» (1)

کمترین حق مومن آن است که دوست بداری برای او (برادرت) آنچه را که برای خودت می پسندی و ناپسند بداری برای او آنچه را که نفس تو از آن کراهت دارد.

ایشان در مورد حق مؤمن فرمودند:

«آنچه را برای عزیزترین کس خاندانش می خواهد، برای برادر دینی خود نیز بخواهد و بالعکس هیچ بدی را برای او نخواهد و با او دوستی خالصانه و صمیمی داشته باشد»

راوی پس از سخنان امام (علیه السلام) گریست و عرض نمود: «چگونه با او دوستی خالصانه داشته باشد؟» امام (علیه السلام) فرمودند:

«آنچه در دل دارد برایش توضیح می دهد، پس اگر او مسرور باشد این هم

ص: 63

---

1- المؤمن 40/4 - الكافي (ط - الإسلامية) 2/169؛ (ط - دارالحدیث) 3/433 - الأملی (للطوسی) (رحمة الله) 98 - الوافی 5/557

- وسائل الشیعة 12/205 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/224



شاد و خوشحال می شود و اگر اندوهگین باشد (همانند او) غمگین گردد. پس اگر بتواند به او گشایشی برساند و گرنه برایش دعا کند» (1)

یکی دیگر از حقوقی که بر مومن واجب است، مد نظر گرفتن احوالات دوست است. از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل است که هرگاه یکی از برادرانش را سه روز نمی دید، جوایای حالش می شد.

«فَإِنْ كَانَ غَائِبًا دَعَا لَهُ وَإِنْ كَانَ شَاهِدًا زَارَهُ وَإِنْ كَانَ مَرِيضًا عَادَهُ» (2)

اگر غایب بود، برایش دعا می کرد و اگر حضور داشت به دیدنش می رفت و اگر بیمار بود به عیادتش می رفت.

در ذیل آیه 26 سوره شوری «خداوند دعای کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای خوب می کنند اجابت می فرماید و از روی کرم و فضل خویش، به حسنات آنها می افزاید»؛ از حضرت امام باقر (علیه السلام) روایت است که:

«این آیه در مورد فرد مؤمن است که در غیاب برادر مؤمن خود برای او دعا می کند، و ملک آمین می گوید و خدای عزیز و جبار می فرماید: «تمام آنچه برای برادر مؤمن خود خواستی به خودت هم می رسد و تمام آنچه را برای او خواستی به تو می دهم، به دلیل محبتی که به او داشتی» (3)

این اظهار محبتی که در پشت سر او (دعا) انجام می گیرد باید به دلایلی در ظاهر هم، نمود عینی پیدا کند. حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

ص: 64

1- کافی 3: باب حق مؤمن بر برادرش ح 9

2- مکارم الأخلاق 19 - منیة المرید 195 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 16/233

3- تفسیر جامع 6/243 - کافی 2/507 ح 3

«إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ صَاحِبَهُ أَوْ أَخَاهُ فَلْيُعَلِّمَهُ» (1)

هرگاه یکی از شما رفیق یا برادر (دینی) را دوست بدارد آن را به او اظهار کند.

یکی از یاران حضرت امام صادق (علیه السلام) در مسجد نشسته بود، مردی از آن جا گذشت آن شخص گفت "به خدا قسم من این مرد را دوست دارم". حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«پس به او اعلام کن چرا که دوستی را پایدارتر و الفت را بیشتر می کند» (2)

راه دیگر اظهار محبت، گشادرویی بوده که عملی بسیار نیک است. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند:

«لَا تُحَقِّرَنَّ شَيْئًا مِنَ الْمَعْرُوفِ وَلَا تُؤَنَّ أَنْ تَلْقَى أَخَاكَ وَوَجْهَكَ مَبْسُوطًا إِلَيْهِ» (3)

هیچ کار نیکی را دست کم نگیر اگرچه حتی گشاده رویی با برادرت باشد.

در جایی نیز پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود:

«إِلْقِ أَخَاكَ بِوَجْهِهِ مُنْبَسِطًا» (4)

با برادرت با گشاده رویی برخورد کن.

گشادگی چهره و لبخند در هنگام برخورد با مومن، انسان را به سرانجام نیکی میرساند. حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

ص: 65

---

1- المحاسن 1/266 - الكافي (ط - دارالحديث) 4/698 - وسائل الشيعة 12/55 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة 5/143 - بحار الأنوار

(ط - بيروت) 71/182 - ميزان الحكمه 1/76

2- بحار الأنوار 74/181 ح 1

3- كنز الفوائد 1/212 - ميزان الحكمه 7/314

4- بحار الأنوار 74/171 ح 38 - الكافي (ط - الإسلامية) 2/103؛ (ط - دارالحديث) 3/267 - تحف العقول 42 - الوافي 4/427 -

وسائل الشيعة 12/160

«مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ وَاللَّهُ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَخْطُرُ بَيْنَ قَبَاطِي مِنْ نُورٍ وَلَا يَمُرُّ بِشَيْءٍ إِلَّا أَضَاءَ لَهُ حَتَّى يَقِفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ مَرْحَبًا وَإِذَا قَالَ مَرْحَبًا أَجَزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْعَطِيَّةَ» (1)

هرکس به دیدار برادر مؤمنش در راه خدا و برای خدا برود، روز قیامت می آید در حالی که لباس های سفیدی از نور بر تن دارد و بر چیزی نمی گذرد مگر اینکه برایش نورانی می شود، تا اینکه در محضر خداوند عزوجل می ایستد، پس خداوند عزوجل به او می گوید: مرحبا! و اگر خداوند مرحبا بگوید عطایش را فراوان سازد.

دیدار برادر دینی از یک سو و برخورد مناسب در ارتباط، از سوی دیگر بسیار مورد نظر ذوات مقدسه (علیهم السلام) بوده تا جائیکه امر فرموده اند به مصافحه و گشاده روئی تا گرامی داشته شوند. همانطور که ملائک با این عمل عزیز شدند. چنانکه در روایتی حضرت امام صادق (علیه السلام) گرامی داشتن ملائکه را نزد حق تعالی به دلیل مصافحه نمودن آنها ذکر فرموده اند:

«چون یکی از شما برادرش را ملاقات کند به او سلام کند و دست بدهد زیرا خداوند عزوجل فرشتگان را بدین عمل گرامی داشته است، پس شما هم کار ملائکه را انجام دهید» (2)

حضرت امام صادق (علیه السلام) در روایت دیگری نیز فرمودند:

ص: 66

---

1- کافی 3 باب دیدار برادران ح 8 - الکافی (ط - الإسلامية) 2/177؛ (ط - دارالحدیث) 3/453 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 7/197؛ 71/347

2- کافی 3 باب مصافحه ح 10

«مُصَافِحَةُ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ مُصَافِحَةِ الْمَلَائِكَةِ» (1)

دست دادن با مومن با فضیلت تر از دست دادن با ملائکه است.

حضرت امام باقر (علیه السلام) هم در این باره فرمودند:

«چون دو مؤمن به هم برخورد و مصافحه نمایند، خدای عزوجل دستش را (منظور تفضل و رحمت خاصه خویش) در میان آنها درآورد و به آن کسی که رفیقش را بیشتر دوست دارد، رو آورد و چون خدای عزوجل به هر دو نفر متوجه شود (در صورتی که هر دو یکدیگر را به یک اندازه دوست داشته باشند) گناهان آنها مانند برگ درخت بریزد» (2)

اهمیت مصافحه و برخورد با روی خوش، آنچنان زیاد و قابل توجه حق تعالی است که از توصیف خارج می گردد. چنانکه حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«گمان مبر که شما شیعیان درباره ما مبالغه می کنید، همانا خدا را نتوان وصف کرد همچنان ما اهل البیت (علیهم السلام) را نیز نمی توان وصف نمود و نیز مؤمن را هم نمی توان وصف کرد، زیرا مؤمن با مؤمن ملاقات می کند و به او دست می دهد، پس همواره خدا به آنها توجه فرماید و گناهان از رخسارشان مانند برگ درخت فروریزد تا هنگامی که از یکدیگر جدا شوند، پس چگونه کسی که چنین باشد می توان توصیفش کرد» (3)

نمیدانیم در مصافحه چه نهفته است و چقدر در تقریب دلها موثر است.

ص: 67

- 
- 1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/183؛ (ط - دارالحدیث) 3/469 - الوافی 5/607 - وسائل الشیعة 12/219 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (علیهم السلام) 9/74
  - 2- کافی 3 باب مصافحه ح 3
  - 3- کافی 3 باب مصافحه ح 6

اما وقتی به حدیث ذیل می رسیم، زبان را قاصر از وسعت اثر آن می بینیم:

«برای مؤمنین سزاوار است که چون یکی از آنها از رفیقش به فاصله درختی نماند، سپس به هم برخوردند مصافحه کنند» (1)

حضرت امام صادق (علیه السلام) آنگاه برای اظهار مودت بیشتر فرمودند:

«إِنَّ لَكُمْ لِنُورًا تُعْرَفُونَ بِهِ فِي الدُّنْيَا حَتَّىٰ إِنْ أَحَدَكُمْ إِذَا لَقِيَ أَخَاهُ قَبْلَهُ فِي مَوْضِعِ النَّوْرِ مِنْ جَبْهَتِهِ» (2)

«همانا شما را نوری است که به وسیله آن در دنیا شناخته می شوید و هرگاه یکی از شما برادرش را دیدار کرد محل نور را در پیشانی او ببوسد.

همچنین در جایی که موقعیت بوسیدن فراهم نیست، یا حیاء و خجالتی در میان باشد به وسیله فشردن دست می توان اظهار دوستی نمود، به نقل از جابر (رحمة الله) که گفت:

«لَقِيتُ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله وسلم) فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَعَمَزَ يَدِي وَقَالَ عَمَزَ الرَّجُلُ يَدَ أَخِيهِ قَبْلَتَهُ» (3)

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را ملاقات کردم، به آن حضرت سلام نمودم ایشان دستم را فشرد و فرمود: "اینکه مرد دست برادرش را بفشارد به منزله بوسیدن اوست".

همچنین دوستی بر پایه اندیشه ملزوماتی دارد. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)

ص: 68

1- کافی 3 باب مصافحه ح 9

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/185؛ (ط - دارالحدیث) 3/472 - الوافی 5/616 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 73/37

3- بحار الأنوار 76/23 ح 10 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 73/23 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/64

«إِذَا آخَى أَحَدُكُمْ رَجُلًا فَلْيَسْأَلْهُ عَنِ اسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَقَبِيلَتِهِ وَمَنْزِلِهِ فَإِنَّهُ مِنْ وَاجِبِ الْحَقِّ وَصَافِي الْإِخَاءِ وَإِلَّا فَهُوَ مَوَدَّةٌ حَمَقَاءُ» (1)

هرگاه یکی از شما با کسی طرح برادری افکند از او نام، نام پدر، طایفه و محل سکونتش را بپرسد، که اینکار از حقوق لازم و مایه صفا و خلوص برادری است، در غیر این صورت این دوستی، دوستی ای نابخردانه است.

شدت و ضعف دوستی و اظهار آن نیز باید تحت قواعدی باشد. امام معصوم (علیه السلام) پارسائی و ورع برادر مومن را ملاک شدت دوستی می دانند. هرچه ورع بیشتر، خضوع و علقه به شخص مؤمن نیز زیادتراً؛ که امام معصوم (علیه السلام) فرمودند:

«أَحْبِبِ الْإِخْوَانَ عَلَى قَدْرِ التَّقْوَى» (2)

برادران را به اندازه تقوای آنان دوست مدار.

از حضرت امام محمد باقر و حضرت امام صادق (علیهما السلام) نقل شده که:

«هرگاه مومنی حرکت کند به زیارت برادر مومنش، خداوند متعال به ازای هر قدم او حسنه ای برای او می نویسد و سیئه ای از او پاک می کند و او را يك درجه بالا می برد و زمانی که درب منزل او را بزنند، درهای آسمان برای او گشوده می شود. پس زمانی که یکدیگر را ملاقات کنند و دست بدهند و معانقه کنند

ص: 69

1- کنز الفوائد 1/98 - أعلام الدین فی صفات المؤمنین 183 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/166؛ 110/98

2- الاختصاص 36 - میزان الحکمه 1/71 - تحف العقول 368 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/187؛ 72/98؛ 75/33؛ 75/252

(معانقه در واقع گردن را به گردن زدن است) خداوند متعال با رحمتش به آنها روی می آورد. سپس خداوند به ملائکه بواسطه آندو مباحات می کند و می فرماید نگاه کنید به دو بنده من که بزیارت یکدیگر رفته و بخاطر من به هم محبت میکنند، سزاوار است بر من که آندو را بعد از این دیدار عذاب نکنم، سپس وقتی این شخص از برادر مومنش جدا می شود ملائکه او را مشایعت می کنند» (1)

چون تقوای فرد مؤمن رو به فزونی نمود، نگاه به چهره چنین اشخاصی نیز عبادت محسوب می گردد. حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره فرمودند:

«..النَّظَرُ إِلَى الْأَخِ تَوَدُّهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِبَادَةٌ» (2)

نگاه کردن به برادری که به خاطر خداوند عزّ وجلّ دوستش می داری عبادت است.

با فرمایشات و راهنماییهای ائمه معصوم (علیهم السلام) جایگاه احسان را همان دیدار، محبت، احترام و عفو برادران مومن در می یابیم. پس از آن، انفاق، احسان و تکریم ایشان است. همه اینها سپاس از نعمتهای الهی مخصوصاً ولایت معصومین (علیهم السلام) است. میتوان گفت محبت به معصومین (علیهم السلام) در گرو اعانت ولی ایشان می باشد. چنانکه حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«زَكَاةُ النَّعْمِ اصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ» (3)

زکات نعمتها، انجام کارهای خیر است.

ص: 70

1- الکافی 2/183

2- بحار الأنوار (ط - بیروت) 38/196؛ 71/73؛ 71/279 [نسخه های دیگر 74/291]

3- غرر الحکم 5457 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/46 - الحیاء: ترجمه احمد آرام 6/387

شناخت اعمال خیر و بهره بردن از آن در دنیا و به ویژه در آخرت، طبق فرمایش حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، منوط به دو چیز است. از ایشان پرسیدند: خیر چیست؟ حضرت (علیه السلام) فرمودند:

«خیر آن نیست که مال و فرزندان بسیار شود بلکه خیر آنست که دانش تو فراوان و بردباریت بزرگ و گرانقدر شود... پس اگر کار نیکی انجام دادی، شکر خدا را بجای آور و اگر بدی کردی از خداوند متعال آمرزش بطلب، چون در دنیا جز دو کس خیر و نیکویی نبینند؛ یکی گناهکاری که با توبه، بدیها را جبران کند و دیگر نیکوکاری که در کارهای خیر شتاب ورزد» [\(1\)](#)

ص: 71



آری خلق شدیم برای عبادتی برتر و اعلاء که آن، عمل خیر و صالح در جمع مؤمنین و انتشار آنست. همانطور که پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً، فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ» (1)

هرکس روش و سُنَّت خوبی را در جامعه پایه گذاری کند، اجر آن سیره، عمل و پاداش همه کسانی که تا به قیامت به آن سنت عمل می کنند برای او خواهد بود بدون آن که از امتیاز و اجر عاملین آن چیزی کم گردد.

و در ارزش عاملین به خیر، فرمودند:

«الْمُحْسِنُ حَيٌّ وَإِنْ نُقِلَ إِلَى مَنَازِلِ الْأَمْوَاتِ» (2)

شخص خیر زنده است هر چند که به خانه مردگان منتقل شود.

ص: 72

---

1- رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام) 195 - الکافی (ط - دارالحديث) 9/372 - تحف العقول 243 - الخصال 1/240 - الوافی 15/57 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/164 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 9/150 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/230

2- غرر الحکم 1521 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 27

از زیباییهای اعمال خیر، رفعت درجهٔ خَیْر به درجه ای بالاتر از خود عمل است، چنانکه حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ مُعْطِيهِ...» (1)

خوبتر از عمل خیر آن کسی است که کار خیر را انجام می دهد...

انسان خَیْر برای انجام عمل خیر به کوچکی و بزرگی آن نمی نگرد، زیرا هر چند عمل کوچک و ناچیز باشد، اگر با اخلاص و فقط برای خدا انجام گیرد، بزرگ و ارزشمند است. ملاک حق تعالی کم و زیاد نیست، بلکه خیر و شر است و خیر، چه کوچک و چه بزرگ، خیر است و دارای جوابی عظیم از خدای بزرگ.

«افْعَلُوا الْخَيْرَ وَلَا تُحَقِّرُوا مِنْهُ شَيْئًا فَإِنَّ صَغِيرَهُ كَبِيرٌ وَقَلِيلُهُ كَثِيرٌ» (2)

کار نیک را به جا آورید و آن را هر مقدار که باشد کوچک و کم نشمارید زیرا کوچک (عمل خیر) آن بزرگ و کم آن فراوان است.

با نگرشی به عمل نیک و واژه «بِرّ» در می یابیم که «بِرّ» یعنی همان نیکویی، عملی نمی شود مگر با پوشیدن لباس سخاوت و جوانمردی. چنانکه در معنای «بِرّ» گفته اند: چیزی که وسیع باشد مثل صحراهای پر وسعت. به همین جهت به کارهای نیک که نتایج وسیع و گسترده ای داشته و برکاتش به دیگران می رسد، «بِرّ» اطلاق می گردد. و معنای دیگر آن از نظر عرب، عمل خیری که توأم با توجه و از روی نیت انجام بگیرد «بِرّ» می گویند. ولی خیر به هر نوع

ص: 73

1- بحار الانوار 77/161 ح 173 - تحف العقول 57 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/161

2- حکمت 422 - وسائل الشیعه 1/118 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة 1/47 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/190

عمل نیکی، حتی اگر بدون توجه نیز باشد، اطلاق می گردد.

اما مطلب مهم اینکه آیا شخص خیر به صرف احسان، به مقام اعلاى عبودیت می رسد یا اینکه باید با شرایط خاص و در چهارچوب قوانین حق تعالی، این عمل را انجام دهد؟ خداوند در این آیه شریفه اینچنین پاسخ می دهد:

{لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ} (1)

«هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی رسید، مگر این که از آنچه دوست می دارید در راه خدا انفاق کنید و آنچه انفاق می کنید، خداوند از آن با خیر است»

گذشتن از چیزی که انسان به آن دل بسته، سخت و ناگوار است. امتیازی که خدای متعال در انفاق آن نهاده، رسیدن به مقام ”بر“ است چنانکه در قرآن مجید نیز به آن تصریح نموده است. گذشته از معنای ظاهری ”بر“، باطن آن، ولایت ذوات مقدسه (علیهم السلام) است. چنانکه در آیه دیگری امر به همکاری در ”بر و تقوی“ نموده و امامان هدایت (علیهم السلام)، تفسیر آنرا ولایت خویش قلمداد نموده اند.

{إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ} (2) قَالَ الْعَدْلُ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَالْإِحْسَانُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع وَالْفَحْشَاءُ وَالْمُنْكَرُ وَالْبَغْيُ فَلَانٌ وَفُلَانٌ وَفُلَانٌ (3)

«همانا خداوند به ”عدل“ و ”احسان“ و خویشاوندان امر نموده و از ”فحشاء“ و

ص: 74

1- سورة مبارکه آل عمران آیه شریفه 92

2- سورة مبارکه نحل آیه شریفه 90

3- تفسیر فرات الکوفی 630 - تفسیر الصافی 3/151 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 24/188

”منکر“ و ”بغی“ نهی کرده است». فرمود که ”عدل“ شهادت به لا اله الا الله و رسالت پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) است و ”احسان“ امیرالمؤمنین (علیه السلام) است؛ و ”فحشاء“ و ”منکر“ و ”بغی“، اولی و دومی و سومی هستند.

امتیاز و پاداش معامله با خدا و احسان در راه او، به دل کندن از دنیا، منوط می باشد. و این معامله بزرگ و سخت را، معیار پاداش و قرب بندگان قرار داده اند، زیرا شخص گیرنده احسان، خود خدای تعالی است. رسیدن به مقام «بر» جوانمردی را می طلبد که در راه خدا از خود بگذرد و برای حق تعالی ارزش قائل شود و امانات الهی یعنی دارائی و... را برای جلب رضای او به مؤمنین انفاق کند. اینچنین جوانمردانی، محبوب حق و پناه مؤمنانند، آنچنان که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ» (1)

محبوب ترین مردم نزد خداوند کسی است که سودش به مردم بیشتر باشد.

انسان خیر کسی است که در راه خدمت رسانی به مردم، خستگی و کسالت نمی شناسد و ازدیاد امداد رسانی او را از انجام اعمال خیر باز نمی دارد. زیرا مؤمن (جوانمرد) چون در شعاع عاقلان قرار می گیرد، تمامی موانعی را که شیطان ملعون (لعنت الله علیه) در انجام خیر رسانی بوجود می آورد، به مدد الهی را برطرف می نماید. در این باره حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«عقل مؤمن کامل نمی گردد مگر به ده خصلت؛ یکی اینکه: «لا یتبرم بطلب الحوائج» از مراجعه مکرر مردم به ستوه نمی آید» (2)

ص: 75

---

1- کافی 3/239 ح 7 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/390

2- بحار الانوار 64/296

حضرت امام صادق (علیه السلام) به یکی از اصحاب در مورد خیر و خیر فرمودند:

«بر توباد که سخاوت ورزی. زیرا خداوند آفریدگانی خلق نمود به رحمت خود؛ برای رحمتش آنها را اهل نیکی و موضع خیر و پناهگاه مردم قرار داد که در نیازهای خود به سوی آنها بشتابند، تا ایشان مردم را (به وسیله دادرسی) زنده سازند، چنان که باران، زمین خشکی زده را احیاء می کند. آنها همان افراد مؤمنی هستند که در روز قیامت در امان می باشند» (1)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)، ثواب عجیبی برای خیر عنوان نمودند:

«توانگر سخاوتمند به اندازه حضرت ابراهیم خلیل (علیه السلام) ثواب دارد» (2)

خداوند متعال خود را کریم خوانده پس کسی که بتواند به دیگران احسان نماید خویش را متخلق به این صفت الهی نموده است. بعید نیست که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)، در مورد آن بفرماید:

«السَّخَاءُ خَلْقَ اللَّهِ الْأَعْظَمُ» (3)

بخشندهگی، بزرگ ترین خوی خداوند است.

همچنین فرمودند:

«مَا جَبَلَ اللَّهُ تَعَالَى أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا عَلَى السَّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ» (4)

خداوند همه اولیای خود را بر خمیره سخاوت و رفتار خوش سرشته است.

اگر شخص بتواند به این احادیث ایمان قلبی پیدا کند از آن دوری نمی کند.

ص: 76

---

1- تفسیر جامع 6/200 - کافی 4/41 ح 12

2- کتاب نصابیح 225

3- کنز العمال 15926

4- مجموعه ورام 1/170 - شرح أصول الکافی (صدرا) 1/532 - کنز العمال 16204

لذا فرموده اند:

«هرکس (یقین) بداند خداوند عوض می دهد سخاوتمندانه بخشش کند» (1)

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«..خِيَارُكُمْ سَمَحًا وَكُم..» (2)

بهترین افراد شما، بخشنده‌گانتان هستند.

از حدیث فوق ناگفته پیداست وقتی دین به صالحترین افراد اصلاح می شود و بهترین عباد خدای متعال، بخشنده‌گان باشند، پس دین به جود و سخا پایدار می ماند:

«استواری دین و دنیا چهار چیز است...؛ که یکی از آن بخشنده ای است که در انفاق و بخشش بخل نرزد» (3)

### حقیقت احسان

میخواهیم بدانیم چرا احسان در نزد خدا و بالطبع، پیامبر خدا و اهل البیت (علیهم السلام) ارزش دارد و اصلاً جایگاه آن چیست و چرا به آن سفارش می کنند. بخشنده‌گی در شرع و عرف، گذشتن از حقی است که در ید فرد قرار دارد. اینکه حقی در دست شخص باشد حاکی از آنست که از راه درست بدست آمده و ظلمی را شامل نشده و باطلی آنرا امضاء نموده است. بخشیدن و چشم پوشی نمودن از این شیء مملوک، اعم از مملوس یا غیره بعد از غلبه و

ص: 77

1- غررالحکم 326

2- الکافی (ط - الإسلامیة) 4/41؛ (ط - دارالحدیث) 7/307 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/350؛ 70/307؛ 71/312

3- نهج البلاغه حکمت 372

تملك، نشان از قطع علاقه به آن است. یعنی آنچه انسان مالک می شود (هر چیز دنیوی) و عطای آن به دیگری در راه خدا با نیت احسان، مثبت بریدن از دنیا و متاع آنست. حال در جائیکه انسان، خود به آن متاع نیاز داشته باشد و به دیگری اعم از مومن غیر وابسته (برادر دینی) یا مومن وابسته (مانند همسر و فرزند، پدر و مادر...) عطا نماید، از خودگذشتگی است. جنس این احسان از نوع دیگری است و قطعاً اگر بدون ریا بوده و در راه اطاعت خدا انجام شود، چیز است که خدا و آل الله (علیهم السلام) را خشنود می کند. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

«السَّخَاءُ أَنْ تَسْخُو نَفْسَ الْعَبْدِ عَنِ الْحَرَامِ أَنْ تَطْلُبَهُ فَإِذَا ظَفَرَ بِالْحَلَالِ طَابَتْ نَفْسُهُ أَنْ يَنْفِقَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (1)

بخشندگی آنست که نفس بنده از طلب حرام صرف نظر کند و هرگاه به مال حلالی دست یافت با رضایت خاطر آن را در راه طاعت خداوند -عزَّوجلَّ- انفاق کند.

پس سخاوتمند که محبوب خداست همان مؤمن با ورع و محتاطی است که تمام مسائل حلال و حرام را رعایت نموده، سپس با انفاق در راه خدا به مقامات عالیة بندگی نایل می گردد. شرط صحت سخاوت و جوانمردی بعد از عمل، در کف اذیت است. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

ص: 78

---

1- معانی الاخبار 256 ح 3 - میزان الحکمه 5/259 - وسائل الشیعه 9/18 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/353 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 15/257

«الْفُتُوَّةُ نَائِلٌ مَبْدُولٌ وَ أَدَّى مَكْفُوفٌ» (1)

جوانمردی (به) بخشندگی و نیاززدن است.

حضرت امام صادق (علیه السلام) نیز در جواب سؤال کسی که پرسید جوانمردی چیست؟ فرمودند:

«شاید خیال می کنید جوانمردی به فسق و فجور (گردن کلفتی، دعوا، زورگویی و...) است، هرگز، جوانمردی به سفره انداختن، بذل و بخشش، خوشرویی و پاکدامنی، عزت نفس و آزار نرساندن است و آن (که شما خیال می کنید) لات منشی و هرزگی است» (2)

در ادامه نشانه های شخص جوانمرد و سخاوتمند فرمودند:

«نِظَامُ الْفُتُوَّةِ احْتِمَالُ عَثْرَاتِ الْإِخْوَانِ وَ حُسْنُ تَعَهُّدَاتِ الْجِيرَانِ» (3)

آیین جوانمردی، تحمل لغزشهای برادران دینی و رسیدگی به همسایگان است.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در این باره فرموده اند:

«أَفْضَلُ الْمَرْوَةِ احْتِمَالُ جِنَايَاتِ الْإِخْوَانِ [مِنْ أَفْضَلِ الْمَرْوَةِ صِيَانَةُ الْحَزْمِ]» (4)

ارزشمندترین مردانگی، تاب آوردن در مقابل جنایت و بدیهای برادران و محافظت کردن و نگهداری زیرکی و هوشیاری است.

و بارزترین حالات شخص جوانمرد، معرفت او نسبت به مسائل دینی است

ص: 79

1- غرر الحکم 2170

2- بحار الانوار 69/300 ح9 - میزان الحکمه 9/45

3- غرر الحکم 9999 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 499 - شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم 6/185

4- میزان الحکمه 9/3816 ح18742 و 18745 - غرر الحکم و درر الکلم 822 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 258 - شرح آقا

جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم 2/422



زیرا امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

«لَا تَيْمُّ مَرْوَةَ الرَّجُلِ حَتَّى يَنْفَقَهُ فِي دِينِهِ وَ يَقْتَصِدَ فِي مَعِيشَتِهِ وَ يَصْبِرَ عَلَى النَّائِبَةِ إِذَا نَزَلَتْ بِهِ وَ يَسْتَعْدِبَ مَرَاةَ إِخْوَانِهِ» (1)

مردانگی انسان کامل نمی گردد تا نسبت به دین درک و فهم پیدا کند و در امورات زندگی و مخارج آن میانه رو باشد و هرگاه ناگواریها به سراغش آمد صبر و تحمل نماید و تلخیهای برادرانش را بر خود گوارا نماید.

چون چنین جوانمردانی برای جلب خشنودی حق تعالی از بدیهای یکدیگر می گذرند، به عنوان پاداش مصداق چنین روایتی قرار می گیرند که حضرت امام صادق (علیه السلام) از حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل فرمودند که آن حضرت (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«مؤمنین در سمت راست (عرش) خدا و در محضر نور خدا می باشند، صورتهایشان از برف سفیدتر و از خورشید تابناک تابنده تر است. پس کسی سؤال کرد اینان دارای چه صفاتی هستند؟ در پاسخ فرمودند: اینان کسانی هستند که برای رضای خداوند نسبت بیکدیگر صمیمیت داشته و عشق می ورزیدند» (2)

برای رسیدن به مقام عبودیت، عمل نمودن به دین لازم است. و دین، اعانت و دادرسی از مؤمنین است. برای ترغیب و تشویق خوانندگان گرامی به نیکی و احسان، و پرهیز از بخل و اندوختن مال و ثروت، همینطور پرفایده دانستن فقر، احادیثی را بیان می کنیم، به امید آنکه با فرمایشات نورانی ائمه دین (علیهم السلام)

ص: 80

1- تحف العقول 223- بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/63 - میزان الحکمه 9/3815 ح 18728

2- بحار الأنوار 27/132 ح 127 - مستدرک الوسائل 9/44 ح 10156؛ ترجمه المؤمن: 85

که با بصیرت الهی ممزوج شده است، پرده از چشمان ما برداشته شده، روح و قلب ما با دوری از کثافات دنیوی که همان دارائیه‌ها می‌باشد، در جهت عبودیت رب واحد احد، به تکاپو افتاده، برای نجات خویش قدمی عاقلانه و جوانمردانه در راه خشنودی خداوند برداریم. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«دنیا و روی آوردن دنیا چه زیبا است البته برای کسی که اگر چنین موقعیتی را یافت، خدا را اطاعت کند. کسی که با مردم با زیادی نعمتی که خدا به او بخشیده مواسات نکند؛ روی آوردن دنیا از دست او می‌رود. از زوال نعمت حذر کن، از مال دنیای خود ببخش و عطا کن چرا که صاحب عرش بسیار بخشنده است و نیکی و احسان را چند برابر می‌کند» (1)

## ثروت باعث امتحان

عدم اعانت مردم با اموالی که امانت الهی است باعث زوال نعمت می‌شود کما اینکه در آخرت نیز حسابی بر آن مترتب بوده و عقابی در پی دارد. از روایت قبل می‌توان گریزی زد به مسئله‌شان مؤمنین ثروتمند و اینکه از دیدگاه ائمه اطهار (علیهم السلام) تا چه حدودی می‌توانند از اموال دنیا که امانت خداست، استفاده کنند.

«مَنْ أَكَلَ مَا يَشْتَهِي وَ لَبَسَ مَا يَشْتَهِي وَ رَكِبَ مَا يَشْتَهِي لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ إِلَيْهِ حَتَّى يَنْزِعَ أَوْ يَتْرُكَ» (2)

کسی که هر چه دوست دارد بخورد و هر چه دوست دارد بپوشد و هر چه

ص: 81

---

1- تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) 402

2- التمهیص 34 - تحف العقول 38 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 67/78؛ 74/142

دوست دارد [از مرکب] سوار شود، خدای متعال به او نظر نمی کند مگر اینکه این منش را کنار گذاشته یا ترک کند.

«...مَعَاشِرَ رَشِيعَتِي احْذَرُوا فَقَدْ عَصَيْتُكُمْ الدُّنْيَا بِأَنْبِيَائِهَا تَخْتَطِفُ مِنْكُمْ نَفْسًا بَعْدَ نَفْسٍ كَذِبًا بِهَا وَ.. لَئِنْ أَمْكَنْتَنِي اللَّهُ مِنْهُ لَأَخْضَعَنَّ مِنْهُ خَضَمَ الْبِرِّ وَ لَأُقِيمَنَّ عَلَيْهِ حَدَّ الْمُرْتَدِّ وَ لَأَضْرِبَنَّ الثَّمَانِينَ بَعْدَ حَدِّ..» (1)

ای گروه شیعیان؛ سخت بر حذر باشید! همانا دنیا شما را با دندانهای نیش خود گاز گرفت و همچون گرگهایش یکی بعد از دیگری شما را دزدید... به من خبر رسیده که مردی از ساکنان مدائن، پس از مسلمان شدن، از کافران پیروی کرده و جامه ای از خیاطخانه مهتر آن شهر برگرفته، و بامداد خود را به مشکدانهایش خوشبو کرده و شامگاهش را به عود هندی معطر نموده و پیرامونش را گل و بوستانی فراگرفته و آنرا می بوید؛ فرشهای رومی را بر تختهای خود گسترانیده است. در پیرامون او پیر مردی است که از فرط پیری بر زمین می خزد و یتیمی است که از بدحالی و شدت گرسنگی به خود می پیچد اما او (حتی) از پسمانده های غذای تلخش به وی نمی دهد.

اگر خداوند مرا بروی مسلط فرماید، همچون گندم می کوبمش و بر وی حد مرتد جاری می کنم و سپس هشتاد تازیانه می زنمش..

گذشته از آن، برای برادران تهیدست در اموال برادران ثروتمند حقی است. چگونگی ادای این حقوق نیز خود بحثی است. از سوی دیگر صبر فقیر بر فقر خود و گرامی داشتن این موهبت نیز در احادیث وارد شده است. عدم عطای مال و متاع دنیوی برای خوار کردن شخص نیست. هر کدام از

ص: 82

موقعیتهای ثروت و فقر برای امتحان بندگان مقرر شده و پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) در حقیقت این مطلب فرمودند:

«الْفَقِيرُ عِنْدَ الْغَنِيِّ فِتْنَةٌ وَالضَّعِيفُ عِنْدَ الْقَوِيِّ فِتْنَةٌ» (1)

تهیدست برای توانگر مایه آزمایش است و ناتوان برای توانمند.

اگر دنیا به مؤمنی رو کرد و درب وسعت روزی برایش باز و نعمت به سویش سرازیر شد، آیا مجاز است هر طور خواست از امکانات موجود استفاده کند؟ جواب طبق روایات و دلایل عقلی، مثبت است اما به شرط اینکه استفاده از اموال دنیا برای حفظ شأن بوده و در حدودی نباشد که برادران دینی او در فشار قرض، تنگدستی و بی خانمانی، هر روز از غصه هزار بار بمیرند و او حبس مال یا تبهذیر آن نماید. یا بر اثر اغفال و گمراهی شیطان تحت عنوان «شأن» در دادرسی از مومنان تقصیر نمایند.

پس از بیان این چند روایت، برای مؤمنین ثروتمند جای تأمل و تفکر است که انصاف را رعایت نموده و فرمایشات گهربار ائمه اطهار (علیهم السلام) را سیره و روش زندگانی خود قرار دهند. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«خداوند مال فراوانی به کسی عطا نمی کند، جز آن که حجت بزرگی بر او تمام کند اگر بتوانید، از نفس خود حجت پروردگار را دفع کنید.

راوی عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! به چه چیز آنها را دفع کنیم؟

فرمودند: به برآوردن حاجات برادران دینی خود با دادن بعضی از اموال به آنان و نیکی کردن با همسایگان، و عطا کردن بر اشخاصی که شکر و سپاس

ص: 83

شما را به جا می آورند اگر این طور معامله کنید، مستوجب ازدیاد نعمت شوید، سپس آیه شریفه 7 از سوره مبارکه ابراهیم را تلاوت نمودند.

(وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ) (1)

«وقتی که خداوند اعلام فرمود: اگر سپاسگزار نعمت های من باشید بر نعمت شما می افزایم، و چنانچه ناسپاسی کنید، شما را به عذاب سخت گرفتار خواهم ساخت»

حضرت امام صادق (علیه السلام) از استناد به این آیه شریفه، سپاس نعمت خداوندی را قصد نموده اند و خواست پروردگار را که انفاق است، بیان می نمایند. به نوعی انفاق همان شکر نعمت است. سپاس از نعمتهای خداوند باید با احسان به برادران تهیدست صورت گیرد و در قبال کاهلی در امر انفاق که همان ناسپاسی از نعمتهای الهی بشمار می آید سخنانی فرموده اند و عواقب ناشی از آن را زوال و نابودی دانسته اند:

«کسی که نعمتهای فراوان خدا به او روی کرد نیازهای فراوان مردم نیز به او روی آورد. پس اگر صاحب نعمتی حقوق واجب الهی را پردازد، خداوند نعمتها را بر او جاودانه سازد، و آنکس که حقوق واجب الهی را در نعمتها پردازد، خداوند آن را به زوال و نابودی کشاند» (2)

پس با برآورده شدن حاجات و رفع گرفتاریهای مستمندان واقعی، حقوق الهی پرداخت می گردد. برای توضیح بیشتر این حق الهی به این روایت توجه بفرمایید:

ص: 84

---

1- تفسیر جامع 3/508 - امالی شیخ طوسی (رحمة الله) 1/309

2- نهج البلاغه حکمت 372

«مردی به حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) عرض کرد: چگونه انسان از خودش حساب بکشد؟ فرمودند: خطاب به نفس بگوید: در این روز گذشته چه عملی انجام داده ای؟ آیا در یاد خدا بوده ای و حمد و سپاس نعمتهای او را بجا آورده ای؟ آیا حق برادر دینی خود را ایفا نموده ای؟ آیا گرفتاری او را برطرف کرده ای؟ در نبود او مراقب و سرپرست خانواده و فرزندانش بوده ای؟ آیا بعد از مرگ او در فکر بازماندگانش بوده ای؟ و با استفاده از موقعیت و قدرت خود از غیبت و بدگویی او جلوگیری کرده ای؟ آیا برای کمک و یاری مسلمانی قدمی برداشته ای؟» (1)

شیخ طوسی (رحمة الله) در کتاب امالی، از فضیل بن اسحاق همدانی روایت می کند وقتی حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، محمد بن ابوبکر را والی مصر نمود، نامه ای برای مردم مصر نوشته و به او داد و امر فرمود که هنگام ورود آن را برای آنها قرائت کند. اینک جمالاتی از نامه مزبور که درباره آیه 32 سوره اعراف نوشته شده بود:

«چه کسی زینتهای خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرد؟ و از رزق حلال و پاکیزه منع نمود؟ بگو این نعمتهای موجود در دنیا، برای خاصه اهل ایمان است، آیات خود را برای اهل دانش، روشن بیان میکنیم. پس حضرت (علیه السلام) فرمودند: ای بندگان خدا بدانید پرهیزکاران، خیر دنیا و آخرت را جمع می کنند و اهل دنیا در دنیای شما شرکت دارند ولی در آخرت شما نمی توانند شریک باشند. خداوند تمام نعمت خود را بر شما حلال نموده، و شما را از نعمتهای خود غنی و بی نیاز گردانیده و به پیغمبرش (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده که

ص: 85

به مردم بگو: چه کسی زینت خدا، غذاها و طعامهای لذیذ را که برای مردم آفریده، حرام نموده است؟ تمام این نعمتها در واقع برای اشخاصی که در دنیا اهل دین و ایمان هستند می باشد. شما در مجلترین و عالیترین خانه ها سکونت کنید و از بهترین غذاهای لذیذ، نیکو و پاکیزه تناول نماید و با بهترین و زیباترین زنها ازدواج کنید و از بهترین مرکب سواری استفاده نماید و با اهل دنیا بالاترین خوشی و لذت را ببرید. و فردای قیامت هم در جوار رحمت حق (بهشت) خواهید بود. مشروط به آن که با تقوا باشید و دستورهای پیغمبر خود را رعایت و عمل کنید و ذریه و اهل بیت او را احترام نمایید. خدا را به بهترین وجه پرستش نمایید و شکر و سپاس او را به جا آورید و صبر و بردباری و نیکویی نمایید و در راه حق کوشش و مجاهدت فراوان کنید...» (1)

هر چند که سراسر این کتاب طبق روایات در اثبات دادرسی به وسیله اموال مؤمنین ثروتمند است و هیچکدام از این روایات نیازی به توضیح ندارند ولی برای آگاهی و فهم بهتر بعضی از فرازهای سخنان حضرت، لازم است آن شروطی را که ذکر فرموده اند، مورد بررسی قرار گیرد:

اول: «اهل تقوا» باشید؛ طبق روایات متقین کسانی هستند که مواسات با برادران را رعایت می کنند. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«وَفَصْنَاءُ حُقُوقِ الْإِخْوَانِ أَشْرَفُ أَعْمَالِ الْمُتَّقِينَ» (2)

ادای حقوق برادران، برترین اعمال متقیان است.

ص: 86

---

1- تفسیر جامع 3/495 - برهان 2/12 ح 10

2- جامع الاخبار 252 ح 650 - میزان الحکمه 1/12 - التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری (علیه السلام) 321 - وسائل الشیعة 16/222 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/229؛ 72/414

دوم: رعایت دستورات پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است که در همین کتاب در اعانت برادران مستمند از ناحیه پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فراوان آورده شده است که امر به دادرسی کرده اند»

از سماعة (بن مهران) نقل شده است که از حضرت امام باقر (علیه السلام) سؤال کردم درباره گروهی که وسایل اضافی دارند در حالی که برادرانشان سخت نیازمندند، آن گروه زکات ندارند که برادرانشان را سیر و از آنان رفع نیاز کنند.

حضرت فرمودند: «مسلمان برادر مسلمان است، نه به او ظلم می کند و نه ذلیل و محرومش می نماید. وظیفه مسلمانان است که با مهربانی برای رفع نیاز آنان تلاش کنند و با آنها مواسات داشته باشند، مهر و محبت ورزی شما نسبت به ایشان یک وظیفه الهی است. بر یکدیگر مهربان و دلسوز باشید، همان طور که گذشتگان از انصار در زمان حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) چنین بودند» (1)

سوم: «خدا را به بهترین وجهی پرستش کنند»

در اوایل این کتاب، چند روایت آمده است که به دو تا از آنها اکتفا می کنیم:

«به هیچ چیزی خداوند به مانند دادرسی از مؤمنین عبادت نگشته است»

«کسی که مؤمنی را یاری کند مانند آنست که تمام عمر خدمت (عبادت) خدا نموده است»

در این امر الهی باید شتاب نمود که حضرت امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمودند:

ص: 87



«تَنَافَسُوا فِي الْمَعْرُوفِ لِأَخْوَانِكُمْ» (1)

در نیکی رسانیدن به برادران خود با یکدیگر مسابقه بگذارید و اهل نیکی باشید، زیرا در بهشت دریست بنام «معروف» (به معنی نیکی و احسان)، جز کسی که در زندگی دنیا نیکی کرده باشد داخل آن نمی شود.

چهارم: فرموده اند «شکر خدا» را بجا بیاورید که در روایت است «بهترین نوع شکرگزاری از دارائیهای دنیا، انفاق کردن آنست».

پنجم: «صبر، بردباری و نیکویی» کنید که بهترین نیکیها، احسان نمودن به مؤمنین است.

حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«أَنْتَ الْتَّاسِ سُكَا أَنْصَحُهُمْ جَيِّبًا وَأَسْلَمَهُمْ قَلْبًا لِجَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ» (2)

عابدترین مردم آن کسی است که نسبت به مردم خیرخواه تر از دیگران و نسبت به تمام مسلمین قلب سلیم و با صفاتر، داشته باشد.

ششم: «مجاهدت» فراوان کنید.

و کدامین تلاش و مجاهدت در راه خدا بالاتر از دادرسی از ضعفاست؟ که طبق روایات فرموده اند:

«کسی که در راه برآوردن حاجت برادر مؤمن خود بکوشد، چنانست که نه

ص: 88

- 
- 1- اصول کافی 2/195 - الکافی (ط - الإسلامية) 2/195؛ (ط - دارالحدیث) 3/499 - الوافی 5/661؛ 10/451 - وسائل الشیعة 16/359 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/328
- 2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/163؛ (ط - دارالحدیث) 3/418 - وسائل الشیعة 16/340 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة 5/603 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول 9/2 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/338 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/387

هزار سال با روزه گرفتن و شب زنده داری خدا را عبادت کرده است» (1)

آری شأنیت حدودی دارد و استفاده از اموال که امانت خداست جایز است، اما مشروط به فرمانهای الهی که از لسان الله جاری می گردد. پس طبق فرمایش حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) برای مومن جایز است و باید هم استفاده های مطلوبی از دنیا ببرد و لکن این فرمایش را که امر الهی است، باید مراعات نمود. حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«بدانید هرگاه ثروت و نعمت شما فراوان شد تکالیف و واجبات (دادرسی از ضعفاً) بر شما زیاد می گردد و حقوق بسیاری به گردن شما بار می شود» (2)

حال که دانسته شد توانگران شیعه در مقابل مستمندان مکتب تشیع مورد امتحان قرار گرفته اند تا با رعایت آن بهشت را کسب کنند، روایاتی را که این مسئولیت را برای متمکنین واجب ساخته است، عنوان می داریم تا با تعمق و تدبیری عاقلانه، خود را با اعانت ضعفای شیعه و مراعات احوالات و حق آنها، مستحق بهشت گردانند. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مِيسِيرُ شِيعَتِنَا أَمْنًاؤُنَا عَلَى مَحَاوِرِهِمْ فَأَحْفَظُونَا فِيهِمْ يَحْفَظْكُمْ اللَّهُ» (3)

توانگران شیعیان ما امین ما هستند بر محتاجان آنها، رعایت حق ما را نسبت به آنها بکنید تا خدا شما را رعایت کند.

خوشا به حال مؤمن متمکنی که توفیق اعانت برادران خویش را یافت تا

ص: 89

1- بحار الأنوار 74/315 ح 72

2- تفسیر جامع 1/431 - نورالثقلین 1/171

3- الکافی (ط - الإسلامية) 2/265؛ (ط - دارالحدیث) 3/660 - الوافی 5/794 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (علیهم السلام) 9/371 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/27

بدین سبب خداوند نیز رعایت او را در دنیا و آخرت بنماید. پس می بایستی در این امر الهی شتاب نمود.

مومنی [متمکن] می تواند قرب خدای متعال را بدست آورد که باور قلبی وی در دین به کمک او آمده و آیات قرآن، و احادیث نبوی و ائمه اطهار (علیهم السلام) را چراغ هدایت خویش ساخته، بدانها عمل نماید. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«بهترین شما مردم، کسانی هستند که با سخاوتند و شدیدترین شما بخیلان باشند و از ایمان خالص است نیکویی کردن با برادران و برآوردن حاجات آنها و خداوند خوبی نمودن به برادران را دوست می دارد و با این عمل، بینی شیطان به خاک مالیده می شود و سبب خلاصی از دوزخ و داخل شدن در بهشت است» (1)

مقام خدمتگزاری خداوند که همان خدمت به خلق است، برای شخص خیر ثبت می گردد. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«الْمُؤْمِنُونَ خَدَمَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ [قال جميل] قُلْتُ وَ كَيْفَ يَكُونُ خَدَمًا بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ قَالَ يَفِيدُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا» (2)

مؤمنان خدمتکار یکدیگرند. راوی گوید: عرض کردم: چگونه خدمتکار یکدیگرند؟ امام (علیه السلام) فرمودند: به حال یکدیگر مفید واقع می شوند.

پس می بایستی عمل نمود به فرمان حضرت امام صادق (علیه السلام) که فرمودند:

ص: 90

---

1- تفسیر جامع 7/126 - کافی 4/41 - امالی طوسی (رحمة الله) 1/65

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/167؛ (ط-دارالحدیث) 3/428 - الوافی 5/555 - وسائل الشیعة 27/87 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (علیهم السلام) 9/15 - بحار الأنوار (ط-بیروت) 71/226

«شب و روز در برآوردن نیازهای برادرت بکوش» (1)

و نیز حضرت امام باقر (علیه السلام) که فرمودند:

«أَفْضَلُهُمْ فِيهِ أَحْرَصُكُمْ عَلَى الرَّغْبَةِ فِيهِ» (2)

با فضیلت ترین شما کسی است که حریص و راغب در رفع مشکلات دیگران باشد.

حضرت امام صادق (علیه السلام) مطلبی فرمودند که میتوان در ترغیب نفس به این امر نیک از آن بهره برد:

«هرکه خانه خدا را طواف کند شش هزار حسنه برای او نوشته و شش هزار سیئه از گناهان او محو می شود و شش هزار درجه بلند مرتبه می شود (امتیاز می یابد) و شش هزار حاجت او برآورده می شود و چون به نزدیک ملتزم (موضعی کنار دیوار خانه) رسد هشت در بهشت برای او گشوده می شود.

راوی عرض کرد: فدای شما شوم! این همه فضیلت همه در طواف است؟

فرمودند: آری، آیا تو را به بهتر از این آگاه کنم؟! برآوردن حاجت مسلمانی (مؤمن) از ده طواف افضل است» (3)

ثواب اعانت برادران مؤمن حد و حساب ندارد و روایات زیادی در این مورد بیان شده است. حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«برآورده کردن حاجت برادران مؤمن از آزاد کردن هزار بنده و آماده کردن هزار اسب برای جهاد در راه خدا بهتر است و در نزد خدا از بیست حج که

ص: 91

---

1- بحار الانوار 77/251

2- ترجمه المؤمن 89 - مستدرک الوسائل 9/42 ح 10152 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/211

3- وسائل الشیعه 8/215

صاحب آن در هر حجی صد هزار دینار در راه خدا انفاق کرده باشد بهتر و محبوب تر است» (1)

فکر در هر یک از اینها برای اهلش بهت انگیز است. بر آوردن حاجت برادر مومن باید نزد حق تعالی ارزش عجیبی داشته باشد که آنرا از تحریر هزار بنده و تجهیز هزار مرکب برای جهاد در راه خویش فراتر بداند یا افضل از ده طواف قلمداد کند که هر طوافی آنهمه در رفع درجه (2) و ثبت حسنه و دفع سیئه و.. موثر است.

«هر مؤمنی که حاجتی به نزد برادر خود آورد به راستی این رحمتی است که به سوی او آمده است و اگر آن حاجت را با وجود قدرت او بر قضای آن رد کند، در واقع رحمتی که از سوی خدا آمده بود رد کرده است» (3)

«ثَلَاثُ خِصَالٍ تَجْتَلِبُ بِهِنَّ الْمَحَبَّةَ الْإِنْصَافُ فِي الْمُعَاشِرَةِ وَالْمُوَاسَاةُ فِي الشَّدَّةِ وَالْإِنْطِوَاعُ وَالرُّجُوعُ إِلَى قَلْبِ سَلِيمٍ» (4)

سه خصلت است که جلب محبت (ائمه اطهار (علیهم السلام)) می کند؛ انصاف در معاشرت؛ مواسات در سختی و بازگشت به قلب سلیم.

آنگاه در توضیح این سه شرط می فرمایند:

«انصاف یعنی آنچه که برای خود نمی پسندی برای دیگران نیز نپسند.

مواسات یعنی با برادران دینی به مساوات، برابری، احترام و تکریم برخورد

ص: 92

---

1- محجة البيضاء 2/238

2- بالا بردن درجه

3- بحار الانوار 77/226

4- كشف الغمة في معرفة الأئمة (ط - القديمة) 2/349 - بحار الأنوار (ط بيروت) 75/82

قلب سلیم، یعنی دلی که از محبت‌های دنیا تهی گردد»

اما در مورد مواسات با برادران و مسئله انصاف، حضرت امام محمدبن علی، باقر العلوم (علیهما السلام) فرمودند:

«برادر مسلمان خود را دوست بدار و آنچه برای خودت می خواهی برای او بخواه و آنچه برای خود نمی پسندی برای او هم نپسند، هنگامی که احتیاج داشتی از او بگیر و هر وقت از تو خواست به او بده و هیچ نوع خوبی از او دریغ مدار که او هم از تو خودداری نکند پشتیبان و تقویت او باش که او هم قوت دهنده توست. اگر حاضر نبود، آنچه مربوط به اوست را حفظ کن و اگر حاضر بود به دیدنش برو و احترامش کن، که او از تو و تواز او بی. اگر از تو ناراحت شد از او جدا مشو تا اینکه ناراحتی او را از دلش بیرون کنی و اگر خیری به او رسید خدا را سپاس کن و اگر بلایی به او رسید کمکش کن و فکری به حالش کن» (1)

امداد و اعانت نسبت به برادران دینی، مستلزم ایمان قوی است که به واسطه معرفت و آگاهی بدست می آید. با راهنماییهای امامان معصوم (علیهم السلام) هر کسی می تواند از این نعمت الهی (اموال) به عنوان بهترین ابزار و وسیله برای فراهم ساختن سعادت خویش در دو سرا، استفاده کند.

## اموال مال خداست

حال برای آسان شدن و هضم مسئله امتحان، باید بررسی کرد که مومن تا

ص: 93

چه اندازه صاحب اختیار مال و ثروت خویش است؟ و این فرموده ائمه معصومین (علیهم السلام) که: خداوند این مال را نداده به شما مگر برای امتحان کردن در برابر فقرا یعنی چه؟ پس اول باید دید آیا این مال از آن مومن است یا خدا؟ حضرت امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

«الْمَالُ مَالُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهُ وَدَائِعَ عِنْدَ خَلْقِهِ...» (1)

اموال از آن خدا است و آنها را نزد مخلوقاتش به امانت نهاده است...

اگر این مال از آن خدا و بنده به عنوان امانتدار و خزینه دار خداست، آیا بدون اجازه و به هر مقدار و طریقی می تواند برای خود خرج کند؟ امام معصوم (علیه السلام) در ادامه روایت بالا می فرمایند:

«خداوند فرمانشان داده که از آن (مال) با میانه روی بخورند و با میانه روی و اعتدال بنوشند و بپوشند و با میانه روی ازدواج کنند و با حدّ اعتدال وسیله ای سواری بخرند و سوار شوند (معتدل و به اندازه ضرورت که خالی از تزویر، طمع و حب دنیا است از این وسایل استفاده گردد) بیش از آن را به مؤمنان نیازمند ببخشند. (نکته بسیار مهم) هرکه از این حدّ (اعتدال و میانه روی) فراتر رود، آنچه از آن مال می خورد حرام است و آنچه می نوشد حرام و آنچه می پوشد حرام و آنچه به وسیله آن مال ازدواج می کند حرام و آنچه سوار می شود حرام است» (2)

حضرت امام صادق (علیه السلام) برای افراد اهل ایمان و مخلص در ولایت که

ص: 94

---

1- بحار الانوار 103/16 ح 74 - غرر الأخبار 424 - أعلام الدین فی صفات المؤمنین 269 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 100/16

2- بحار الانوار 103/16 ح 74

درصد رهایی از محبت‌های دنیا و پیروی از سیره و فرمایشات معصومین (علیهم السلام) می باشد، می فرماید:

«فکر می کنی خداوند که به کسی چیزی داده به خاطر این است که در پیشگاه او احترام دارد و به کسی که چیزی نداده برای این است که در نظر او خوار و بی مقدار است؟ نه بلکه اموال از آن خداست که نزد انسان به امانت می گذارد و به ایشان اجازه می دهد که با رعایت میانه روی بخورند و بپوشند و ازدواج کنند و وسیله سواری بخرند و سوار شوند (و یعودوا بما سوی ذلک علی فقراء المؤمنین) و مازاد بر آن را به مؤمنان نیازمند بدهند و بدین وسیله آنها را از پریشانی برهانند پس هر که این چنین عمل نماید (پس از حد اعتدال مابقی را در راه دادرسی مؤمنان انفاق نماید) آنچه می خورد و می نوشد و سوار می شود و ازدواج می کند حلال است و هر که از این حد تجاوز کند بر او حرام باشد.»

{.. لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ } (1)

«اسراف نکنید که خداوند اسرافکاران را دوست ندارد»

سپس امام می فرماید: آیا خیال می کنی خداوند متعال مالی را به امانت به کسی داده (نکته بسیار مهم) او حق دارد اسبی را به ده هزار درهم بخرد، در حالی که اسب بیست درهمی هم برایش کافی است، یا کنیزی را به هزار دینار بخرد، در صورتی که کنیز بیست دیناری هم او را کفایت می کند. حال آنکه خداوند فرموده است (اسراف نکنید...) (2)

هر چند شاید این فرمایشات، برای بعضی از مردم ثقیل و سنگین باشد،

ص: 95

---

1- سورة مبارکه انعام آیه شریفه 141 - سورة مبارکه اعراف آیه شریفه 31

2- بحار الانوار 79/304 ح 17 - میزان الحکمه 11/182



ولیکن باید قبول کرد که تمامی اموال متعلق به خداوند است و فقط برای امتحان به بعضی از خلائق عنایت کرده است. در راستای کاهلی در احسان و دادرسی از برادران دینی، حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ كَانَ لَهُ دَارٌ وَ احْتِاجَ مُؤْمِنٍ إِلَى سَكْنَاهَا فَمَنْعَهُ إِيَّاهَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَلَأْتُكَ بِخِلِّ عِبْدِي عَلَى عِبْدِي بِسَكْنِي الدُّنْيَا لَا وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي لَا يَسْكُنُ جَنَانِي أَبَدًا» (1)

هرکه خانه ای داشته باشد و مؤمنی به سکونت در آن نیازمند باشد و او آن را از وی دریغ دارد خداوند عزّ و جلّ فرماید: فرشتگان من! بنده ام از سکونت دادن بنده (مؤمنم) در دنیا بخل ورزید به عزّتم سوگند که هرگز در بهشت من سکونت نکند.

همچنین فرمودند:

«مَنْ بَنَى فَوْقَ مَسْكِنِهِ كُفَّ حَمَلُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (2)

هرکس بنایی بیش از نیاز سکونتش بسازد، در روز قیامت مکلف به حمل آن می شود.

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«هر کس خانه ای برای ریا و آوازه بنا کند که مردم ببینند و بشنوند روز قیامت آن خانه را تا طبقه هفتم زمین آتشی میکنند فروخته و در گردن او اندازند پس او را در دوزخ افکند و چیزی او را در قعر جهنم نگه نمی دارد مگر آنکه توبه

ص: 96

- 
- 1- بحار الأنوار 74/389 ح 1 - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: ترجمه حسن زاده 726 - عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة 1/344 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/389
- 2- المحاسن 2/608 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 73/150 - الحیة: ترجمه احمد آرام 6/255

کند، پرسیدند یا رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) برای ریا و سمعه ساختن چه معنا دارد فرمودند یعنی زیاده از قدر حاجت بسازد بر آنکه بر همسایگانش زیادتی کند و با برادرانش فخر و مباحات ورزد»

حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«أَيُّمَا مُؤْمِنٍ حَبَسَ مُؤْمِنًا عَنْ مَالِهِ وَهُوَ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ لَمْ يَذُقْ وَ اللَّهُ مِنْ طَعَامِ الْجَنَّةِ وَلَا يَشْرَبُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ» (1)

هر مؤمنی که برادر مؤمن نیازمند خود را از مال خویش محروم کند خداوند به او طعم خوراک بهشت را نچشانند و از شراب ناب سر به مهر ننوشد.

البته امیدواریم همه مومنان متمول تحت عنایات ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از زیاده روی دوری کرده و از اسراف پرهیز نمایند؛ گرد حرص و طمع بر ایمان ایشان ننشسته و تدبیری صحیح درباره امانات الهی پیشه کنند. وسوسه شیطان (لعنت الله علیه) هست و نفس نیز در بیشتر اوقات امر به بدی می کند. (2) اما با توکل بر پروردگار و پیروی از دستورات ائمه هدی (علیهم السلام)، رهائی از محبت دنیا را روزی خود نموده، عقل سلیم را مانعی در برابر تزویر و فریب دنیا قرار دهند. ریشه چنگال وسوسه در محبت به دنیاست و ایشان با عنایت به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دنیا را پلی برای آخرت خویش می نمایند.

{..وَلَا تَسَّ نَصِيْبِكَ مِنَ الدُّنْيَا..} (3)

ص: 97

---

1- ثواب الاعمال 286 ح 2 - میزان الحکمه 3/252 - المحاسن 1/100 - وسائل الشیعة 16/389 - بحار الأنوار (ط - بیروت)

72/314

2- {..إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي..} سورة مبارکه یوسف آیه شریفه 53

3- سورة مبارکه قصص آیه شریفه 77

نصیب انسان از دنیا، مطامع دنیوی نیست بلکه تجارت دنیا برای ابتیاع آخرت است. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«مردم در دنیا دو دسته اند: یکی آن کس که در دنیا برای دنیا کار می کند و دنیا او را از آخرتش باز داشته، و دیگری آن که در دنیا برای آخرت کار می کند (نکته قابل توجه) و نعمتهای دنیا نیز بدون تلاش به او روی می آورد پس بهره دو جهان را چشیده و مالک هر دو جهان می گردد و با آبرومندی در پیشگاه خداوند متعال، حاجتی را از خدا درخواست نمی کند مگر آنکه روا می گردد» (1)

حضرت امام باقر (علیه السلام) از قول حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«روز قیامت شخصی را احضار می کنند و به او می گویند: دلیل و حجت خود را برای گرفتن پاداش بگو. عرض می کند: خدایا مرا آفریدی و هدایت و راهنمایی فرمودی و به من توسعه در زندگی عنایت کردی من هم مرتب و همیشه بر بندگان و خلق تو توسعه می دادم و بذل و بخشش نموده و مشکلات آنها را برطرف می ساختم به این امید که تو هم امروز رحمتت را شامل حال من فرموده و مشکلات امروز را بر من آسان نمائی خداوند متعال می فرماید: بنده من راست می گوید او را به بهشت ببرید» (2)

داشتن مال یا جمع آوری آن نزد حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به حدی مذموم بود که به ابوذر (رحمة الله) فرمود:

«خوش ندارم به اندازه کوه احد طلا داشته باشم و سه شب بگذرد و دیناری از

ص: 98

آن، نزد من باقی بماند جز چیزی که برای پرداخت وامی نگه دارم، مگر اینکه از راست و چپ و پشت سر به بندگان خدا بذل و بخشش کنم.

ثروتمندان در روز قیامت تهیدستند مگر کسی که از راست و چپ و پشت سر خود، بذل و بخشش کند و کارهای خیر انجام دهد و اینان اندکند» (1)

موحدان حقیقی در عین حالی که در دنیا مشغول به کار و تلاشند ولی دل از حب آن کنده، هدف و نیتی جز جمع کردن توشه برای آخرت ندارند و در کوشش برای امرار معاش به قدر ضرورت، نهایت احتیاط را مبذول می دارند، چنانکه در وصفشان فرموده اند:

«اگر یکی از اینان سنگ داغ و تفتیده ای را گاز زند برایش آسانتر از این است که درهمی از غیر حلال به دست آورد، یا آن را تا زمان مرگ خود بیاندوزد و حق و حقوقش را نپردازد. اینها کسانی هستند که اگر (درباره دارائیشان) با دقت حسابرسی شوند به عذاب گرفتار آیند و اگر بخشوده شوند از عذاب جان سالم به در برند» (2)

بنابراین از فرمایشات ائمه معصوم (علیهم السلام) دریافت می شود که مؤمن عاقل ثروتمند، نباید به وسیله وساوس شیطانی و با در میان آوردن مسئله شأنت، از امور و گرفتاریهای برادران مؤمن غفلت نماید. چه خوب است هم خود استفاده کند و هم از مازاد آن به جای ذخیره برای این دنیای فانی، در راه رفع گرفتاری مؤمنان استفاده نماید. (3) مؤمنین که امت واقعی پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم)

ص: 99

---

1- مجموعه ورام 1/177 - شرح نهج البلاغه لابن ابي الحديد 19/240 - الحیاة 5/709

2- اعلام الدین 341 ح 29 - میزان الحکمه 11/172

3- جهت آگاهی و رهایی از حب دنیا و مال اندوزی، به کتاب "دنیا" از همین نویسنده مراجعه شود.

می باشند، دارای نشانه هائی هستند. حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند:

«فَلَا يَجْبُونَ جَمْعَ الْمَالِ وَادِّخَارَهُ وَلَا يَسْعَوْنَ فِي اقْتِنَائِهِ وَاحْتِكَارِهِ» (1)

جمع آوری و اندوختن ثروت را دوست ندارند و در به دست آوردن و احتکار آن نمی کوشند.

چنانچه مومن، فرمایشات معصومین (علیهم السلام) را بکار بست و به بصیرت در دین رسید، دنیا را جز برای کسب آخرت نمی بیند و از حرص و ولع اندوختن دور می گردد. چنانکه پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) درباره مومنین حقیقی فرموده اند:

«اندوختن را دوست ندارد»

و در ادامه می فرمایند:

«وَأَيْنَمَا رَضَّاهُمْ مِنَ الدُّنْيَا سَدُّ جَوْعَةٍ وَسَتْرٌ عَوْرَةٍ وَغِنَاهُمْ مِنْهَا مَا بَلَغَ بِهِمُ الْآخِرَةَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْآمِنُونَ الَّذِينَ { لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ }» (2)

بلکه از دنیا به سدّ جوعی و پوشیدن لباسی و توانگریشان در دنیا همان مقداری است که آنها را به آخرت برساند اینان همان ایمن شدگانی هستند که بیم و اندوهی به ایشان نمی رسد.

ظاهراً این دسته همان زاهدان در دنیا هستند که به اندک روزی اکتفا می کنند. اما گروه دیگر از این امت، بنا به فرمایش پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) که در ادامه می فرمایند:

«جمع کردن مال را از پاکیزه ترین و نیکوترین راه هایش (از راه حلال) دوست

ص: 100

1- عدة الداعی و نجاح الساعی 102 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/184

2- عدة الداعی و نجاح الساعی 102 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/184؛ 100/23 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 13/18

دارند، (و برای این عمل مقصود و هدف عالی را که همانا کسب رضایت خداست دنبال می کنند)

طلب دنیا از سوی ایشان از روی حرص و ولع و حبّ دنیا نیست. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمودند:

«نِعْمَ الْمَالُ الصَّالِحِ لِلرَّجُلِ الصَّالِحِ» (1)

چه نیکو است مال شایسته و صالح برای مرد صالح.

حضرت امام صادق (علیه السلام) دنیا را حتی در جانی، نیکو و محل پیشرفت دانسته اند البته زمانی که مال دنیا برای رسیدن به آخرت مصرف شود، ممدوح است.

«نِعْمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ» (2)

چه نیکو یاری است مال دنیا برای آخرت.

زمانی که انسان برای آخرت خویش گام بردارد حتی اگر توان وی اقتضاء نکند، چون نیت خیر داشته و در کار خیر شتابان است، خدای متعال نیز به یاری وی می شتابد. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«..وَالْمُحْسِنُ مُعَانَ..» (3)

فرد نیکوکار یاری می شود.

ص: 101

---

1- تنبيه الخواطر 1/158 - ميزان الحكمه 11/152 - مجموعة ورام 1/158 - الحياة: ترجمه احمد آرام 4/163 - لسان العرب 12/588

2- کافی 5/72 ح 8 - الأصول الستة عشر (ط - دار الحديث) 263 - الكافي (ط - الإسلامية) 5/72؛ (ط - دار الحديث) 9/526 - الوافي 17/40 - وسائل الشيعة 17/30

3- الكافي (ط - الإسلامية) 6/187؛ (ط - دار الحديث) 12/40 - مستدرک الوسائل و.. 13/156 - غرر الحكم 191

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ } (1)

«ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر خدا را یاری کنید، یاریتان می کند و قدمهایتان را استوار میکند [یکی از جاهائی که انسان نیاز به ثبات قدم دارد صراط در قیامت است]»

### حق معلوم

احسان به تهیدستان و انفاق از مال به نوعی همان «حق معلوم» است و این حق را از حقوق واجبی مثل زکات و خمس، جدا دانسته اند. خداوند در قرآن مجید می فرماید:

{ وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ } (2) \* { وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ \* لِّلْسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ } (3)

«و در اموال آنان حقی برای سائل و محروم است» \* «آنان که در اموالشان حقی است معلوم \* برای سائل و محروم»

حضرت امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرماید:

«خداوند -عزّ و جلّ- در دارائیهای توانگران بجز زکات حقوق دیگری را واجب و مقرر کرده و فرموده است «آنان که در اموالشان حقی است معلوم» بنابراین حق معلوم و معین که چیزی جز زکات می باشد، آن است که هرکس وظیفه خود می داند از مالش بپردازد. او باید به اندازه توان و وسع مالی که دارد، «آن مقدار را بر خود واجب شمارد»، و بسته به میل خودش، فی کل یوم، و ان شاء

ص: 102

---

1- سوره مبارکه محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) آیه شریفه 7

2- سوره مبارکه ذاریات آیه شریفه 19

3- سوره مبارکه معارج آیات شریفه 24 و 25

فی کلّ جمعه، و ان شاء فی کلّ شهر، هر روز یا هر جمعه یا هر ماه بپردازد» (1)

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«الْمَالُ يَنْفَعُكَ حَتَّى يَفَارِقَكَ» (2)

دارایی (در صورتی که در راه خدا انفاق گردد،) تو را سود رساند تا اینکه از تو جدا شود.

در اهمیت انفاق نیز فرمودند:

«..اتْرُكُ مِنَ الدُّنْيَا مَا بِكَ الْغِنَى عَنْهُ..» (3)

آنچه از دنیا که نیازی به آن نداری را ترک کن (انفاق کن).

روزی، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) درهمی (پولی) را در کف دست مبارک گرفتند و خطاب به آن پول فرمودند:

«تو تا موقعی که در دست من هستی برای من سودی نخواهی داشت آن موقعی که از دستم خارج شوی (در راه خدا انفاق گردی) برای من

منفعت خواهی داشت» (4)

در جای دیگر فرمودند:

«إِنَّ إِعْطَاءَ هَذَا الْمَالِ قَنِيَةٌ وَإِنَّ إِمْسَاكَهُ فِتْنَةٌ» (5)

راستی که بخشیدن این مال پس انداز است و نگهداشتن آن فتنه (گرفتاری).

ص: 103

1- کافی 3/498 ح 8

2- غرر الحکم 1452 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 367

3- الکافی (ط - الإسلامیة) 2/135؛ (ط - دارالحدیث) 3/349 - الوافی 4/399 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول 8/308 -

بحار الأنوار (ط - بیروت) 13/354

4- معراج السعادة

5- غرر الحکم 3391 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 376



و حقیقت آن است که حضرت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«هرگاه مالت را برای آخرت پیش فرستی و خدا را برای ما زنده و اولاد خودت خلیفه گردانی (یعنی امور را به خدا سپردن و او را وکیل گردانیدن) توبه هر چه که پیش فرستاده نیکبخت می گردی و خداوند هم برای بازماندگان نیکو سرپرست و خلیفه خواهد شد» (1)

آری سراسر مال برای مومن ضرر است الا چیزی که در راه خدا به مومن تهیدستی پرداخت گردد که حضرتش سودمندترین راهنمایی را برای عاقلان عنوان داشتند. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«الْمَالُ وَبَالٌ عَلَى صَاحِبِهِ إِلَّا مَا قَدَّمَ مِنْهُ» (2)

مال و ثروت وبالی است برای صاحبش، مگر آنچه که (برای آخرتش) پیش فرستد.

«وَأَمْسِكْ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ وَقَدِّمِ الْفَضْلَ لِيَوْمِ حَاجَتِكَ» (3)

از مال و دارایی به اندازه ضرورت خود نگه دار و زیادی آن را برای روز نیازمندی (قیامت) خود پیش فرست.

در اینکه خداوند از نگهداری مال بشدت غضب می کند، شکی نیست. اگر هنوز اهمیت احسان و انفاق، آنطور که باید و شاید در ذهن متجلی نشده، لازم است به حدیث ذیل که فرمایش حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به بلال است

ص: 104

1- غررالحکم فصل 17 ح 162

2- غرر الحکم 1957 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 59 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 15/262

3- نهج البلاغه الكتاب (نامه) 21 - نهج البلاغه (للصباحی صالح) 377 - غرر الحکم و درر الکلم 142 - بحار الأنوار (ط - بیروت)

33/490 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 15/262

توجه شود:

«ای بلال! در حالی که تهیدستی، با خدا دیدار کن نه با حال توانگری گفتم ای پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)! چگونه چنین کنم؟ فرمود: هرگاه رزق و روزی دریافت نمودی آن را نگهداری مکن و هرگاه از تو چیزی خواسته شد، از بخشش خودداری نکن. گفتم: ای پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) این چگونه ممکن است؟ فرمودند: سخن همین است (که گفتم) «والا فالتار»؛ وگرنه دچار آتش (جهنم) خواهی شد» (1)

با حدیث فوق جانی برای اندوختن مال وجود ندارد. خداوند در قرآن مجید، مردم را از جمع آوری مال ترسانده است. جناب ابوذر (رحمة الله) وقتی مال اندوزی معاویه (لعنت الله علیه) را دید، مردم را از عواقب آن آگاه نمود و این آیه را می خواند:

{يَوْمَ يَحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ} (2)

«روزی که آن [مال]ها را در آتش دوزخ بگدازند، و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و گویند:] «این است آنچه برای خود اندوختید، پس [کیفر] آنچه را می اندوختید بچشید»

## اعتدال در انفاق

مال خدا باید به خدا برگردد وگرنه غضب حق تعالی به شمار می آید و غاصب، جایش در جهنم است، البته شایان ذکر است همچنان که انسان مازاد

ص: 105

1- میزان الحکمه 9/180 - المستدرک علی الصحیحین 4/252 ح 7887

2- سوره مبارکه توبه آیه شریفه 35

بر مصرف را نباید جمع آوری کند و در انفاق بخل نورزد از آن طرف باید حدّ اعتدال در انفاق را نیز حفظ کند که خدای نکرده در اثر زیاده روی در انفاق به تهیدستی مبتلا نگردد. به نقل از ابن عباس، هنگامی که فرمان انفاق در راه خدا رسید، گروهی از صحابه نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آمدند و عرض کردند: این انفاقی که فرمان یافته ایم تا از اموال خود انجام دهیم نمی دانیم چیست، و چقدر آن را انفاق کنیم، پس خداوند تبارک و تعالی این آیه را نازل کرد:

«از تو (ای پیامبر) می پرسند چه انفاق کنند، بگو: مازاد اموال را تا پیش از آیه، بعضی از مال خود چندان انفاق می کردند که دیگر چیزی پیدا نمی کردند تا صدقه بدهند حتی غذایی برای خوردن خودشان باقی نمی ماند به طوری که به آنها صدقه می دادند» (1)

«عبدالله بن سنان گفت: از حضرت امام صادق (علیه السلام) معنای آیه شریفه «یکی دیگر از نشانی بندگان شایسته خدا، آنست که چون بخواهند انفاق و بخششی کنند نه اسراف و زیاده روی می کنند و نه بخل و خست به خرج می دهند بلکه رعایت اعتدال را می نمایند» (2) را پرسیدم، حضرت مشتی سنگریزه را برداشت و در دست مبارک نگه داشت و فرمود:

معنی «اقتار» (بخل) این است، بعد مشتی دیگری از سنگها را برداشت، و همه را به زمین ریخت و فرمود: «اسراف» این است. سپس از سنگریزه ها مشتی دیگر برداشت کمی از آنها را به زمین انداخت و مقداری را در دست نگاه

ص: 106

---

1- میزان الحکمه 6/236

2- { وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا } سورة مبارکه فرقان آیه شریفه 67

داشت و فرمود: مراد از "قوام و میانه روی" چنین است» (1)

رفتار مومن بر طبق روایات، نباید آنچنان باشد که حبس مال بحساب آید یا بدرد درماندگان و تهیدستان نخورد و یا تحت عنوان حفظ شأن، مال را در جای نامناسب خرج کند. همینطور نباید با کنار گذاشتن عقل، همه اموال را خرج مستمندان کند و خود تهیدست شود. بلکه متعادل باید رفتار کرد؛ البته این اعتدال نباید باعث فریب گردد و بهانه انسان برای جمع آوری و دوستی مال شود. بهر حال فطرت الهی و عقل سلیم طبق روایاتی که تا اینجا ذکر شد، جایگاه انفاق و حد اعتدال را دریافته است.

اما مسئله بسیار مهمی که خداوند با وجود آن هیچ عمل صالحی را از بنده خود نمی پذیرد، حرص و طمع ورزی به مال دنیا است که در واقع از آن به «حب الدنيا» تعبیر شده است. مؤمنین و خیرین گرامی باید با توجه به فرمایشات معصومین (علیهم السلام) که در مذمت دنیا فرموده اند، با تفکری صحیح و عاقلانه، از اندوختن و بدست آوردن بیهوده مال و دارایی که چیزی جز طمع نیست، دست بردارند چرا که بدبختیها و گناهان از حرص و طمع شروع می شوند که فرموده اند:

«حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» (2)

دنیا دوستی، سرمایه [راس] برای هر اشتباه و گناهی است.

و از آن جهت است که حقیقت ایمان به قلبی می رسد که از دنیا متنفر

ص: 107

1- کافی 4/56 ح 9

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/131؛ (ط - دارالحدیث) 3/339 - الخصال 1/25 - کنز الفوائد 1/217 - الأملی (للطوسی) 662 -

بحار الانوار 73/7 ح 1

شود. حضرت امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«حَرَامٌ عَلَى قُلُوبِكُمْ أَنْ تَعْرِفَ حَلَالَوَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدَ فِي الدُّنْيَا» (1)

شناختن شیرینی ایمان بر دل‌های شما حرام است تا به دنیا بی رغبت شوید.

بنابراین از ضروریات هر مؤمن صالح و انسان خیر آنست که دل را از محبت و تزویر دنیا دور کند. در غیر این صورت، مصداق این روایت شگفت و عجیب قرار خواهد گرفت که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«در روز قیامت گروه‌هایی را می‌آورند که مانند این کوه بزرگ، اعمال نیک دارند ولی در عین حال فرمان ورود به دوزخ درباره آنان صادر می‌شود. سؤال شد: آیا این گونه افراد نماز می‌خواندند؟ فرمود: اینان نماز می‌خواندند، روزه می‌گرفتند و پاسی از شب را عبادت می‌کردند ولی اگر از دنیا چیزی در دستشان قرار می‌گرفت با ولع و حرص او را می‌گرفتند» (2)

نیز از پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت شده است:

«فردای قیامت جماعتی از امت مرا حاضر کنند و صحایف اعمال ایشان را بنگرند می‌بینند که تمام نمازها را در اوقات خود به جا آوردند و زکات مال داده و شب زنده داری کرده و به ذکر خداوند متعال مشغول بوده اند، در حالیکه حق تعالی امر فرماید که آنان را به دوزخ ببرید.

اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)! به چه جرم آنان را به جهنم می‌برند؟

ص: 108

---

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/128؛ (ط - دارالحدیث) 3/332 - وسائل الشیعة 16/12 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/49

2- بحار الأنوار 15/292

ایشان فرمودند: گناه آنها این بود که هرچه از مال دنیا به دست می آوردند، باز حرص و طمع می ورزیدند و دنبال زیادتی می رفتند» (1)

با دلی آکنده از حرص دنیا نمی توان وارد معامله با خدا شد، حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«كَيْفَ يَعْمَلُ لِالْآخِرَةِ الْمَشْغُولُ بِالدُّنْيَا» (2)

کسی که مشغول دنیاست چگونه (میتواند) برای آخرت کار کند؟

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در جای دیگر فرمودند:

«لَا يَنْفَعُ الْعَمَلُ لِالْآخِرَةِ مَعَ الرَّغْبَةِ فِي الدُّنْيَا» (3)

با رغبت به دنیا، کار برای آخرت بی فایده است.

و نیز می فرمایند:

«حُبُّ الْمَالِ يُوْهِنُ الدِّينَ وَيُفْسِدُ الْيَقِينَ» (4)

مال دوستی، دین را سست و یقین را تباه می سازد.

هر چه در دل ریخته شود و ذهن به هر چه مشغول شود همان را پی می گیرد. آینده خویش را با آن رقم می زند و لحظات خود را با آن مانوس می نماید. اگر ثروت فراوان برای شخصی فراهم شود، مشغله های ذهنی وی، همینطور ظرف قلب او حول ثروت، نگهداری و ازدیاد آن می چرخد.

ص: 109

---

1- تفسیر جامع 3/504

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 383 - غرر الحکم و درر الکلم 516 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 414 - میزان الحکمه

1/168 - جامع الاحادیث للقمی 192

3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 542

4- غرر الحکم 4876

چگونگی پرداختن به آن [از راه حلال یا حرام] نیز خود بحثی جداست. پس بجاست که ثروت را مایهٔ بدیها بدانیم، که حضرت فرموده اند:

«كَثْرَةُ الْمَالِ تُفْسِدُ الْقُلُوبَ وَ تُنشِئُ الذُّنُوبَ» (1)

فراوانی مال و ثروت دلها را تباه می کند و گناهان را پدید می آورد.

می توان ثروت را زایندهٔ قدرت و تکبر دانست. بمناسبت فراهم شدن ثروت، احساس لیاقت آن نیز به مومن رو می کند. همانطور که قارون را تباه کرد و پنداشت که از روی عقل و مهارت خویش، شایستهٔ آن دارائی شده است. پس از آن، از حق رو برگرداند و ثروتش بجای اینکه برای او مایهٔ آرامش شود، پایه ریز گناهان شد و او را با خود به غضب پروردگار سپرد. قرآن مایهٔ درس و عبرت است اما افسوس که عبرت گیرندگان بر اساس فرمایش حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) کم هستند. ثروت می تواند برای هر مومنی، زنگ خطر سقوط باشد.

از سوی دیگر مومنین ضعیف که چنین روایاتی شامل حالشان نمی شود، در واقع از فتنه ای عظیم دور مانده اند. درست است که زندگی با شرایط فقر، سخت و طاقت فرسا می شود اما ایشان از عوارض و خسران ثروت که هر آن در تهدید آخرت فرد بوده، بدور هستند. کما اینکه اغنیاء اگر با فرض اینکه از ثروت و مفسده های آن در امان بمانند، از حساب آن در آخرت معاف نیستند. بشارت باد مؤمنین را که دستشان از ثروت تهی است. زیرا چیزی مازاد ندارند تا به حسابشان رسیدگی کنند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

ص: 110

«..وَلَا كَثُرَ مَالُهُ إِلَّا اشْتَدَّ حِسَابُهُ..» (1)

هیچ بنده ای مال و ثروتش زیاد نشد مگر اینکه حسابش سخت گردید..

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ شَرًّا شَرَّأَ حَبَبَ إِلَيْهِ الْمَالِ وَبَسَطَ مِنْهُ الْأَمَالَ» (2)

هرگاه خداوند بد بنده ای را بخواهد، مال و ثروت را محبوب او گرداند و آرزوهایش را بگستراند.

این بود که پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) همیشه برای مؤمن ثروتمند نگران بود و می فرمود:

«مَا أَخْشَى عَلَيْكُمُ الْفَقْرَ، وَلَكِنِّي أَخْشَى عَلَيْكُمُ التَّكَاتُرَ» (3)

من از فقر بر شما نمی ترسم، بلکه از فزون طلبی و تفاخر به زیاد داشتن برای شما نگرانم.

و نیز فرمودند:

«بدترین چیزی که از آن در حق این امت می ترسم دنیا و مال فراوان است و آن سبب آزمایش است و ندادن آن فتنه و امتحان می باشد»

(4)

## مذمت دنیا

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در مذمت داراییهای دنیا، در ذیل آیه 27 از

ص: 111

---

1- میزان الحکمه 11/154 - وسائل الشیعة 17/181 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/67 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل

13/122

2- غرر الحکم 4110 و 4111

3- کنز العمال [متقی هندی - عامه] 6139

4- تفسیر جامع 6/245 - مجمع البیان 5/30



«در روز آخر عمر تمام اموال و اولاد و اعمال هر کسی، در برابر چشمش مجسم می شود. به مال و اموال خود توجه می کند و می گوید: به خدا سوگند، من در تمام مدت عمر خود، در جمع آوری و ذخیره تو، کوشش و تلاش نمودم و حریص بودم، در این موقع که دست من از دنیا کوتاه می شود، چه کاری می توانید برایم انجام دهید؟ (دارائیهای او) می گویند: فقط می توانی کفن خود را برداری، و حق برداشت هیچ یک از اموال را نداری.

به اولادش رو می کند و می گوید: به خدا قسم، من شماها را بسیار دوست داشتم و برای راحتی و آسایش شما خود را به زحمت می انداختم، و از شما حمایت می کردم، اکنون شما به چه کار می آید و چگونه می توانید به کمک من آید؟

فرزندانش می گویند: ما تو را تا قبر بدرقه می کنیم، در گورت پنهان می سازیم و سپس از تو جدا می شویم.

سپس رو به اعمال خود کرده و می گوید: من نسبت به شما علاقه و تمایلی نداشتم، و شما بر من سنگینی داشتید، شما در این موقع با من چه می کنید؟

اعمالش می گویند: ما رفیق و مونس قبر تو هستیم تا روز قیامت که با یکدیگر به محضر قرب ربوبی حاضر شویم و خدا را ملاقات نماییم.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در ادامه فرمودند:

اگر آن شخص از دوستداران خدا باشد، عملش به صورت زیبا و معطر به بهترین عطرها در نظر او مجسم شود و به او بشارت دهد که خداوند از تو خشنود است و بهشت جاوید، او را خوش آمد می گوید و میپرسد: تو کیستی؟ جواب می دهد: من عمل صالح تو هستم که پیش از تو (قبل از مرگ تو) در

پس از قبول اصول پنجگانه دین، گشایش راه بهشت به دوری از دنیا بستگی دارد. دنیا با ماهیت خود نقطه مقابل بهشت است. هر چه متاع اخروی ارزشمند است، متاع دنیوی بی ارزش و کثیف. طبعاً کل دنیا با هرچه در آنست چیزی جز مردار نیست. از آن سو بهشت نیز جای کثافات نیست بلکه جای چیزهای پاک است و کسی به آنجا راه می یابد که خود را پاک نموده باشد و یکی از کثافات، دل بستگی بدنیاست. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«شخص عاقل آن است که زنجیر دارائی را از گردن خود گسسته و خویش را سبک کرده و با آسایش روان به هر جایی به پرواز درآید که تا این زنجیر باز نگردد قدمی به بهشت برداشته نمی شود»

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«وَطَلَبْتُ فَرَاغَ الْقَلْبِ فَوَجَدْتُهُ فِي قَلَّةِ الْمَالِ» (2)

آسایش دل را جستجو کردم و آن را در کمی مال و ثروت یافتم.

اما مؤمنانی که دستشان از اموال دنیا کوتاه است، سؤال و جواب و مسئولیت آنها در صحرای محشر کمتر و آسایش و آرامشان در دنیا بیشتر است و بدین خاطر، تمایل قلبی آنان به سوی آخرت می باشد و همت خویش را برای بدست آوردن توشه سفر قبر و قیامت، صرف می کنند و در عوض این

ص: 113

---

1- تفسیر جامع 3/523 - تأویل الآیات 1/242 - 244 ح 3

2- مستدرک الوسائل 12/174 ح 13810

تلاشها، بی نیازی و بی اعتنایی آنان بیشتر می گردد که در این باره پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«هرکس که آخرت هم و غم او باشد خداوند امور او را به سامان می آورد و بی نیازی را در بین دو چشم او قرار می دهد و دنیا علی رغم میل خود نزد او می رود و هرکس که دنیا هم و غمش باشد خداوند امورش را از هم می پاشد و فقر را در بین دو چشم او قرار می دهد و از دنیا جز آنچه خداوند برایش مقدر داشته نصیبش نمی شود» (1)

وقتی روزی انسان تعیین شده باشد، دیگر تلاش اضافه یا حرص بر دنیا معنی نخواهد داشت. یعنی پرداختن به دنیا به نوعی در تعارض با عقل است. رزق که مشخص است، دنیائی که در آن هستیم نیز پلی به سوی زندگی ابدی در جهان بعدی است، مُهر سعادت یا شقاوت، یعنی جواز راحتی یا صعب و آتش، در اعمال متبادره از فرد در همین دنیا نهفته است. خود ناگفته پیداست باید از همین دنیا برای آخرت بهره جست. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّمَا لَكَ مِنْ دُنْيَاكَ مَا أَصْلَحْتَ بِهِ مَثْوَاكَ» (2)

همانا سهم تو از دنیا آن اندازه خواهد بود که با آن سرای آخرت را اصلاح کنی.

این راهنمایی، جهت دهی به اعمال در دنیاست. همینطور تفسیر آیه ذیل

ص: 114

---

1- کنز العمال [متقی هندی - عامه] 44160

2- نامه 31 امیرالمؤمنین علی به حضرت امام حسن (علیه السلام) - تحف العقول 83 - مجموعه ورام 2/105 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 93/133؛ 74/229

است که می فرماید:

{.. وَلَا تَتَسَّ نَصِيْبِكَ مِنَ الدُّنْيَا..} (1) «بهره ات را از دنیا فراموش نکن»

خداوند عقول مومنین را در دنیا به سوی سازندگی جهان آخرت سوق داده تا به وسیله احسان و انفاقِ اموال و دارائیهای دنیا، خانه ابدی خویش را آباد سازند و برای جمع نمودن توشه به وسیله نیکی و احسان حرص و ورزند، چنانکه حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ حَرَصَ عَلَى الْآخِرَةِ مَلَكَ؛ مَنْ حَرَصَ عَلَى الدُّنْيَا هَلَكَ» (2)

هرکس برای آخرت حرص زند آن را به دست می آورد و هرکه برای دنیا حرص زند نابود می شود.

ص: 115

---

1- سورة مبارکه قصص آیه شریفه 77

2- غرر الحکم و درر الکلم 616

چنانکه ذکر شد حکمت و دلیل احسان و اعانت، بدست آوری آخرت است. یعنی تجارت آخرت با متاع دنیا. متاعی که خداوند در آیات خود آنرا قلیل خوانده است.

{ إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ } (1)

«در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز برپا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم، نهان و آشکارا انفاق می کنند، امید به تجارتی بسته اند که هرگز زوال نمی پذیرد»

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ \* تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ } (2)

«ای کسانی که ایمان آورده اید، آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی دردناک می رهااند؟ \* به خدا و فرستاده او بگروید و در راه خدا با مال و جانتان جهاد کنید. این [گذشت و فداکاری] اگر بدانید، برای شما بهتر است»

ص: 116

---

1- سوره مبارکه فاطر آیه شریفه 29

2- سوره مبارکه صف آیات 10 و 11

خداوند در آیات فوق تجارت سودمند آخرت را پس از ایمان و جهاد، انفاق مال ذکر فرموده است. پس بنا به فرمایش حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می بایستی عمل نمود که فرمودند:

«اجْعَلْ مِنْ نَفْسِكَ عَلَى نَفْسِكَ رَقِيبًا وَ اجْعَلْ لِآخِرَتِكَ مِنْ دُنْيَاكَ نَصِيبًا» (1)

از خودت برای خودت نگهبانی بگمار و برای آخرت خود از دنیایت بهره ای بگذار.

پس ایشان با این دعا به درگاه پروردگار عرض می نمایند:

«..وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ..» (2)

..و مرا از کسانی قرار ده که در کارهای خیر زود وارد می شود..

حال که خداوند متعال بنا به مصلحتی به بعضی از افراد مالی بخشیده، نبوده مگر امتحانی در برابر بندگان ضعیف و تهیدست و این اموال برای شخص مؤمن هیچ سودی در بر نخواهد داشت الا به فرمایش امام معصوم (علیه السلام) که فرمودند:

«الْمَالُ وَبَالٌ عَلَى صَاحِبِهِ إِلَّا مَا قَدَّمَ مِنْهُ» (3)

مال (پول) برای صاحب خود وبال است مگر آنچه که (برای آخرتش) پیش فرستد.

ص: 117

---

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 85 - غرر الحکم و درر الکلم 144

2- کامل الزیارات 42 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 84/93 - الوافی 14/1429 - زاد المعاد - مفتاح الجنان 484

3- مستدرک 262 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 59 - غرر الحکم و درر الکلم 108/حدیث 1978 - مستدرک الوسائل و مستنبط

المسائل 15/262

تلاش برای آخرت به وسیله انفاق، بزرگترین نعمت برای اشخاص متمول است. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ إِنْفَاقَ هَذَا الْمَالِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ أَكْبَرُ نِعْمَةٍ وَإِنَّ إِنْفَاقَهُ فِي مَعْاصِيهِ أَكْبَرُ مِحْنَةٍ» (1)

خرج کردن این مال در راه طاعت خدا، بزرگترین نعمت است و مصرف کردنش در راه معاصی او بزرگ ترین محنت و گرفتاری.

در این باره، خداوند قرآن کریم می فرماید:

{..وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ..} (2)

«..از آن مالی که خدا بشما داده است به ایشان (مستمندان) بدهید..»

چگونه می توان مالی که در راه غیر خداوند صرف شده را با اموالی که در راه خدا انفاق شده مقایسه نمود؟ بین اموالی که در راه خداوند انفاق شده اند نیز آن مالی که در راه اعانت برادران مومن بوده از ارزش بالاتری نسبت به بقیه برخوردار است. حضرت امام رضا (علیه السلام) می فرمایند:

«خَيْرُ مَالِ الْمَرْءِ دَخَائِرُ الصَّدَقَةِ» (3)

بهترین دارائی انسان اندوخته های صدقه (انفاق و احسان که در راه خدا داده) است.

ص: 118

---

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 143 - غرر الحکم و درر الکلم 220 - جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی) 22/212

2- سورة مبارکه نور آیه شریفه 33

3- عیون أخبار الرضا (علیه السلام) 2/61 - معانی الأخبار 293 - مجموعة ورام 2/182 - وسائل الشیعة 9/371 - بحار الأنوار (ط -

بیروت) 61/162؛ 93/122 - میزان الحکمه 11/179

میزبانان هر فرد در دنیای پس از مرگ، میهمان خود را از آنچه در دنیا فرستاده است، می شناسند. نه پُست و مقام و نه چهره یا هر چیز فانی دیگری برایشان اهمیت ندارد بلکه اعمال فرد است که رفتار ایشان (فرشتگان و ملائک موکل) را تعیین می کند. قضاوت آنها بر اساس کارنامه فرد است. فرد سعید اعمال خود را بر اساس رضای الهی انجام داده و اموال خویش را در راه رضای او و اعانت از برادران خویش بکار گرفته است. در نقطه مقابل شقی که حرص دنیا در او رخنه کرده بود، آزمندی خویش را بر ملائک عرضه می کند. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید:

«هرگاه بنده ای بمیرد، فرشتگان گویند چه پیش فرستاد (در موقع حیاتش در راه خدا چه انفاق نمود) ولی مردم می گویند چه بر جای گذاشت؟»

پس زیادی مال خود را پیش فرستید، تا برای شما باقی بماند و (در دنیا) بر جای نگذارید تا مایه حسرت شما گردد، زیرا محروم کسی است که از خیر و منفعت مال خود محروم بماند و سعادت مند کسی است که ترازوهای اعمالش از صدقات و خیرات سنگین شود» (1)

مومن عاقل چون اموال خویش را امانت و امتحان الهی می داند بدین جهت در راه مالک اصلی اموال که خداوند است خرج می کند. امام معصوم (علیه السلام) در این مورد می فرماید:

«اینکه بنده در مورد آنچه که پروردگار به او سپرده است برای خودش ملکیتی نبیند. چرا که بندگان ملکیتی ندارند و همه اموال را از آن خداوند

ص: 119



پس مومن که به خاطر پابندی به دینش و متمسک بودن به فرمایشات معصومین (علیهم السلام) به مرتبه ای از عقل و یقین رسیده، از اموال دنیا پلی می سازد که با آن به راحتی و آرامش بتواند از درّه خوفناک عالم بزرخ عبور کرده، به بهشت جاودانه برسد. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) این افراد را جزء بهترین مومنان می دانند:

«..وَ اعْلَمَ أَنَّ أَفْضَلَ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُهُمْ تَقْدِمَةً مِنْ نَفْسِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ فَإِنَّكَ مَا تَقْدِمُ مِنْ خَيْرٍ يَبْقَى لَكَ ذُخْرُهُ وَ مَا تُؤَخِّرُهُ يَكُنْ لِغَيْرِكَ خَيْرُهُ..» (2)

..بدان بهترین مومنان، آن کسی است که جان و اهل و مال خود را در راه خدا پیشاپیش تقدیم کند؛ پس زیور آنچه را که پیش فرستی برای تو باقی می ماند و آنچه را بگذاری خیر آن برای دیگری می شود..

سپس حضرت، در مذمت و تبعات منفی اندوختن مال می فرمایند: «و آنچه را که باقی می گذاری سودش به تو نخواهد رسید بلکه به دیگران می رسد»

آری اگر شخصی در زنده بودنش، به احسان اموالش موفق نشود، جز ضرر و خسران عظیم در آخرت هیچ نفعی از اموالش نبرده است. وانگهی مورد غضب امامش قرار خواهد گرفت. یکی از اصلیتترین دلایل دوری ما از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همین اندوختن مال است. جناب علی بن مهزیار به شوق زیارت حضرت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیست سفر حج رفت. آخر الامر وقتی خدمت

ص: 120

1- بحار الانوار 1/224 حدیث عنوان بصری

2- بحار الأنوار (ط - بیروت) 33/508 - منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی) 20/389 - شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید

حضرت (علیه السلام) شریفاب گشت، آن حضرت (علیه السلام) دلیل دوری و عدم توفیق زیارت راه، اندوختن ثروت پنداشتند و فرمودند:

«آیا راه را بلد نبودید؟ یا اینکه در فکر اندوختن مال و ثروت بودید و به این جهت برادران دینی خود را مورد ظلم و ستم قرار دادید»

بدیهی است که جای هیچ توجیهی نیست؛ وقت بسیار اندک و عنقریب است که صدای «الرحیل الرحیل» جناب عزرائیل به گوش رسد. مومن باید تا در پنجه مرگ گرفتار نشده با استمداد و استغاثه به حضرت امام زمان (علیه السلام)، توفیق عمل صالح را بخواهد. باید دانست که تمامی درجات، امتیازات و عنایات در همین ایثار و اعانت به برادران مؤمن است. امتیاز و ارزش احسان از این فرمایش امام معصوم (علیه السلام) هویدا است. حضرت امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَوْصَلَ إِلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مَعْرُوفًا فَقَدْ أَوْصَلَ ذَلِكَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ» (1)

هر مومنی که به برادر مومن خود خوبی کند به پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) خوبی کرده است.

آری همه دین و نیکیها خوشحال کردن امام زمان (علیه السلام) و ائمه معصوم (علیهم السلام) است که این نیز، در گرو خوشحال نمودن و رفع مشکلات برادران مومن است که حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«...ثُمَّ قَالَ لِأَنَّ أَسْعَى مَعَ أَخٍ لِي فِي حَاجَةٍ حَتَّى تُقْضَى أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ أَلْفَ

ص: 121

---

1- الكافي (ط - الإسلامية) 4/27؛ (ط - دارالحدیث) 7/271 - الإختصاص 32 - مكارم الأخلاق 136 - الوافی 10/455 - وسائل

الشيعة 16/290 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/349

نَسَمَةً وَأَحْمِلَ عَلَى أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مُسْرَجَةً مُلْجَمَةً» (1)

اگر تلاش کنم برای برادر ایمانی خود جهت انجام حاجتی تا روا شود نزد من محبوب تر است از این که هزار بنده آزاد کنم و بر هزار اسب زین کرده دهنه زده، و سرباز و آذوقه جنگی حمل کنم و به جنگ در راه خدا روانه نمایم.

کسانی که در راه رفع مشکلات اهل ایمان قدم برداشته و تلاش می کنند، به یقین در حوزه مدد‌های غیبی و عنایات ویژه حق تعالی قرار خواهند گرفت. از بزرگی خداوند متعال به دور است در اعانت مومن امر کند ولی خود آنرا کنار بگذارد. بلکه اگر مومنی در کار برادر خویش تلاش نماید، انتظار می رود که خداوند با خدائی خویش بهتر از آنرا برای وی مهیا سازد و در جاهائی به مراتب سخت تر و عظیمتر از آن مشکلی که وی از برادرش رفع کرده، احوال وی را برداشته و احوالش را نیکو گرداند. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«فَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَمْسِي فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَيُوَكِّلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مَلَكَينِ وَاحِدًا عَنْ يَمِينِهِ وَ آخَرَ عَنْ شِمَالِهِ يَسْتَعْفِرَانِ لَهُ رَبَّهُ وَيَدْعُوَانِ بِقِصَاءِ حَاجَتِهِ» (2)

زمانی که بنده ای برای برطرف ساختن نیاز برادر مومن خود قدم بردارد، خداوند -عزوجل- دو فرشته را یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپش، بر وی بگمارد، که از پروردگارش برای او آمرزش بطلبند و برای روا شدن

ص: 122

---

1- بحار الانوار ج 74 ص 315 - رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام) 559 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/316 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/412

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/195؛ (ط - دارالحدیث) 3/499 - الوافی 5/661 - وسائل الشیعة 16/359 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/328

در نظر بگیرید برای شما یا برای فردی از اهلتان مسئله ای رخت دهد و نیاز به کمک پیدا نمائید. آنگاه مومنی در جهت رفع آن مشکل قدم برداشته و آنرا مرتفع نماید. چنین فردی در نظر شما و خانواده تان، چه جایگاهی باید داشته باشد؟ همین جایگاه، بلکه عزیزتر و بهتر از آن برای مومن ساعی در امر برادران، در نزد خدای منان بوجود می آید و آن به این جهت است که جامعه تشیع، اهل و خانواده خداوند هستند، چنانکه حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْخَلْقُ عِيَالِي فَأَحَبُّهُمْ إِلَيَّ الْأَطْفَالُ بِهِمْ وَأَسْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ» (1)

خداوند -عز و جل- فرموده است: خلق، خانواده من هستند، پس محبوب ترین آنان نزد من کسانی هستند که با مردم مهربانتر و در راه برآوردن نیازهای آنان کوشاتر باشند.

از آنجا که اعانت در روایات معصوم (علیهم السلام)، اهمیت فوق العاده ای دارد، پس باید هرچه در توان است در راه امداد اهل و کسان خداوند بکار گرفت، چنانکه حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«لَقَضَاءَ حَاجَةِ امْرِيٍّ مُؤْمِنٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ عَشْرِينَ حَجَّةً كُلُّ حَجَّةٍ يَنْفِقُ فِيهَا صَاحِبُهَا مِائَةَ أَلْفٍ» (2)

ص: 123

---

1- الكافي (ط - الإسلامية) 2/199؛ (ط - دارالحدیث) 3/507 - الوافی 5/668 - وسائل الشيعة 16/367 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 71/336

2- الكافي (ط - الإسلامية) 2/193؛ (ط - دارالحدیث) 3/495 - وسائل الشيعة 16/363 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) 9/103 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 71/324

روا ساختن حاجت مومن نزد خدا، از بیست حج که در هر حجی صد هزار (درهم یا دینار) انفاق شده باشد محبوب تر است.

حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ لِلَّهِ حَسَنَةً أَذْخَرَهَا لِثَلَاثَةِ لِمَامٍ عَادِلٍ وَ مُؤْمِنٍ حَكَمَ أَخَاهُ فِي مَالِهِ وَ مَنْ سَعَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فِي حَاجَتِهِ» (1)

همانا خداوند حسنه ای (ویژه و خاص) دارد که برای سه کس اندوخته است: برای پیشوایی دادگر، مومنی که دست برادرش را در مال خود باز بگذارد و کسی که برای برآوردن نیاز برادر مومنش بکوشد.

با این اوصاف همه نیکیها و خوبیها در خوشحال کردن مومنان، با مال، یا برداشتن قدمی در حوائج ایشان، احترام یا حتی کاری کوچک در رفع موانع از آنها جمع گشته است. همانطور که حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَا عَلَى أَحَدِكُمْ أَنْ يَتَالَ الْخَيْرَ كُلَّهُ بِالْيَسِيرِ قَالَ الرَّاَوِي قُلْتُ بِمَاذَا جُعِلَتْ فِدَاكَ قَالَ يَسُرُّنَا بِإِذْخَالِ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ مِنْ شِيعَتِنَا» (2)

چه می شود اگر هر یک از شما با اندک کاری، به همه خوبیها دست یابد؟! راوی می گوید: عرض کردم: فدایت شوم، با چه کاری؟ فرمودند: با شاد کردن شیعیان مومن ما.

این چنین نیست که اگر مومنی، برادر نیازمند خود را دریابد فقط همان شخص، طرف حساب وی باشد بلکه وی با این عمل دل حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را شاد نموده و کسی که ولی زمانه (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را خوشحال نماید مانند اینست که خدا

ص: 124

1- بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/314

2- میزان الحکمه 3/550 - قضاء حقوق المومنین 20/16 - بحار الانوار 74/312/69

را شاد نموده است. حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«هر کس مراعات حال مومنین را بکند خدا و فرشتگان بر او مباحثات کنند» (1)

لذا به احترام امداد به برادران مومن، الطاف خاصه حق تعالی شامل شخص نیکوکار می شود. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ الْمُسْلِمِ، كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ مَا كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ» (2)

کسی که به فکر برآوردن نیاز برادر مسلمان خود باشد تا زمانی که در فکر نیاز او باشد، خداوند در پی برطرف کردن نیاز وی باشد.

و نیز فرمودند:

«إِنْ تَبَدَّلُوا أَمْوَالَكُمْ فِي جَنْبِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ مُسْرِعُ الْخَلْفِ» (3)

اگر اموالتان را برای رضای خدا صرف کنید خدای متعال به سرعت و تندی به شما عوض می دهد.

همچنین فرموده اند که احسان و اعانت برادران دینی باعث قبولی اعمال می شود. خاصه اینکه باعث استجاب دعا نیز می شود. می توان بدون شک آنرا در تاخیر اجل یا رفع بلا و دفع گرفتاری نیز صاحب اثر دانست.

از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل است که فرمودند:

«رُويْنَا أَنَّ عَابِدَ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَ إِذَا بَلَغَ الْعَايَةَ فِي الْعِبَادَةِ صَارَ مَسَاءً فِي حَوَائِجِ

ص: 125

---

1- مستدرک الوسائل 2/413

2- میزان الحکمه 3/247 - الامالی طوسی (رحمة الله) 97/ح 147 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/286

3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 162 - غرر الحکم و درر الکلم 255

در میان بنی اسرائیل عابدان وقتی به نهایت درجه عبادت می رسیدند که برای برآوردن نیازها و رفع مشکلات مردم راه می افتادند.

«خُذُوا مِنْ كَرَائِمِ أَمْوَالِكُمْ مَا يَرْفَعُ لَكُمْ بِهِ اللَّهُ سِنِّي الْأَعْمَالِ» (2)

از اموالتان آنچه‌ای که بهتر (نقیس تر) است را برگزید (احسان نمائید) تا خداوند ارزش اعمالتان را بیشتر نماید.

در نتیجه هیچ عملی با ارزشتر و محبوبتر از اعانت مومنان نیست تا جائیکه حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«اگر تامین مخارج يك خانواده مسلمان را بر عهده گیرم و آنان را از گرسنگی و برهنگی برهانم تا آبرویشان را نزد مردم حفظ کنم، نزد من خوشتر است از اینکه حج روم و حج روم و حج روم و مثل آن و مثل آن و [امام تا ده بار این را تکرار کردند و در ادامه فرمودند]: و مثل آن و مثل آن... [و این را هم فرمودند تا به هفتاد بار رسید]» (3)

متأسفانه بعضی از متمولین و مومنان با وجود اطلاع از حکایتهای خانمانسوز فقر، تهیدستی، قرض و بی خانمانی برادران خود، بایی اعتنایی دائماً برای سفر حج مهیا می شوند و گویا این فرمایشات هرگز به گوششان نرسیده است. از حج و زیارات که اعمالی الهی هستند بگذریم، سفرهای غیر ضروری

ص: 126

---

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/199؛ (ط - دارالحدیث) 3/508 - الوافی 5/669 - وسائل الشیعة 16/367 - بحار الأنوار (ط - بیروت)

14/508

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 243 - غرر الحکم و درر الکلم 361

3- الکافی 2/195/11

و بعضاً توأم با گناه نیز ضمیمه کارنامه خویش می نمایند. مومن هوشیار و طالب رضای خدا، باید بداند که دارائیهها برای او نعمتی است که مازاد آن را باید در راه خدا که همان اعانت مومنین است، خرج کند تا شکر نعمت را بجا آورده و از زوال مال هم جلوگیری نماید و به این وسیله نعمتهایش را زیاد کند. خداوند متعال، بی نیاز از خلق است و حکمتش اینگونه اقتضاء نمود تا به دادرسی خلق از یکدیگر، منفعت برده و در صورت ادبار و سستی ایشان در این امر، مورد زوال نعمت قرار گیرند. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در فرمایش زیبایی که هشدار است برای افراد نیکوکار می فرماید:

«خدا را بندگانی است که برای سود رساندن بدیگران، نعمتهای خاصی به آنان بخشیده. تا آنگاه که دست بخشنده دارند، نعمتها را در دستشان باقی میگذارد و هرگاه از بخشش دریغ کنند، نعمتها را از دستشان گرفته و به دست دیگران خواهد داد» (1)

«.. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِّلَّهِ فِي كُلِّ نِعْمَةٍ حَقًّا فَمَنْ أَدَّاهُ زَادَهُ وَ مَنْ قَصَرَ عَنْهُ خَاطَرَ بَرَزَالِ النِّعْمَةِ..» (2)

.. خداوند در هر نعمتی حقی دارد، هر کس آن را بپردازد آن نعمت افزایش یابد و آن کس که نپردازد و کوتاهی کند؛ در خطر نابودی قرار گیرد.

سلامتی تن و روان، از نعمتهای الهی اند که باید شکر آن گذارده شود. امداد و دستگیری مالی برای شفای بیماران، مخصوصاً از بعضی از اهل تقوا که توان

ص: 127

---

1- نهج البلاغه حکمت 425

2- تحف العقول 206 - وسائل الشیعة 16/325 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/53



مالی برای درمان خود ندارند، می تواند زمینه ای برای شکر نعمت باشد. حضرت امام رضا (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«..لَاِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى كَلَّفَ اَهْلَ الصّٰحَّةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ اَهْلِ الرِّمَانَةِ وَ الْبَلْوَى..» (1)

خدای متعال اهل عافیت را مکلف فرموده است تا به امور کسانی که از بیماری و مرضی رنج می برند و گرفتاری دارند رسیدگی کنند.

از سوی دیگر به صورت عینی و ملموس و از طریق تجربه به این مطلب نیز رسیده ایم. اما؛

«إِنَّ اللّٰهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِىْ اَمْوَالِ الْاَغْنِيَاءِ اَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيْرًا اِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَ اللّٰهُ تَعَالٰى [جَدُّهُ] سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ» (2)

همانا خدای سبحان روزی فقرا را در اموال سرمایه داران قرار داده است، پس فقیری گرسنه نمی ماند جز به کامیابی توانگران و خداوند از آنان درباره گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید.

و نباشیم از آن دسته انسانهایی که دوستی دنیا تمام وجودشان را پر کرده و از حساب و عقاب قبر و قیامت غافل گشته اند و آنچنان در فکر مال اندوزی شدند که بعنوان یک سنت درآمد و مقبول همگان گردید. تا جائیکه اگر کسی خلاف آن عمل نماید [یعنی مطابق دین انفاق نماید] مورد تمسخر و ریشخند قرار گرفته و حتی از خانواده خود طرد می گردد. حتی کوچکترین عمل خیر،

ص: 128

1- عیون اخبار الرضا (علیه السلام) 2/88 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 6/96؛ 93/18

2- نهج البلاغه حکمت 328 - نهج البلاغه (للصباحی صالح) 533 - وسائل الشیعة 9/29 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 93/22 -

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/9

بازخواست و مشاجرات سختی از سوی خانواده ها و همسران را در پی خواهد داشت. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ عَصُوفٌ - يَعِضُ الْمُوسِرُ عَلَى مَا فِي يَدِهِ وَ لَمْ يُؤْتِرْ بِذَلِكَ - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى { وَلَا تَسْأُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ }» (1)

روزگاری دشوار و گزنده بر مردم خواهد آمد که در آن زمانه توانگر آنچه را دارد با چنگ و دندان نگه دارد (از چشم دیگران پنهان می کند تا کسی از او درخواستی نداشته باشد) حال آنکه به چنین امری فرمان داده نشده است، بلکه حق تعالی در قرآنش امر فرموده: «احسان و بخشش به یکدیگر را از یاد مبرید».

## عواقب عدم یاری

هنگامی که اغنیاء احسان نکنند، یعنی آن روزی ای که خداوند متعال در اموال ایشان برای فقرا معین نموده را حبس نموده اند. طبیعی است حبس مال برادر دینی، از طرف خداوند متعال به هیچ وجه پذیرفته نیست. پس آن وقت، زمان نزول انواع بلاها و سختیها است. هشدار حضرت امام صادق (علیه السلام) پندی باید باشد برای متمولین، که فرموده اند:

«خداوند امتی را عذاب نخواهد کرد مگر وقتی که نسبت به حقوق برادران نیازمند خود سستی کنند»

ص: 129

---

1- سورة مبارکه بقره آیه شریفه 237 - صحیفه الإمام الرضا (علیه السلام) 84 - الکافی (ط - الإسلامية) 5/310؛ (ط - دارالحدیث) 10/532 - الوافی 17/459 - وسائل الشیعة 17/449 - البرهان فی تفسیر القرآن 1/493 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/413

آنچنان حق تعالی، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) نسبت به اعانت، حساسیت و اهمیت ویژه ای قائل شده اند که حتی عدم اعانت بطور کامل را خیانت به خدای تبارک و تعالی دانسته اند. هر مومنی پس از مطالعه این روایت، از زیادتی عظمت و ارزش این مسئله دچار بهت و شگفتی خواهد شد. ابی جمیل می گوید از حضرت امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمودند:

«مَنْ مَشَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَلَمْ يَنَاصِحْهُ فِيهَا كَانَ كَمَنْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَكَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَصْمَهُ» (1)

کسی که به دنبال حاجت برادر مومنش برود ولی تمام توان خود را به کار نگیرد مانند کسی که به خدا و رسولش (صلی الله علیه و آله وسلم) خیانت کرده-است و خداوند-عز و جل- دشمن او خواهد بود.

پنهان نمودن اموال نیز که از شاخه های عدم اعانت و احسان بر مومنین است، جز عذاب و خواری برای صاحب خود، چیز دیگری در پی نخواهد داشت. حضرت امام صادق (علیه السلام) در این باره به ابوهارون (نابینا) فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى آلَى عَلَى نَفْسِهِ أَنْ لَا يَجْأُورَهُ خَائِنٌ قَالَ قُلْتُ وَ مَا الْخَائِنُ قَالَ مَنْ ادَّخَرَ عَنْ مُؤْمِنٍ دِرْهَمًا أَوْ حَبَسَ عَنْهُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا» (2)

خداوند تبارک و تعالی با خود عهد کرده که خائنی را همجوار خود نکند (قرب الهی و بهشت جاودانه) ابوهارون عرض کرد خائنی کیست؟ حضرت فرمودند: آن که درهمی یا چیزی از مال دنیا را از مومنی دریغ نماید و پنهان کند.

ص: 130

---

1- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 249؛ (ترجمه بندر ریگی) 537 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/175

2- الخصال 1/151 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 8/357؛ 72/173

آنچه بین برادران مومن از غنی و فقیر، اتفاق می افتد چیزی جز آزمایش نیست. در صورت عدم اعانت فقیر از سوی غنی، وی با تمام اعمال عبادی خویش از بهشت الهی محروم خواهد بود و جزء خیانت کنندگان بشمار خواهد رفت چرا که حضرت امام صادق (علیه السلام) همچنین فرمودند:

«أَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أَصْحَابِنَا اسْتَعَانَ بِهِ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِهِ فِي حَاجَةٍ وَلَمْ يَبَالِغْ فِيهَا بِكُلِّ جُهِدٍ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْمُؤْمِنِينَ» (1)

هر يك از ياران (محبين) ما كه برادرش در مشكلي از او كمك بخواهد و وي با تمام توان خود در كمك به او نكوشد، هر آينه به خدا، پيامبر و مومنان خيانت کرده است.

زياد ديده و شنیده شده است كه اشخاص متمكنی بر اثر كاهلی در امر دادرسی مومنان، تبديل به اشخاصی ظالم گشتند و آن اموالی كه می توانست باعث نجات او در دنيا و رهایی از عذاب آخرت گردد، وبال گردش شده و او را مانند وزنه ای سنگین به اعماق جهنم هدایت می كند. حتی جایگاه اثرگذاری خویش را در دنيا عوض نموده، بر اثر كمك به اشخاص گناهكار و شقی، باعث می شود نامش جزء عاصیان ثبت شده و اموالش نیز به زوال برود و به علت كمك به گناهكار مستوجب عقاب مضاعف شود. چنانكه حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«هرگاه یکی از برادران ما دست حاجت به سوی یکی از شیعیان ما دراز کند و

ص: 131

---

1- المحاسن 1/98 - الكافي (ط - الإسلامية) 2/362؛ (ط - دارالحدیث) 4/95 - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 249 - الوافی 5/986 - وسائل الشیعة 16/383 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 11/19 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/175

او بتواند کمکش کند و دریغ ورزد، خداوند-عزوجل- او را به بر آوردن نیاز یکی از دشمنان ما مبتلا می کند و به سبب این عمل در قیامت عذاب می شود» (1)

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«بدان هر کس در راه خدا انفاق نکند گرفتار می شود به اینکه در راه معصیت و نافرمانی خدا انفاق کند. بدان هر کس در راه حاجت دوست خدا گام نگذارد، گرفتار می شود به اینکه برای دشمن خداوند قدم بردارد» (2)

نظیر این فرمایش از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) نقل شده که:

«مَنْ بَخِلَ بِمَعُونَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَالْقِيَامِ فِي حَاجَتِهِ ابْتُلِيَ بِمَعُونَةِ مَنْ يَأْتُمُّ عَلَيْهِ وَلَا يُجْرُ» (3)

کسی که از کمک به برادر مسلمان خود و بر آوردن حاجت او دریغ کند؛ خداوند او را گرفتار کمک به کسی کند که به سبب آن کمک، گناهکار شمرده شود و مزدی هم نبرد»

همچنین بر اثر کوتاهی در امر دادرسی در دنیا و آخرت، شخص متمول مورد غضب حق خواهد بود، چنانکه حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ

ص: 132

---

1- میزان الحکمه 3/252 - ثواب الاعمال 297/1

2- مشکاة الانوار 467

3- المحاسن 1/99 - الکافی (ط - الإسلامیة) 2/366؛ (ط - دارالحدیث) 4/101 - الوافی 5/987 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 11/49 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/175؛ 72/180

هیچ مومنی نیست که از نصرت برادر خود دست بکشد با آنکه قدرت دارد که او را یاری کند، مگر آنکه خداوند او را در دنیا و آخرت مخذول می کند و از نصرت خود محرومش می نماید.

«إِنَّ الْمُسْكِينِ رَسُولُ اللَّهِ فَمَنْ مَنَعَهُ فَقَدْ مَنَعَ اللَّهَ وَمَنْ أَعْطَاهُ فَقَدْ أَعْطَى اللَّهَ» (2)

مسکین واقعی، فرستاده خداوند است. کسی که از یاری کردن وی دریغ کند، از خدا دریغ کرده است و آن کس که به نیازمندی، بخشش و انفاق کند در حقیقت به خداوند بخشیده است.

وانگهی از تبعات بسیار وحشتناک عدم اعانت به افراد فقیر، مبتلا شدن ایشان به مفسده های اعتقادی و تزلزل در ایمان است یعنی بر اثر بخل شخص متمول، دین و ایمان فقرا مورد تهاجم شیطان قرار می گیرد، چنانکه فرموده اند:

«...وَ إِذَا بَخَلَ الْغَنِي بِمَعْرُوفِهِ بِأَعِ الْفَقِيرِ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ...» (3)

هرگاه ثرومند در بخشش و انفاق بخل ورزد، تهیدست آخرت خویش را به دنیا بفروشد.

اهمیت اعانت مومن در پیشگاه خدا در حدی است که فرد با وجود رعایت

ص: 133

---

1- المؤمن 67 / 8 - المحاسن 1/99 - الأمالی ( للصدوق) 486 - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 148 - الإختصاص 27 - مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار 84 - وسائل الشيعة 12/268 -؛ 12/292 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 71/312؛ 72/20 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/101

2- نهج البلاغة (للصبيحی صالح) 529 - شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد 19/210 - وسائل الشيعة 9/420 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 93/172

3- نهج البلاغة (للصبيحی صالح) 541 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 2/36؛ 71/417

تمامی قوانین الهی، اگر در امر دادرسی سستی داشته باشد؛ مستوجب عقاب خواهد شد. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند:

«روز قیامت مردی را حاضر کنند که از مال حلال جمع نموده و به حلال خرج کرده، خطاب میرسد او را باز دارید، شاید در طلب این مال ضرر به یکی از اموری که بر او واجب است رسیده باشد مثل اینکه نمازی را از وقتش به تاخیر انداخته یا کوتاهی در رکوع و سجود و یا وضوی آن نموده باشد عرض کند: پروردگارا از حلال کسب کردم و به حلال خرج نمودم و هیچ يك از واجبات خود را ضایع نکردم، خطاب رسد شاید به جهت این مال بر نزدیکان و دیگران فخر کرده ای و به مرکبی یا جامه ای مباهات نموده باشی؟ عرض نماید: پروردگارا چنین عملی نیز از من سر نزده، خطاب رسد شاید کوتاهی و منع نموده باشی حق کسانی را که من امر کردم که بدهی از سادات، یتیمان، مساکین و رهگذران؟ عرض می کند: نه پروردگارا هیچ حقی را که امر فرموده بودی ضایع نکردم.

در آن وقت جماعتی حاضر شوند و در مقام مخاصمه با آن شخص بر می آیند و می گویند: خداوندا مال به او عطا کردی و او را غنی گردانیدی و به او امر فرمودی به ما بدهد. اگر از جواب مخاصمه آنها بر آمد و معلوم شد که حق آنها را داده و هیچ فخر و مباهاتی نکرد و واجبی از او ضایع نشده است، پس خطاب می رسد بایست [در صحرای محشر] و بجا بیاور شکر نعمتی را که به تو عطا فرموده ایم از آنچه خورده ای، آشامیده ای و لذتی که یافته ای»

یعنی چون حقوق ایشان را نداده بود، مجبور است در همانجا شکر نعمت را ادا نماید. در حالیکه از توان او خارج است و عملی از وی نمی پذیرند. روایت است که بجای هر یک صدم درهم بدهی، باید هفتصد رکعت نمازی که

به درگاه خداوند قبول شده را از دست بدهد.

کسی که مداخل و مخارج او حلال، و همه واجبات خود را به جا آورده باشد و حقوق الهی را ادا کرده است، با این دقت به محاسبه او می پردازند. حال، چگونه خواهد بود در این زمانه که حلال و حرام آغشته به همدیگر است، نه از شبهات اجتناب شده و نه...

پس تا مرگ فرا نرسیده، با یقین به فرمایشات معصومین (علیهم السلام) به وسیله دارائیهای خویش چاره ای باید اندیشید که شدت غضب پروردگار در این امر بسیار زیاد است. چنانکه حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«..أَتَاكَ أَخُوكَ فِي حَاجَةٍ قَدْ جَعَلْتَ قَصَاءَهَا فِي يَدِكَ، فَمَنْعْتَهُ إِيَّاهَا زُهْدًا مِنْكَ فِي ثَوَابِهَا، وَعَزَّيْتِي لَا أَنْظُرُ إِلَيْكَ الْيَوْمَ فِي حَاجَةٍ مُعَذِّبًا كُنْتَ أَوْ مَغْفُورًا لَكَ» (1)

اگر مسلمانی برای حاجتی و کاری نزد مسلمانی بیاید و او بتواند کار سازی کند و نکند، خداوند در روز قیامت او را سخت توبیخ کند و فرماید برادرت برای حاجتی نزد تو آمد و من برآوردن آن را در دست تو قرار دادم، اما به ثواب این کار بی رغبتی کردی و دست ردّ به سینه او زدی! به عزت خودم سوگند، چه دوزخی باشی یا آمرزیده بهیچ حاجتی از تو اعتنایی نکنم.

در واقع اگر کسی یقین به قیامت داشته باشد، حتماً بوسیله این روایات، حرکت جدیدی را حداقل برای نجات خویش آغاز می کند. نمونه ای از عذاب قبر در بی اعتنایی به حوائج مومن در حدیثی از حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) نقل شده است:

ص: 135



«هر کس برادر مومنش برای کاری و حاجتی نزد او آید، این در حقیقت رحمتی است از سوی خداوند تبارک و تعالی که به جانب او سوق داده است. پس، اگر حاجت او را روا سازد خود را به ولایت ما پیوند زده و ولایت ما هم به ولایت خدا پیوسته است. اما اگر می تواند حاجت او را بر آورد و بر نیآورد، خداوند در قبرش ماری آتشین بر او مسلط گرداند که تا روز قیامت وی را نیش زند» (1)

متأسفانه خیلی از مومنین بر اثر عدم اعانت برادران تهیدستان، قطع ولایت معصومین (علیهم السلام) می کنند ولی خود نمی دانند و این حقیقتی است که عدم دادرسی از مومنین علیرغم داشتن ولایت معصومین (علیهم السلام) و اعمال صالح، باعث قطع ولایت خداوند و ائمه اطهار (علیهم السلام) می گردد. حضرت امام کاظم (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِهِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فِي بَعْضِ أَحْوَالِهِ فَلَمْ يَجِرْهُ بَعْدَ أَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ فَقَدْ قَطَعَ وَلايَةَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى..» (2)

کسی که برادرش نزد او برود و در موردی از وی کمک (پناه) بخواهد و او بتواند و کمکش نکند رشته ولایت با خداوند - عز و جل - را بریده است.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) نیز فرمودند:

«مَنْ قَطَعَ مَعَهُودَ إِحْسَانِهِ قَطَعَ اللَّهُ مَوْجُودَ إِمْكَانِهِ» (3)

کسی که رشته احسان خود را قطع کند خداوند متعال توانایی (نیکی کردن) را

ص: 136

1- الکافی 2/196 ح 13

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/368؛ (ط - دارالحدیث) 4/103 - الوافی 5/662 - وسائل الشیعة 16/386 - مرآة العقول فی شرح

أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 11/50 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/179

3- میزان الحکمه 3/130 - غرر الحکم 389

آیا حقیقتاً اعانت نکردن مومنین چنین عقابی را در پی خواهد داشت؟ حضرت امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«مَنْ سَأَلَ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ حَاجَةً مِنْ ضَرِّهِ فَمَنَعَهُ مِنْ سَدِّعِهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهَا مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ حَسْرَةُ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَقْرُونَةً يَدُهُ إِلَى عُنُقِهِ حَتَّى يَفْرُغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلْقِ» (1)

کسی که برادر مومنش در هنگام تنگدستی، نیاز خود را به او بگوید و او بتواند، خودش یا از طریق کس دیگری حاجتش را روا سازد و نکند، خداوند در روز قیامت وی را در حالی که دستش به گردش بسته شده است، محشور فرماید تا فارغ شدن از حساب بندگان خود همچنان او را نگه دارد.

روایت است قیامت پنجاه موقف دارد و هر ایستگاهی برای حسابرسی خاصی است. مدت هر کدام هزار سال و جمعا پنجاه هزار سال می باشد.

{ تَعْرِجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ } (2)

«فرشتگان و روح، در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی "او" بالا می روند»

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (3)

ص: 137

1- مشكاة الأنوار في غرر الأخبار 101؛ 186 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 71/287

2- سورة مبارکه معارج آیه شریفه 4

3- المحاسن 1/99 - الأمالی (للصدوق) 486 - الإختصاص 27 - وسائل الشيعة 12/268 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 71/312 -

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/101

هرگاه مومنی بتواند برادر خود را یاری رساند، اما تنهایش گذارد، خداوند در دنیا و آخرت او را تنها گذارد.

آیا این فرمایشات نیاز به تأمل و تفکر ندارد؟ حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره این سخن خداوند متعال که در قرآن در سوره مبارکه فجر آیه شریفه 27 فرموده است که:

(يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارجعي إلى ربك راضيةً مرضيةً \* فادخلي في عبادي \* وادخلي جنتي) (1)

«ای نفس آرام یافته \* خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد و در میان بندگان خاص من درآی و در بهشت من داخل شو»

می فرمایند:

«این آیه شریفه در حق کسی است که پارسا باشد و نسبت به برادرانش مواسات کند و با آنان پیوند برقرار سازد. اما اگر نه پارسا بود و نه برقرار کننده پیوند با برادران، به او گفته می شود چه چیزی مانع تو از پارسایی و مواسات نسبت به برادرانت شد؟ تو از کسانی هستی که به زبان، دم از دوستی اهل بیت (علیهم السلام) میزدند ولی در کردارشان، مراعاتش نمیکردند. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) هرگاه او را دیدار کنند، از او روی برمی گردانند و بر او چهره درهم کشیده و شفاعتش نمیکنند»

(2)

با خواندن این احادیث، آیا حجت بر همگان تمام نمی شود؟ خدا را چقدر

ص: 138

---

1- سوره مبارکه فجر آیات شریفه 27 الی 30

2- میزان الحکمه 1/171 - المحاسن 1/283/558

باید شاکر باشیم که می توانیم قبل از فرا رسیدن مرگ با پیروی از فرمایشات معصومین (علیهم السلام)، گذشته خود را که سراسر کاهلی در این امور بوده جبران کنیم. ارزش و عظمت مومنین گرفتار و دربند آزمایشها، آنچنان زیاد است که هر عملی بهر شکلی برای او در واقع برای وجود اقدس خداوند است. خواندن این روایت به تحقیق، بسیار به تعقل نیاز دارد و قطعاً باید زکات خواندن روایت، اندیشه در آن باشد تا بتواند در قالب عمل درآید وگرنه حجت، دامنگیر ما خواهد بود. در روایتی آمده است که حضرت امام (علیه السلام) فرمودند:

«روز قیامت، خدای تعالی ندا سر می دهد: چرا من مریض شدم به عیادت من نیامدید؟ مردم عرضه می دارند: خدایا! تو منزّه از جسمی تا اینکه مریض شوی.

حق تعالی می فرماید: آری، آن موقعی که برادر مؤمنت مریض بود، تو به عیادتش نرفتی و اگر به دیدنش می رفتی مرا در کنار او می یافتی (رضایت من خدا را در این عمل می یافتی) و آن موقع محل اجابت دعا بود» (1)

به نقل دیگر این که می فرمایند:

من خدا فلان روز آب می خواستم چرا به من آب ندادید؟ خلاق عرض می نمایند: خدایا! تو منزّه از جسمی.

می فرماید: برادر مؤمنت آب می خواست و به او ندادی»

همچنان که یاری نکردن مومن، عذاب شدید دارد، یاری مومن حتی با يك لیوان آب نیز پاداش عظیم دارد. حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«هر کس مومنی را آب دهد در جایی که آب باشد، خداوند عطا کند به او هر

ص: 139

شربت‌ی هفتاد هزار حسنه و اگر آب دهد در جائی که آب نباشد مثل آنست که ده بنده از اولاد اسماعیل آزاد کرده باشد» (1)

کوتاهی در این امر مساویست با عتاب، سخط و عقاب ائمه معصوم (علیهم السلام). طبق روایات متعددی، اعانت به مومن کمک به همه ائمه اطهار (علیهم السلام) است و کوچکترین بی احترامی و کم اعانتی به برادر مومن، بیحرمتی به امام معصوم (علیه السلام) است. شیخ کلینی (رحمة الله) در کتاب شریف کافی می نویسد:

«ابوهارون گوید: روزی من در خدمت حضرت امام صادق (علیه السلام) حاضر بودم. حضرت به افرادی که در حضورش بودند، فرمودند: برای شما چه شده که امر ما را سبک می شمارید و به ما استخفاف می ورزید؟! مردی از اهل خراسان برخاست و گفت: پناه می بریم به خدا که ما به شما بی احترامی کنیم و امر شما را سبک بشماریم.

امام (علیه السلام) فرمودند: آری، تو خودت یکی از آن اشخاص هستی که مرا سبک شمردی و خوار کردی. آن مرد گفت: پناه می برم به خدا که من شما را خوار کرده باشم.

امام (علیه السلام) فرمودند: وای بر تو! آیا نشنیدی که فلانی در نزدیکی جحفه به تو گفت: مرا به مسافت یک میل بر مرکب سوار کن. به خدا سوگند! من خسته شدم، به خدا سوگند که تو سر به سوی او بلند نکردی و به این جهت به او بی احترامی نمودی و هر کس مومنی را خوار نماید، ما را خوار نموده و حرمت خدا را ضایع کرده است» (2)

ص: 140

1- کافی 2/201

2- مفاتیح الجنان در آداب زائرین حضرت امام حسین (علیه السلام) قسمت پنجم

حضرت امام سجاد (علیه السلام) فرمودند:

«کسی که مرکب سواری خود را در اختیار برادرش بگذارد، خداوند در روز قیامت در موقف، او را بر ناقه ای از ناقه های بهشتی محشور گرداند که خداوند بر ملائکه به او مباحثات می نماید» (1)

خودرو نیز [مرکب سواری] جزء اموال الهی محسوب می شود و فرقی با بقیه اموال ندارد. این نیز می تواند وسیله احسان و تقصد قرار گیرد. همانطور که طبق آیات و روایات، عطای دیگر دارائیها برای امتحان مومن متمول و منع آن برای آزمایش مومن تهیدست است، عطا و منع مرکب که یکی از امتعه دنیویست، نیز برای آزمایش مومنین است. بد نیست اهل ایمان، این روایت را در برابر چشمان خود نصب نمایند که فرموده اند:

«آنچه برای خود می پسندید برای دیگران (مومنین) نیز پسندید»

باید از برادران اهل ایمان پرسید چرا خود را لایق استفاده از مرکب می دانند ولی دیگر برادران ایمانی خویش که بنا به حکمت الهی، از ایشان منع شده، را شایسته استفاده از خودرو نمی دانند. آنجا که برای اهل خویش فرصت تفرج فراهم می نمایند، کاش از احوال برادران خویش نیز آگاه شوند. مگر نه اینکه:

{فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ} (2)

«پس هر که کارهای شایسته انجام دهد و مؤمن [هم] باشد، تلاش او از بین نخواهد رفت، و ماییم که به سود او ثبت می کنیم»

ص: 141

---

1- وسائل الشیعه باب 22 از ابواب فعل معروف ح 5 - صفات و علامات متقین 1/50

2- سوره مبارکه انبیاء آیه شریفه 94

{فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ} (1)

«پس هر که هم وزن ذره ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید»

پس اگر ذره ای از خیر یا شر از دید الهی پنهان نمانده و در روز واپسین [قیامت] دارای جزا و جواب است، بخشش و دریغ خودرو، مال و... چه جایگاهی خواهد داشت. حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«هر که لباس زمستانی یا تابستانی به برادر خود بپوشاند، بر خداست که از جامه های بهشت بر تن او کند و سختیهای مردن را بر وی آسان گرداند و در قبرش بر او گشایش دهد و آنگاه که سر از قبر بردارد، فرشتگان با بشارت به استقبالش روند» (2)

در تمامی مراتب زندگی هرگونه دارائی، امانت و امتحان خداست و می بایستی حتی المقدور برادران دینی را نیز در آنها سهیم کرد. مضاف بر اینکه بر اساس مصلحت الهی اگر زیردست و کارگر او، برادر مومنش باشد، لزوم رعایت حقوق وی دو چندان خواهد بود. حضرت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«کسی که برادرش (دینی) زیردست او باشد باید از آنچه می خورد به او بخوراند و از آنچه می پوشد به او بپوشاند و زیادتز از توانایش به او تکلیف نکند» (3)

و در روایتی دیگر می فرمایند:

ص: 142

---

1- سورة مبارکه زلزله آیه شریفه 7

2- الکافی 2/204/1

3- بحار الانوار 74/141

«اگر به کاری و ادارشان کردید کمک کارشان باشید»

برادران دینی در تمام مراحل دنیوی باید از همه جهت مانند اجزاء يك ساختمان، به یکدیگر متصل باشند و روحیه اتصال به همدیگر که همان مواسات است، را در خود پرورش داده، در مزرعه عمل کشت نمایند. و الا دم زدن از ولایت معصومین (علیهم السلام) بیهوده است. ابواسماعیل می گوید: به حضرت امام باقر (علیه السلام) عرض کردم:

«قربانت گردم، نزد ما شیعه بسیار است. امام (علیه السلام) فرمودند: آیا توانگر به فقیر توجه می کند؟ آیا نیکوکار از بدکردار در می گذرد و با یکدیگر مواسات می کنند؟ عرض کردم نه. فرمودند: آنها شیعه نیستند، شیعه کسی است که اینچنین رفتاری با برادران داشته باشد» (1)

کمی که در این روایت تامل نمائیم، درمی یابیم که پا گذاردن در دایره مکتب تشیع، منوط بر اعانت برادران دینی است. مردی خدمت حضرت امام صادق (علیه السلام) رسید، امام (علیه السلام) از او سوال کردند:

«از برادران دینی ات که جدا شدی چگونه بودند؟ او، ستایش نیکویی از آنها نمود و مدح بسیار در حق آنها کرد. حضرت (علیه السلام) به او فرمودند: ثروتمندان از فقرا چگونه عیادت می کنند؟ عرض کرد: اندکی، امام (علیه السلام) فرمودند: دیدار و احوالپرسی ثروتمندان (از برادران فقیر چگونه است؟) عرض نمود اندک، امام (علیه السلام) فرمودند: دستگیری و انفاق توانگران به مستمندان چگونه است؟ عرض کرد شما اخلاق و صفاتی را ذکر میکنید که در میان ما کمیاب

ص: 143



است امام (علیه السلام) فرمودند: پس چگونه آنها خود را شیعیان ما می دانند؟» (1)

این روایت نیز بر عقیده ما صحه گذاشته و بیان می کند که حتی امام معصوم (علیه السلام)، تشیع را بعد از اعتقادات صحیح، در گرو اعانت برادر ایمانی می داند. ابان بن تغلب گوید: با حضرت امام صادق (علیه السلام) طواف کعبه می کردم، مردی از اصحاب (برادران دینی) به من برخورد و درخواست کرد همراه او بروم که حاجتی دارد. او به من اشاره کرد و من کراحت داشتم که حضرت امام صادق (علیه السلام) را رها کنم و بدنبال او بروم. باز در میان طواف به من اشاره کرد و در همین حال حضرت امام صادق (علیه السلام) او را دیدند و به من فرمودند:

«ای ابان او تو را می طلبد؟ عرض کردم آری، فرمودند: او کیست؟ گفتم مردی از اصحاب ماست. فرمودند: آیا عقیده تو را دارد؟ (آیا جزء برادران ولایتی است) عرضه داشتم: آری. فرمودند: نزدش برو، عرض کردم طواف را بشکنم؟ فرمودند: آری. گفتم: اگر چه طواف واجب باشد؟ فرمودند: آری. ابان گوید: برای حاجت برادر مومن از حضرت امام صادق (علیه السلام) جدا شدم و پس از انجام کار خدمت حضرت رسیدم و پرسیدم حق مومن را بر مومن به من خبر دهید. فرمودند: ای ابان این موضوع را کنار گذار و طلب مکن، عرض کردم: چرا قربانت کردم، سپس همواره تکرار میکردم و اصرار بر جواب این مطلب مینمودم تا اینکه فرمودند: ای ابان، نصف مالت را به او میدهی؟ سپس بمن نگریستند و چون دیدند که چه حالی بمن دست داد، فرمودند: ای ابان، مگر نمی دانی که خداوند-عزوجل- کسانی را که دیگران را بر خود ترجیح داده اند یاد فرمود؟

ص: 144

{...وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ...} (1)

«...و دیگران را بر خود ترجیح می دهند حتی اگر خود، به آن نیاز بیشتری داشته باشند...»

عرض کردم چرا قربانت شوم؟ فرمودند: آگاه باش چون نیمی از مالت را به او بدهی او را بر خود ترجیح نداده ای بلکه تو و او برابر شده اید، ترجیح او بر تو زمانی است که از نصف دیگر که باقی مانده به او بدهی» (2)

هر چند این فرمایش الهی بسیار بر نفس، سخت و ناگوار است، اما مطلقاً سخت تر از تحملِ نداری و خواریِ تهیدستی نیست. بهر حال امتحان برای این دو گروه بسیار سنگین و سخت است و راهی نیست جز اینکه یا فقیر به صبر و تسلیم راهی جسته و یا ثروتمند به انفاق نجات یابد و یا هر دو در این امتحان الهی شکست خورده و اهل عقاب شوند. البته اگر با تعقل به احادیث نظر داشته باشیم قطعاً نفس برای صبر و انفاق، تادیب و پرورش می یابد.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خانه وسیع را نیز از شمول انفاق و استفاده برادران ایمانی خارج ننموده، عفو نکردند. این حکایت چنین نقل شده است:

«حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در بصره وارد شدند بر منزل علاء بن زیاد حارثی برای عیادت او که از اصحاب حضرت بود. چون منزل وسیع علاء را دیدند، فرمودند: این خانه با این وسعت در این دنیا برای چیست؟ و توبه خانه وسیع در آخرت نیازمندتر هستی. بله اگر بخواهی می توانی همین خانه را وسیله تأمین آخرت قرار دهی که اینجا محل پذیرایی مهمانان (برادران مومن)

ص: 145

---

1- سوره مبارکه حشر آیه شریفه 9

2- کافی ج 3 ح 8

و واردین و ارحام و خویشان باشد و اینجا جایگاه بررسی بحقوق مسلمانان و رساندن حق بصاحبش باشد. که اگر اینطور باشد این خانه وسیله رسیدن به آخرت است» (1)

اما بحث مواسات که ریشه در ایثار دارد، در توان ایمانی هر مومنی نیست، علی الخصوص در آخرالزمان که همه افراد بر اثر ضعف یقین به خداوند متعال و معاد، همه چیز را برای خویش می طلبند. اما عدم رعایت مومنین نسبت به همدیگر ناشی از القانات شیطان است که طبق آیه قرآن، وعده به فقر و تنگدستی می دهد.

{ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ } (2)

«شیطان شما را با فقر می ترساند و به فحشاء امر میکند و خدا شما را به بخشش و فضل خود دعوت می کند و خداوند "واسع" و "علیم" است»

به خیال خویش اگر مال و دارائی را برای تهیدست مصرف کند یا به او قرض داده، یا مسکنی برای او بخرد، از اموالش می کاهد؛ در صورتیکه نمیداند یکی از دلایل بسیار مهم ازدیاد روزی، همین عمل عظیم و شریف است. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«.. وَ مُوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ..» (3)

.. و مواسات نسبت به برادر دینی، روزی را می افزاید..

ص: 146

---

1- بحار الانوار 15/117

2- سورة مبارکه بقره آیه شریفه 268

3- الخصال 2/505 - وسائل الشیعة 15/347 - جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی) 22/138

باید گفت هیچ چیزی همانند مواسات مالی با برادران مومن، سفره قرب الهی را نمی گشاید. حضرت امام کاظم (علیه السلام) راجع به امر مهم مواسات که سریعترین راه به قرب الهی می باشد، می فرماید:

«مَا تَقَرَّبَ الْمُؤْمِنُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ مُوَاسَاةِ الْمُؤْمِنِ، وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى {لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ}»

مومن با چیزی برتر از مواسات نسبت به مومن، به خداوند-عزوجل-نزدیک نشده است و این همان سخن خداوند متعال است که در قرآنش فرمود: «هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا اینکه از آنچه دوست دارید انفاق کنید».

عطای مال به یکی و منع آن از دیگری، حکمتی است تا بواسطه آن، جوهره و ایمان خالص هر کسی آشکار شود. در بهای سعادت در دنیا و رضوان ابدی را به روی خویش باز کنند و از عذاب الهی بپرهیزند. چون توفیق مواسات، در اکثر مومنین خیر و نیکوکار نیست، حداقل مقداری از اموال و امکانات را در اختیار برادران مومن خود بگذارند. مثلاً اگر قرضی دارد پرداخت نمایند. یا از امکانات رفاهی که همیشه خود و خانواده اش استفاده می کنند، برادر خویش را بهره مند سازند. با اصرار و پیشنهادهای مکرر آن را بر ایشان عرضه کنند و منتظر آن نباشند که برادر مومن از ایشان تقاضا نماید. حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«إِذَا سَأَلَكَ أَخُوكَ حَاجَةً فَبَادِرْ بِقَضَائِهَا قَبْلَ اسْتِغْنَائِهِ عَنْهَا» (1)

ص: 147

---

1- رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام) - الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (علیه السلام) 374 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/413 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/404

اگر برادرت از تو حاجت و نیازی طلبیده، حاجت او را زود برآورده کن، قبل از اینکه او به هر دلیلی مستغنی و بی نیاز شود.

البته شایان ذکر است که در همین عصر حاضر شاهد کسانی هستیم که مواسات با برادر مومن را سیره و عمل خویش قرار دادند و به واسطه این از خود گذشتگیها، مقام و منزلتی نیکو در آخرت و نزد حضرات معصومین (علیهم السلام) برای خویش مهیا کردند. به واسطه ارتباط قلبی و تمرکز روح، فکر و اعمال خویش، با قطب عالم امکان در راه دوستی بخاطر جلب رضایت حق، از خود گذشتند و مصداق این فرمایش زیبا قرار گرفتند. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«وَاعْلَمُوا أَنَّ عِبَادَ اللَّهِ الْمُسْتَحْفَظِينَ عِلْمُهُ...» (1)

«بدانید بندگانی که نگاهدار علم خداوند هستند و آنرا حفظ می کنند و چشمه های علم الهی را جوشان می سازند، با دوستی خدا با یکدیگر پیوند داشته و یکدیگر را دیدار می کنند، جام محبت را به همدیگر می نوشانند و از آبشخور علم او سیراب می گردند. شك و تردید در آنها راه نمی یابد و از یکدیگر بدگویی نمی کنند، سرشت و اخلاقشان با این ویژگیها شکل گرفته است و بر این اساس تمام دوستیها و پیوندهایشان استوار است. آنان چونان بذرهای پاکیزه ای هستند که در میان مردم گزینش شده، آنها را برای کاشتن انتخاب و دیگران را رها می کنند. با آزمایشهای مکرر امتیاز یافتند و با پاک کردنهای پی در پی (امتحان و بلا) خالص گردیدند»

ص: 148

وقتی انسان به خدای متعال یقین حاصل نمود، و امام زمان خویش را شناخت، قدرت گذشتن از اموال دنیا را حتی در شرایط بسیار سخت نیز پیدا خواهد نمود. مگر اوتادین، خصیصین یا سلمانها و ابوذرها چگونه به قرب الهی و خشنودی امام زمان خویش رسیدند؟ مگر نه اینکه ایشان مانند علی بن مهزیار از همان تذکرات در مورد دنیا بهره برده و با بکار بستن فرامین ایشان اجازه تشریف به ساحت مقدس ایشان را دریافتند. دین پس از ورع، ایثار در برابر برادر دینی، علی الخصوص مومنینی که مستاصل و مضطربند، است. به عنوان نمونه حکایاتی را ذکر می کنیم تا اتمام حجتی باشد برای کسانی که طالب مقامات عالیّه قرب به خدای متعال هستند.

«شخصی بنام حاجی مقدس که پیرمردی بود، در یکی از روستاهای ایران به همراه همسر پیر خود که ظاهراً دارای فرزندی نیز نبودند در کلبه محقری که خالی از زیباییها و تزویر دنیا بود، تنها با يك گاو شیرده زندگی می کردند. از شدت پارسایی و ورع، در آن قریه، به نام حاجی مقدس معروف شده بود و بواسطه عملی خیر، خدمت ولی الله الاعظم تشریف حضور پیدا کردند. خود می فرماید: روزی خانه بودم، دیدم کسی در خانه ما را که از حلبی ساخته شده بود بشدت چندین بار می کوبد؛ من با عجله بسوی درب خانه رفتم دیدم یکی از افراد محلی با حالی بسیار مضطرب و چهره ای پریشان، دست به دامن من شده و وارد خانه گشت. پرسیدم چه اتفاقی افتاده؟ با لحنی که حاکی از ترس و وحشت و اضطراب بود، گفت: همین حالا طلبکارم (ظاهراً با پاسبان) به

دنبالم آمد و من از ترس فرار کردم و ذهنم جز به شما به کسی نرسید که به او پناه ببرم. پرسیدم بدهی تو چقدر است؟ گفت: دو هزار تومان (قبل از انقلاب) متوجه شدم هیچ گونه پولی در بساط ندارم الا دو هزار تومان که تمام هستی ام همان بوده و در کفن گذاشته ام تا موقع مرگم برای خرج کفن و دفن و مخارج دیگر استفاده گردد. به خودم خطاب نمودم برو هزار تومان را بردار به او بده، در حال رفتن گفتم: چرا هزار تومان بدهم هر دو هزار تومان را می دهم و از غم و اندوه خلاصش می کنم، آنگاه که دستش باز شد و وسعتی یافت قرضش را به من پس خواهد داد. باز به خودم خطاب نمودم حال که همه دارائی ات را می خواهی بدهی چرا قرض بدهی که باز فکرش ناراحت تو باشد، همه را بده در راه خدا و خوشحالش کن. پس از این تصمیم چند لحظه ای، همه پول را بلاعوض به او بخشیدم و خوشحالش کردم که همان روز یا چند روز بعد، حضرت امام عصر (علیه السلام) با اصحاب خاصشان تشریف آوردند در منزل ما و نماز مغرب را به امامت ایشان بجا آوردم، که اولین تشریف من بوده است. (البته قابل توجه است این حکایت را حاجی مقدس به کسی جز پیرمردی از دوستان خود نگفت و او هم تا موقعی که حاجی مقدس زنده بود، حق افشای این راز را نداشت تا بعد از مرگ حاجی مقدس این تشریف را بازگو کرد)»

البته در عصر حاضر هم مومنین سخاوتمندی را می شناسیم که منزل و کاشانه خود را به جهت وسیع بودن آن، صرف امور خیریه و دینی نموده اند. برای نمونه و پندی برای دیگر مومنان، ماجرای را نقل می کنم که خود (مولف) شاهد آن بودم و آن اینست که: «یکی از دوستان امام زمانی، به توفیق

الهی و مدد مولا صاحب الزمان (علیه السلام) به درجه ای از بصیرت و ایمان رسیده بود و باور نموده فرمایش حضرت امام صادق (علیه السلام) را که مومن ملکیتی در مال خویش ندارد و دارائیها نیست مگر بعنوان امتحان در برابر ضعفای مومنین. ایشان با وجود سن کم همیشه طالب این بوده که محبت دنیا از دلش بیرون رود و خداوند هم طبق فرمایش معصوم (علیه السلام) که "خداوند به اندازه نیت هر کس به او عطا می کند"، زمینهایی به عنوان ارث به وی عطا کرد و به او توفیق داد تا نصف زمینهای خود را به صورت قطعه هایی، به مومنین نیازمند اهداء کند و تمام سعی ایشان این بوده که شناسایی نشود تا هم مومنین که زمین دریافت می کنند، شرمند نگردند و هم پنهان نمودن عمل نیک که از شرایط مهم معامله با خداست، لحاظ گردد و از میان ایشان، افرادی که اهل انتظار و دعا برای فرج مولا هستند را قصد نمود.

طبق فرمایش امام معصوم (علیه السلام) اول طالبان و ناشران علوم اهل بیت (علیه السلام) سپس مومن منتظر مستمند را صاحب زمین نمود، (جالب اینکه با تحقیقات به عمل آمده از این مومنین، اکثریت آنها برای مسئله مالی و یا زمین در توسل شدید به امام زمان (علیه السلام) بوده اند). ایشان به من فرمودند هنگامی که از نصف دیگر زمینها که متعلق به من است سهم عیال و فرزند را کنار بگذارم، مازاد آن را نیز به مومنین اهل انتظار که بی بضاعت هستند اهداء خواهم کرد. قابل توجه اینکه ایشان به هیچ وجه متمول نیست بلکه فقط بواسطه ارث مالک زمینهای زیادی شد. می فرمودند: قطعاتی از سهم خودم را فروخته بودم تا بتوانم منبع درآمد بهتر و بیشتری از طریق ساختمان سازی عایدم گردد و به



خاطر همین موضوع چهار واحد منزل مجزا ساختند که بفروشنند. به بنده فرمودند حقیقتش این است که شبها نمی توانم راحت بخوابم. از اینکه مومنین و برادران دینی ام بی خانمان هستند و من دارای چهار باب خانه باشم، سخت معذبم. بخاطر همین عذاب وجدان که نشأت گرفته از ایمان خالص بر طبق احادیث و فرمایشات ذوات مقدسه (علیهم السلام) است، آن چهار واحد را نیز به مومنین که سخت مضطر و گرفتار بودند اهداء نموده و می گفت؛ پس از واگذاری احساس سبکی و آسایش می کنم.

ایشان دارای يك خانه مسكونی معمولی و يك خودروی ساده می باشند که می فرمود بارها بر اثر فشار افراد فامیل و اقوام نزدیک و وسوسه های درونی که سرچشمه اش حب دنیا است، تصمیم می گیرم يك وسیله چند میلیونی بخرم ولی وقتی می بینم برادران دینی ام در فشار مادیات و قرض قرار دارند نمی توانم قبول کنم که من ماشین چند میلیونی داشته باشم ولی برادرم شب و روز در غصه و ناراحتی قرض و بی مسکنی بوده و تهیدست باشد. البته شایان ذکر است چون نیت و عمل این شخص بر اساس اخلاص و پیروی از فرمان معصومین (علیهم السلام) است، خداوند نیز عنایت فرموده که همسر ایشان را مشوق و همفکر وی قرار داده و بارها می فرمود از الطاف خداوند متعال همسر با ایمان و همفکر بنده است. خداوند بر توفیقات هر دو بیافزاید.

البته امتیاز ویژه ای در خیرین شیعه وجود دارد که آن فضیلت در خیرین غیر متدین یا سایر مذاهب به چشم نمی خورد. در تشیع (=اسلام)، شخص با آنکه خود گرفتار است، برادر گرفتارتر از خویش را بر خود ترجیح می دهد.

[مانند حاجی مقدس] اما نیکوکاران مذاهب و اجتماعات دیگر، اینگونه نیستند. بی جهت نیست که خدای متعال مداح و ستایش کننده این مومنان است.

{... وَ يُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَ مَنْ يوقْ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ } (1)

«... و دیگران را بر نفس خود ترجیح می دهند ولو خود بیشتر نیاز داشته باشند؛ و هر کس از قلاده خواهش نفس خود به در آید، پس ایشان رستگاراند»

خداوند متعال از آنان به نیکی یاد می کند چرا که با دست خالی و نیاز شدید از دنیا گذشته، پرچم جوانمردی را در دنیا به اهتزاز در می آورند.

با دیدن چنین ایثار و از خود گذشتگی‌هایی می شود امیدوار شد که خدا را بر مال دنیا ترجیح دادن چندان هم سخت نیست. باید برای جلب خشنودی امام عصر (علیه السلام)، دوستی و محبت اموال را رها نموده و در امداد رسانیدن دوستانشان، این امانت خدا را از زندان آزاد کرده و به آشیانه اصلی آن که ضعفای اهل دین است، رسانید و چون می بایستی حجت بر ثروتمندان از اهل ایمان تمام شود و پندی گردد برای آنان، به چند نمونه از احسان و امدادهای میلیاردی بزرگ دنیا که در مجلات و روزنامه ها به چاپ رسیده، می پردازیم. از انسانهای بی قید و بند در ایران که خود شاهد ماجرا بوده ام را به عنوان اتمام حجت و پند و عبرتی بر اهل ایمان مرقوم می کنیم. حقیقتاً جای شرمندگی و تاسف است که انسانهایی که پایبند به احکام دین نبوده و فقط برای شرافت و ارزش انسانی از

ص: 153

همه اموال خود گذشته اند، ولی برخی مومنین که مقید به دین و معتقد به پادشاهای الهی هستند، اعتنائی ننموده حتی هشدارها و عذابهای آخرتی خداوند هم نتواند ایشان را به حرکت در آورد. حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«کافر سخاوتمند از مومن بخیل به بهشت نزدیک تر است» (1)

بهشت جای کافر و مشرک نیست پس وقتی کافر به بهشت نمی رود چگونه نزدیک به بهشت است و مومن بخیل که از وی دورتر است، چگونه فاصله ای با بهشت دارد؟ واقعاً جای تاسف و باعث رنج فراوان و ناراحتی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که در قضیه پسر مهزیار، فرمودند:

«آیا راه را برای رسیدن به من بلد نبودید یا در فکر اندوختن مال بودید و بدینسان به برادران خود ظلم کردید؟»

شایان ذکر است که نباید در قضاوت بین احسان سخاوتمندان دینی و غیر دینی، قیاس نابجا کرد و بی انصافی در قضاوت به خرج داد. این نوع حکایات فقط بجهت تحریک وجدان بعضی از متمولین است، تا بدانند که در عرصه قیامت چنین اشخاصی که در جرگه اهل دین نیستند بر اساس انسان دوستی به کارهای نیک و بسیار شگفتی، توفیق می یابند اما متاسفانه بعضی از مومنین متمکن به خاطر ضعف ایمان به پادشاهای الهی در قبال احسان نمودن، خود را از چشم برادران تهیدست مخفی نگه می دارند.

بهر حال نباید این گفته ها، دستاویز بعضی از نابخردان و بی انصافها قرار

ص: 154

گیرد و خیرین غیر شیعه را از همتایان شیعی ایشان بالاتر شمرد. چرا که در هیچ مرامی جز مرام تشیع که رهبر ایشان حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) است، روحیهٔ ایثار و احسان در حال تنگدستی، وجود ندارد.

باب ویلیامسون زمانی که به 24 سالگی رسید نه تنها آهی در بساط نداشت، بلکه يك معتاد و فراری از قانون بود و تمامی زندگی خود را درون يك روبالشتی جای داده بود و آن را بر دوش خستهٔ خود می کشید. او برای فرار از شهری که در آن تحت تعقیب پلیس بود، قادر به خرید بلیت اتوبوس یا قطار نبود، بنابراین هر چند کیلومتر را درون اتومبیل يك غریبه طی میکرد. باب تصمیم خود را گرفته بود. یا باید از این مخمصه بیرون می آمد و یا باید خودش را از بین می برد. باب که پیشیزی در جیب نداشت به ناچار مقداری از خون خود را به قیمت هفت دلار فروخت و برای شب، اتاقی را در يك مسافرخانهٔ محقر اجاره کرد. سپس روز بعد با انجام کارگری در ساختمانها و راه آهنها، مختصر پولی را برای خود دست و پا کرد و سرانجام توانست آنقدری بدست بیاورد که با آن اتومبیلی را خریداری کند اما بخت خوش هنوز با او فاصله داشت. او با همان اتومبیل قراضه درگیر يك تصادف شد. جراحات او به قدری عمیق و خطرناک بود که او سه ماه در بیمارستان بستری شد.

پس از خروج از بیمارستان باب با يك دختر جوان آشنا شد. او از نظر باب دختری مهربان و درستکار بود. آشنائی ای که شش ماه بعد منجر به بستن پیمان زناشویی شد. با تشویق همسرش، باب شروع به انجام خدمات در جامعه کرد. خدماتی که برای او سود سرشاری را هم به دنبال داشت. او شروع کرد به

درست کردن يك خانه كوچك برای امرار معاش و ضمناً پس از هر ساختمانی که او ساختن آن را به پایان می رساند، بلافاصله اقدام به افتتاح يك خانه برای اطفال بدون سرپرست می کرد که همسرش اداره آنها را به عهده می گرفت. در واقع پس از مدتی باب در جامعه از دو جهت به چهره ای مشهور تبدیل شد. هم از جهت آسمانخراشهای مستحکم و سودآور و هم از جانب فعالیت خستگی ناپذیر در مورد کودکان و اطفال بدون سرپرست. اکنون پس از سی و هشت سال او هنوز هم در کنار همسر، فرزندان و نوه-هایش احساس خوشبختی می کند. ضمن آنکه در آخرین معامله، کمپانی نرم افزار خود را به قیمت 75 میلیون دلار به فروش رساند که البته سود ناشی از آن را بدون يك لحظه تامل برای ساختن بزرگترین مرکز برای نگهداری از اطفال بدون سرپرست و بیمارستانی برای کودکان به کار انداخت. باب ویلیامسون اکنون در میان مشهورترین سرمایه داران جهان و از سرشناس ترین افراد خیر به شمار می رود.

حکایت بعدی مربوط به شخصی مسن از اهل انگلستان است که بخاطر کودکان فقیر 30 کیلومتر با پای برهنه بر روی خرده شیشه راه رفت. نایجل جاروین 56 ساله انگلیسی در يك مصاحبه تلویزیونی گفت: سالهاست که تلاش می کنم با پای برهنه بر روی خرده شیشه ها راه بروم به طوری که رکورد پیشین من 960 متر بود، اما با تلاش مشقت بار، این بار موفق شدم يك رکورد باور نکردنی از خود به جای بگذارم. وی در ادامه افزود، چندی پیش در حضور نمایندگان کتاب رکوردهای گینس با پیمودن مسیر 30 کیلومتری بر روی خرده شیشه ها، طی 27 ساعت و 30 دقیقه نام خود را در این کتاب به ثبت

قابل ذکر است که این مرد اجازه داشت هر ساعت 5 دقیقه برای استراحت، نوشیدن آب و استفاده از دستشویی توقف کند. وی مبلغ جایزه هنگفتی را که از کتاب رکوردهای گینس دریافت کرده بود به طور کامل به یک موسسه خیریه نگهداری از کودکان در «یورکشایر» بخشید.

نزدیک به 16 سال پیشتر، مری، 50 ساله بود و در حومه شهر بوستن زندگی می کرد. مری به تازگی از شوهرش جدا شده بود. بیست و پنج سال از زندگی مشترکشان می گذشت و فرزندی نداشتند در حالیکه به یکدیگر علاقه داشتند. متأسفانه همان مشکل یعنی بچه دار نشدن، آنها را وادار کرد که هر کدام دیگری را متهم به داشتن مشکل کند، این در حالی بود که معاینات پزشکی، هر دو را سالم نشان داده بود اما آنها معاینات پزشکی را باور نمی کردند و عشق شدید هر دو به بچه سبب شده بود نتوانند یکدیگر را ببخشند. سرانجام کار آنها به جدایی انجامید. پس از جدایی شوهر وی نقل مکان کرد و به شهر دیگری رفت. تنهایی مری پس از 25 سال او را به شدت افسرده کرده بود تا جایی که مری ساعتها روی تختخواب خود دراز می کشید و تکان نمی خورد. او حتی خودش را از کار پرستاری که بواقع به آن علاقمند بود، بازنشسته کرده بود. در واقع مری به خاطر افسردگی، کاملاً تغییر شخصیت داده بود. آن انسان دلسوز که هر زخم، جراحت و دردی در انسانها برایش اهمیت داشت، دیگر وجود نداشت.

در این میان چند شب از آپارتمان مجاور صدای مرافعه و جیغ و داد زنی

بگوش می رسید و کاملاً مشخص بود که شوهری زن خود را به باد کتک می گرفت، اما مری که وجدان پرستاری، روزگاری او را وادار می کرد که در چنین شرایطی دخالت کند، به دلیل افسردگی، تنها سعی می کرد تا چشمانش را روی هم گذاشته و به خواب برود. تا اینکه پس از چند شب که این اتفاقها تکرار شد، مری متوجه شد که کسی محکم بر درب آپارتمان می کوبد و زمانی که مری سرانجام در را گشود، همان مرد همسایه درحالی که تمامی لباس و دستهای او خون آلود بود، با چهره ای گریان گفت: «من همسر را کشته ام»

مری تنها کاری که کرد، این بود که به وسیله تلفن، پلیس را در جریان گذاشت. پس از آنکه پلیس به جریان رسیدگی می کرد، متوجه شد که این جریان برای چند روز ادامه داشته است. پس به شدت مری را مورد انتقاد قرار داد که چرا زمانی که از دعوا و مرافعه خبردار شده بود، پلیس را برای پیشگیری در جریان نگذاشته بود. این موضوع به انضمام دلخوری شدید بستگان زن مقتول از مری به خاطر عدم دخالت او در زمان لازم، سبب شد که مری علاوه بر افسردگی که قبلاً دچار آن بود، از خودش هم متنفر شود.

او بعنوان يك پرستار در مورد حفظ و حراست از جان دیگری، در هنگام فارغ التحصیلی، قسم ویژه یاد کرده بود و اکنون بر خلاف آن قسم، از خود بی تفاوتی نشان داده بود. او متوجه شد که حالا- یا باید با توجه به افسردگی و تنفر از خودش، خود را نابود کند و یا برای همیشه در زندگی خود تغییری ایجاد کند و خودش را وقف انسانها کند. اما در قبال تمام سختیها که در مقابل داشت، مری ناگهان مصمم شد که برای همیشه شرایطی را فراهم کند که در خدمت

انسانها باشد و بدین ترتیب فعالیت خود را که بعدها به گروه ویلسون مشهور شد، آغاز کرد. در واقع مری با تاسیس گروه ویلسون از عده ای پرستار داوطلب خواست تا به او پیوسته و گروهی بوجود آورند که برای خدمت در بحرانی ترین نقاط دنیا، بدون هیچ چشمداشتی عازم آنجا شوند و بدین ترتیب گروه ویلسون فعالیت خود را آغاز کرد.

نپال، کامبوج، افغانستان، اوگاندا، نیجریه، تیمور و مدیترانه از جمله مناطقی بود که گروه ویلسون سفر کردند و با استفاده از آخرین داروها و مواد ضد عفونی کننده، مردم فقیر و محتاج را هدف کمک های خود قرار دادند.

خیلی زود آوازه گروه ویلسون به گوش سازمان ملل متحد و همچنین کمیته انتخاب برای جایزه نوبل در رشته صلح رسید و بخصوص سازمان ملل متحد، کمکهای گرانبهائی را در اختیار گروه ویلسون قرار داد. گروه ویلسون از هر گونه تفکر سیاسی بدور بود و به همین دلیل هم در اغلب مناطق دوست و دشمن هم صرف نظر از عقاید سیاسی، برای درمان به این گروه مراجعه می کردند. حتی در بسیاری از موارد مشاهده شد که دو طرف مبارزه، توأمان برای درمان مراجعه می کردند.

اما بیشتر از همه، این شخص مری بود که سرانجام احساس کرد به اندازه کافی جان مردم و کودکان را نجات داده که آن بی تفاوتی درمقابل زن مقتول، سرانجام ذهن او را آسوده گذاشته باشد. اگرچه برخی اوقات در هنگام خواب شبانه، ناله های آن زن در اعماق خواب مری به سراغ او می آمد. اما مری آن را نوعی بازگویی برای خود تلقی می کند که هرگز نباید از آنچه که برای آن خلق



شده بود و بهترین شخصیت خودش را در مقابل آن ارائه می دهد، دور شود. هم اکنون در 65 سالگی بهترین لحظه برای مری ویلسون، زمانی است که يك كودك آفریقایی فقیر را که در مان شده و از مرگ نجات یافته بود، در آغوش گیرد و در گوش او آواز کودکانه بخواند.

از اغلب موسسات دولتی و غیر دولتی برای گروه ویلسون کمک مالی و دارویی ارسال می شود. گروه پرستاران ویلسون کاندیدای مهم برای دریافت جایزه صلح نوبل در سال 2009 بشمار می رود.

[مؤلف] بنا بر مصلحت خاصی با فردی ارتباط مقطعی پیدا نمودم. رفتار وی از نظر جامعه، داش مسلکی بود. وی نوچه و یاورانی برای مقاصد خود داشت. حتی به عنوان فرد آشوبگر دستگیر نیز شده بود. غیر از دلایل خاص برای ارتباط با وی، روحیه جوانمردی و سخاوت در او دیده می شد. پس از اینکه از زندان آزاد شد، با وی آشنا شده و در تماس بودم. در این اثنا روزی دو نفری به خارج از شهر رفتیم. جائی جنگلی مملو از درخت. پس از طی مسافتی، تقریباً در میانه جنگل به کلبه مخروبه ای رسیدیم. شدت بوی تعفن و وضعیت ناهنجار، نزدیک شدن به آنجا را ناممکن می نمود. کلبه ای متروک که حال انسان با مشاهده چنین اوضاع اسفناکی، متغیر می گشت. با تاسف فراوان پیرزنی را تنها در آن خرابه مشاهده نمودم. وی به من گفت: من بارها برای دلجویی و رسیدگی به این پیرزن به اینجا می آیم.

و اما قضیه دوم که حقیقتاً باید پندی برای مومنین باشد، چرا که این اعمال عجیب و نیکو باید از افراد اهل تدین صادر گردد. متاسفانه خیلی از مواقع

مشاهده می شود که در محله و یا اجتماعی، مستمندی نیاز مبرم به اعانت داشته ولی بر اثر غفلت، با سستی در امر بزرگ انساندوستی از کنارش رد شده و توفیق آن عمل بسیار بزرگ نصیب افرادی که پایبند به احکام دین نیستند، شد. این از نهایت فلاکت جامعه مومنین است که به یقین نرسیده اند که اموال، متعلق به خداست و باید در ید برادران ایمانی مستمند، سپس فقرای حقیقی جامعه قرار بگیرد.

حکایت از این قرار است که در محله ای که بیست سال پیش در آن زندگی می کردم (مولف)، شخصی بود که کارش در رابطه با قاچاق مواد مخدر و منش وی در راستای منکرات بود. با این حال، رفتار وی چیزی شبیه به نوعی جوانمردی بود. شبی در خواب دیدم ظاهراً ایام محرم است و ایشان هم به مناسبت این ایام پیراهن مشکی بر تن کرده است. از خواب بیدار شدم در حالیکه محرم نبود. با تعجب خواب را برای یکی از دوستانم تعریف کردم. دوستم در جواب فرمود: ایشان اخیراً دست به دو عمل بسیار بزرگی زده است. یکی اینکه زن فاسده ای را توبه داده و از منجلا ب فساد بیرون آورده است و او را به عقد خود در آورده، زندگی مشترکی را با او آغاز نموده است و دوم اینکه (مطلب مورد بحث)، دیوانه ای یتیم و بی آزار که از اولاد پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بود، شبها مکانی برای خواب نداشته و آواره کوچه و خیابان بود؛ حتی در زمستان نیز جایی برای اسکان نداشت. او در منزل مسکونی خویش يك اطاق در اختیار این بنده خدا گذاشته و هر شب با غذای گرم از او پذیرایی نموده و او را از سرما، گرما و آوارگی در کوچه ها نجات بخشیده است.

قضیه بعدی، مربوط به شخصی است که مجموعه ای بنا نهاد و شخصاً شبها در کنار گوشه خیابانها با ماشین می گشت. او افراد پیر، درمانده و آواره ای که جا و مکان نداشتند، تنها بر دوش می گذاشت و سوار خودرو نموده و به آسایشگاهی که درست کرده بود، می برد.

خوشبختانه از این نوع حکایات در کشور شیعه اثناء عشری ایران بسیار رایج است. برای نمونه به ذکر دو شخصیت میلیاردی که از خیرین بزرگ کشور به شمار می آیند خواهیم پرداخت.

نام: (...) موقعیت: بزرگترین تولیدکننده و صادرکننده فرش دستباف کشور - متولد: 1336، روستای اسفنجان - اسکو

من ... هستم. در 10 آذر 1336 در ده اسفنجان در شهرستان اسکو متولد شدم. هفت ساله بودم که پدرم را از دست دادم و یتیم شدم. امکانات مالیمان اجازه نمی داد به مدرسه بروم و فقط پس از رفتن به کلاس اول مجبور شدم پشت دار قالی بنشینم و قالیبافی کنم. تا 13 سالگی روزها قالی می بافتم و شبها درس می خواندم. چاره ای نبود، وسع مالی ما جز این اجازه نمی داد. خاک خوردم و زحمت بسیار کشیدم. حداکثر دو بار در سال سفره ما برنج دیده می شد. یک بار روز 21 ماه رمضان و بار دیگر در آخر سال. آرزو داشتم یا خلبان شوم یا پولدار. برای رسیدن به این آرزوها بسیار زحمت کشیدم. کارم را با به دوش کشیدن پستی و قالیهای کوچک و بردن آن از اسفنجان یا اسکو برای فروش آغاز کردم. در آغاز کار از هرکدام از آنها یک یا دو تومان، سود می کردم. پنج سال اینچنین سخت کار کردم. بسیار دشوار بود. اما پشتکار و

ص: 162

اعتقاد به هدف، با توکل به خدا تحمل سختیها را آسان می کرد. در هجده سالگی توانستم بیست هزار تومان پس انداز کنم، اما فشارها همچنان ادامه داشت تا این که مجبور به ترك تحصیل شدم.

غصهٔ یتیمی همانند باری سنگین بردوشم بود. (بغض می کند). یتیم کسی را ندارد. کارمند، کارگر، بانکی، کاسب و هرکس دیگری شب که به خانه اش می رود، دستی به سر و روی بچه اش می کشد. اما یتیم این محبت بزرگ را ندارد. شبها، شبهای جمعه پاهایش را در بغل می گیرد و به انتظار می نشیند. در انتظار آن کس که دستی به سرش بکشد..

در این فکر بودم که سرمایه ام را افزایش بدهم تا بتوانم کاری بکنم. می خواستم يك کارگاه فرشبافی راه بیندازم. سراغ پسرعموی پدرم رفتم و از او بیست هزار تومان قرض کردم و شصت هزار تومان هم از بانک وام گرفتم. سرمایه ام شد صد هزار تومان یعنی به اندازهٔ يك تراول چک صد تومانی امروزی. وقتی این پول دستم آمد تازه به فکر افتادم که چه بکنم. چه ایدهٔ جدیدی داشته باشم؟ ماه ها فکر کردم. آن روزها چون انقلاب شده بود تا دو سال به هیچ ایرانی ای پاسپورت نمی دادند. در این مدت فکر کردم و فکر کردم تا به این نتیجه رسیدم که با صادرات کارم را آغاز کنم. اما هیچ اطلاعاتی نداشتم. شنیده بودم آلمان مرکز تجارت فرش است. ویزا گرفتم و به هامبورگ رفتم و در يك مسافرخانه یا پانسیون مستقر شدم. به سالنها و انبارهای فرش آنجا سر زدم و با سلیقه ها آشنا شدم. آنجا به من گفتند ثروتمندان برای خرید فرش به سوئیس می روند. ویزای 15 روزهٔ سوئیس گرفتم و به ژنور رفتم. زبان

هم نمی دانستم. در يك هتل با تاجری آشنا شدم و او ایده اصلی را به من داد:

”فرش گرد بیاف“.

در آن دوران در ایران فرش گرد بافته نمی شد و کیفیت تولید فرش و رنگ بندیها هم مناسب نبود. چای و قهوه ام را خوردم و همان روز به ایران برگشتم. به ده خودمان آمدم و ساختمانی اجاره کردم. دستگاه خریدم، با ده درصد نقد و بقیه اقساط. ابریشم هم قسطی خریدم. انسان باید ریسک پذیر باشد و من هم ریسک کردم. با دست خالی و از هیچ شروع به بافتن فرش گرد کردم. چند نمونه که بیرون آمد سر و کله تاجران آلمانی پیدا شد و آنان به اسفنجان آمدند. باور می کنید یا نه؟ در اولین معامله شش و نیم میلیون تومان نقد پرداختند و شش میلیون تومان هم چک دادند! آن شب از شدت هیجان نخوابیدم. احساس آن شب را خوب به خاطر دارم. سرمایه صد هزار تومانی من که هشتاد هزار تومانش قرض بود، در کارخانه اجاره ای اینچنین سودی نصیب من کرده بود، در اولین قدم... کسب و کارم رونق گرفت و صادراتم را به آلمان، ایتالیا، سوئیس، انگلیس، بلژیک و دیگر کشورها آغاز کردم. بسیار سفر کردم و ایده های جدید دادم. از موزه های فرش کشورها بازدید می کردم و از طرحها اقتباس یا از آنها عکس می گرفتم و با الهام از آنها و تلفیق طرحها، ایده های نو بیرون می دادم. در این مدت سلیقه مشتریان را شناختم. اصول کار خودم را پیدا کردم. من شریک ندارم. هیچگاه نداشته ام و نخواهم داشت. اگر شریک خوب بود، خدا برای خودش شریک می گذاشت. اصل دیگر من احترام به مشتری است، هر که می خواهد باشد. پیش مشتری مثل سربازی که جلوی

ص: 164

تیمسار خبردار می ایستند، با احترام می ایستم. اتکای خودم اول به خدا و دوم به ایده و تفکر و پشتکار و ریسک پذیری خودم است. بسیار ریسک می کنم، بسیار. کمی بعد در بازدید از هتل‌های معروف جهان تصمیم گرفتم وارد کار ساخت بزرگترین پروژه هتل کشور شوم. تاکنون یکصد و هشتاد میلیارد تومان در این پروژه سرمایه گذاری کرده ام. تمام مصالح این پروژه، خارجی و بهترین است. سنگ برزیلی، شیشه بلژیکی، دستگیره در انگلیسی و تاسیسات آلمانی است. کابین چهار آسانسور نیز از طلای هجده عیار است. این هتل سیصد چهل واحد مسکونی در بیست و پنج طبقه، هفت طبقه سالن ورزشی، سی و چهار طبقه هتل، هشت رستوران روی دریاچه، ده هزار متر شهر آبی، هشتاد هزار متر زمین آمفی تئاتر، نود هزار متر زمین گلف و دو باند هلیکوپتر دارد. فقط قرارداد نورپردازی این پروژه با فرانسویها نه میلیون دلار (بیست و هفت میلیارد تومان) است. این پروژه آبروی کشور است و من با افتخار روی آن سرمایه گذاری کرده ام. من ایران را دوست دارم. بروید بگردید حتی یک دلار و ریال در خارج کشور ندارم و سرمایه گذاری یا ذخیره نکرده ام..

می پرسید چه احساسی نسبت به پول دارم؟ پول دیگر مرا ارضا نمی کند. هدف من کارآفرینی است. تنها در پروژه آن هتل ششصد نفر به طور مستقیم کار می کنند. من دو بار برنده تندیس الماس بزرگترین بیزینس من (1) جهان شدم و بزرگترین صادرکننده فرش کشور هستم. اما می دانید بزرگترین افتخار من چیست؟ تیم نوازی. افتخار می کنم دو سال، خیر نمونه کشور شدم. افتخار

ص: 165

می‌کنم جزو صد کارآفرین برتر کشور هستم. دوست دارم اشتغالزایی کنم. دوست دارم سفره مرتضی علی باز کنم، معتقدم خدا من را وسیله قرار داده است. هم اکنون یکهزار و هفتاد کودک یتیم را تحت پوشش دارم و با خودم پیمان بستم تا عمر دارم هر سال صد بچه به آنها اضافه کنم. وصیت کرده‌ام وقتی مُردم تا ده سال بعد از عمرم هر سال صد بچه یتیم اضافه شود و مخارج همه یتیمها را از محل ارثم پردازند. بعد از ده سال هم اگر بازماندگانم لیاقت داشتند، راه من را ادامه می‌دهند. سفره که می‌اندازیم برای یتیمها و می‌آیند و غذا می‌خورند، کیف می‌کنم. گریه می‌کنم و حال می‌کنم. اینگونه ارضاء می‌شوم. در يك مراسم بچه‌ها دورم جمع شده بودند و هر کس چیزی می‌خواست. در این میان دختر بچه‌ای به من نزدیک شد و به جای آن که چیزی بخواهد، فقط خواست دستم را ببوسد. مهرش بدجور به دلم نشست. خواستم فردا بیایند دفترم. آن دختر الان دختر خوانده من است. روی پایم نشست و ”بابایی“ صدایم کرد. من به هر دخترم پنجاه میلیون تومان جهاز دادم و مقرر کردم به این یکی صد میلیون تومان جهاز بدهند. این دست خداست که مهر این دختر را به دل من انداخت. یتیمی سخت است. بهترین ساعات عمر من زمانی است که در خدمت یتیمان هستم. پول را برای چه می‌خواهیم؟ خدا به ما داده و ما هم باید به بقیه بدهیم. ما وسیله هستیم. باید بخشید و بی‌منت و زیاد بخشید. این توصیه من به همکارانم است. من از زیر صفر شروع کردم. توصیه من به جوانان این است که منطقی فکر کنند. این گونه نبوده که شب بخوابم، صبح پولدار شوم. خاک خوردم و رنج کشیدم و آثار این رنج هنوز در من

هست. امیدشان به خدا و فکر و بازوی خودشان باشد. درستکار باشند و تلاش و تلاش و تلاش کنند. این فرمول من است...

نام: (...) موقعیت: بزرگترین صادرکننده خشکبار کشور - متولد: 1312 - تهران

من... هستم و سال 1312 در تهران متولد شدم. خانواده ام متدین و در سطح پایین جامعه بودند و با قشر ثروتمندان سروکار نداشتند. شغل پدرم پیشه وری بود و مغازه عطاری داشت. ما سه برادر بودیم که هر سه از سن 12 - 13 سالگی کار در بازار تهران را شروع کردیم. روزها کار می کردیم و شبها درس می خواندیم. پس از گذراندن کنکور در رشته ادبیات پذیرفته شدم اما عصرهایی که فرصت داشتم به دانشکده اقتصاد هم می رفتم چون ساختمانهای دانشکده مقابل هم بود. گاهی سر کلاسهای دانشکده حقوق هم می رفتم. آن موقع رفتن به سایر دانشکده ها آزاد بود و مثل امروز کنترل و حراست هم در کار نبود. کارم را از صفر شروع کردم. اولین حقوقی که در دوره شاگردی گرفتم روزی دوریال بود که می شد ماهی شش تومان. تلاشم شبانه روزی و کار سخت بود. اولین تجارتم را با خرید يك کیسه کنجد به قیمت پنجاه و سه تومان از بازار تهران شروع کردم و آن کیسه کنجد را به نانوایی سر محل به قیمت هفتاد تومان فروختم و این اولین سود من در تجارت بود. این مربوط به سال 1327 است. تا سال 1334 کارمند بودم و در يك شرکتی کار می کردم که فعالیتش در زمینه صادرات بود. به صادرات علاقه مند شدم اما پول نداشتم. تنها دارایی ام خانه ای بود که در خیابان.. به مبلغ پنجهزار و ششصد تومان خریده بودم. در

ص: 167



آن خانه من و دو خواهر و پدر و مادرم زندگی می کردیم. اولین ماشینم که در سال 1333 خریدم يك فولکس به مبلغ پنجهزار و نهصد تومان بود که با همین ماشین چند کیسه خواربار از بازار می خریدم و بین نانا و بقال توزیع می کردم. سال 1334 تصمیم گرفتم تاجر شوم. به اتاق بازرگانی رفتم که کارت بازرگانی بگیرم، اما سیدتم اقتضا نمی کرد. چون حداقل باید 24 ساله می بودم. نایب رئیس اتاق وقت طبق قانون می توانست مرا امتحان کند. مرحوم عبدالله توسلی مرا پیش او فرستاده بود. یادم نمی رود بیست سوال از من کرد درباره ارزش کشورها، حمل جنس و غیره. من به تمام سوالات جواب دادم و آن نایب رئیس به معرف زنگ زد و گفت: این باید جای من بنشیند. بیست و پنج سال بعد جای او نشستم. دو سال بعد با قسط و تخفیف حجره ای به مبلغ چهار هزار تومان خریدم و رشته خشکبار را انتخاب کردم و هنوز بعد از پنجاه و چهار سال در همین رشته هستم. زیره سبز را بسیار دوست داشتم. چون هم سرمایه کمی می خواست و هم قیمتش ارزان بود. از کار در داخل خوشم نمی آمد می خواستم صادرات داشته باشم. من در دانشکده اقتصاد معلمانی چون دکتر لطفعلی صورتگر و سید محمد مشکات و دکتر آشتیانی را دیده بودم. در پله های دانشگاه سراغ پروفیسور حسابی می رفتم و سوال می پرسیدم. پس اینها باید به کار من می آمد. کار را در سال 1336 و از صفر با صادرات زیره شروع کردم و قسطی پنج تن زیره خریدم. اولین مشتری ام در صادرات، سنگاپور بود. با تمام دنیا از طریق اتاقهای بازرگانشان مکاتبه کردم و دنبال خریدار گشتم. اولین معاملاتم با نیویورک سال 1330 شروع شد. نیویورک از

دیرباز تاکنون بورس زیره بوده و هست. کوشش کردم و سفرهایم شروع شد و روزی رسید که دیکته کننده قیمت زیره در جهان و ایران شدم. دوشنبه ای نبود که بازار ادویه نیویورک که زیره هم زیر مجموعه آن است باز شود و نرخ شرکت من - حساس - که الان 51 ساله شده، روی میز نرود و معاملات شروع بشود. اما سالهای واقعا سختی بود. در سال 1347 به صادرات دو قلم دیگر خشکبار شامل پسته و کشمش رو آوردم. پسته کار بزرگی بود و پول سنگینی می خواست. من پول نداشتم اما چون در بازار آبرو داشتم و خوش حساب بودم به من نسیه می دادند و هنر من این بود که يك ماهه آن جنس را به خارج می فروختم و پولش را می گرفتم. این هنر خوش حسابی من عامل موفقیت من در بازار پسته بود. سال 1343 اولین انبارم را در خیابان تختی تهران خریدم و کارخانه زیره حساس را در مشهد تاسیس کردم که هنوز هم هست، هر سال که سودی می بردم انبار و دفتر و خانه و ملک می خریدم. در سرای امید که آن حجره قسطی را خریده بودم تمام دفاتر همسایه را خریدم. آقای خبرنگار! من تاجرم و اصولی دارم؛ یکی از اصولم این است که هیچ وقت بیش از يك هفتم تنخواهم را به کسی نسیه نمی دهم تا اگر پولم را خورد باقی پولم محفوظ بماند. اصل بعدی ام این است که سعی کردم هیچ وقت بیش از نصف دارایی ام را نسیه نخرم. اصل دیگر این است که سعی کردم از بانکها وام نگیرم. بانکها بسیار سراغ من آمدند اما قبول نمی کردم! در نتیجه شب با خیال راحت به خانه می رفتم و بدهکار نبودم. اگر داشتم می خریدم و اگر نداشتم، نمی خریدم. یکی دیگر از اصولم عوض نکردن شریکم است. محمدحسن شمس 50 سال

شريك من است و هنوز هم شريك هستيم. يادم نمى رود در اولين سفرم به نيويورك پاى ساختمان معروف امپراستيت كه مجسمه راکفلر قرار دارد، سه جمله نوشته بود: موفقيت من به اين سه جمله است: زودتر از ديگران مطلع شدم، زودتر از ديگران تصميم گرفتم و وقتى تصميم گرفتم چشمم را بستم و عمل كردم. اين سه جمله اثر زيادى روى من گذاشت. سعى كردم در تجارتم به اين سه جمله متعهد باشم. اينها در تجارت خيلى مهم است. چون تجارت بيرحم است. تجارت در محيط رقابت بيرحم است. اين شعار هم است: اگر مى خواهى رقابت كنى بايد با چشم بسته بيرحمى كنى. مى شود البته با رافت و مهربانى كار كنى اما آنجا كه مى خواهى رقابت كنى نه رافت کاربرد دارد و نه مهربانى بايد بيرحم باشى.

من از كم به زياد رسيدم. مثالش خانه هايم است. اولين خانه ام را 5600 تومان، دومى را 33 هزار تومان، سومى را از درخشش وزير فرهنگ شاه معدوم 140 هزار تومان، چهارمى را 500 هزار تومان و پنجمى را 140 ميليون تومان خريدم كه الان در آن ساكن هستم. اكثر اين خانه ها را هنوز دارم آنها را اجاره داده ام و هيچ يك را نفروخته ام. وجوهات شرعى و... را داده ام. هرگز با دارايى چانه نمى زنم. اتفاق مى كنم. مسجد و درمانگاه و مدرسه مى سازم و خدا به من كمك كرده است. من هيچ مالى در خارج كشور ندارم. فقط دفاترى در هامبورگ، دى و لندن دارم كه دفاتر تجارى ام هستند. من افتخار مى كنم كه ميلياردر هستم. همان خانه 5600 تومانى امروز 500 ميليون تومان مى ارزد. پس ميلياردر شدن كارى ندارد. خانه اى كه 140 هزار تومان خريدم امروز يك

میلیارد تومان می ارزد، خانه دیگرم در خیابان ولیعصر 1300 متر مساحت دارد و حساب کنید چقدر می ارزد. چرا بگویم گدا هستم؟ شانزده سال عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی ایران و نایب رئیس اتاق بودم. بعد از سال 57 به هشت نفر برای اداره اتاق حکم داد که بنده هم جزو شان بودم. از آن هشت نفر چهار نفر فوت کردند و چهار نفر زنده هستند. در ده سال اول حضورم در اتاق از آن آبرو گرفتم و در بیست سال بعد به آن آبرو دادم. جالب است بدانید در این 54 سال تجارت در دفاترم ضرر ندادم. در ایران ده کارخانه دارم و اظهار فقر نمی کنم. درآمدم و هر چه را دارم این گونه تقسیم کرده ام: بیست درصد مال خدا، بیست درصد مال انفاق، بیست درصد خرج خانواده و با بقیه اش چیزی می خرم. الان که به عنوان یک تاجر مشهور روبه روی شما نشسته ام یک ریال به هیچ بانکی بدهکار نیستم و در هیچ رانت دولتی مشارکت نکرده ام. در هیچ معامله دولتی هم نبوده ام. من در تجارت به سه اصل سخت و سفت پایبند هستم: کیفیت، رقابت، خوش قولی. وقتی تعهد می کردم برای فروش یک جنس، اگر بعد از فروش قیمت ترقی می کرد، معامله را به هم نمی زدم. اما خیلی از همکاران این کار را می کنند یا از کیفیت می زنند تا ضرر نکنند. نیویورک به خاطر همین سه اصل در دستان من بود. این رموز موفقیت من است. هر جای دنیا میوه می خواستند چهل و هشت ساعت بعد من بالای سرشان بودم و بعد هم به خاطر کیفیت دیگر ما را رها نمی کردند. بیشترین معاملاتم با تلفن است، تلفنی می فروشم و آن وقت به بچه هایم که در این ساختمان خودم کار می کنند می گویم قراردادش را ببندند.

يك بار لس آنجلس بودم، نيمه شب و خواب آلود تاجری از آلمان به من زنگ زد و دويست تن پسته خريد. خواب آلود بودم و فروختم. صبح بيدار شدم و ديدم قيمت پسته پنجاه هزار دلار فرق کرده است. اما نمی توانستم پسته فروخته شده را ندهم. صبح به آلمان پرواز کردم و به دفترش رفتم و گفتم من به تو پسته فروختم و حالا - می خواهم پس بخرم. صد هزار دلار به او دادم و قرارداد تلفنی را کنسل کردم. يك هفته بعدش را در هامبورگ ماندم. دوباره سراغش رفتم و گفتم حالا آن پسته را باز می فروشم و او با دويست هزار دلار تفاوت، همان بار پسته را از من خريد و علاوه بر اين که ضررم را جبران کردم صد هزار دلار هم سود کردم! آقای خبيرنگار! اين خوش قولی اصل تجارت است. براحتی می توانستم بگويم خواب بودم، فروختم. خب! قرارداد و امضایی که نداريم.

اما شهرت من در اين است: فروختی مال اوست، خريدی مال توست. من در تجارت خارجی اصول خودم را دارم. قبل از هر ملاقات درباره ویژگیهای آن شهر یا علاقه مندی مالی طرف تجاری ام مطالعه می کنم و واقعا عمیق مطالعه می کنم و وقت می گذارم و آنگاه اينکار در نتیجه ملاقات تجاری ام تاثیر می گذارد و خوب هم تاثیر می گذارد. من از هيچ و صفر به همه چیز رسيدم و الان که به عقب نگاه می کنم می بينم تلاش، توکل به خدا، درستکاری و مطالعه به من کمک کرد موفقيت امروز را داشته باشم.

به برکت مذهب شيعه در کشور ما بالهای انسانهای سخاوتمند بر سر مستمندان سایه گسترانده که بايد برای ديگران پند و درسی باشد و با شنيدن

آن، برادران اهل احسان، کارها و انفاقات خود را در قبال چنین انسانهایی ناچیز شمرده و از عجب و بالیدن بر اعمال خود پرهیز نمایند و برای خلاصی از شرمندگی در عرصه محشر و به اجرا درآوردن هدف از خلقت بشری، دست بکار شوند که به فرموده حق تعالی، خلقت بشر جز برای عبادت نیست و اعظم خدمت و اطاعت خداوند، احسان و خدمتگزاری نسبت به بندگان مومنین می باشد.

برای ترغیب نفوس به اعمال خیر باید با تامل و دقت بر فرمایشات ائمه معصوم (علیهم السلام) در مذمت ثروت اندوزی، عقل را بارور نموده تا بتواند صاحب خویش را به مرتبه یقین به وعده های پروردگار برساند. عدم رعایت راهنماییهای امامان معصوم (علیهم السلام)، ناشی از ضعف یقین در مورد عقاب و پاداشها در قیامت است و راه برای خلاصی از منجلاب وحشتناك دارائیهها، تفکری صحیح در کلام معصومین (علیهم السلام) و سپس توسلی عاجزانه به درگاه محمد و آل محمد (علیهم السلام) است.

ص: 173

نفس را باید با راهنمایی معصومین (علیهم السلام) دربارهٔ مذمت دنیا، هدایت کرد تا احسان به خلق به سادگی انجام پذیر باشد. چند روایت برای ایجاد تنفر و انزجار از دنیا کافیست. تمام آنچه بشر برای هدایت به آن احتیاج دارد، نزد ائمهٔ هدایت (علیهم السلام) قرار دارد. اینکه واقعا ارادهٔ فرد او را به اجرای فرامین ذوات مقدسه (علیهم السلام) وادار نماید، بحث مفصلی است. اما اگر از این دستورات پیروی نشود، عاقبت بسیار بدی در انتظار مومن است.

«دو مصیبت است از برای بنده در مالش هنگام مردن که اولین و آخرین مثل آنها را نشنیده اند؛ اول آنکه همهٔ آنها را از او به زور می گیرند و دوم آنکه محاسبهٔ همهٔ آنها را می خواهند»

و ائمهٔ اطهار (علیهم السلام) فرموده اند:

«روز قیامت می پرسند از کجا آورده ای؟ و به چه راهی خرج نموده ای؟»

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«دنیا حلالش را حساب است (از چه راهی در آوردی؟ و به چه راهی خرج

نمودی؟) و حرامش را عقاب» (1)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در مذمت دنیا فرمودند:

«بدترین چیزی که از آن در حق امت خویش می ترسم، دنیا و مال فراوان است. مال دنیا فتنه و سبب آزمایش و ندادن آن (در راه خدا) نیز فتنه و باعث امتحان است» (2)

مالی که نتواند گره ای از کار انسان بگشاید، بیهوده است و بدست آوردن آن نیز بیهوده و جمع نمودن آن، از همه آنها بیهوده تر. پس اگر به دیده عقل نگاه کنیم بدست آوردن مازاد از نیاز، زحمت کشیدن برای دیگران است که فرمودند:

«يَا ابْنَ آدَمَ مَا كَسَبْتَ فَوْقَ قُوَّتِكَ فَأَنْتَ فِيهِ خَازِنٌ لِّغَيْرِكَ» (3)

ای فرزند آدم! آنچه را که بیش از نیاز خود فراهم کنی، در واقع برای دیگران انداخته ای.

چه نکبتی بالاتر و چه بختی سیاهتر از آن که پول، اله و معبود بشر گردد. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در این مورد فرمودند:

«لِكُلِّ امَةٍ عَجَلٌ يَعْبُدُونَهُ وَعَجَلُ امَّةِ الدَّنَانِيرِ وَالدَّرَاهِمِ» (4)

هر امتی گوساله ای (چون گوساله سامری) دارد که آن را می پرستند و گوساله این امت دینارها و درهم ها هستند.

ص: 175

---

1- بحار الانوار 74/20

2- جامع 6/245 - مجمع البيان 5/30

3- نهج البلاغة (للصبيح صالح) 503 - وسائل الشيعة 16/19 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 70/144

4- میزان الحکمه 11/146 - الفردوس 3/338 ح 5019 - الحياة 4/164



آنگاه مومن صاحب عقل به اموال دنیا به دیده دشمن می نگرد چرا که فقط خصم، در پی نابودی انسان است، که فرمودند:

«إِنَّ الدِّينَارَ وَالدَّرْهَمَ أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَهُمَا مُهْلِكَاكُمْ» (1)

دینار و درهم کسانی را که پیش از شما بودند نابود کرد و این دو نابودکننده شماس است.

به تجربه ثابت شده است که هر کس مال و دارایی بیشتری داشته باشد، مشقتش زیادتراً؛ غم و اندوهش بیشتر است. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«الْمَالُ دَاعِيَةُ التَّعَبِ وَ مَطِيئَةُ النَّصَبِ» (2)

دارایی، باعث مشقت و مرکب رنج است.

حقیقتاً چه مصیبت عظیمی است؛ داشتن مال در دنیا رنج و اندوه است و در آخرت، جواب و عقاب. بر خلاف عقیده مردم، ثروت محل و معدن رنج و اندوه ها است، که فرمودند:

«الْقَنِيَةُ يَنْبُوعُ الْأَحْزَانِ» (3)

ثروت و دارایی، سرچشمه اندوه هاست.

و در جای دیگر حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

ص: 176

---

1- الكافي (ط - الإسلامية) 2/316؛ (ط - دارالحدیث) 3/769 - الخصال 1/43 - الوافی 5/891 - وسائل الشیعة 99/44 - بحار

الأنوار (ط - بیروت) 70/23

2- غرر الحکم 1449

3- غرر الحکم 395

«بِقَدْرِ الْقَنِيَّةِ يَتَضَاعَفُ الْحُزْنُ وَالْعُيُوبُ» (1)

به اندازه دارایی، غم و اندوه ها دو چندان می شود.

بر خلاف آنچه مردم می پندارند که هر کس وضع مالیش خوب باشد آسوده از رنج و تعب دنیاست، هر چه اموال زیاد گردد غمها نیز بیشتر می شود. وقتی مال، پدید می آید، احتیاج به مواظبت دارد. احتیاج به سرمایه گذاری برای از دست نرفتن دارد. احتیاج به کارپردازی برای بیشتر شدن دارد. هم وقت و عمر آدمی را می طلبد، هم فکر و روان فرد، درگیر کمی و زیادی آن می شود. اگر در دست دیگری قرار گیرد صاحب مال، وقت شماری می کند تا آنرا باز پس گیرد. اگر آمد، مدتی از آن دور بوده و اگر نیامد رنج از دست دادن آن، خود غمی مضاعف است. داشتن ثروت توقع اطرافیان را برای بهره مندی از آن بالا می برد. اگر عطا شود، بر نمی گردد. اگر منع شود، دشمنی ایشان را باید دفع نمود. مسئولیت الهی پدید می آورد چرا که با وجود توان در امری، باید به اعانت برادران مومن پرداخت. اگر اعانت صورت نگیرد، عقاب را باید چاره نمود. می توان گفت روزی به قدر نیاز، بهترین نعمت الهی است که خدای منان بر بنده اش ارزانی می دارد. حضرتش می فرماید:

«الْمَالُ يَكْرِمُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَيَهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَ» (2)

مال صاحبش را در دنیا گرامی می سازد و نزد خدای سبحان او را خوار می کند.

و در این راستا فرمایش زیبایی را حضرت بیان می فرماید:

ص: 177

1- غرر الحکم 4278

2- غرر الحکم 367

«..أَنَا يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَالُ يَعْسُوبُ الظَّالِمَةَ..» (1)

«من جمع کننده مومنان و نگهدارنده آنان هستم و مال جمع کننده ظالمین و ستمگران» [من سرور مومنانم و مال سرور ستمگران]

آیا واقعا دنیا ارزش محبت و دوستی را دارد که برای بدست آوردنش این همه حرص و ولع صورت بگیرد؟ در صورتی که تمامی اموال دنیا فلاکت و جای جای آن جز مکانهای مقدس، زباله دانی بیش نیست. چنانکه حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روزی از کنار چاهی که انباشته از فضولات بود، عبور نمودند و با مشاهده آن فرمودند:

«..هَذَا مَا بَخِلَ بِهِ الْبَاخِلُونَ..» (2)

این همان چیزی است که بخیلان به آن بخل می ورزند.

و در روایتی دیگر اینچنین بیان شده:

«..هَذَا مَا كُنْتُمْ تَتَنَافَسُونَ فِيهِ بِالْأَمْسِ» (3)

«این است آنچه شما دیروز به آن افتخار می کردید. [این چیزی است که دیروز بر سر آن رقابت می کردید]»

دنیا با زهر کشنده اش باعث شده تا حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) شیعیان را چنین نهی نمایند:

ص: 178

---

1- الخصال 2/633 - الإختصاص 151 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 10/111 - میزان الحکمه 11/148 - معانی الاخبار 314/1

2- نهج البلاغة (للصباحي صالح) 504 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 40/328

3- نهج البلاغة (للصباحي صالح) 504 - شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد 19/13 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/144

«..وَأَلَّا تَبْغِيَا الدُّنْيَا وَإِنْ بَغْتُمْمَا وَلَا تَأْسَفَا عَلَى شَيْءٍ مِنْهَا زُورِي عَنكُمَا..» (1)

به دنیا پرستی روی نیاورید، گرچه او به سراغ شما آید و بر آنچه از دنیا از دست می دهید، اندوهناک مباشید.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در خطبه ای از دنیا و شر دامنگیر آن سخن رانده و فرمودند:

«کسی از دنیا شادمانی ندید جز آنکه پس از آن با اشک و آه روپرو شد، هنوز با خوشیهای دنیا روپرو نشده است که با ناراحتیها و پشت کردن آن مبتلا می گردد، شبی از رفاه و خوشی دنیا بر کسی فرود نیامده جز آن که سیل بلاها همه چیز را از بیخ و بن می کنند.. اگر از يك طرف شیرین و گوارا باشد، از طرف دیگر تلخ و ناگوار است.. دنیا بسیار فریبنده است و آنچه در آن است فریبنده است» (2)

«آگاه باشید همانا این دنیا که آرزوی آن را می کنید و بدان روی می آورید، شما را گاهی بخشم می آورد و زمانی خشنود میسازد، خانه ماندگار شما نیست و منزلی نیست که برای آن آفریده شده باشید.. دنیا گرچه از جهتی شما را میفریبد، ولی از جهت دیگر شما را از بدیهایش می ترساند.. پس بخاطر ترسندش از طمع ورزی (یعنی دل بستن) در آن خودداری کنید به خانه ای که دعوت شدید سبقت بگیرید و دل از دنیا برکنید»

«چونان کنیزکان برای آنچه که از دنیا از دست می دهند، گریه نکنید (یعنی برای از دست دادن اموال یا بدست آوردن آن غم و غصه به خود راه ندهید)

ص: 179

---

1- نهج البلاغة (للصبي صالح) 421 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 42/245

2- خطبه 111

و با صبر و استقامت بر اطاعت پروردگار و حفظ فرامین کتاب خدا، نعمتهای پروردگار را نسبت به خویش کامل کنید.

آگاه باشید آنچه برای حفظ دین از دست می دهید، زبانی به شما نخواهد رسانید... و آنچه را با تباه ساختن دین به دست می آورید، سودی به حالتان نخواهد داشت (جز زیان و عذاب در دو سرا)» (1)

در حدیث دیگری دنیا و خواهان آنرا اینگونه خواندند:

«..الدُّنْيَا حَيْفَةٌ وَ طَالِبُهَا كَالْبَابِ..» (2)

دنیا مرداری است گنبدیده و طالب آن سگها هستند.

همچنین فرمودند:

«آگاه باشید با دنیا چه می کند کسی که برای آخرت آفریده شده است؟ و با اموال دنیا چه کار دارد آن کس که به زودی همه داراییهای او را مرگ می رباید و تنها کیفر حسابرسی (اموال) آن بر عهده انسان باقی خواهد ماند..»

بندگان خدا... از روزی بترسید که اعمال و رفتار انسان و ارسای می شود، روزی که پر از تشویش و اضطراب است، کودکان (از وحشت و ترس) در آن روز پیر می گردند» (3)

{..يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا} (4)

«..روزی که کودکان را (از ترس) پیر می کند»

پس تا مرگ فرا نرسیده برای رهایی از عواقب وحشتناک عالم قبر و قیامت،

ص: 180

---

1- نهج البلاغه حکمت 173

2- مصباح الشریعة 138 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 84/289

3- نهج البلاغه

4- سورة مبارکه مزمل آیه شریفه 17

چاره ای باید جست که هر آن بانگ "الرحیل الرحیل" بگوش می رسد و فردا دیر است. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«..فَتَدَارِكُ مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِكَ وَلَا تَقْلُ غَدًا أَوْ بَعْدَ غَدٍ..» (1)

آنچه را از عمر تو باقی مانده است، دریاب و مگو: فردا و پس فردا.

انسان برای هدف خاصی خلق شده است. این هشدار حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) است که می فرمایند:

«وَأُوصِيكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَإِقْلَالِ الْغَفْلَةِ عَنْهُ وَكَيْفَ غَفَلْتُمْ عَمَّا لَيْسَ يُغْفَلُكُمْ..» (2)

شما را به یادآوری مرگ سفارش می کنم. از مرگ کمتر غفلت کنید، چگونه مرگ را فراموش می کنید در حالی که او شما را فراموش نمی کند؟ وصیت می کنم شما را که دست بردارید از دنیایی که او خواهی نخواهی از شما دست برخواهد داشت و بدن های شما را کهنه و پوسیده خواهد کرد.

و در بعضی از مواعظ، حضرتش فرموده اند:

«دست از دنیا بردار که دوستی دنیا آدمی را کور، کر و لال می کند و شخص را ذلیل و بی مقدار می نماید»

شخصی به پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) عرضه داشت: چرا من شوق مرگ و سفر آخرت ندارم؟ حضرت (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: آیا مالی داری؟ عرض کرد بله یا رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم)، ایشان فرمودند:

ص: 181

---

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/136؛ (ط - دارالحدیث) 3/351 - مجموعة ورام 2/195 - الوافی 4/400 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/75

2- نهج البلاغة (للصبيحي صالح) 278؛ 765

«مال خویش را پیش روی خود بفرست، زیرا که دل هر کسی همراه مال اوست اگر پیش فرستاد می خواهد زود به آن برسد و اگر گذاشت (انفاق نکرد)، می - خواهد با آن باشد»

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«ای مردم از خدا بترسید هیچ کس بیهوده آفریده نشد تا به بازی پردازد و او را به حال خود وا نگذاشته اند تا خود را سرگرم کارهای بی ارزش کند» (1)

همانند آن دسته از مردم نباشیم که مرگ و قیامت را به فراموشی سپردند و تمام همشان در دنیا، جمع آوری مال بوده است. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرموده اند:

«بدترین افراد نزد خدا کسی است که خداوند او را به حال خود وا گذاشته تا از راه راست منحرف گشته و بدون راهنما برود. اگر به محصولات دنیا دعوت شود تا مرز جان تلاش می کند، اما چون به آخرت و نعمتهای گوناگونش (بهشت) دعوت گردد، سستی ورزد گویا آنچه برای آن کار می کند (دنیا) بر او واجب و آنچه نسبت به آن کوتاهی و تبلی می کند (آخرت) از او نخواستند»

اشتغال به دنیا برای دنیا مذموم است. بارها و بارها امامان هدایت (علیهم السلام) مردم را از آن نهی فرموده اند. دنیا، خواهی نخواهی می گذرد اما آخرت به هیچ وجه به پایان نمی رسد. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«وَ اشْغَلُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ الْأَخْرَةِ بِمَا لَا بُدَّ لَكُمْ مِنْهُ» (2)

خود را به کار آخرت مشغول کنید، که ناگزیر از آنید.

ص: 182

---

1- نهج البلاغه حکمت 370

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 92 - غرر الحکم و درر الکلم 157

حال چون نفس شدیداً تمایل به مال دنیا دارد، برای دور کردن آن از اموال دنیا می بایستی با پند، موعظه و تشویق به پاداشهای الهی و خوف از عذابهای خداوند بهره جست و نفس را از محبت به مال و ثروت دور کرد.

قضایای ذکر شده از مومنان تنگدست که با وجود نیاز، از مال گذشتند می تواند موضع عبرت باشد. همانطور که ایشان برای رضای خدا از همان مقدار مال ناچیز هم گذشتند، بقیه برادران نیز می توانند بگذرند. احوال ثروتمندانی که فقط برای انساندوستی، اموال خویش را در راه نجات بشریت خرج می کنند برای اتمام حجت با مومنین متمکن کافیست. مرحله بعدی موعظه نفس، برانگیختن احساسات و عواطف آن است. یعنی آشنا شدن با سختیهای جانگداز تهیدستی و تفکر در روایاتی که دلالت بر مشکلات تنگدستی می نماید تا قلب مومن رقت پیدا کند و با اعانت مومنین مستمند، خویش را به مقام قرب الهی و بهشت جاودانه رسانیده و از عذاب حق برهاند. شرافت و انسانیت هر فردی به توجه، تقصد، بررسی و آشنایی با اشخاص نیازمند می باشد.

برادران متمول بلطف خدای منان از سختیهای تهیدستی، اضطراب و تبعات بیشمار ناشی از فقر در امانند. پس بخاطر شکرگذاری با استناد به فرمایشات امامان معصوم (علیهم السلام) و با دلی رقت بار با آن آبی (ثروت) که خداوند به او عطاء نموده، آتشی که بر جان برادر مومن و خانواده مظلومش مستولی گشته، خاموش کند تا بدین وسیله آتش غضب پروردگار نیز بخاطر اعانت مومن خاموش شود. برای لمس سختیهای فقر به چند روایت اکتفا می نمایم. البته



## رنج و سختی های فقر

فقر سختی‌هایی دارد که حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) آن را از مرگ بدتر دانسته و در توصیف آن فرموده اند:

«..وَالْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ..» (1)

فقر مرگ بزرگ است.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در توصیف سختی‌های فقر که دامنگیر اکثر انسانها و همه انبیاء هم بود، فرمودند:

«خدای تعالی به حضرت ابراهیم (علیه السلام) وحی فرمود: تو را آفریدم و به آتش نمرود آزمودم اگر به فقر بیازمایمت و به تو صبر ندهم چه می کنی؟ حضرت ابراهیم (علیه السلام) عرضه داشت: پروردگارا فقر نزد من سخت تر از آتش نمرود است. خدای تعالی فرمود:

«فَبِعِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا خَلَقْتُ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَشَدَّ مِنَ الْفَقْرِ»

سوگند به عزت و شکوه جلالم در آسمان و زمین، سخت تر از فقر نیافریدم» (2)

همچنین جناب لقمان (رحمة الله) نیز از فقر، به رنج، غم و اندوه یاد می کند. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«كَانَ فِيمَا أَوْصَى بِهِ لُقْمَانُ ابْنَهُ نَاتَانَ أَنْ قَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ.. وَ ذُقْتُ الْمَرَازِثَ كُلَّهَا فَلَمْ

ص: 184

1- نهج البلاغه حکمت 175 - المحاسن 2/601 - تفسیر العیاشی 1/120 - الکافی (ط - دارالحدیث) 3/663 - الأملی (للمفید)

189 - وسائل الشیعة 12/39 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 13/357؛ 69/45

2- جامع الأخبار (للسعیری) 109 - بحار الأنوار (بیروت) 69/47 - میزان الحکمه 9/164

أَذُقْ شَيْئاً أَمَرَ مِنَ الْفَقْرِ...» (1)

از جمله سفارشهای لقمان به پسرش "ناتان" این بود: ای جان پسر... همه تلخیها را چشیدم و چیزی تلختر از فقر نیافتم..»

همچنین پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز از آن به عنوان مصیبتی کمرشکن یاد می کند. چنانکه به حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«..یا علی (علیه السلام) أَرْبَعَةٌ مِنْ قَوَاصِمِ الظَّهْرِ.. وَفَقْرٌ لَا يَجِدُ صَاحِبَهُ مُدَاوِيَا..» (2)

یا علی (علیه السلام) چهار چیز کمر را می شکنند... فقری که فرد مبتلا به آن، چاره ای برایش نیابد..

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) نیز از آن به عنوان چیزی بدتر از مرگ یاد می کنند و می فرمایند:

«..وَالْقَبْرَ خَيْرٌ مِنَ الْفَقْرِ...» (3)

گور بهتر از فقر است.

همچنین پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فقر را سخت تر از همه بلاها می دانند. مخصوصاً در شرایطی که ناچار باشد به تملق و چاپلوسی روی آورد، تا بتواند ذره ای خلاصی یابد. به فرموده پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم):

«مَا أَشَدَّ حُزْنَ النِّسَاءِ وَ أَبْعَدَ فِرَاقَ الْمَوْتِ وَ أَشَدُّ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فُقْرٌ يَتَمَلَّقُ صَاحِبُهُ

ص: 185

1- الأمالی (للصدوق) (رحمة الله) 669 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 13/413 - جامع أحادیث الشيعة (للبروجردی) 22/238

2- من لا يحضره الفقيه 4/365 - الوافی 26/176 - وسائل الشيعة 12/131 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/55

3- الكافی (ط - الإسلامية) 8/21؛ (ط - دارالحدیث) 15/66 - تحف العقول 95 - الوافی 26/20 - بحار الأنوار (ط - بیروت)

ثُمَّ لَا يُعْطَى شَيْئًا» (1)

چه سخت است اندوهگینی زنان، و چه دوری آفرین است جدایی و مرگ اما از همه اینها سخت تر، فقری است که فرد مبتلا به آن چالپوسی می کند، لیکن چیزی نمی یابد.

یعنی بر اثر شدت تهیدستی یا قرضهای سنگین ناچار با سرافکندهگی به تملق گویی افراد متمکن پردازد و نتیجه ای نگیرد و آن، متاسفانه غمی روی غم و اندوه می افزاید. همچنین باید دانست که تهیدستی ولو اندک، بسیار است. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«أَرْبَعَةٌ أَشْيَاءُ الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ النَّارُ وَالْعَدَاوَةُ وَالْفَقْرُ وَالْمَرَضُ» (2)

چهار چیز که اندکشان هم بسیار است: آتش، دشمنی، فقر و بیماری.

و نیز در توصیف سختیهای فقر، حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«ثَلَاثٌ هُنَّ الْمُحْرِقَاتُ الْمُؤَبَّاتُ: فَقْرٌ بَعْدَ غِنًى، وَ ذُلٌّ بَعْدَ عِزٍّ، وَ فَقْدُ الْأَحِبَّةِ» (3)

سه چیز سوزاننده و هلاک کننده است، فقر پس از توانگری، خواری پس از سرافرازی و از دست دادن دوستان.

و همچنین فرمودند:

ص: 186

---

1- الکافی (ط - الإسلامية) 8/220؛ (ط - دارالحدیث) 15/504 - الجعفریات (الأشعثیات) 201 - الوافی 5/787 - مرآة العقول فی

شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 26/144

2- كشف الغمة فی معرفة الأئمة (عليهم السلام) (ط - القديمة) 2/202 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 75/205 - میزان الحکمه 9/166

- نثر الدر 1/351

3- غرر الحکم 4682

«ثَلَاثٌ يَهْدُذُنَ الْقَوِي: فَقْدُ الْأَحِبَّةِ، وَالْفَقْرُ فِي الْعُرْبَةِ، وَدَوَامُ الشَّدَّةِ» (1)

سه چیز توانها را درهم می کوبد: از دست دادن دوستان، فقر در غربت و پایداری در روزگار سختی.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«ثَلَاثٌ مَنِ ابْتُلِيَ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ تَمَّتْ الْمَوْتُ فَقَرٌّ مُتَّبِعٌ وَحُرْمَةٌ فَاصِحَّةٌ وَعَدُوٌّ غَالِبٌ» (2)

سه چیزند که هر کس به یکی از آنها گرفتار شود، مرگ را آرزو می کند: فقر دنباله دار، برباد رفتگی ناموس و چیرگی دشمن.

حال با این فرمایشات در مورد تبعات بسیار سخت و کشنده فقر، دور از انصاف و جوانمردی است که برادر مومن شما بر اثر تنگدستی و شرمندگی پیش اهل و عیالش، آرزوی مرگ نماید و بخاطر بی اعتنائیهای متمولین، مرگ را بر زندگی ترجیح بدهد. آتش فقر آنچنان سوزنده است که اگر لطف خداوند شامل حالشان نگردد، تمامی ریشه های دین و ایمان آنها را خواهد سوزاند که پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«..وَلَوْ لَا رَحْمَةُ رَبِّي عَلَى فَقَرَاءِ أُمَّتِي كَادَ الْفَقْرُ يَكُونُ كُفْرًا..» (3)

اگر پروردگار من، به فقیران امتم مهر نمی ورزید، فقر آنان را در آستانه کفر قرار می داد.

افراد با ایمانی که بار گران فقر را به دوش می کشند، همیشه در خوف از

ص: 187

1- غررالحکم 4683

2- تحف العقول 318 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/232

3- جامع الأخبار (للشعیری) 109 - بحار الأنوار (بیروت) 69/47 - میزان الحکمه 9/169

سنگینی این بار عظیم هستند که مبادا روزی ایمانشان بر اثر بسیاری و فشارهای این امتحان آسیب ببیند:

«إِنَّمَا يَخْشَى الْمُؤْمِنُ الْفُقْرَ مَخَافَةَ الْآفَاتِ عَلَى دِينِهِ» (1)

بیم مومن از فقر فقط از آن رو است که دینش آفت می پذیرد.

امتحانی است بسیار بزرگ برای اهل ایمان که درباره چنین آزمایشی حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) بیمار شدند. گروهی به دیدار آن حضرت شرفیاب شدند و عرض کردند ای امیرالمومنین (علیه السلام) چگونه اید؟ فرمودند: بدحالم (بیمارم) گفتند سبحان الله چون شمایی چنین می گوید؟ فرمودند:

«خداوند تعالی فرموده است (شما را به خیر و شر می آزمایم، و به سوی ما باز گردانده می شوید) مراد از خیر، تندرستی و توانگری است و مراد از شر، بیماری و تهیدستی می باشد که به منظور آزمایش و امتحان انسانها انجام می گیرد» (2)

سختیهای جانگداز فقر آنچنان سنگین است که شخص نه تنها در نزد مردم بلکه نزد خانواده اش نیز ذلیل است. در کلمات حکیمانه منسوب به حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) آمده است که:

«مَنْ أَتْرَى كَرَمَ عَلَى أَهْلِهِ وَ مَنْ أَمْلَقَ هَانَ عَلَى وُلْدِهِ» (3)

آن که توانگر باشد نزد خانواده اش گرامی است و آن کس که تنگدست باشد نزد فرزندانش هم، خوار خواهد شد.

ص: 188

---

1- میزان الحکمه 9/169 - ربیع الا برار 4/142

2- میزان الحکمه 9/167 - الدعوات 168

3- شرح نهج البلاغه [ابن ابی الحدید - عامه معتزلی] 20/308 - میزان الحکمه 9/181

در موقع تنگدستی، حتی دوستان و آشنایان نیز بیگانه می شوند و نیز منسوب به حضرتش می باشد که فرموده اند:

«هرگاه گشاده دست (توانگر) باشی همه مردان، مردان تو هستند. (تحت سیطره تو می باشند) و هرگاه تنگدست افتی، خانواده ات نیز تورا نمی شناسند» (1)

از سوی دیگر برای دلخوشی و تشویق ایشان، پادشاهای بزرگی برایشان بیان می فرمایند؛ حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در پاسخ تهیدستان که پرسیدند:

«هَلْ لَنَا أَجْرٌ إِذْ نَرَى الْفَوَاكِهِ فِي السُّوقِ فَنَشْتَهِيهَا وَ لَيْسَ مَعَنَا نَاصٌ نَشْتَرِي بِه؟ قَالَ: هَلِ الْأَجْرُ إِلَّا فِي ذَلِكَ» (2)

وقتی در بازار انواع میوه ها را می بینیم و دلمان هوس می کند اما پولی نداریم که بخریم آیا اجری داریم؟ حضرت فرمودند: مگر اجر در چیزی جز این است؟

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«أَكْرَمُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَطْلُبَ دِرْهَمًا فَلَا يَقْدِرَ عَلَيْهِ» (3)

گرامیترین حالت بنده نزد خداوند وقتی است که درهمی بجوید و به دست نیاورد.

اما برای مومنانی که بر اساس امتحان الهی مبتلا به فقر گشته اند مقامات والا و امتیازاتی وارد است. در شان ایشان جملاتی از امامان هدایت (علیهم السلام) نقل شده که بعضی از آن روایات را به جهت احترام و مقام عبودیت آنان بیان

ص: 189

---

1- شرح نهج البلاغه [ابن ابی الحدید - عامه معتزلی] 20/289/309

2- میزان الحکمه 9/204 - کنز العمال 16657

3- بحار الانوار 72/69 ح 60 - التمهیص 45

می داریم، تا به جای حقارت فقر، باطن نورانی مومن فقیر دیده شود و در برخورد با مومنین تهدیست و با ورع، احترام ویژه و شایسته گذاشته شود.

«الْفَقْرُ شَيْنٌ عِنْدَ النَّاسِ وَ زَيْنٌ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (1)

فقر نزد مردم عیب ولی نزد خدای تعالی در روز رستاخیز، زیور با جلالت است.

یکی از ویژگیهای مومنین واقعی، مبتلا شدن به سختیهای متاثر از فقر است تا گوهر ایمان و اخلاص ایشان جلا یافته، هویدا شود. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) به حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«یا علی (علیه السلام) من صفات المومن... ان یكون الفخر شعاره» (2)

یا علی (علیه السلام) از ویژگیهای مومن این است که... فقر نشان او باشد.

این بلاها با تمام سختیها و غمهایش، هدیه ای از طرف خداوند متعال است و مومن حقیقی مفتخر است به چنین بلا و اندوهی که فرمودند:

«تُحَفَّةُ الْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا الْفَقْرُ» (3)

ارمغان مومن از طرف خداوند در دنیا، فقر است.

اینان چون محبوب خدا هستند به دریافت هدایای آسمانی مفتخر می گردند. خدای تعالی فرمود:

«یا محمد (صلی الله علیه و آله وسلم): من هرگاه بنده ای را دوست داشته باشم سه چیز به او عطا می کنم. اول دل او را محزون می کنم، دوم بدن او را بیمار می سازم، سوم دست

ص: 190

---

1- جامع الأخبار (للشعیری) 111 - مجموعة ورام 2/119 - بحار الأنوار (ط بیروت) 69/49

2- التمهیص 74/171

3- میزان الحکمه 9/183 - الفردوس 2/70 ح 2399

اورا از مال دنیا خالی می گردانم»

این دوست داشتن و علاقه پروردگار نسبت به بندگان تهیدستش برای عزت ایشان می باشد. چنانکه مومنین فقیر به جهت ازدیاد ایمان، به گنجینه گرانهای الهی دست پیدا می کنند. در این باره فرمودند:

«الْفَقْرُ مَخْرُوجٌ عِنْدَ اللَّهِ بِمَنْزِلَةِ الشَّهَادَةِ يُؤْتِيهِ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ» (1)

فقر همانند شهادت، گنجینه ای است نزد خداوند و او به هر که خواهد عطایش فرماید.

به هرکسی مقام والای الهی (فقر) عطاء نمی شود مگر آنهایی که ایمانشان از همه افزونتر است. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«كُلَّمَا ارْتَدَّ الْعَبْدُ إِيمَانًا، ارْتَدَّ ضَيْقًا فِي مَعِيشَتِهِ» (2)

هر اندازه ایمان بنده زیاد شود، تنگی معیشتش افزایش می یابد.

خانه به مبل، خودرو به رنگ و... زیبا شده، زینت داده می شود و ایمان مومن هم، به تهیدستی زیباست. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«الْفَقْرُ زِينَةُ الْإِيمَانِ» (3)

فقر زینت ایمان است.

چون ایمانشان به حد کمال رسید، خداوند آنها را دوست خواهد داشت و این پیوند و این علقه را با گنجینه ای الهی مستحکمتر خواهد کرد. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره فرمودند:

ص: 191

1- جامع الأخبار (للشعیری) 110 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/48

2- الکافی (ط - دارالحدیث) 3/652 - التمهیص 45 - الوافی 5/785 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/9

3- غررالحکم 260



«إِنَّ الْفَقْرَ مَخْزُونٌ عِنْدَ اللَّهِ لَا يَتَّبِعِي بِهِ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ..» (1)

فقر گنجینه الهی نزد خداوند است که کسی را به آن مبتلا نمی کند مگر مومنی را که دوستش بدارد.

بهای فقر را می توان در فخر سرور عالمیان حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) دریافت.

«الْفَقْرُ فَخْرِي وَ بِهِ افْتَخِرَ [عَلَى سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ]» (2)

فقر مایه افتخار من است و به آن مباهات می ورزم. [بر سایر انبیاء]

به دلیل اینکه تهیدستی مایه فخر پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) بوده است، نزد بعضی از مومنان ارزنده است چرا که رسیدن به مقامات قرب الهی را شامل می شود. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«برای مومن فقر بهتر از توانگری است»

یکی از دلایل مطرح کردن چنین احادیثی پی بردن به شأن، منزلت و مقام والای برادران تهیدست و نیازمند می باشد تا آگاهی پیدا کرده و هیچگاه به دیده حقارت و پستی به آن بزرگواران ننگریم. بلکه با آنها برخوردی خاضعانه داشته و در برابر ایشان، کوچکی و اظهار خدمتگزاری نمائیم. برای کسب چنین روحیه ای، باید بزرگی و رتبه اعلای برادران فقیر را از لسان امامان معصوم (علیهم السلام) دریابیم و با تفکری عمیق، اهمیت دادرسی و احترام فوق العاده به این نوع اشخاص که از مقام بالای ایمان برخوردارند، مطلع گردیم. حضرت

ص: 192

1- التمهیص 51 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/52 - کنز العمال [متقی هندی - عامه] 6/484 ح 16650

2- عدة الداعی و نجاح الساعی 123 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/30 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 11/173

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«در قیامت خداوند جلّ ثناؤه، همچنان که برادری از برادرش پوزش می خواهد، از بنده مومن تهیدست خود، پوزش می خواهد و می فرماید: به عزت و جلالم سوگند که من تو را در دنیا از سر خواریت در نزد محتاج نکردم، اکنون این روپوش را بردار و بین بجای (ثروت) دنیا به تو چه داده ام. او روپوش را برمی - دارد و می گوید: با این عوضی که به من دادی مرا چه زیان که در دنیا چیزهایی را از من گرفتی»  
[\(1\)](#)

حضرت امام صادق (علیه السلام) در جای دیگر فرمودند:

«خداوند-عزوجل - در روز قیامت به مومنان فقیر، با نگاهی پوزش خواهانه می نگرد و می فرماید: به عزت و جلالم سوگند که من در دنیا از روی خواری و بی اعتنایی به شما فقیرتان نکردم. هر آینه امروز رفتار مرا با خود می بینید»  
[\(2\)](#)

وقتی حق تعالی با آن همه عظمت و شکوه لایتناهی در برابر مومنین فقیر حالت پوزش طلبی پیدا می کند، پس ما در برابر آنان چقدر باید اظهار فروتنی نموده و حالت خضوع داشته باشیم؟ شخص خیر تا مقام و منزلت مومن تنگدست را نداند نمی تواند برای اجرای این امر عظیم الهی (دادرسی) قدمی مثبت و مقبولانه بردارد. روایت است که حضرت امام صادق (علیه السلام) به کعبه نگاه کردند و آنگاه فرمودند:

«مَا أَعْظَمَ حَقِّكَ يَا كَعْبَةُ وَ وَاللَّهِ إِنَّ حَقَّ الْمُؤْمِنِ لَأَعْظَمُ مِنْ حَقِّكَ»  
[\(3\)](#)

ص: 193

---

1- الکافی 2/264/18

2- میزان الحکمه 9/199 - بحار الانوار 72/11

3- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (علیه السلام) 335 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/227 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل

9/343؛ 9/47

چقدر تو دارای عظمت می باشی و سپس فرمودند: اما مومن از تو کعبه شأن و منزلتش بالاتر است.

اگر مومن تنگدست در نزد مردم و اهل دنیا خوار و ذلیل بوده و با حقارت نگریسته می شود، اما ایشان در عوض پادشاهان آخرتند. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«الْفُقَرَاءُ مُلُوكُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَالنَّاسُ كُلُّهُمْ مُشْتَاقُونَ إِلَى الْجَنَّةِ وَالْجَنَّةُ مُشْتَاقَةٌ إِلَى الْفُقَرَاءِ» (1)

«فقرا سروران، شهریاران و ملوک بهشتند. مردم همگی مشتاق بهشتند، ولی بهشت مشتاق فقیران است. (در واقع صاحب بهشت که خداست، مشتاق فقرا است.)»

و نیز پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«اطَّلَعْتُ فِي الْجَنَّةِ فَرَأَيْتُ أَكْثَرَ أَهْلِهَا الْفُقَرَاءِ...» (2)

به بهشت سری زدم، دیدم بیشتر مردم آن فقیرانند...

فقر در مقابل ثروت اگرچه در دنیا دارای سختی است اما در آخرت بسیار برتر است. علاوه بر آسانی سوال و جواب، راحتیهای خاصی نیز به دنبال دارد. بعنوان مثال رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«أَبْشَرُوا يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ بِالنُّورِ التَّامِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ قَبْلَ

ص: 194

1- بحار الانوار 72/49 - جامع الأخبار (للسعیری) 111 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/49

2- میزان الحکمه 9/201 - نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم)) 219

أَغْنِيَاءِ النَّاسِ بِنِصْفِ يَوْمٍ وَ ذَلِكَ خَمْسُ مِائَةِ سَنَةٍ» (1)

ای مهاجران (گروهی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ) فقیر! بشارتتان باد به روشنایی کامل در رستاخیز. شما نصف روز پیش از توانگران به بهشت می روید که آن (نیم روز برابر) پانصد سال است.

اینان از کثرت یقین به حق تعالی، جامه زیبای صبر و تسلیم که فقط برازنده ائمه اطهار (علیهم السلام)، پیامبران (علیهم السلام) و شیعیان خاص 4 است، پوشیده اند. از خواص بیشمار مقام تسلیم در برابر قضاء الهی، باز شدن چشم باطن است که در این باره پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«طُوبَى لِّلْمَسَاكِينِ بِالصَّبْرِ وَ هُمْ الَّذِينَ يَرُونَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (2)

خوشا بحال مستمندان شکیب، آنهایند که ملکوت آسمانها و زمین را می بینند.

{ وَ كَذَلِكَ نُرَى إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ } (3)

«و این گونه، ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایانندیم تا از جمله یقین کنندگان باشد»

### صبر و تسلیم فقرا

دیدن ملکوت آسمانها و زمین چیز کمی نیست. در قرآن فقط به یکی از پیامبران الواعزم اشاره شده که موفق به دیدن آنها شده است. البته مومنین

ص: 195

1- میزان الحکمه 9/201 - کنز العمال [متقی هندی - عامه] 16580

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/263؛ (ط - دارالحدیث) 3/657 - الوافی 5/793 - وسائل الشیعة 10/410 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 9/365 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/15؛ 69/56 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 16/215

3- سورة مبارکه انعام آیه شریفه 75

تهیدست چون در امتحان بزرگ الهی قرار گرفته اند باید راضی به قضای الهی شوند و این خشنودی به فعل و تقدیر خدا، از اعظم عبادات و راس همه مراحل ایمانی به حساب می آید. برای دلگرمی و راهنمایی (1) آنان فرمودند:

«يا مَعْشَرَ الْمَسَاكِينِ طَبِّبُوا نَفْسًا وَأَعْطُوا اللَّهَ الرَّضَا مِنْ قُلُوبِكُمْ يَثْبُكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى فَقْرِكُمْ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَلَا ثَوَابَ لَكُمْ» (2)

ای جماعت مستمندان! خوشدل باشید و رضایت و خوشدلی تان را نزد خدا اظهار کنید تا وی شما را بر فقرتان پاداش دهد، که اگر چنین نکنید پاداشی برایتان نیست.

مومن بر اثر وثوق و اطمینانش به پروردگار، که از نشانه های تسلیم است آثاری زیباتر نیز از خود بروز می دهد که بسیار جای شگفتی می باشد. نقل است که حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) و جناب خضر به یکدیگر رسیدند، حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) از جناب خضر پرسید: بهترین اعمال چیست؟

«گفت: بذل و بخشش اغنیاء بر فقرا برای رضای خداوند متعال»

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«از آن بهتر، ناز و تکبر (وقار و حیا) فقرا بر اغنیاء به جهت اعتمادی که به

ص: 196

---

1- درباره تسلیم و صبر بر امتحانات الهی و راه رهایی از سختیها، از فرمایشات امامان معصوم (علیهم السلام) در کتاب تقدیرات، روایات معتنابهی آورده شده است.

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/263؛ (ط - دارالحدیث) 3/657 - الوافی 5/793 - وسائل الشیعة 9/446 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 9/366 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/17؛ 69/43 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 12/58

خدای تعالی دارند»

جناب خضر (علیه السلام) عرضه داشت:

«این کلامی است که باید با نور بر صفحه رخسار حوریان نوشت»

مومن فقیر با شکیبایی و تحمل ندراریها درب سوال و درخواست را به سوی دیگران می بندد. اعتماد و توکلش فقط به خداست و جز ائمه معصوم (علیهم السلام) که باب خدا هستند، درب دیگری را نمی کوبد. چرا که هیچ يك از درهای بندگان باز نیست (و اگر هم در باز شد به عطا و عنایت حضرات معصوم (علیهم السلام) می باشد). با درخواست نکردن، آبرو و شخصیت خود را حفظ می کند. زیرا دستور نیز چنین است. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرموده اند:

«مَاءٌ وَجْهَكَ جَامِدٌ يَقْطِرُهُ السُّؤَالُ فَأَنْظُرْ عِنْدَ مَنْ تَقْطِرُهُ» (1)

آبروی تو چون یخی جامد است که درخواست، آن را قطره قطره آب می کند پس بنگر که آن را نزد چه کسی فرو می ریزی؟  
خویشنداری مستمندان با کمک توکلی که بر خدای یگانه دارند در برابر توانگران بسیار نیکو و پسندیده است.

«..وَالثَّقَلُ وَلَا التَّوَسُّلُ..» (2)

به اندک ساختن بهتر از دست نیاز بسوی مردم دراز کردن است.

بنابراین مومن قطعاً باید تهیدستی را بنا به حکمت الهی، امتحان خویش در

ص: 197

---

1- نهج البلاغة (للصباحي صالح) 535 - شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد [عامه] 19/261 - منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئی (رحمة الله) 21/430

2- نهج البلاغة (للصباحي صالح) 546 - مجموعة ورام 2/297 - الوافي 26/30 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 75/44؛ 75/84

دنیا و زینت خود در آخرت بداند. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرموده اند:

«..وَمَنْ ضَيَّقَ عَلَيْهِ فِي ذَاتِ يَدِهِ فَلَمْ يَرَ ذَلِكَ اخْتِبَارًا فَقَدْ ضَيَعَ مَأْمُولًا» (1)

آن کس که تنگدستی را آزمایش الهی نداند، پاداشی را که امیدی به آن بود از دست خواهد داد.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«..أَيُّمَا رَجُلٍ اشْتَكَيْ فَصَبَرَ وَ احْتَسَبَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ» (2)

هر مردی که به دردی گرفتار گردد و شکیبایی ورزد و آن را در راه خدا به شمار آورد، خداوند اجر هزار شهید را برایش رقم زند.

حضرت پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«پاداش فقیر شکیبیا به مقدار حضرت ایوب پیغمبر (علیه السلام) است» (3)

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«الْفَقِيرُ الرَّاضِي نَاجٍ مِنْ حَبَائِلِ إِبْلِيسَ وَالْغَنَى وَقَعَ فِي حَبَائِلِهِ» (4)

فقیر خرسند (راضی به قضای الهی) از دامهای ابلیس می رهد، اما توانگر در آن گرفتار می شود.

مومن با تحمل سختی و بستن زبان در برابر شکایت، بلایا را کاسته و اجر را افزایش می دهد. بلایائی که با تمام تلخیها به نفع او می باشد. ممکن است

ص: 198

- 
- 1- نهج البلاغة (صبحی) 537 - شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد [عامه] 19/275 - بحار الأنوار (بیروت) 5/220؛ 70/383 - منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی (رحمة الله) ) 21/440
  - 2- طب الأئمة (علیهم السلام) 17 - وسائل الشيعة 2/403 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 78/206 - میزان الحکمه 6/154
  - 3- کتاب نصایح 245
  - 4- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 58 - غرر الحکم و درر الکلم 106؛ ح 1951

خود را بیمار دیده در حالیکه دیگران سالمند یا خود را فقیر یافته در حالیکه برادرانش غنی اند. باید به حکم عقل و نقل از معصومین (علیهم السلام) صلاح خویش را در مریضی و فقر ببیند و بداند که حق تعالی از روی شدت لطف و مهرورزی به بندگانش، تقدیرات وی را اینچنین رقم زده است و خدای نکرده برتری، سلامت و اموال برادرانش او را از عقلانیت خارج نگرداند. چنانکه امام معصوم (علیه السلام) فرموده اند:

«بدانید که تقدیرهای الهی چون قطرات باران از آسمان به سوی انسانها فرود می آید و بهره هر کسی، کم یا زیاد خواهد رسید. پس اگر یکی از شما برای برادر خود برتری در مال و همسر و نیروی بدنی مشاهده کند، مبادا فریب خورد و حسادت کند» (1)

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) فرمود: به مال زیاد هیچکس غبطه مبر، زیرا مال بسیار مایه گناه بسیار است. نظر به حقوق واجبه که بر آن مترتب است» (2)

مومنی که غصه مال دیگران را نمی خورد و به اموال آنان نه تنها بی اعتناست، بلکه تنفر می ورزد، از غم و غصه دنیا رها شده که در وصف حال او پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده اند:

«امت من در دنیا سه طبقه اند: اول آنها که دل به جمع مال و اندوختن ثروت ندارند و در مقام احتکار و ذخیره نیستند. به مقداری که گرسنگی را رفع کنند

ص: 199

---

1- نهج البلاغه حکمت 23

2- اصول کافی ج 3 باب نکوهش دنیا و زهد در دنیا ح 21



و عورت را بپوشانند قانعند و به اندازه ای که زندگی را با آن بگذرانند کفایتشان کند، راضی می باشند. اینان در امانند، نه ترسی دارند و نه غصه ای، دسته ای دیگر...» (1)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در جای دیگر فرمودند:

«بهترین روزی آنست که تو را کفایت کند (به اندازه متعارف روزی به تو برسد) و بر اثر کثرت مال، طاغی و یاغی نشوی و تو را از یاد پروردگار باز ندارد» (2)

حضرت امام سجاد (علیه السلام) فرموده اند:

«تمام خیر و نیکی را دیدم که در بریدن طمع از دست مردم است و هرکه هیچ امیدی به مردم نداشته باشد و امرش را در هر کاری بخدای (عزوجل) واگذارد خدای بزرگ هم در هر چیزی (امری) او را اجابت کند» (3)

رفع گرفتاری به دست خداست و شخص مبتلا به فقر نباید برای رفع مشکل، به مخلوق مراجعه نماید. برای رهایی از گرفتاریها، راه حلهایی از ائمه هدایت (علیهم السلام) گرفته شده و عموم آنها حول دعا، الحاح، اصرار، تضرع و انابه چرخش داشته اند. باید توجه داشت که در استغاثه نباید بجز خداوند را در دل راه داد. و بابِ خدا، ذوات مقدسه (علیهم السلام) هستند. پس با دعا و.. و شفیع قرار دادن ایشان نزد خدای منان، باید چاره نمود.

همچنین زیربنای این توسل، توبه و انابه است که مومن برای رفع

ص: 200

1- نصایح

2- تفسیر جامع ج 6

3- اصول کافی ج 3 باب بی نیازی از مردم ج 3

گرفتاریهایش باید داشته باشد.

{قُلْ مَنْ يَنْجِيكُمْ مِنْ ظُلْمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ} (1)

«بگو: ”چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریا می رها کند؟ در حالی که او را به زاری و در نمان می خوانید: که اگر ما را از این [مهلکه] برهاند، البته از سپاسگزاران خواهیم بود.“»

{ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِينَ} (2)

«پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از حد گذرندگان را دوست نمی دارد»

{وَادْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ} (3)

«و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس، بی صدای بلند، یاد کن و از غافلان مباش»

پس از دعا و استغاثه، با انفاق و صدقه خود را نجات دهد:

{وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ} (4)

«و ای قوم من، از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید»

ص: 201

1- سوره مبارکه انعام آیه شریفه 63

2- سوره مبارکه اعراف آیه شریفه 55

3- سوره مبارکه اعراف آیه شریفه 205

4- سوره مبارکه هود آیه شریفه 52

[تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید، و تبهکارانه روی بر مگردانید»

و فرموده اند:

«هر کس با دست کوتاه (نداری) انفاق کند از دست بلند خدای کریم بگیرد»

همچنین فرمودند:

«إِذَا أُمِّلْتُمْ فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ» (1)

هرگاه تهیدست شدید، با صدقه دادن با خدا تجارت کنید.

از راز و نیازهای حضرت امام سجاد (علیه السلام) که به خدای متعال داشتند، نقل است:

«وَنَعُوذُ بِكَ.. وَ مِنْ فَقْدَانِ الْكُفَافِ وَ نَعُوذُ بِكَ.. وَ مِنْ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ، وَ مِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ» (2)

خدایا به تو پناه می جویم... از ناتوانی برای تامین نیازهای خود... و از فقر نزد همگان و از زندگانی سخت.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) هم در قنوت عرضه می داشتند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ وَ اَعِزَّنِي مِنَ الْفَقْرِ» (3)

بار خدایا! بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) درود فراوان فرست و فرجشان را نزدیک

ص: 202

---

1- نهج البلاغه حکمت 258 - نهج البلاغه (صبحی صالح) 513 - غرر الحکم و درر الکلم 283 - وسائل الشیعة 9/372 -

بحار الأنوار (ط - بیروت) 93/133

2- صحیفه سجادیه 56 الدعاء 8 - الحیاة ترجمه احمد آرام 4/416

3- المقنعة 132

بفرما و مرا با حلالیت از حرمت بی نیاز ساز و از فقر در امانم بدار.

با توسلات به درگاه ائمه معصوم (علیهم السلام)، می توان قلاده فقر را از گردن باز نمود. توبه و استغفار، توسل به صلوات و نحواییدن در بین الطلوعین که بهترین وقت برای کسب روزی است، کلید رهایی از غمها و گرفتاریها است. تجربیات زیادی در این مورد کسب شده است. (1)

امامان هدایت (علیهم السلام)، مومن را از تقاضا و درخواست از دیگران در حالت فقر و نیاز، منع فرموده اند. چرا که باعث خواری و ذلت مومن می شود. حتی بازگویی هدیه ای (فقر) که خدای متعال به او داده، به دیگران شکایت محسوب می شود. بنابراین پنهان داشتن آن مهم است. از طرفی بیان آن برای برادر مومن از این قاعده مستثنی است.

«مشکلات خود را به برادر دینی گفتن، شکایت از خدا نزد خلق به حساب نمی آید»

چون مومن تهیدست به خاطر مناعت طبع نمی تواند ندراریهای خود را برای خلائق ابراز کند، لذا برای رهایی از غم و غصه و یا برطرف نمودن مشکلات امر فرمودند: گرفتاریهای خود را میتوان به برادر مومن اظهار نمود. حضرت امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

«هرگاه یکی از شما تنگدست و گرفتار شد، مشکل خود را به برادر مومنش

ص: 203

---

1- یکی از برادران ایمانی در پریشان حالی به سر می بُرد. برادر دیگری که وی را در اضطرار می دید، به او پیشنهاد کرد پس از توبه از اعمال خویش، هر روز برای خطاهای گذشته اشک ندامت ریخته و قطع طمع از همه اشياء و افراد نماید. پس از سه ماه که از ماجرا گذشت، یکدیگر را ملاقات کردند در حالیکه مشکلات وی حل شده بود. او بازگو کرده بود که به اکثر کسبه بدهکار بود و خود را پنهان می کرد.

بگوید و خویشان را آزار ندهد» (1)

چرا اینچنین اجازه ای یافتیم که غم و غصه را به برادر دینی خود بگوییم؟ به علت آنکه همه از اعضای يك خانواده هستیم. زیرا فرموده اند: «مومنین در رفاقت و دوستی و نیکی کردن به همدیگر، همچون اعضای يك بدن هستند که چون بعضی از اجزاء رنجور شود، اعضای دیگر هم قرار و آرامش نخواهند داشت» (2)

در مجموع عزت مومن و دوری از خواری، منوط به بستن در سوال و درخواست از خلاق است. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند:

«الْفَقْرُ أَمَانَةٌ، فَمَنْ كَتَمَهُ كَانَ عِبَادَةً، وَ مَنْ بَاحَ بِهِ فَقَدْ قَلَّدَ إِخْوَانَهُ الْمُسْلِمِينَ» (3)

فقر امانت است، پس هر که آنرا پوشیده نگه دارد این کارش عبادت است و هر که آشکارش سازد (بعضاً مومن تهیدست بر اثر اضطرار ناچاراً با شرمندگی و خجالت مشککش را برای برادر خود ابراز می دارد) به گردن برادران مسلمان خود قلاده (مسئولیت) انداخته است.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«لَا تَسْأَلُوا إِخْوَانَكُمْ الْحَوَائِجَ فَيَمْنَعُوكُمْ فَتَغْضَبُونَ وَ تَكْفُرُونَ» (4)

از برادران خویش حاجت نخواهید که مبادا نپذیرند و شما خشم بگیرید و کافر

ص: 204

---

1- بحار الانوار 74/278/13

2- بحار الانوار ج 61 ص 150

3- میزان الحکمة 3/2449

4- مصادقة الإخوان 54 - وسائل الشيعة 9/442

متاسفانه برخی مومنين پس از مطلع شدن از نابسامانيهای مالی بعضی از برادران تهيدست متوجه اين مسئوليت خطير و مهم نگشته و همچنان از پذيرفتن اين مسئوليت عظيم فراری هستند و يا پس از آگاهی از وضعيت مومن فقير، بجای اعانت با برخوردی تحقير آميز، قلب او را آماج زخم زبانهای خود می گردانند. در اين خصوص پیامبر گرامی (صلی الله عليه و آله وسلم) فرمودند:

«يا علی (عليه السلام)، إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْفَقْرَ أَمَانَةً عِنْدَ خَلْقِهِ، فَمَنْ سَتَرَهُ، أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ؛ وَمَنْ أَفْشَاهُ إِلَى مَنْ يَقْدِرُ عَلَى قَضَاءِ حَاجَتِهِ، فَلَمْ يَفْعَلْ، فَقَدْ قَتَلَهُ، أَمَا إِنَّهُ مَا قَتَلَهُ بِسَيْفٍ وَلَا رُمْحٍ، وَ لَكِنَّهُ قَتَلَهُ بِمَا نَكَى مِنْ قَلْبِهِ» (1)

«ای علی (عليه السلام) همانا خدا فقر را در نزد مخلوقش به امانت گذاشته هر که آنرا نھان دارد، خدایش مانند پاداش روزه داری که به عبادت پيا خاسته دهد، و هر که آن را نزد کسی که می تواند حاجتش را برآورد فاش سازد و او برآورده نکند او را کشته است، آگاه باش که او را با شمشير و نیزه نکشته؛ بلکه با زخم دل کشته است»

متاسفانه در جمع متدينين زياد شنیده و دیده شده که بر اثر عدم اعانت مومنين تهيدست، زخمهای کشنده بر قلب ایشان وارد می گردد. با تاسف فراوان هر روز با بی اعتنایی، به مشکلات برادران دینی دامن زده، بدین سبب، زخمهایی فجيع بر دل امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نقش می زنند. از عمده ترين غصه های حضرت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کاهلی در اين امر از سوی مومنين متمکن است. در

ص: 205

1- الكافي (ط - الإسلامية) 2/261؛ (ط - دارالحدیث) 3/651 - الوافي 5/790 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (عليهم السلام) 9/357 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 69/8

نمونه برخوردی که با علی بن ابراهیم داشتند، فرموده بودند:

«به وسیله اندوختن مال نسبت به برادرانتان ظلم و ستم روا داشته اید و این عمل شما را از دیدار ما محروم نگه داشته»

تحقیر نمودن برادر ایمانی به دلیل فقر مالی و تهیدستی وی باعث جریحه دار شدن قلب ایشان شده و مشکلات را برایشان مضاعف می نماید. نگه داشتن ایمان با وجود فقر بسیار سخت است چه رسد به اینکه مومن بابت فقر، تحقیر را هم تحمل نماید. صد البته با این عمل [مومن متمکن] غضب خداوند را بر خود تدارک می بیند. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره فرمودند:

«مَنْ اسْتَدَّلَ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً - أَوْ حَقَّرَهُ لِفَقْرِهِ وَ قَلَّةِ ذَاتِ يَدَيْهِ - شَهَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَفْضَحُهُ» (1)

هر کس مرد یا زن مومنی را به سبب تهیدستی یا اندک بودن مال و دارایی اش خوار شمارد یا تحقیر کند خداوند متعال در روز قیامت او را (بخاطر این عمل زشت) شهره و سپس رسوایش سازد.

البته متدین متمکن، هیچگاه در برخورد با برادران فقیر خود، چنین روشی را اتخاذ نمی کند، بلکه عمل به فرموده حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را به هر برخوردی ترجیح می دهد:

«... مَنْ أَكْرَمَ فَقِيرًا مُسْلِمًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ...» (2)

.. هر کس مسلمان فقیری را گرامی بدارد، روز قیامت در حالی خدا را دیدار

ص: 206

1- صحیفة الإمام الرضا (علیه السلام) 63 - بحار الأنوار (بیروت) 69/44 - میزان الحکمه 9/194

2- الأمالی (للسدوق (رحمة الله) ) 429 - مکارم الأخلاق 429 - مجموعة ورام 2/261 - الوافی 5/1075 - وسائل الشیعة 12/266

- بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/38

کند که از او راضی است..

همچنین حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَيَّ الْغَنَى لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ عَلَيْهِ غَضَبَان» (1)

هر کس با مسلمانی فقیر روبرو شود و به او سلامی متفاوت با سلامی کند که به ثروتمند می کند، روز قیامت خداوند - عز و جل - را دیدار کند در حالی که خداوند متعال از او در خشم است.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«..لَا تُحَقِّرُوا ضِعْفَاءَ إِخْوَانِكُمْ فَإِنَّهُ مَنْ احْتَقَرَ مُؤْمِنًا حَقَّرَهُ اللَّهُ وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْنَهُمَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ..» (2)

برادران تهیدست خود را تحقیر نکنید، زیرا هر کس مومنی را حقیر شمارد، خداوند - عز و جل - میان آن دو را در بهشت جمع نکند، مگر اینکه توبه نماید.

شبهه این، قرنهای پیش در زمان حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) اتفاق افتاد و فرد خاطی پس از چندی راه توبه را در پیش گرفت. خواندن حکایت آن، که در بحار الانوار از عیون المعجزات نقل شده، خالی از لطف نیست. علامه مجلسی (رحمة الله)، اینگونه نوشته است:

ص: 207

- 
- 1- الأمالی (للصدوق) 442 - عیون أخبار الرضا (علیه السلام) 2/52 - وسائل الشیعة 12/64 - بحار الأنوار (بیروت) 69/38 - مستدرک الوسائل و.. 9/158 - میزان الحکمه 9/194
- 2- تحف العقول 105 - الخصال 2/614 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/42؛ 72/143؛ 72/151 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/104



«ابراهیم جمّال یکی از شیعیان در عصر حضرت امام کاظم (علیه السلام) بود. روزی خواست خدمت علی بن یقظین برسد. وی با اجازه از امام (علیه السلام)، وزیر هارون (لعنت الله علیه) بود. ابراهیم، ساریان بود و به حسب ظاهر، شأن و شخصیت او کمتر از آن بوده که در مجلس علی بن یقظین وارد شود. از این رو علی بن یقظین او را راه نداد یا اینکه با بی اعتنایی او روبرو شد. اتفاقاً در همان سال جناب علی بن یقظین به حج مشرف شد و خواست در مدینه بخدمت حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) مشرف شود. حضرت او را راه ندادند. روز دوم در بیرون خانه آن حضرت را ملاقات نمود و عرضه داشت: ای سید من! تقصیر بنده چه بوده که مرا خدمت خویش راه ندادید؟

حضرت (علیه السلام) فرمودند: به جهت آنکه برادرت ابراهیم جمّال را راه ندادی و حق تعالی ابا دارد که سعی تو را قبول فرماید، مگر اینکه ابراهیم جمّال تو را عفو نماید.

عرض کرد: ای سید و مولای من! در این وقت کجا او را بیابم در صورتی که من در مدینه ام و او در کوفه است؟!

حضرت (علیه السلام) فرمودند: هرگاه شب فرا رسید تنها به قبرستان بقیع برو بدون اینکه کسی از اصحاب و غلامان تو بفهمند، در آنجا شتری زین کرده خواهی دید، آن شتر را سوار می شوی و به کوفه خواهی رسید.

علی بن یقظین طبق دستور حضرت امام کاظم (علیه السلام) این کار را انجام داد و به اندک زمانی (با طی الارض) به کوفه رسید و به خانه ابراهیم رفت و در را کوبید. ابراهیم گفت: کیستی؟

جواب داد: علی بن یقظین هستم.

ابراهیم گفت: بر در خانه من چه می کنی؟

عرض کرد: بیرون بیا که مرا امر عظیمی رخ داده است و قسم داد که او را اذن دخول دهد. چون داخل خانه ابراهیم شد، گفت ای ابراهیم! آقا و مولایم ایا فرمودند که عمل مرا قبول نمایند مگر آنکه تو از من بگذری.

ابراهیم گفت: غفرک الله لك؛ خدا تو را بیامرزد.

علی بن یقظین صورت خود را بر خاک گذاشت و ابراهیم را قسم داد که پا روی صورت من بگذارد و صورت مرا زیر پای خود بمالد.

ابراهیم امتناع ورزید، جناب علی بن یقظین او را قسم داد که چنین کند. پس ابراهیم پا به صورت علی بن یقظین گذاشت و رخ او را زیر پای خود می مالید و علی بن یقظین می گفت: اللهم اشهد؛ بارالها تو شاهد باش.

آنگاه علی بن یقظین بیرون آمد و سوار بر شتر شد و همان شب به مدینه بازگشت و حضرت امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) اذن ورود دادند وی خدمت آن حضرت شرف یاب شد و امام (علیه السلام) نیز با آغوش باز از وی استقبال نمودند»

همانطور که گفته شد، شأن مومن تهیدست در نزد خدا [اگر واقعاً مومن باشد] بسیار رفیع است. با گفتن کلمات و نوشتن آنها بر روی کاغذ، شأن ایشان بیان نشده، حق ایشان اداء نمی شود. بلکه خدای متعال در روز قیامت به کرم خویش، فضل ایشان را آشکار خواهد نمود. کمترین سروری و برتری ایشان بر دیگر برادران خود از این جهت است که با تفضل متدین متمکن از اموال خویش به ایشان، خود را لایق بهشت می نماید. اگر مومن فقیر، فقر خود را تحمل نمی کرد و از ایمان خارج می شد، طبق احادیث، مومن غنی لیاقت رفتن به بهشت را پیدا نمی کرد. ایشان وسیله ای شدند تا فقر را تحمل نمایند و بهشت را صاحب شوند و مومن غنی نیز با اعانت وی بهشت را

بدست آورد. در مجموع غنی نیز می تواند به طفیلی فقیر، به دایرة ولایت معصومین (علیهم السلام)، راه یابد. حضرت امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) می فرمودند:

«لَيْسَ كُلُّ مَنْ قَالَ بِوَلَايَتِنَا مُؤْمِنًا وَ لَكِنْ جُعِلُوا أَنْسًا لِلْمُؤْمِنِينَ» (1)

چنین نیست که هر کس دم از ولایت ما بزند مومن باشد بلکه آنان همدم مومنان قرار داده شده اند.

ص: 210

---

1- مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها 329 - الکافی (ط - الإسلامية) 2/244؛ (ط - دارالحدیث) 3/618 - الوافی 5/729 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 9/291

حال که مومن غنی، مسئولیت خویش را شناخت، و دانست اکرام مومن فقیر در واقع اکرام امام خویش است، پس باید کاهلی را کنار گذاشته، احترام و محبت در خور اهل بیت (علیهم السلام) را برای فقرای و لائئ از خود نشان دهد. اعانت را به نحو احسن آغاز نموده، سفره خویش را بگشاید، قرض به وی را قرض به خدا دانسته و ابا نَوْرَزَد، تلاش شبانه روزی و بی وقفه خویش را آغاز نماید. حضرت امام ابن الامام؛ جعفر بن محمد صادق (علیهما السلام) تاکید نمودند:

«...سَبْعُونَ حَقًّا - لَا أُخْبِرُكَ إِلَّا بِسَبْعَةِ فِائِي عَلَيْكَ مُشْفِقٌ أَخْشَى أَنْ لَا تَحْتَمِلَ... وَ تَسْعَى فِي حَوَائِجِهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ وَصَلْتَ وَلَا يَتَكَ بَوْلَايَتِنَا وَلَا يَتَنَا بَوْلَايَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (1)

از حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره حق مومن بر مومن پرسیده شد؛ فرمود هفتاد حق دارد اما من هفت حق را به تو می گویم چرا که بر تو مهربانم، می ترسم که قدرت پذیرش نداشته باشی (یعنی به سبب انجام ندادن آنها

ص: 211

---

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/174؛ (ط - دارالحدیث) 3/446 - الوافی 5/559 - وسائل الشیعة 12/208 - بحار الأنوار (ط - بیروت)

وارد جهنم خواهیم شد).. شب و روز در برآوردن نیازهای او (برادر ایمانی ات) بکوشی، پس چنانچه اینطور عمل کردی، ولایت خود را به ولایت ما متصل کردی و ولایت ما به ولایت خدای عز و جل متصل است.

حسین بن نعیم می گفت که حضرت امام صادق (علیه السلام) به من فرمودند:

«آیا برادران دینی خود را دوست داری؟ عرض کردم بلی. پرسیدند به فقرا و تنگدستانشان نفع می رسانی؟ جواب دادم آری. فرمودند: متوجه باش که لازم است ایشان را دوست بداری. آیا آنها را به منزل خود دعوت می کنی؟ عرض کردم: هیچگاه غذا نمی خورم مگر اینکه دو یا سه نفر از برادرانم میهمان من هستند. فرمودند: فضیلت آنها بر تو بیشتر از فضیلت تو است بر آنها. عرض کردم: فدایت شوم من آنها را میهمان می کنم و در منزل خودم از ایشان پذیرایی می نمایم، باز فضیلت آنها بیشتر است؟ فرمودند: آری، هنگامی که وارد منزل تو می شوند، با روزی تو و خانواده ات وارد می شوند و در بیرون رفتن، گناهان تو و خانواده ات را بیرون می برند» (1)

آیا وقتی میهمان با اینکه سر سفره میزبان نشسته، باعث ازدیاد روزی میزبان شده و مغفرت الهی را برای صاحب خانه و اهلس به ارمغان می آورد، می توان مقام وی را تشریح نمود؟ حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«هر کس به فقیری از شیعیان ما احسان کند خداوند متعال آنقدر اجر و پاداش به وی عطا نماید که جز پروردگار کسی نداند» (2)

خداوند به یکی از پیامبران بنی اسرائیل به نام شعیان یکی از آثار شگفت

ص: 212

---

1- رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام) 573

2- تفسیر جامع 7/474 - ثواب الاعمال 165

انگیز اعانت به مومن فقیر را اینگونه فرمود:

«علامت رضای من در رضای مستمندان است و اگر آنها به فقرا رحم کنند، ضعیفان را به خود نزدیک سازند، از آنها دستگیری نمایند، انصاف به مظلوم بدهند، او را یاری کنند، نسبت به غایبان با عدل رفتار نمایند، حق یتیمان را بدهند و هر حقی را به صاحبش رد کنند، من خدا، نور چشم و سمع گوش و عقل دلها و قوت دست و پای آنها می شوم و دل و عقلهایشان را بجا دارم» (1)

امام معصوم (علیه السلام) نیز فرموده اند:

«..وَمَنْ قَضَى حَاجَةً لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَانِنَا فَكَأَنَّمَا قَضَاهَا لِأَجْمَعِنَا..» (2)

هر کس نیاز یکی از دوستان ما را برآورد، گویی آن را برای همه ما [ائمه اطهار (علیهم السلام)] برآورده کرده است.

بنابراین می بایستی سریعتر حرکتی را در راستای کمک به ائمه اطهار (علیهم السلام) آغاز کرد و قدم در وادی جوانمردی و اعانت ضعیفای مومنین گذاشت. اعانتی که همراه با احترام و تکریم برادران دینی باشد. حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«أَضِيفُ بِطَعَامِكَ مَنْ تُحِبُّ فِي اللَّهِ» (3)

کسی را که به خاطر خدا دوستش داری به غذای خود میهمان کن.

اطعام مومن حتی اگر غنی باشد، در نزد خدا اهمیت بسزائی دارد. حضرت

ص: 213

1- تفسیر جامع 4/272 - تفسیر ابوالفتوح 12/163

2- کامل الزیارات 336 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 97/122

3- المحاسن 2/391 - وسائل الشیعة 24/275 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/452 - میزان الحکمه 6/452

امام صادق (علیه السلام) درباره اطعام فرموده اند:

«هر کس يك مومن ثروتمندی را اطعام کند برابر است با يك بنده مومن از فرزندان اسماعیل (پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم) که او را از کشته شدن نجات دهد و هر که مومن تهیدست و محتاجی را اطعام کند برابر است با صد بنده از فرزندان اسماعیل (علیه السلام) که آنها را از کشته شدن آزاد کند» (1)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز فرمودند:

«إِذَا أُذْخِلَ الصَّيْفُ بَيْتَ الْمُؤْمِنِ دَخَلَ مَعَهُ أَلْفُ بَرَكَةٍ وَ أَلْفُ رَحْمَةٍ وَ كُتِبَ لِصَاحِبِ الْمَنْزِلِ بِكُلِّ لُقْمَةٍ يَأْكُلُهَا الصَّيْفُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً»

زمانی که میهمان به منزل برادر مومن وارد می شود، هزار برکت و هزار رحمت با او وارد شود و برای صاحب منزل به هر لقمه ای که میهمان خورده، يك حج و يك عمره نوشته می شود.

حضرت امام صادق (علیه السلام) چگونگی پذیرائی از مومن را اینگونه فرمودند که:

«هرگاه یکی از برادران دینی ات وارد بر تو شد هر چه در خانه داشتی بیاور و اگر او را دعوت کردی در تهیه وسایل پذیرائی و خوراک کوشش کن» (2)

روزی کسی حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) را به میهمانی دعوت کرد، حضرتش با سه شرط این میهمانی را قبول نمودند:

«اول از خارج منزل چیزی برایم تهیه نکنی، دوم در منزل چیزی از من پنهان و ذخیره ننمایی و سوم بر خانواده خود تنگ نگیری و سهم و خوراک آنها را کم

ص: 214

---

1- منتخب عین الحیاة مجلسی (رحمة الله) 443

2- نهج الفصاحة 640

مراعات مومن در همه حال واجب بوده تا جائیکه حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«...حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ أَنْ لَا يَشْبَعُ وَيَجُوعُ أَخُوهُ وَلَا يَرْوَى وَيَعْطَشُ أَخُوهُ وَلَا يَكْتَسِي وَيَعْرِى أَخُوهُ فَمَا أَعْظَمَ حَقَّ الْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ...» (2)

حق مسلمان بر مسلمان اینست که سیر نباشد در حالیکه برادرش گرسنه است و سیراب نباشد مگر اینکه برادرش سیراب باشد و پوشیده نباشد در حالیکه او برهنه است. سپس فرمودند: چقدر عظیم است حق مومن بر مومن.

کیست که بتواند منزلت برادر فقیر خود را جز اهل یقین و جوانمرد دریابد؟ سپس در ادامه حدیث فرمودند:

«...آنچه را برای خود می خواهی برای او نیز بخواه و اگر برادرت کمک خواست، عطایش کن»

در این مسئله هیچگونه سستی بر مومن روا نیست. برای اهمیت این اعانت، امام (علیه السلام) در ادامه می فرمایند:

«نسبت به هیچ خیری نباید از او ملول شوی [و کاری نکنی] که او از تو ملول شود. پشتیبان او باش که او پشتیبان تو است. چون غایب شود در غیابش (از همه جهات) او را مواظبت کن. چون حاضر گردد از او دیدار کن و تجلیل و

ص: 215

---

1- بحار الأنوار 15/240

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/170 - المؤمن 42 - الإختصاص 27 - الوافی 5/559 - وسائل الشیعة 12/206 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (علیهم السلام) 9/33 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/221 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/40



احترامش نما (چرا) که او از توست و تواز اویی. چون از تو بدش آید از او دوری مکن تا از او گذشت بخواهی و عذرخواهی کنی (کینه را از دلش بزدایی) اگر به او خیری رسد خدا را سپاس گوی و اگر بلایی به او رسید بازویش را بگیر و اگر برایش نیرنگی سازند یاریش کن»

یعنی مومن به جمیع جهات اعم از دنیوی و اخروی، باید یاور برادران دینی خود باشد همانگونه که برای فرزندش، پدری دلسوز است. وقتی تنگدستی بر شخصی هجوم بیاورد، طبیعتاً بر نوع تغذیه وی تاثیر فراوانی می گذارد. دامنه این اثر از عدم تغذیه کافی تا گرسنگی، با همه تبعات منفی اش برای فرد، دامنگیر برادران مومن هم می شود. چرا که وظیفه برادر دینی، پوشش برادر خویش است تا در صورت تنگی معیشت، به اعانت مصیبت زده پرداخته، او را از مهلکه برهاند و خویش را در امتحان سربلند گردانیده و هدیه خداوند که همان فرصت اعانت به مومن تنگدست است، را برنگرداند. در دو حکایت ذیل، پندی برای آنها که از غضب الهی ترسانند، نهفته است. بررسی و اعمال آن در شیوه برخورد با دیگران موجبات گشایش درهای رحمت الهی و ترک آن همراه با خشم پروردگار است.

«شبی جناب سید بحرالعلوم (رحمة الله) خادمش را به سراغ سید جواد عاملی، صاحب کتاب مفتاح الکرامه فرستاد او هم شتابان به حضور رسید، چون چشم سید بر او افتاد، فرمود: آیا از خدا نمی ترسی؟ آیا مراقب خداوند نیستی؟ حیا نمی کنی از خدا؟ سید جواد گفت: مگر چه روی داده؟»

فرمود: مردی از برادران دینی تواز بقال، برای عیال خود هر شب و روز

خرمای زاهدی به قرض می گرفت و به غیر آن قوت نداشت و بر ایشان هفت روز می گذرد که برنج و گندم نچشیده اند و امروز که رفت خرما بگیرد بقال به او گفت قرض تو فلان مبلغ شده، او هم از بقال حیا کرد و چیزی نگرفت و خود و عیالش شب را بی شام به سر بردند و تو خوش می گذراندی و می-خوردی و او خانه اش به خانه تو متصل است و می شناسی او را که فلانی است.

مرحوم سید جواد در جواب گفت: «والله، من از احوال وی مطلع نبودم». سید بحرالعلوم فرمود: اگر به حال او مطلع بودی و شام می خوردی، یهودی یا کافر می بودی و این غضب من بر تو به جهت تجسس نکردن (و عدم اطلاع از حال او) بوده است. سپس مجموعه غذاهایی نفیس و کیسه ای تنخواه (پول) به وسیله سید جواد و خادمش برای او فرستاد» (1)

«نقل است که یکی از دلایل ابتلاء حضرت یعقوب، آن بوده است که وقتی جناب جبرئیل برای رهایی حضرت یعقوب (علیه السلام) از غم فراق حضرت یوسف (علیه السلام) مژده و بشارت وصل و دیدار پسرش را آورده بود، گفت: ای یعقوب بدان که روزی شخص فقیری از کنار منزل تو می گذشت و کباب بریان می نمودی و آن شخص از لذت و خوردن آن بی نصیب مانده بود.

حضرت یعقوب (علیه السلام) فرمود: من که نمی دانستم چنین شخصی در حال بریان نمودن کباب از کنار خانه من رد می شده، جبرئیل گفت: اگر که می دانستی (و دعوت نمی کردی) از نبوت خلع می گشتی».

مومن متمکن باید این سوال را از خود بپرسد وقتی برادر خویش را تحت

ص: 217

فشار مشکلات اقتصادی دیده و او را غرق در تنگی معیشت حس می کند، وقتی وی زندگی سختی را تجربه می کند یا مقروض است؛ آیا انتظار بهشت داشته باشد در حالی که مال خویش را در کمک به او عرضه نمی کند؟ آیا از عذاب آخرت غافل است؟ حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«لَا تَقُلْ لِأَخِيكَ إِذَا أَدْخَلَ عَلَيْكَ أَكَلْتَ الْيَوْمَ شَيْئًا؟ وَلَكِنْ قَرَّبْ إِلَيْهِ مَا عِنْدَكَ فَإِنَّ الْجَوَادَ كُلَّ الْجَوَادِ مَنْ بَدَلَ مَا عِنْدَهُ» (1)

هنگامی که برادرت بر تو وارد شده از او سوال نکن آیا امروز غذا خورده ای یا نه؟ آنچه داری برای او حاضر کن، چرا که سخاوتمند واقعی کسی است که از بذل آنچه حاضر دارد، مضایقه نکند.

و نیز فرمودند:

«..هَلَكَ امْرُؤٌ احْتَقَرَ لِأَخِيهِ مَا يَحْضُرُهُ وَ هَلَكَ امْرُؤٌ احْتَقَرَ لِأَخِيهِ مَا قَدَّمَ إِلَيْهِ» (2)

میزبانی که آنچه را برای برادرش آماده ساخته کوچک بشمرد هلاک شده است، همچنین میهمانی که آنچه را که نزد او حاضر کرده اند کوچک بشمرد هلاک شده است.

حضرت امام صادق (علیه السلام) در آداب میهمانی و رعایت موقعیت میزبان، فرمودند:

«هنگامی که یکی از شما وارد منزل برادر مسلمانش می شود، هر جا به او پیشنهاد می کند، بنشیند، چرا که صاحب منزل به وضع منزل خود و آن

ص: 218

---

1- بحار الانوار 75/455

2- الکافی (ط - الإسلامية) 6/276؛ (ط - دارالحدیث) 12/312 - الوافی 20/518

قسمتهایی که نباید آشکار گردد، آشناتر است» (1)

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ أَطْعَمَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ مَنْ أَطْعَمَ فِتَامًا مِنَ النَّاسِ قُلْتُ وَ مَا الْفِتَامُ مِنَ النَّاسِ قَالَ مِائَةٌ أَلْفٍ مِنَ النَّاسِ» (2)

هر که برادرش را برای خدا اطعام کند، پاداشش مانند کسی است که فئامی از مردم را اطعام کند عرض کردم فئام چه مقدار است؟ فرمودند: صد هزار از مردم.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در فضیلت اطعام دادن فرمودند:

«مَا أَكَلْتُهُ رَاحَ وَ مَا أَطْعَمْتُهُ فَاحَ» (3)

آنچه بخوری، برود و آنچه بخورانی فراوان و پر برکت شود.

حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِطْعَامَ الطَّعَامِ وَ هِرَاقَةَ الدَّمَاءِ» (4)

خداوند اطعام کردن و قربانی کردن را دوست دارد.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«فُوتُ الْأَجْسَادِ الطَّعَامُ وَ فُوتُ الْأَزْوَاحِ الْإِطْعَامُ» (5)

ص: 219

1- بحار الانوار 75/451

2- کافی ج 2 باب اطعام مومن ح 11 - الکافی (ط - الإسلامیة) 2/202؛ (ط - دارالحدیث) 3/517 - الوافی 5/676 - وسائل الشیعة 24/324 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/376

3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 483 - غرر الحکم و درر الکلم 693

4- المحاسن 2/387 - وسائل الشیعة 24/287 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/361؛ 96/298

5- مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 325 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/456 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 16/246

تغذیه بدن‌ها به طعام خوردن است و تغذیه روح‌ها به طعام دادن و خوراندن آن است به دیگری.

همانگونه که اطعام از حقوق مومن بر مومن است، اجابت سفره مومن نیز، ضروری می باشد. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مِنَ الْحُقُوقِ الْوَاجِبَاتِ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يُجِيبَ دَعْوَتَهُ» (1)

یکی از حقوق واجب مومن بر مومن اینست که دعوت او را بپذیرد.

در این باره، پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«وَكَانَ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ» (2)

و این کار (اجابت) جزء دین است.

اگر اجابت نمودن دعوت برادر این اندازه با اهمیت و جزء ضروریات است پس جایگاه دادرسی از مومن گرفتار کجاست؟ مخصوصاً اینکه آثار تهیدستی آنها بر ما هویدا باشد؟! و دردآورتر اینکه برای اعانت نمودن خویش از روی اضطرار از برادر دینی خود تقاضا و درخواستی نماید و «آنگاه اجابت نگردد».

باید در تمام موارد، مخصوصاً در برخورد با برادران مومن، احترام لازم را مد نظر داشت. چرا که بسیار دیده شده فردی که صاحب منصب است یا تمکن مالی داشته و یا از موقعیتی بخصوص در جامعه برخوردار است، در برخورد با جامعه و برادران ایمانی ضعیف عمل کرده و ایشان را خوار شمرده (با عکس‌العملهای خاص) و مورد بی‌مهری قرار می دهد. طبیعی است که اینگونه

ص: 220

---

1- المحاسن 2/411 - الكافي (ط - الإسلامية) 6/274؛ (ط - دارالحدیث) 12/307 - وسائل الشیعة 24/271 - بحار الأنوار (ط -

بیروت) 72/447

2- المحاسن 2/180/1511

برخورد قطعاً دارای عقاب و عتاب بسیار شدید خواهد بود. عکس آن نیز صادق است، اگر برادر ایمانی مورد تفقد قرار گیرد، دارای ثواب عالی خواهد شد.

«مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بِكَلِمَةٍ يُلَطِّفُهَا بِهَا وَ مَجْلِسٍ يُكْرِمُهُ بِهِ لَمْ يَزَلْ فِي ظِلِّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَمْدُوداً عَلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ مَا كَانَ فِي ذَلِكَ» (1)

هر که به برادر مسلمان خود سخنی مودبانه و مهرآمیز بگوید و یا او را در جای محترمانه از مجلس بنشانند، تا زمانیکه در آن کار باشد پیوسته سایه رحمت خداوند عزوجل بر سر او گسترده است.

احترام و تکریم برادران مومن به ویژه مومن تهیدست، آنچنان مهم است که محترم داشتن او، احترام به ساحت قدس خداوند است. حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«مَنْ آتَاهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فَأَكْرَمَهُ، فَإِنَّمَا أَكْرَمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ» (2)

کسی که برادر مسلمانش بر او وارد شود و وی گرامیش بدارد، در حقیقت خداوند عزوجل را گرامی داشته است.

«..مَنْ قَالَ لِأَخِيهِ: مَرْحَباً، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مَرْحَباً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ..» (3)

هر که به برادر مومن خود خوشامد گوید، خداوند متعال تا روز قیامت برای او خوشامد (مرحباً) می نویسد.

ص: 221

1- بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/316

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/206؛ (ط - دارالحدیث) 3/525 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/298

3- الکافی (ط - دارالحدیث) 3/524 - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 147 - الوافی 5/645 - وسائل الشیعة 12/232 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/298؛ 73/21

گشاده روئی و احترام در هر فردی ایجاد سرور و شادی می نماید. برای برادر مومن قطعاً دارای اولویت و اهمیت و بالطبع ثواب عظیم خواهد بود. حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«مِنْ أَحَبِّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِذْحَالُ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ إِشْبَاعُ جَوْعَتِهِ أَوْ تَنْفِيسُ كُرْبَتِهِ أَوْ قَضَاءُ دَيْنِهِ» (1)

محبوبترین اعمال در پیشگاه خداوند- عز و جل -، شاد نمودن مومن است و آن سیر کردن وی از گرسنگی، رفع گرفتاری و پرداخت بدهکاری وی است.

## پاداش قرض دادن

در این روایات شاد نمودن مومن را در رفع گرفتاری او دانسته اند. گرفتاریهایی از قبیل گرسنگی، دیون و.. خوشحالی مومن، سرور ائمه اطهار (علیهم السلام) است و سرور ایشان، یعنی فرح خدای تعالی با اهمیتی بسیار فراوان تا جائیکه حق تعالی با تمام جلال و جبروت و بی نیازیش، فریاد طلبیدن قرض از بندگان را سر می دهد و خود را با تمامی عظمت و کبریایی، خرج مومن گرفتار می کند (و مستقیماً) دست قرض طلبی به سوی خلائق... و این نیست مگر شرافت و بزرگی مومن پیش حضرت باری تعالی.

انسان موحد با بصیرتی که از کلام امام معصوم (علیه السلام) دریافته است، می فهمد که این روایت یعنی چه، چرا خدای تعالی اینقدر حساسیت بخرج داده با تمام بی نیازی مطلق، برای اینکه مومنی نجات پیدا کند در سوره مبارکه حدید آیه

ص: 222

---

1- المؤمن 51 - المحاسن 2/388 - الکافی (ط - الإسلامیة) 2/192؛ 4/51؛ (ط - دارالحدیث) 3/492؛ 7/334 - الوافی 5/657؛

10/507 - وسائل الشیعة 9/469؛ 16/350؛ 24/325

شریفه 11، فریاد «کیست به من قرضی دهد» را سر می دهد.

{ مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ } (1)

«کیست که به خدا وامی نیکو بدهد پس خداوند [پاداش آن را] برای او آنرا اضافه می کند و برای او پاداش نیکویی است»

{ مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً.. } (2)

«کیست که به خداوند وامی نیکو بدهد پس خداوند [پاداش آنرا] برای او بسیار بسیار اضافه می کند...»

یعنی برای اینکه برای مومن گرفتار ارزش قائل شود، وجود گرامی خود را خرج مومن مضطر می کند. مثل اینکه مومنی برای دین خویش، راهی زندان شود و برادر دینی اش با تمام شرمندگی، آبرو و حیثیت خود را زیر پا بگذارد و نزد خلائق باب سوال و کمک را باز نماید. در صورتیکه این عمل بسیار سخت و گران بر حال آن بنده است. اما چون آن شخص مومن بوده و دارای ارزشهای عالی، پای اجبار به میان می آید تا نزد هر کس و ناکسی که می تواند او را از زندان نجات دهد، دست نیاز دراز نماید. خدای تعالی نیز برای حفظ آبرو و بالا بردن مقام مومن، مستقیماً فریاد دادخواهی و قرض را سر می دهد. باید در قرض دادن به برادران دینی، همتی مردانه بخرج داد. زیرا قبل از اینکه برادر مومن برای درخواست وام، سوال نماید، می باید جوانمردی بخرج داد و پیشقدم شد. زیرا این اعانت، اعانتِ الله می باشد که در تاکید این موضوع، امام

ص: 223

1- سوره مبارکه حدید آیه شریفه 11

2- سوره مبارکه بقره آیه شریفه 245



معصوم (علیه السلام) فرمودند:

«...وَإِذَا عَلِمْتَ أَنَّ لَهُ حَاجَةً تُبَادِرُهُ إِلَى قَضَائِهَا وَلَا تُلَجُّهُ أَنْ يَسْأَلَكَهَا وَ لَكِنْ تُبَادِرُهُ مُبَادِرَةً فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ وَصَلْتَ وَلَا يَتَكَ بِوَلَايَتِهِ وَ وَلَا يَتَهُ بِوَلَايَتِكَ» (1)

چون بدانی (برادرت) حاجتی دارد، در انجام آن سبقت بجویی و او را مجبور نسازی که از تو تقاضا کند، بلکه خودت پیشدستی کنی (و دوستی با برادر دینی را با این اعمال ثابت می کنی) چون چنین کردی دوستی خود را به دوستی او پیوسته ای و دوستی او را به دوستی خود و به این آیه شریفه عمل نموده ای:

{وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٌ..} (2)

با این تاکیدات، مبدا که برادران ثروتمند، خود را از دسترس مومن مستضعف دور نگه دارند، که شاید از او تقاضایی مثل وام و... غیره کند و اگر چنین شد وای بر ایشان که با تمام اعمال عبادی و صالح، از بهشت حق تعالی محروم خواهند شد و کسی که در بهشت نباشد، پس جایگاهش در کجاست؟ در این باره حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«آيَةُ الْمُؤْمِنِ كَانَتْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مُؤْمِنٍ حِجَابٌ صَدَّرَ رَبُّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْجَنَّةِ سَبْعِينَ أَلْفَ سُورٍ مَا بَيْنَ السُّورِ إِلَى السُّورِ مِثْرَةُ أَلْفِ عَامٍ» (3)

هر مومنی که خود را از دسترس مومن دیگر دور نگه دارد، خداوند عز و جل میان او و بهشت هفتاد هزار حصار بکشد که میان هر حصار با حصار دیگر،

ص: 224

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/169؛ (ط - دارالحدیث) 3/434 - الوافی 5/558 - وسائل الشیعة 12/205 - مرآة العقول فی شرح

أخبار آل الرسول (علیهم السلام) 9/31 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/238

2- سورة مبارکه توبه آیه شریفه 71

3- الکافی (ط - الإسلامية) 2/364؛ 2/365؛ (ط - دارالحدیث) 4/98؛ 4/100 - وسائل الشیعة 12/230

و در روایتی دیگر است که:

«بر اثر پنهان نگه داشتن خویش، پیوسته در لعنت خدا باشد»

مومن ولایتی با تمام اعمال، عبادات و تقدس و رعایت شئون دینی، اگر در مورد وام دهی و یا رفع گرفتاری برادران خویش اهمال بورزد باید یقین کند به خاطر خیانت در امانت (مال) الهی، بهشت بر وی حرام می شود و اگر مومنی بتواند اعانت نماید و سستی کند، پس اگر درب بهشت بروی وی بسته می شود، جایگاهش در کجاست؟ پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«وَمَنْ أَحْتَاَجَ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فِي قَرْضٍ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ» (1)

کسی که برادر مسلمانش در وامی به او نیاز پیدا کند و او بتواند وام بدهد و چنین نکند، خداوند بوی بهشت را بر او حرام گرداند.

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنَصَّرُوا لِلَّهِ يُنْصِرْكُمْ وَيَتَّبِعْ أَقْدَامَكُمْ } (2)

«ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و قدمهایتان را ثابت می کند»

{ مَنْ ذَا الَّذِي يَقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً.. } (3)

«کیست که بخداوند قرض نیکویی بدهد پس خداوند آنرا برای او چندین برابر

ص: 225

1- من لا يحضره الفقيه 4/15 - الأماي (للصدوق) 430 - وسائل الشيعة 16/389 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 73/335؛ 100/138

2- سورة مبارکه محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) آیه شریفه 7

3- سورة مبارکه بقره آیه شریفه 245

امام معصوم (علیه السلام) فرمودند:

«حال که تندرست هستید نه بیمار و در حال گشایش هستید نه تنگدست... در بخشش بخل نورزید که خدای سبحان فرمود: اگر خدا را یاری کنید، شما را پیروز می گرداند و قدمهای شما را استوار می دارد و فرمود: کیست که به خدا قرض نیکو دهد؟ تا خداوند چند برابر عطا فرماید و برای او پاداش بی عیب و نقصی قرار دهد؟ درخواست یاری از شما به جهت ناتوانی نیست و قرض گرفتن از شما برای کمبود نمی باشد در حالی که طلب وام از شما دارد»

حق تعالی نیازی به وام بندگان ندارد بلکه برای ارزش قایل شدن برای مومنین تهیدست و ترحم نمودن به احوال مومنین متمکن است تا بدین وسیله، آنان را به بهشت جاودانه پیدا کنند، پس کیست که به خداوند قرض دهد؟ آیا ایمان و یقینمان به حدی رسیده است که قبر، قیامت و عالم برزخ را باور داشته باشیم؟ پس برای اعانت مومنین، مخصوصاً درباره قرض دادن باید بسیار کوشا و پر تلاش بود و کاهلی در این امر، بی احترامی و بی توجهی به درخواست خداوند است. ای مومن سخن خداوند با شماست، آیا می شنوید: «کیست که من قرض بدهد؟»

آیا جرات دادن جواب منفی را داریم؟ اگر حیا مانع می شود که به درخواست خداوند جواب منفی بدهیم، پس جوانمردانه و هر چه سریعتر در این راستا، مومنین حقیقی و مستمند را [که برادرانتان هستند] پیدا کنید و با قرض دادن به آنها و در واقع قرض دادن به خداوند متعال، ایشان را از گرفتاری نجات بخشیده و خود را مشمول رحمت خداوند، نه غضب وی نمائید.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«مِنْ كَفَارَاتِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ وَالتَّنْفِيسُ عَنِ الْمَكْرُوبِ» (1)

از کفاره گناهان بزرگ، به فریاد مردم رسیدن و آرام کردن مصیبت دیدگان است.

و چه مصیبتی بالاتر از فقر و قرضهای کمرشکن، پس اگر برادرت دست نیاز به سوی تو دراز کرد بدان که رحمت خداوند است که بسوی تو آمده چرا که حضرت امام حسین (علیه السلام) فرمودند:

«إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمَلُّوا النَّعْمَ» (2)

نیازهای مردم به سوی شما رحمت الهی است. پس از نعمتها ملول نشوید.

و کدامین عاقلی دست رد بر رحمت الهی خواهد زد جز افراد بیخرد و کسانی که محبت دنیا آنها را از این رحمت دور کرده است. حال اگر ذره ای ایمان و یقین به قیامت در ما وجود داشته باشد، به درخواست و ندای حق تعالی که از بندگان وام طلبیده است باید با سر و جان جوابگوی ندای پروردگاران باشیم که در این باره حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«خداوند سبحان فرموده است: اگر خدا را یاری دهید، شما را یاری می دهد و گامهایتان را استوار گرداند و در قرآنش فرموده است؛ کیست آنکس که به خدا وامی نیکو دهد تا برای وی دوچندانش گرداند و او را پاداش خوشی باشد؟! (3) اما خداوند از روی ناتوانی، ناداری و خواری از شما یاری (وام)

ص: 227

1- نهج البلاغه صبحی 472 - وسائل الشیعة 16/373 - بحار الأنوار (ط بیروت) 72/21

2- بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/318؛ 75/126

3- سورة مبارکه حديد آیه شریفه 11

نخواستن و به سبب تنگدستی از شما قرض نطلبیده. از شما یاری خواسته است در حالی که لشکرهای آسمان ها و زمین از آن اوست و او مقتدر و حکیم است. در حقیقت خواسته است شما را بیازماید که کدام يك نیکوتر عمل می کنید» (1)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«خداوند-عزوجل-می فرماید: من دنیا را میان بندگانم کالایی برای داد و ستد قرار دادم، پس اگر کسی از دنیا به من قرض بدهد، به ازای هر يك از آن قرض، ده تا هفتصد برابر و هر چند برابر که بخواهم به او می دهم» (2)

راجع بقرض دادن به مومنین، خداوند در قرآن مجید در آیاتی چند، فرموده است:

«کیست که به خدا وام نیکو دهد و از اموالی که به او ارزانی داشته، انفاق کند تا خداوند آن را برای او چندین برابر نماید و برای او اجر فراوان و پر ارزشی است» (3)

«اگر به خداوند قرض الحسنه دهید، آن را برای شما مضاعف می سازد و شما را می بخشد و خداوند شکر کننده و بردبار است» (4)

«کیست که به خداوند قرض نیکویی دهد و از اموالی که خداوند به وی بخشیده انفاق کند تا خداوند آن را برای او چندین برابر کند و خداوند روزی

ص: 228

---

1- نهج البلاغه خطبه 183 - سورة مبارکه ملک آیه شریفه 2: {الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ}

2- میزان الحکمه 9/327 - الخصال 130/135

3- سورة مبارکه حدید آیه شریفه 11

4- سورة مبارکه تغابن آیه شریفه 17

بندگان را محدود و گسترده می سازد و بسوی او باز می گردید» (1)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«هر کس به برادر مسلمانش قرض دهد در مقابل هر دره‌می که به او قرض داده، هم وزن کوه احد از کوه های رضوی و طور سینا به او حسنه داده می شود و اگر در باز پرداخت با او مدارا کند از پل صراط بدون حساب مثل برق جهنده می گذرد»

اهمیت این مطلب در ادامه این روایت مشخص می شود که فرمودند:

«..وَمِنْ اِحْتِاجٍ [وَمَنْ شَكَأ] اِلَيْهِ اَخُوهُ الْمُسْلِمُ فَلَمْ يَقْرِضْهُ حَرَّمَ اللهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ يَوْمَ يَجْزَى الْمُحْسِنِينَ..» (2)

کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و او از دادن قرض دریغ کند، خداوند بهشت را بر او حرام گرداند در روزی که به نیکوکاران پاداش داده می شود.

وای بر مومنی که توفیق این عبادت عظیم از دستش رفته شود و با دست خویش، بخاطر دریغ از برادرش جهنم را برای خود فراهم سازد، پس باید که در روز عمر کوتاه ما را فریب ندهد. چرا که در عالم برزخ کسی سالم نمی ماند مگر اعانت کنندگان به امام (علیه السلام) و محبینشان.

پس اگر ترس از عالم برزخ در جان و روح تو مستولی گشت، امانت الهی (مال) را به صاحبش که خداست با قرض دادن نیکو به خدایت برگردان که از

ص: 229

---

1- سورة مبارکه بقره آیه شریفه 245

2- أعلام الدین فی صفات المؤمنین 421 - وسائل الشیعة 16/390؛ 18/331 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 73/369 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 6/214

تو درخواست وام کرده است و با احترام فوق العاده به او (برادرانت) عودت ده و در رد این امانت الهی (قرض به برادر دینی) نهایت انصاف، مدارا و مهلت را پیشه خویش ساز که مدارا نمودن با بدهکار، همانا مدارا و انصاف با خدا است. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) مهلت دادن و تحت فشار قرار ندادن برادر بدهکار را بسیار مهم دانسته، فرمودند:

«..لَا يَجِلُّ لَكَ أَنْ تُعْسِرَهُ إِذَا عَلِمْتَ أَنَّهُ مُعْسِرٌ» (1)

جایز نیست انسان، بدهکار خود را به سختی بیندازد با اینکه می داند پرداخت دین برای او دشوار شده است.

در بین سختیها آنچه از همه بیشتر انسان را می گدازد، بدهکاری و دین است. رنج نداری از یک سو و ناراحتی ناشی از دین از سوی دیگر، فرد را از موضع عزت پائین کشیده و به ذلت سوق می دهد. نقل است:

«حضرت امام سجاد (علیه السلام) بخاطر تنگدستی و بدهکاری یکی از شیعیان گریه نمودند» (2)

حضرت پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ بِمِثْلِ مَا لَهُ عَلَيْهِ حَتَّى يَسْتَوْفِيَ حَقَّهُ» (3)

هر کس تنگدستی را مهلت دهد، در هر روز برای او ثواب صدقه ای برابر با

ص: 230

---

1- الوافی 18/800 - وسائل الشیعة 18/334؛ 18/336 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 100/139

2- بحار الأنوار 46/20

3- تفسیر العیاشی 1/155 - تفسیر الصافی 1/304 - وسائل الشیعة 18/36 - البرهان فی تفسیر القرآن 1/560 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 100/151 - تفسیر نور الثقلین 1/296

طلبی که از او دارد بر عهده خداست (نوشته می شود)، تا زمانیکه مال (پول) خود را دریافت کند.

در این مطلب آن چیزی که باعث شگفتی است آنست که برطرف شدن اندوه مومن ثروتمند، منوط به گشایش امور مومن تنگدست و وامدار است. حضرتش (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ أَرَادَ أَنْ تُسْتَجَابَ دَعْوَتُهُ وَ أَنْ تُكْشَفَ كَرْبَتُهُ فَلْيَفْرَجْ عَنْ مُعْسِرٍ» (1)

هر کس می خواهد دعایش مستجاب و اندوهش برطرف گردد به تنگدستی (که از وی وام گرفته) مهلت دهد.  
بدنبال عدم مدارا با مومن بدهکار، آه و نفرین وی است که منجر به بلا و بدبختی طلبکار می گردد که فرمودند:

«اتَّقُوا دَعْوَةَ الْمُعْسِرِ» (2)

بترسید از نفرین (فرد) تنگدست.

همچنین نجات از جهنم نیز در گرو مهلت دادن به مومن بدهکار است. چنانکه روزی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) وارد مسجد شدند و فرمودند:

«كِدَامَ يَكُ مِنْكُمْ دُوْسْتٌ دَارِدُكَ خِدَاوَنَدٌ - عَزَّوَجَلَّ - اَوْرَا اَزْ غَرْمَايْ سُوْزَانَ دُوْزَخِ نَگَه دَارِدُ؟ عَرَضْ كَرْدَنْدُ: اَي رَسُوْل اَكْرَم (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهٖ وَسَلَّمَ) هَمَّهٗ مَا خُوْش دَارِيْم. فَرْمُوْدَنْدُ:

«مَنْ انْظَرَ مُعْسِرًا اَوْ وَضَعَ لَهُ اَظْلَةً اللّٰهُ تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ اِلَّا ظِلُّهُ» (3)

ص: 231

1- نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) ) 759 - میزان الحکمه 9/401

2- کنز العمال [متقی هندی - عامه] 15424

3- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 13/412 - جامع أحاديث الشيعة (للبروجردی) 23/728 - لسان العرب 8/397 - تاج

العروس من جواهر القاموس 11/515



هر که تنگدستی را (که از شما قرض گرفته) مهلت دهد، یا بر او ببخشد، خداوند عزوجل وی را تحت سایه عرش خویش پناه می دهد در روزی که [روز قیامت] سایه ای در آن نیست مگر سایه او.

و همچنین رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در جایی دیگر فرمودند:

«مَنْ نَفَسَ عَنْ غَرِيمَةٍ أَوْ مَحَا عَنْهُ كَانَ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (1)

هر که به بدهکار خود مهلت دهد یا از طلب خود درگذرد، روز قیامت در سایه عرش باشد.

دعای فرشتگان شامل مومنین می شود. به فرمایش رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم):

«... مَنْ أَقْرَضَ مُؤْمِنًا قَرْضًا يَنْتَظِرُ بِهِ مَيْسُورَهُ كَانَ مَالُهُ فِي زَكَاةٍ وَ كَانَ هُوَ فِي صَلَاةٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ حَتَّى يُوَدِّيَهُ إِلَيْهِ...» (2)

هر کس به مومنی وامی دهد (برای پس گرفتن آن) صبر کند تا دستش باز شود، مال او زکات محسوب شود و فرشتگان برای او دعا کنند، تا اینکه وامش به او برگردانده شود.

همچنین برای شخص گیرنده وام، مراتبی بر پایه انصاف و وجدان وضع فرمودند:

«... وَ كَمَا لَا يَجِلُّ لِغَرِيمِكَ أَنْ يَمْطُلَكَ وَ هُوَ مُوسِرٌ فَكَذَلِكَ لَا يَجِلُّ أَنْ تُعْسِرَهُ إِذَا عَلِمْتَ أَنَّهُ

ص: 232

---

1- میزان الحکمه 9/401 - نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم)) 747

2- میزان الحکمه 9/401 - ثواب الاعمال 166/1 - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 138 - وسائل الشیعة 9/301 - وسائل الشیعة

18/330 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/233 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 100/139

همچنان که بدهکار تو اگر توانگر باشد روا نیست در پرداخت بدهی اش به تو تعلل ورزد، بر تو نیز جایز نیست که اگر بدانی تنگدست است او را تحت فشار قرار دهی.

آن چیزی که در این خصوص (اعانت) قابل توجه است، برادرانی که مورد لطف و احسان برادران متمول قرار می گیرند، از زحمات و اعانت آنها، خصوصاً اگر در پرداخت بدهی مهلتی می دهند یا در امورشان گشایشی بوجود می آورند، باید سپاسگزاری کنند. ائمة اطهار (علیهم السلام) تاکید بر این موضوع کرده اند. حضرت امام سجاد (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«..أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ..» (2)

سپاسگزارترین شما از خداوند کسی است که از مردم بیشتر سپاس و قدردانی می کند.

پس مومنین بی بضاعت در مقابل احسان برادران دینی خود نیز، باید زبان به سپاس و دعا بگشایند که امام معصوم (علیه السلام) فرمودند:

«هر که احسانی به شما کرد تلافی کنید، اگر نداشتید دعا کنید بقدری که بدانید جبران شده است» (3)

«حق کسی که درباره تو کار نیکویی انجام داده این است که او را شکرگزاری

ص: 233

---

1- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 139 - مجموعة ورام 2/265 - الوافی 18/800 - وسائل الشيعة 18/334؛ 18/366 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 6/224 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 100/139

2- الكافي (ط - الإسلامية) 2/99؛ (ط - دارالحدیث) 3/255 - الوافی 4/354 - وسائل الشيعة 16/310 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 68/38

3- نصاب 14

کنی و از نیکیش یاد نمایی و سخنان نیکو درباره اش را گسترش دهی و در میان خودت و خدای سبحان او را خالصانه دعا کنی. پس اگر چنین کردی او را پنهان کردی او را در پنهان و آشکار سپاس گزارده ای» (1)

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) کلیدی را در هنگام اتفاق آشکار نموده اند که لطف زیادی دارد:

«وقتی چیزی به سائل دادید بگویید برای شما دعا کند که دعای او در حق شما مستجاب است»

از اهمیت احسان آنست که بدانی چیزی که به مومن فقیر می دهی قبل از آنکه بدست او برسد بدست خدا رسیده است که امام معصوم (علیه السلام) فرموده است:

«...وَيُرِدُّ الَّذِي يَنَاولُهُ يَدَهُ إِلَىٰ فِيهِ فَلْيَقْبَلْهَا فَإِنَّ اللَّهَ يَأْخُذُهَا قَبْلَ أَنْ تَقَعَ فِي يَدِ السَّائِلِ...» (2)

«بعد از احسان به فقیر دست خود را ببوسید که صدقه را پیش از آنکه بدست سائل برسد، خدا می گیرد. چنانکه پروردگار در قرآن فرموده است: «مگر نمی دانند آن خداست که توبه بندگان را می پذیرد و صدقات را می گیرد»

{ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ } (3)

ص: 234

1- تحف العقول 265

2- تحف العقول 109

3- سورة مبارکه توبه آیه شریفه 104

اما یکی دیگر از آثار اعانت به برادران بی بضاعت که از واجبات دین همانند نماز و روزه... به شمار می آید مسئله خمس و زکات است که به وسیله پرداخت آن، می توان ضعفای شیعه را از درماندگی نجات بخشید. (1) عدم پرداخت این حقوق واجب، در قیامت از سخت ترین مرحله عرصه محشر است که مورد سوال و بازخواست قرار خواهیم گرفت. در این باره فرموده اند:

«..إِنَّ أَشَدَّ مَا فِيهِ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ الْخُمْسِ فَيَقُولَ يَا رَبِّ خُمْسِي..» (2)

شدیدترین و سخت ترین حالتی که مردم در روز قیامت در آن بسر می برند وقتیست که مستحقین خمس برمی خیزند و می گویند: بار پروردگارا! خمس ما چه شد؟ خمس ما را بمانده اند.

ابو بصیر (رحمة الله) می گوید: به حضرت امام باقر (علیه السلام) عرض کردم که کمتر چیزی که انسان به وسیله آن داخل آتش می شود چیست؟ فرمودند:

«..مَنْ أَكَلَ مِنْ مَالِ الْيَتِيمِ دِرْهَمًا وَ نَحْنُ الْيَتِيمُ» (3)

[کمترین چیزی که انسان به وسیله آن داخل آتش می شود] کسی که يك

ص: 235

- 
- 1- اما اینکه مصداق گیرندگان خمس و زکات چه کسانی هستند برای توضیح و شرح آن باید رجوع کرد به روایات و مراجع
  - 2- الکافی (ط - الإسلامية) 1/547؛ (ط - دارالحدیث) 2/735 - الوافی 10/330 - وسائل الشیعة 9/545؛ 9/554 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 4/164
  - 3- من لا يحضره الفقيه 2/41 - کمال الدین و تمام النعمة 2/522 - الوافی 10/336 - وسائل الشیعة 9/483 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 4/141؛ 4/159 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/10؛ 93/186؛ 93/187 - تفسیر نور الثقلین 1/449 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/277؛ 7/302

درهم مال یتیم را بخورد و بعد فرمودند: ما آن یتیم هستیم [یعنی کسی که خمس ندهد، داخل آتش می شود].

اما جایگاه خمس در قرآن، در سوره مبارکه انفال، آیه شریفه 41 این گونه بیان شده است:

(وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ أَمْتُمْ بِاللَّهِ)

«ای مومنان بدانید که هرچه به شما غنیمت و فایده رسد، خمس آن برای خدا، رسول، خویشان او، یتیمان، فقیران و درماندگان است»

شخصی نزد حضرت امام باقر (علیه السلام) آمد و خمس مال خویش را به حضرت امام باقر (علیه السلام) پرداخت کرد. امام (علیه السلام) فرمودند:

«.. وَضَمِنْتُ لَكَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ أَبِي الْجَنَّةِ» (1)

بر من و پدرم لازم است که بهشت را برای تو ضمانت کنیم.

البته این مطلب برای شیعیان واضح است، که جمیع خزائن و دارائیهای دنیا در دست امام (علیه السلام) است و نیازی به مال مردم ندارند بلکه مقصود و هدف، امتحان الهی است و به فرمایش حضرت امام صادق (علیه السلام) که فرمودند:

«من از گرفتن درهم شما هدفی جز پاك کردن شما ندارم زیرا وضع مالی من خوب است» (2)

انشاءالله پس از توفیق عمل و قبول شدن در این آزمایش که باعث بروز اخلاص می گردد، باقی اموال پاك می گردد. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

ص: 236

1- وسائل 9/528

2- وسائل 9/484

«...يُؤَدِّي حُمْسَنَا وَ يَطِيبُ لَه» (1)

هرکه خمس ما را بدهد، باقی درآمدش برایش گوارا (حلال) است.

یکی دیگر از اهداف بسیار مهم پرداخت خمس و زکات، فقرزدایی از چهرهٔ مومنین تهیدست و ذریهٔ خاندان وحی است که حضرت امام کاظم (علیه السلام) فرمودند:

«...وَجَعَلَ لِلْفُقَرَاءِ قَرَابَةَ الرَّسُولِ صِ نِصْفَ الْخُمْسِ فَأَغْنَاهُمْ بِهِ عَنْ صَدَقَاتِ النَّاسِ..» (2)

و قرار داد برای خویشان رسول (صلی الله علیه و آله وسلم)، نصف خمس را پس آنها را بی نیاز نمود به وسیلهٔ آن از صدقه های مردم. «و صدقه را بر آنها حرام کرد و خویشان رسول همانا اهل بیت (علیهم السلام) هستند»

به تجربه رسیده است و قضایایی در این مورد ذکر کرده اند که پرداخت خمس و زکات هم باعث زیادی رزق می گردد و هم مدافع تلف شدن دارایی می شود. حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«...فَإِنْ إِخْرَاجَهُ مِفْتَاحُ رِزْقِكُمْ وَ تَمْحِیضُ ذُنُوبِكُمْ..» (3)

..پرداخت خمس کلید رزق شماست..

ص: 237

---

1- تفسیر العیاشی 2/64 - وسائل الشیعة 9/488 - البرهان فی تفسیر القرآن 2/700 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 93/193 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/281

2- الکافی (ط - الإسلامیة) 1/542؛ (ط - دارالحدیث) 2/724 - وسائل الشیعة 9/514 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 6/267

3- رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام) 438 - الکافی (ط - الإسلامیة) 1/548؛ (ط - دارالحدیث) 2/737، 2/738 - المقنعة 284 - تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان) 4/140 - الوافی 10/334؛ 10/335 - وسائل الشیعة 9/538

در جای دیگر نیز حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«خمس کمک ما بر حفظ مکتب است»

آنگاه در ادامه فرمودند:

«..و لَا تَحْرِمُوا أَنْفُسَكُمْ دُعَاءَنَا مَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ..» (1)

..تا می توانید خودتان را از دعای ما محروم نکنید..

کسانی که از روی اخلاص، اهل خمس و زکات هستند، قطعاً تحت عنایت و دعای ویژه ائمه معصوم (علیهم السلام) قرار می گیرند، این جزء آزمایشات الهی است تا بدین وسیله نفاق و اخلاص در عبودیت، و اطاعت از فرامین الهی آشکار شود. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«آنچه برای خداست برای رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) اوست و آنچه برای رسول خداست برای ما اهل بیت (علیهم السلام) می باشد سپس فرمودند: به خدا سوگند خداوند بر مومنان آسان است [آسان می گیرد]، زیرا پنج درهم روزی آنان کرده که یکی از آنها را برای پروردگارش قرار داده و چهار قسمت بر آنان حلال است. سپس فرمودند: این سخنان بسیار دشوار می باشد که عمل نمی کنند و صبر نمی نمایند بر آن، مگر اشخاصی که قلبشان به برکت ایمان خالص گردیده است» (2)

از این رو چون ایمان خالص می گردد تحت لطف خاصه قرار می گیرند که:

ص: 238

---

1- رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام) 438 - الکافی (ط - الإسلامیة) 1/548؛ (ط - دارالحدیث) 2/737، 2/738 - المقنعة 284 - تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان) 4/140 - الوافی 10/334؛ 10/335 - وسائل الشیعة 9/538  
2- بحار الانوار 96/191

«زنی به نام شطیطه يك درهم پول و يك كلاف نخ را از نیشابور برای حضرت امام كاظم (علیه السلام) فرستاد و از کمی مال خود عذر خواهی نمود و گفت «ان الله لا يستحیی من الحق» امام درهم و كلاف را پذیرفتند و فرمودند سلام مرا به این خانم برسانید و این چهل درهم و این پارچه ای که جزء کفن خودم هست به او بدهید او چند روزی بیشتر زنده نیست اما همین که از دنیا رفت من برای نماز بر جنازه او به نیشابور خواهم آمد به چشم بر هم زدنی» (1)

عقاب و عذاب کسی که خمس و زکات مال خود را نپردازد نیز بحثی است. حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«کسی که زکات نپردازد، خداوند روز قیامت دارایی و ثروت او را به صورت مار افعی آتشین دو سر در می آورد و آن را طوق گردن او می کند و سپس به آن مار امر می شود به او بچسبد همچنان که او در دنیا به تو چسبیده بود این است سخن خداوند در قرآن مجید «بزودی روز قیامت آنچه را که در بخشیدنش بخل می ورزیدند، چون طوقی به گردنشان خواهند آویخت» (2)

بنابراین مومنین برای کسب رضایت خداوند، ازدیاد روزی، کفاره گناهان و دور ماندن از بلاهای دنیایی، مخصوصاً عذابهای اخروی، و تحت عنوان تامین معاش مومنین مستمند، بعنوان شکرگذاری از نعمت رزق و روزی و... با رغبت و شوق تمام باید خمس و زکات خود را بپردازند. بنا به فرمایش حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) که فرمودند:

«کسی که زکات را با رضایت خاطر بپردازد، کفاره گناهان او و مایه نگهداریش

ص: 239

---

1- بحار الانوار 48/74

2- سورة مبارکه آل عمران آیه شریفه 180 - بحار الانوار 96/8 ح 3



از آتش باشد پس نباید کسی دل در پی زکاتی که می پردازد داشته باشد و مرتباً افسوس خورد، زیرا کسی که آن را از روی بی میلی پردازد، به سنت (الهی) نادان است و در پاداش، مغبون و کارش نیز بیهوده و پشیمانیش طولانی باشد» (1)

در عوض بهتر است که چشم به خشنودی و بهشت الهی داشته باشد و دل را از مال (خمس و زکات) بردارد و افسوس عمر خود را که توشه فراهم نکرده داشته باشد. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«خداوند عز و جل در دارائیهای توانگران به اندازه ای که نیاز تهیدستان را تامین کند حقی واجب کرد. اگر خداوند می دانست که آنچه برای تهیدستان مقرر داشته کفایتشان نمیکند، حق بیشتری را واجب میکرد. بنابراین تهیدستی فقیران نه به سبب (کم بودن) این فریضه (زکات) است بلکه از آن روست که توانگران حقوق آنها را نمی پردازند» (2)

یکی از آیات و کارهای عجیب و شگفت پروردگار، تقسیم روزی بر اساس حکمت می باشد که بر میزان و حسابی وضع گردیده است. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«خداوند همه خلائق را بیافرید و از خُرد و بزرگ و توانگر و تهیدست آنان آگاه است. او در میان هر هزار انسان بیست و پنج مستمند قرار داد بنابراین، اگر می دانست که زکات آن عده زندگی این تعداد را تامین نمی کند، بر مقدار زکات آنان می افزود چرا که او آفریننده آنهاست و نسبت به مردم از خود آنان آگاهتر

ص: 240

---

1- نهج البلاغه خطبه 199

2- علل الشرایع 369/2 - وسائل الشیعه 6/3/2

اما در اهمیت دادرسی از برادران دینی که در خصوص خمس و زکات مطرح گردیده، باطن و حقیقتی برای این امر است؛ چنانکه شخصی از حضرت امام صادق (علیه السلام) پرسید زکات مال چه مقدار لازم است؟ امام (علیه السلام) فرمودند:

زکات ظاهری هر هزار درهم، بیست و پنج درهم می باشد.

«..وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَلَا تَسْتَأْذِرُ عَلَىٰ أَحْيَاكَ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْهِ مِنْكَ» (2)

اما زکات باطنی اینست که چیزی که برادر دینی ات به آن نیازمندتر است، برای خود انتخاب نکنی.

از دیدگاه شریعت، زکات که پرداخت آن از واجبات دین است برای رهایی تهیدستان جامعه از گرفتاریهای مالیست. از علل مهم فقر در اجتماع، عدم پرداخت خمس و زکات از سوی ثروتمندان است که حضرت امام صادق (علیه السلام) در این باره فرموده اند:

«..إِنَّمَا وُضِعَتِ الزَّكَاةُ اخْتِبَارًا لِلْأَغْنِيَاءِ وَ مَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ..» (3)

زکات به منظور آزمودن توانگران و کمک به مستمندان وضع شده است اگر مردم زکات اموال خود را می پرداختند، هیچ مسلمانی تهیدست نمی شد...

ص: 241

---

1- علل الشرایع 39/1

2- الکافی (ط - الإسلامية) 3/500؛ (ط - دارالحدیث) 7/18 - معانی الأخبار 153 - الوافی 10/376 - تفسیر الصافی 2/341 - وسائل الشیعة 9/50؛ 9/148 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 16/11 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 93/39؛ 71/396

3- من لا یحضره الفقیه 2/7 - الوافی 10/50 - وسائل الشیعة 9/12 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 4/6

«..وَإِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَلَا احْتَأَجُّوا وَلَا جَاعُوا وَلَا عَرُوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ..» (1)

مردم، فقیر، نیازمند، گرسنه و برهنه نشدند مگر به گناه (ترك خمس و زکات) از سوی ثروتمندان.

حضرت امام کاظم (علیه السلام) از دلایل مهم پرداخت این حق واجب را اینگونه فرموده اند:

«إِنَّمَا وَضِعَتِ الزَّكَاةُ قُوْتًا لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِيرًا لِأَمْوَالِهِمْ» (2)

زکات برای تامین و قوت تهیدستان و افزایش داراییهای توانگران وضع شده است.

یکی از آثار مثبت خمس و زکات، ازدیاد برکات، مخصوصاً روزی است که حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) نیز فرمودند:

«..وَالزَّكَاةُ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ..» (3)

..زکات دادن، روزی را زیاد می کند..

درباره عدم توجه به این حقوق الهی که در واقع برای نجات تهیدستان وضع شده است، رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

ص: 242

1- من لا يحضره الفقيه 2/7 - الوافي 10/50 - وسائل الشيعة 9/12 - عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية 1/370

2- المحاسن 2/319 - من لا يحضره الفقيه 2/4 - علل الشرائع 2/368 - وسائل الشيعة 9/10 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 93/18

3- الأمالي (للطوسي) 296 - بشارة المصطفى لشيعة المرتضى (عليه السلام) (ط - القديمة) 2/189 - بحار الأنوار (ط - بيروت)

75/183؛ 93/14 - جامع أحاديث الشيعة 22/140

«...مَنْ مَنَعَ قَيْرَاطًا مِنْ زَكَاةٍ مَالِهِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَلَا مُسْلِمٍ وَلَا كَرَامَةً لَهُ...» (1)

هر کس قیراطی از زکات مال خود را نپردازد، نه مومن است، نه مسلمان و نه او را حرمتی است.

حال اگر با رغبت و با دلی محکم پرداخت شود خداوند نیز در همین دنیا او را مورد لطف خود قرار خواهد داد که در این باره حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«...وَحَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ...» (2)

..دارائیهای خود را با (دادن) زکات حفظ کنید..

از برکات پرداخت [خمس و] زکات، حفظ مال از تلف شدن است. حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«مَا نَقَصَتْ زَكَاةٌ مِنْ مَالٍ قَطُّ وَلَا هَلَكَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ أُدِّيَتْ زَكَاةُهُ» (3)

(خمس و) زکات هرگز از ثروت نکاهد و هر مالی که زکاتش پرداخته شود، در خشکی یا دریا از بین نرود.

عوارض عدم پرداخت خمس و زکات بسیار شدید است. در کلام حضرت امام باقر (علیه السلام) آمده است که:

«وَجَدْنَا فِي كِتَابِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) [وَجَدْتُ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ (عَلِيهِ السَّلَام)]... وَإِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ

ص: 243

- 
- 1- من لا يحضره الفقيه 4/367 - مكارم الأخلاق 441 - الوافي 26/178 - وسائل الشيعة 9/34 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 74/58
  - 2- قرب الإسناد (ط - الحديث) 117 - الكافي (ط - الإسلامية) 6/61؛ (ط - دارالحديث) 7/362؛... - تحف العقول 110؛ 221 - الإختصاص 25؛ 335 - المقنعة 269 - عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية 4/245 - الوافي 10/43 - وسائل الشيعة 9/14؛... - بحار الأنوار (ط - بيروت) 75/60؛...
  - 3- دعائم الإسلام 1/240 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 93/28 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/23

مَنْعَتِ الْأَرْضِ بَرَكَتِهَا مِنَ الزَّرْعِ وَ الثَّمَارِ وَ الْمَعَادِنِ كُلِّهَا» (1)

در کتاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) دیدیم که... هرگاه مردم از دادن زکات خودداری کنند، زمین برکتهای خود را از هر نوع زراعت، میوه ها و انواع معادن و ذخایر، دریغ کند.

و اینکه یکی از دلایل نزول بلا و کاهش برکات زمین، ندادن خمس و زکات است. حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«.. مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بِتَضْيِيعِ الزَّكَاةِ فَحَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ..» (2)

..هیچ مالی در خشکی و دریا از بین نرفت، مگر به سبب فروگذاریدن زکات، پس اموال خود را با زکات حفظ کنید..

حضرت امام رضا (علیه السلام) هم فرمودند:

«..وَ إِذَا حُبِسَتْ الزَّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي» (3)

هرگاه زکات پرداخته نشود، چارپایان دچار مرگ و میر شوند.

روایت دیگری نیز وارد شده که مربوط به افراد و متصدیان جمع آوری و

ص: 244

- 
- 1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/374؛ (ط - دارالحدیث) 4/120 - تحف العقول 51 - الأمالی (للصدوق) 308 - علل الشرائع 2/584  
- الأمالی (للطوسی) 210 - الوافی 5/1041 - وسائل الشیعة 16/273 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله  
وسلم) 11/72 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/369؛ 70/372؛ 74/155؛ 88/328؛ 93/15؛ 97/45؛ 97/46؛ 97/72؛ 100/107  
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/334
- 2- المحاسن 1/294 - الکافی (ط - الإسلامية) 3/505 - الوافی 10/42 - وسائل الشیعة 9/28؛ 9/29 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة  
(عليهم السلام) 4/9 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 16/17 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 66/393
- 3- الأمالی (للطوسی) 79 - مجموعة ورام 2/179 - وسائل الشیعة 9/31 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 70/373؛ 72/341؛ 88/330؛  
93/14 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 6/188 - بحار الانوار 73/373/8 - میزان الحکمه 5/17

پخش حقوق الهی از قبیل خمس و زکات است. بخشی از فرمایشات حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را در زمینه متصدیان کانونها و مکانهای خیریه که محل جمع و پخش خیرات و دارائیهای مردمنده، نقل می‌نمائیم: حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مسئولین این امر الهی را که امانتدار خداوند هستند، اینگونه متذکر می‌شوند:

«..وَلَا يَرْغَبُ عَنْهُمْ تَفْضُلًا بِالْإِمَارَةِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّهُمْ الْإِخْوَانُ فِي الدِّينِ وَالْأَعْوَانُ عَلَى اسْتِخْرَاجِ الْحُقُوقِ..» (1)

با مردم به جهت اینکه بر آنها حکومت دارد بی‌اعتنایی نکند چه اینکه مردم، برادران دینی و یاری دهندگان در استخراج حقوق الهی می‌باشند. بدان! برای تو در این زکاتی که جمع می‌کنی سهمی معین و حقی روشن است و شریکانی از مستمندان و ضعیفان داری، همانگونه که ما حق تو را می‌دهیم، تو هم باید نسبت به حقوق آنان وفادار باشی، اگر چنین نکنی در روز رستاخیز بیش از همه دشمن داری و وای بر کسی که در پیشگاه خداوند متعال، فقرا، مساکین، درخواست کنندگان، آنان که از حقشان محرومند، بدهکاران، ورشکستگان و در راه ماندگان دشمن او باشند و از او شکایت کنند. (2)

### **خمس، زکات و انفاق به چه کسانی تعلق می‌گیرد؟**

اما مطلب مهمی که بسیار حائز اهمیت است و هدف از جمع آوری این روایات بیشتر در خصوص آن موضوع می‌باشد، اینست که خمس، زکات،

ص: 245

---

1- نهج البلاغه 382 - بحار الأنوار بیروت 33/528؛ 93/92 - مستدرک الوسائل 7/72

2- نهج البلاغه ترجمه نامه 26

احسان و انفاق بدست چه کسانی باید برسد؛ تا مورد رضای خدا قرار بگیرد. طبق فرمایشات ائمه اطهار (علیهم السلام) معلوم می گردد در رتبه اول، برادران دینی که افراد با ورع و متدینی هستند و سپس به دیگر افراد مستحق جامعه باید برسد.

طبق فرمان امامان معصوم (علیهم السلام) صاحبان اصلی که باید در مرحله اول، دریافت کننده خمس، زکات، احسان و انفاق باشند، تهیدستان اهل تقوا می باشند. برای روشن شدن مطلب و اتخاذ روشی نیکو برای خیرین محترم، سخنان گهربار ائمه اطهار (علیهم السلام) را خدمت نیکوکاران گرامی ارائه می دهیم. شخصی به حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) عرض کرد: من وجهی را نذر کرده ام، در چه مورد صرف کنم که مورد رضایت خدا باشد؟ حضرت (علیه السلام) فرمودند:

«به اهل تقوا و عبادت انفاق کن.. زیرا آنچه به آنها انفاق شود در راه عبادت خداوند عالم صرف شده، زیرا که بدنهای آنها در راه اطاعت الهی بکار گرفته می شود» (1)

با توجه به طبقه بندی ای که امامان معصوم (علیهم السلام) درباره انفاق و نیکی مطرح فرموده اند، جایگاه حقیقی احسان آشکار می گردد. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«راجع به صدقه از جبرئیل پرسیدم، گفت: اگر به آدم صحیح و سالم (مستمند) داده شود هر يك دينار ده دينار پاداش دارد و اگر به مستمند زمینگیر يك دينار داده شود هفتاد پاداش و اگر به پدر و مادر يك تصدق بدهد هفتصد پاداش و اگر به طالب علم بدهد هر يك دينار، صد هزار پاداش را

ص: 246

می توان از دستور رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نتیجه گرفت هر احسان و انفاقی اول به طالب علم تعلق می گیرد سپس به دیگران. حال باید دانست طالب علم کیست. مهمترین و حساسترین مسئله در این قضیه، عالم است که فرد مومن مصداق آن باید گردد و از جانب خیرین گرامی تشخیص چنین افرادی که مستلزم شناخت علم است، ساده نیست. رجوع به علمای اعلم و مهمتر از آن غواصی در علم، این مسئله مبهم را واضح و روشن و مستحقین واقعی را هویدا می سازد. در واقع، قدرت احسان و انفاق باید برای پیشبرد اهداف ائمه اطهار (علیهم السلام) که هدفی جز خداپرستی نیست، قرار گیرد. حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا فَقُلْتُ لَهُ وَ كَيْفَ يَحْيِي أَمْرَكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيَعْلَمُهَا النَّاسُ...» (2)

«خداوند رحمت کند بنده ای که امر ما را زنده کند. [پس به او گفتم] چگونه امر شما زنده می شود؟ فرمودند: آنکه فقه آل محمد (علیهم السلام) را بیاموزد و به دیگران نیز یاد بدهد.

ص: 247

1- ترجمه کتاب المواعظ العددیه 221 - نصابیح

2- عیون أخبار الرضا (علیه السلام) 1/272



روایت شگفتی در حیا و عفت این مومنان تهیدست آمده است که می تواند برای خیرین گرامی تهیدستان حقیقی را به تصویر بکشد.

«انفاق خالصانه و توأم با عزت و احترام، شایسته تهیدستان با شرافتی است که در راه اعلای دین (ولایت معصومین (علیهم السلام)) به مضیقه افتاده اند و اکنون بر اثر ناتوانی، قدرت کار و فعالیت ندارند و به قدری با حیا و عقیف اند که اگر کسی از وضع واقعی آنان آگاه نباشد غنی و ثروتمندشان می پندارد. اینان با عزت نفس و مناعت طبعی که دارند هرگز بذلت درخواست تن نمی دهند و از مردم تقاضای عجز آمیز نمی کنند چرا که مومن هیچگاه به خاطر نفس به خواری نمی افتد»

و این شعار را بصورت عملی سرلوحه عمل خویش می نمایند:

«الْجُوعُ خَيْرٌ مِنْ ذُلِّ الْخُضُوعِ» (1)

گرسنگی بهتر از خواری و ذلت است.

حال، انسانهای نیکوکار طبق ترتیبی که حضرت پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم)

ص: 248

فرمودند، می باید قدم اول را برای مومن دیندار بردارند که حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«لَا تَصْلُحُ الصَّنِيعَةُ إِلَّا عِنْدَ ذِي حَسَبٍ أَوْ دِينَ» (1)

نیکی کردن جز به انسان خانواده دار یا متدین درست نیست.

قابل ذکر است که ایشان به جهت مناعت طبع و عزت نفس، فقر و نداری خویش را پنهان می سازند و تهیدستان دروغین با دراز نمودن دست خویش، اموال الهی را از جایگاه اصلی به سوی خود جذب می کنند. امروزه اکثریت مردم مخصوصاً خیرین محترم به علت سادگی، بی آلاچی و صفای باطن، متأسفانه قادر به تمیز دادن راست و دروغ نمی باشند و لباس احسان را به جای اندام براننده تهیدست واقعی، بر اندام ناساز و دروغین دروغگویان می پوشانند. با تأسف فراوان در فرهنگ و عرف جامعه ایران، تهیدست به کسی اطلاق می گردد که با لباسی مندرس و چهره ای محزون، سیمای يك فقیر را، از خود به نمایش بگذارد و با این حالت دلها را به سوی خویش جذب کرده و احسان و مال را که امانت الهی است از دست انسانهای نیکوکار ر بوده و مستحقین حقیقی که همان مومنین با آبرو هستند را معطل گذاشته و با این عمل ناجوانمردانه مالی به مالهای خود می افزاید و سختی و فقر را به نابسامانیهای مومن تنگدست بار میکند.

در واقع سعی این کتاب، مشخص کردن مومن تهیدست بر اساس روایات

ص: 249

---

1- تحف العقول 358 - الخصال 1/48 - الخصال 2/620 - وسائل الشیعة 9/420؛ 16/299 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 10/99؛ 71/408؛ 71/409؛ 75/240؛ 93/167

می باشد تا با خواندن این فرمایشات، تشخیص مستحق راستین و دروغین آسان و آشکار گردد، چنانکه حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«.. وَ لَكِنَّ الْمَسْكِينِ الَّذِي لَا يَجِدُ غَنَاءً فَيَغْنِيهِ وَلَا يَسْأَلُ النَّاسَ شَيْئاً وَلَا يَفْطَنُ بِهِ فَيَتَصَدَّقَ عَلَيْهِ..» (1)

تهیدست و مسکین نه آن گدای دوره گرد است و نه آن کسی که دو دانه خرما و یکی دو لقمه نان می گیرد و می رود؛ بلکه مسکین آن ناداری است که مناعت و عزت نفس دارد، به طوری که دست سوال (گدایی) به سوی مردم دراز نمی کند و کسی به تهیدستی او پی نمی برد تا به وی صدقه بدهد.

و نیز فرمودند:

«صدقه به شخص بی نیاز، توانگر و کسی که بدنی سالم و نیرومند دارد تعلق نمی گیرد مگر برای کسی که مبتلا به فقر خوار کننده و یا قرض کمرشکن باشد» (2)

با این درجه بندی که حضرت امام صادق (علیه السلام)، تهیدستان واقعی را معرفی می کنند، می توان محل بذل و بخشش را در جامعه پیدا کرد. در ذیل آیه شریفه 272-273 از سوره مبارکه بقره در مورد انفاق پنهانی نمودن به فقرا، حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«فقرا کسانی هستند که قدرت بر سفر کردن و سرمایه تجارت نمودن ندارند و

ص: 250

- 
- 1- میزان الحکمه 6/238 - کنز العمال [متقی هندی - عامه] 16552 - عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة 2/71 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/136 - عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة 2/71
  - 2- کنز العمال [متقی هندی - عامه] 16548

با اصرار و التماس از مردم چیزی درخواست نکنند و مردم نادان تصور می کنند آنها متمکن هستند و از ثروتمندان می باشند، و برای اثبات این موضوع می گویند: اگر نداشتند از مردم درخواست و تقاضا می نمودند. لکن نمی دانند که کفّ نفس و خودداری آنها از درخواست کردن به جهت مناعت طبع و عزت نفس آنان می باشد»

## احسان به والدین و ارحام

مومن تهیدست به خاطر مناعت طبع، بر ندراریهای خویش حجاب و پوشش می اندازد تا بدین وسیله به خواری و ذلت نیفتد و این افراد متمکن یا نیکوکار و خیر هستند که باید با فروتنی و احترام ویژه ای، در درون او نفوذ کرده و راهی برای اعانتش پیدا کنند. شاید بتوان گفت که اگر از دادرسی پدر و مادر بالاتر نباشد، پائین تر هم نخواهد بود. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«الْأَخُ الْمُكْتَسِبُ فِي اللَّهِ أَقْرَبُ الْقُرْبَاءِ وَأَزْهَمُ مِنَ الْأُمَّهَاتِ وَالْآبَاءِ» (1)

برادری که برای خدا بدست آید، نزدیکترین خویش است حتی از پدر و مادر به انسان مهربانتر است.

البته این، بدان معنا نیست که والدین در رتبه ای پایینتر قرار بگیرند، بلکه آنچنان مومن نزد خدای متعال عزیز و ارجمند است که گوی سبقت را از همه ربوده است، وگرنه جایگاه پدر و مادر و احسان و احترام به ایشان بی همتا و بی بدیل است. چنان که حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

ص: 251

«بِرُّ الْوَالِدَيْنِ مِنْ حُسْنِ مَعْرِفَةِ الْعَبْدِ بِاللَّهِ إِذْ لَا عِبَادَةَ إِلَّا لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...» (1)

نیکی به والدین از خوبی شناخت بنده نسبت به خداست. چرا که هیچ عبادتی انسان را به سرعت نیکی به پدر و مادر به رضایت و خشنودی خداوند نمی رساند، آنها احسانی که خالص برای تحصیل رضای خدا باشد..

برای آگاهی بیشتر از این نعمت عظیم الهی فرموده اند:

«اما حق پدرت... اینست که هرگاه در خویش چیزی دیدی که مسرورت می کند بدان که پدرت در ریشه آن نعمتی است که بر تو (فرود آمده) است و خدا را به خاطر آن به اندازه همان نعمت شکرگزار باش» (2)

و کسانی که مورد انفاق و احسان قرار می گیرند طبق آیه شریفه؛

{يَسِّرْ لِقَوْلِكَ مَا ذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ} (3)

«ای رسول ما! از تو سوال می کنند از چه چیز انفاق کنند؟ بگو هر چه خیر و نیکی است برای پدر و مادر، نزدیکان (فامیل)، یتیمان، مستمندان و درماندگان راه و هرکار خیری که می کنید خداوند از آن آگاه است»

بعد از اعانت به پدر و مادر، نوبت به ارحام مانند؛ خواهر و برادر، خاله و...

ص: 252

---

1- تفسیر الصافی 4/144 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/77 - تفسیر نور الثقلین 4/202 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 10/247 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 15/198 - شرح مصباح الشریعة [شهید ثانی، زین الدین بن علی] / ترجمه عبد الرزاق گیلانی 435

2- تحف العقول 203

3- سوره مبارکه بقره آیه شریفه 215

می رسد که قرآن مجید در این باره در سوره مبارکه نساء آیه شریفه یکم، درباره ارحام می فرماید:

(وَ الْأَرْحَامَ إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا) (1)

درباره ارحام کوتاهی نکنید که خداوند مراقب شماست.

در سوره مبارکه نحل آیه شریفه 90 می فرماید:

(إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ) (2)

«خداوند متعال امر فرموده به احسان و نیکی و عدل و همچنین بذل و بخشش به خویشاوندان امر فرموده است»

واضح است که آیه فوق مربوط به اهل بیت (علیهم السلام) است و لکن به عنوان الگو می توان برای دادرسی از ارحام خویش استفاده نمود؛ نیز در سوره مبارکه مریم آیه شریفه 38 فرموده:

(فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) (3)

«حقوق ارحام، خویشان، مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن که صله رحم و احسان به فقیران برای آنان که رضا و لقاء وجه خداوند را طالبند، بهترین کار است که آنانند رستگاران»

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«ای کمیل! به اقوام و خویشان مومن خود بیش از آنچه به سایر مومنان (غیر

ص: 253

---

1- سوره مبارکه نساء آیه شریفه 1

2- سوره مبارکه نحل آیه شریفه 90

3- سوره مبارکه روم آیه شریفه 38

فامیل) عطا می کنی بده و نسبت به آنان مهربان تر و عطوفتر باش...»

یعنی مومن فقیری که در فامیل باشد ارجح و مقدم بر مومنین غیر فامیل است. و در اهمیت قرار دادن آن همین بس که قطع کننده رحم، از ائمه اطهار (علیهم السلام) و رحمت حق دور می گردد و مورد تنفر امامان معصوم (علیهم السلام) می باشد که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«لَا يَجَالِسُنَا قَاطِعٌ رَحِمٍ فَإِنَّ الرَّحْمَةَ لَا تَنْزِلُ عَلَى قَوْمٍ فِيهِمْ قَاطِعٌ رَحِمٍ وَقَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم) لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ رَحِمٍ» (1)

کسی که با فامیل خود قطع رابطه کرده است و به آنان رسیدگی و پیوند ندارد، هرگز هیچ مجالست و هم نشینی با ما نخواهد داشت (از ما و پیرو ما نیست) همانا رحمت حق بر قومی که در اجتماعشان قاطع رحم باشد نازل نمی شود.

امام (علیه السلام) بلاها را در قطع ارحام می دانند:

«فرود آمدن گرفتاریها در بریدن از خویشان است» (2)

و حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در خطبه ای فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ لَا يَسْتَعْنِي الرَّجُلُ وَإِنْ كَانَ ذَا مَالٍ عَنْ [عَشِيرَتِهِ] عِزَّتِهِ...» (3)

آگاه باشید! مبدا از بستگان تهیدست خود رو برگردانید و از آنان چیزی را دریغ دارید. نگاه داشتن مال دنیا، زیادی نمی آورد و از بین رفتش، کمبودی

ص: 254

1- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/106؛ 9/107

2- غررالحکم 401

3- نهج البلاغة (للصباحي صالح) 65 - شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد 1/312 - شرح الكافي - الأصول و الروضة (للمولى صالح المازندراني) 11/223 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) 8/376 - منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئي) 3/338؛ 3/339

ایجاد نمیکنند (یعنی احسان نمودن باعث کمبود مال نمی شود).

آن کس که دست دهنده خود را از بستگانش باز دارد، تنها يك دست را از آنها گرفته، اما دست های فراوانی را از خویش دور کرده است و کسی که پر و بال محبت را بگستراند، دوستی خویشاوندانش تداوم خواهد داشت.

وقتی از حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره اینکه آیا به گداهایی که در خانه ها را می زنند می توان صدقه داد یا باید از این کار خودداری کرد و آنرا به خویشان (مستمند) داد، سوال شد، حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«بَلْ يَبْعَثُ بِهَا إِلَى مَنْ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ قَرَابَةٌ فَهَذَا أَكْبَرُ لِلْأَجْرِ» (1)

به آنها ندهد بلکه برای خویشاوندان مستمندش بفرستد که این کار اجرش بیشتر است.

### شرایط استحقاق احسان

طبق فرمان و راهنمایی ائمه اطهار (علیهم السلام)، اولویت اول به ناشران علوم اهل بیت (علیهم السلام)، تعلق می گیرد. ناشرانی که مروج دعا برای ظهور ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند و علاوه بر ترویج، خود نیز به همین امر اشتغال داشته و مداوماً برای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعا می نمایند. سپس پدر و مادر و بعد ارحام و آنگاه در ماندگان و ضعفای جامعه. اما اینکه مستحقین حقیقی جامعه چه کسانی هستند و چه ویژگی هایی باید داشته باشند، در حدیثی از حضرت امام صادق (علیه السلام) این گونه تشریح شده است که:

ص: 255



«الْمَحْرُومُ الْمُحَارَفُ الَّذِي قَدْ حُرِّمَ كَدُّ يَدَيْهِ فِي الشِّرَاءِ وَالْبَيْعِ» (1)

محروم شخص بدبختی است که در خرید و فروش، چیزی نصیبش نمی شود.

حضرت امام باقر (علیه السلام) و حضرت امام صادق (علیه السلام) درباره آیه شریفه «للسائل والمحروم» فرمودند:

«الْمَحْرُومُ الرَّجُلُ الَّذِي لَيْسَ بِعَقْلِهِ بَأْسٌ وَ لَمْ يَبْسُطْ لَهُ فِي الرِّزْقِ وَ هُوَ مُحَارَفٌ» (2)

مرد محروم کسی است که عقلش عیبی ندارد، اما (هرچه کار می کند و زحمت می کشد) گشایشی در رزق و روزی او حاصل نمی شود.

در حکایت ذیل رهنمود دیگری نهفته که می توان در هنگام احسان، آنرا لحاظ نمود. مردی خدمت حضرت امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شد و عرض نمود: یا اباعبدالله (علیه السلام)، تا زمانی که وضع مالیم خوب شود مبلغی به من قرض بدهید. حضرت (علیه السلام) فرمودند: یعنی تا زمانی که محصولت را برداشت کنی؟ آن مرد عرض کرد: نه به خدا قسم من محصولی ندارم. امام (علیه السلام) فرمودند: تا مال التجاره ات برگردد؟ عرض کرد نه - به خدا - قسم من مال التجاره ندارم. فرمودند: تا ملکی از تو فروخته شود؟ عرض کرد: نه بخدا قسم من ملکی برای فروش ندارم. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«پس تو از کسانی هستی که خداوند در اموال ما، برای آنان حقی مقرر کرده

ص: 256

---

1- الکافی (ط - الإسلامية) 3/500؛ (ط - دارالحدیث) 7/17 - الوافی 10/406 - تفسیر الصافی 5/70 - تفسیر الصافی 5/227 - وسائل الشیعة 9/49 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 16/10 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 66/266؛ 67/279

2- الکافی (ط - الإسلامية) 3/500؛ (ط - دارالحدیث) 7/18 - المقنعة 264 - تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان) 4/108 - تفسیر الصافی 5/70 - وسائل الشیعة 9/49 - البرهان فی تفسیر القرآن 5/160؛ 5/490 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 16/11 - تفسیر نور الثقلین 5/418

آنگاه فرمودند تا همیانی درهم، بیاورند. حضرت دست مبارك در همیان بردند و مشتی برداشتند و به او دادند و فرمودند:

«از خدا بترس و در خرج کردن این مال افراط و تفریط مکن بلکه حد وسط را نگه دار» (1) (بلاعوض به ایشان احسان نمودند)

نا امید کردن این افراد و عدم دادرسی از ایشان موجب سخط خداوند است.

«لَا تُخَيِّبْ رَاجِيكَ، فَيَمُوتَكَ اللَّهُ وَيَعَادِيكَ» (2)

کسی را که به تو امید بسته است، نوید مگردان که به خشم و دشمنی خدا گرفتار می آیی.

حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«...وَلَوْ يَعْلَمُ الْمَسْئُولُ مَا فِي الْمَنَعِ مَا مَنَعَ أَحَدٌ أَحَدًا» (3)

اگر کسیکه از وی خواهشی می شود بداند که در نوید کردن، چه نهفته است، هرگز کسی را نوید بر نمی گرداند.

سائل رهگذر را نیز نباید نوید کرد، حتی به مقدار جزئی، چنانکه حضرت پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«لَا تَزِدُّوا السَّائِلَ وَلَوْ بَطْلًا مُحْتَرِقًا» (4)

ص: 257

1- الکافی 3/501/14

2- - الأمالی (للطوسی) 299؛ 801 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/173

3- تحف العقول 300 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/180

4- الکافی (ط - الإسلامية) 4/15 - الجعفریات (الأشعثیات) 57 - الوافی 10/411 - وسائل الشیعة 9/419 - بحار الأنوار (ط -

بیروت) 93/25؛ 93/170

سائل را نومید برنگردانید، حتی اگر با پاچه سوخته (گوسفند) باشد.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند: مردی خدمت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)، آیا در اموال، حتی جز زکات وجود دارد؟ حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«آری مسلمان باید هرگاه گرسنه ای از او غذا بخواند، غذایش دهد و هرگاه برهنه ای از او لباس بخواند، وی را بپوشاند»

مرد گفت می ترسم که دروغ بگوید! حضرت پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«آیا نمی ترسی که راست بگوید؟!» (1)

حضرت امام صادق (علیه السلام) در پاسخ و پرسش درباره سائلی که معلوم نیست راست می گوید که نیازمند است یا نه، فرمودند:

«أَعْطِ مَنْ وَقَعَتْ فِي قَلْبِكَ الرَّحْمَةُ لَهُ» (2)

به هرکه نسبت به وی (سائل) در دلت احساس دلسوزی کردی عطاء کن.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«ثُمَّ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُحْتَاجِينَ وَذَوِي الْبُؤْسِ» (3)

سپس خدا را، خدا را در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه که هیچ

ص: 258

---

1- جامع الاخبار 378/10059 - میزان الحکمه 5/174

2- من لا يحضره الفقيه 2/68 - المقنعة 263 - الوافي 10/406 - وسائل الشيعة 9/414 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 4/121

3- تحف العقول 141 - نهج البلاغة (للصبي صالح) 438 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 33/607 - بحار الأنوار (ط بيروت) 74/257 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 13/168

چاره ای ندارند (همانند) زمینگیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«...وَبُؤْسًا لِمَنْ خَصَّمَهُ عِنْدَ اللَّهِ الْفُقَرَاءُ وَالْمَسَاكِينُ وَالسَّائِلُونَ وَالْمَدْفُوعُونَ...» (1)

بیچارگی و بدبختی برای کسی است که فقراء و در ماندگان و درخواست کنندگان و رددگان با او نزد خداوند متعال مخاصمه کنند. (حق خود را طلب کنند)

آنگاه حضرتش راهنمائیهای لازم را برای امداد رسانی مستضعفین جامعه که سالخوردهگان بی بضاعت و بیمارانی که به فقر مبتلا هستند صادر می فرماید تا مومن در هنگام رسیدگی به امورشان به خاطر ترس از عقاب پروردگار و امید به پاداش حق، خود را در برابر خداوند متعال ببیند و مال خویش را نیز امانت او. حضرت کوتاهی ننمودن در این امر را متذکر می گردند و می فرمایند:

«برای رسیدگی به مستمندان که از کوچکی به چشم نمی آیند و دیگران آنان را کوچک می شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند، برای این گروه از افراد مورد اطمینان خود که خدا ترس و فروتنند، فردی را انتخاب کن تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند سپس در رفع مشکلاتشان به گونه ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند و حق آنان را به گونه ای پرداز که در نزد خداوند معذور باشی»

ص: 259

---

1- بحار الأنوار (ط - بیروت) 33/528 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/72 - منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی)

19/35

وجود مقدس حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام)، دو طائفه را یادآور می‌شوند که مخصوصاً برای افراد خیر بسیار مفید است. بصورت اجمالی نحوه برخورد با افراد مستمند را بیان می‌فرمایند:

«از یتیمان خردسال و پیران سالخورده که چاره‌ای ندارند پیوسته دلجویی کن که مسئولیتی سنگین بر دوش تو می‌باشد. بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص بده که به تو نیاز دارند تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی.

فروتن باش، با درشتی سخن مگوی. تنگ نظری و خود بزرگ بینی را از خود دور ساز تا خداوند درهای رحمت خود را به روی تو بگشاید و تورا پاداش طاعت ببخشد. آنچه به مردم می‌بخشی بر تو گوارا باشد و اگر چیزی را از کسی باز می‌داری (یعنی در توان انجام معذوری) با مهربانی و پوزش خواهی همراه باشد» (1)

### نحوه برخورد با مستمندان

مستمندان افرادی هستند که علاوه بر فقر مادی، مشکلات مضاعفی را تحمل می‌کنند. ایشان بخاطر فقر، از جایگاه خوب اجتماعی نیز محرومند. با وجود شایستگیها و.. به ایشان اعتنائی صورت نمی‌گیرد و همواره بخاطر فقر، طرد می‌شوند. جراحی که بر قلب ایشان وارد می‌شود سنگینتر از زحمت فقر است. بنابراین رفتار صحیح با ایشان می‌تواند نوعی اعانت یا حتی وظیفه شرعی باشد.

ص: 260

«مَا أَحْسَنَ تَوَاضُعِ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ طَلَبًا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ..» (1)

چه نیکو است فروتنی توانگران در برابر مستمندان، برای به دست آوردن خشنودی و پاداش الهی.

حضرت امام کاظم (علیه السلام) فرموده اند:

«اگر میخواهی عاقبت به خیر شوی و بهترین اعمال را داشته باشی، حق خدا را بزرگ شمار، بدین صورت که نعمتهایش را در معصیتش صرف نکن و حلم و بردباری خداوند تو را فریب ندهد و هر کس را دیدی که ما را یاد می کند و از دوستی ما دم می زند اکرام کن، فرقی نمی کند که او واقعا و از صمیم قلب راست می گوید یا نه، نیت تو مهم است، اگر او دروغ بگوید گنااهش به گردن خود اوست و تو پاداش احترام خود را می گیری» (2)

اعانت به محبان مولا امیرالمومنین علی (علیه السلام) همان عاقبت به خیری و سپاس از نعمتهای فراوان حق تعالی است. مطالعه دوباره این روایت، باعث دلگرمی و تلاش در اعانت برادران مومن می شود.

البته چون نمی توان از باطن افراد مدعی، اطلاع حاصل نمود، تحقیقات سطحی کفایت می کند. نکاتی مانند ولایی بودن فرد، و تقید او در احکام دین می توانند بعنوان ملاک قرار گیرند. حضرت امام کاظم (علیه السلام) فرمودند:

«هر کس که از تو کمکی خواست احسان کن، زیرا اگر لایق کمک باشد، تو به

ص: 261

- 
- 1- حکمت 46 - نهج البلاغة (للصباحی صالح) 547 - روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة) 2/454 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 478 - غرر الحکم و درر الکلم 697 - مدینة معاجز الأئمة الإثنی عشر 2/321 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 39/133؛ 49/112؛ 69/46 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 11/296
- 2- احرام المحرم 58 - بحار الانوار 98/8 - کافی 4/582 - وسائل الشیعه 14/412

جا احسان نموده ای و اگر لایق آن نباشد تو لیاقت و فضیلت احسان کردن را یافته ای» (1)

## ویژگی های مستحق واقعی

البته مسائل ذکر شده، دلیل بر آن نیست که هر کسی که گردنی کج کرد و چهره ای محزون بخود گرفت، شایسته امداد باشد بلکه باید پس از تفحص در اعمال و گفتارش، وی را مورد احسان قرار داد، و در صورت عدم تشخیص یا تردید، طبق فرمایش امام (علیه السلام) باید حمل بر صحت کرد و چون ذکر فرموده اند اموال، امانت الهی است که باید به اهلش برسد و برادران نیکوکار در خیریه ها که مشغول خدمت به ضعفای جامعه تشیع هستند باید در گزینشهای خود دقت لازم را به وسیله افراد خبره و منصف بعمل آورند تا درخت خیر و نیکی به خاطر رسانیدن احسان به اهلش، میوه های پر ثمری را در دنیا و آخرت برای صاحبان احسان به ارمغان آورد. در اهمیت رسانیدن این امانت به اهلش، حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«الْمَعْرُوفُ كَنْزٌ فَانْظُرْ عِنْدَ مَنْ تُودِعُهُ (2) \* الْإِصْطِنَاعُ ذُخْرٌ فَارْتَدَّ عِنْدَ مَنْ تَضَعُهُ» (3)

خوبی يك گنج است پس بنگر که آن را به که می سپاری \* احسان يك اندوخته

ص: 262

1- الكافي 8/153/141

2- عيون الحكم و المواعظ (لليثي) 48 - غرر الحكم و درر الكلم 82 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/352

3- عيون الحكم و المواعظ (لليثي) 48 - غرر الحكم و درر الكلم 82/1577

است، پس مراقب باش که آن را نزد که میگذاری.

اهمیت این تحقیق طبق فرمان امام (علیه السلام)، مراقبت از احسان و نیکی، یعنی رسانیدن احسان به صاحبان اصلی آن است. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«خَيْرُ الْمَعْرُوفِ مَا أُصِيبَ بِهِ الْأَبْرَارُ» (1)

بهترین احسان آنست که به مومنینی که در درجه بالای پارسایی و تقوا هستند انجام گیرد.

زیرا مؤمن چنین است که حضرت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«أَوْلَى النَّاسِ بِالْأَصْطِنَاعِ مَنْ إِذَا مُطِّلَ صَبَرَ وَإِذَا مُنِعَ عَذَرَ وَإِذَا أُعْطِيَ شَكَرَ» (2)

سزاوارترین کسان به نیکوکاری کسی است که اگر وعده ای که به او داده شده (ولی به لحاظی) طولانی شود صبر کند و اگر منع کرده شود عذر پذیرد و اگر عطا کرده شود تشکر کند.

«أَحَقُّ مَنْ بَرَزَتْ مِنْ لَا يَغْفُلُ بِرِّكَ» (3)

سزاوارترین کسی که باید با وی نیکی کنی کسی است که نیکیت را نادیده نگیرد (همانند متقین که حداقل پشت سر برایتان دعاها می نمایند).

و نیز حضرتش فرمودند:

ص: 263

---

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 240 - غرر الحکم و درر الکلم 356 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/350

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 125 - غرر الحکم و درر الکلم 216 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 387

3- غرر الحکم و درر الکلم 197 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 387



«أَجَلُ الْمَعْرُوفِ مَا صُنِعَ إِلَى أَهْلِهِ» (1)

ارزشمندترین احسان آنست که به اهلیش شود.

همچنین حضرت گرامیش در این باره می فرماید:

«خَيْرُ السَّخَاءِ مَا صَادَفَ مَوْضِعَ الْحَاجَةِ» (2)

بهترین سخاوت آنست که در آنجا که نیاز هست صورت گیرد.

یعنی به مومنی که مضطر و مستاصل حاجتی است، برسد. به همین علت رسانیدن اموال الهی به مستحقین واقعی جامعه دارای اهمیت بالایی است. پاداش يك فرد خیر نیز در انحصار تشخیص صحیح و انتخاب درست او می باشد؛ یعنی اینکه به فرد مومن صالح که مستحق و نیازمند به نیکی و انفاق است، رو نماید. حضرت امام صادق (علیه السلام) در خطابه مفصلی می فرماید:

«هرگاه خواسته باشی بدانی که مردی بدبخت است یا خوشبخت، بین که به چه کسی خوبی و کمک می کند. اگر به کسی که اهلیت آن را دارد خوبی کرد بدان که او شخص خیر و بر راه سعادت و نیک بختی است و اگر به نا اهل (کسی که شرایط استحقاق را ندارد) خوبی و کمک نمود، بدان که او را نزد خداوند خیری (منزلی) نیست» (3)

مهر هر عملی نیز قبولی آن عمل در پیشگاه حق تعالی است و آن، مستلزم شرایطی است که اگر مومن، موفق به انجام آن نگردد باعث خرابی و نابودی

ص: 264

---

1- غرر الحکم و درر الکلم 196 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 387 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/349

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 239 - غرر الحکم و درر الکلم 356

3- الکافی 4/30

عمل نیک خویش می شود. پس به آن طریقی که حق تعالی فرموده است باید عمل کرد تا مورد قبول واقع شود. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«لَوْ نَظَرَ النَّاسُ إِلَى مَرْدُودِ الْأَعْمَالِ مِنَ السَّمَاءِ لَقَالُوا مَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ أَحَدٍ عَمَلًا» (1)

اگر مردم به اعمال رد شده از آسمان نگاه می کردند، می گفتند خدا از هیچ فردی، عملی را نمی پذیرد.

به این مضمون نیز وارد شده است که:

«اگر مردم می دیدند اعمال و کارهایی که از آسمان بر می گردد و پذیرفته نمی شود دیگر کسی عملی انجام نمی داد»

ص: 265



## شرط قبولی عمل خیر

می باید با انجام و رعایت قوانین در معامله با خدا، مراتبی را طی کرد که یکی از آنها، کامل نمودن عمل خیر است. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

«جَمَالُ الْمَعْرُوفِ إِتْمَامُهُ» (1)

زیبایی خیر و نیکی به کامل کردن آنست.

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«اسْتِثْمَامُ الْمَعْرُوفِ أَفْضَلُ مِنْ ابْتِدَائِهِ» (2)

به سرانجام رساندن خوبی، برتر از آغاز کردن آن است.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

ص: 267

---

1- غرر الحکم و درر الکلم 338 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 383

2- الأمالی (للطوسی) 596؛ 762 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 243 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 66/405؛ 71/417 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 7/239

«إِذَا أَحْسَنَ الْمُؤْمِنُ عَمَلَهُ ضَاعَفَ اللَّهُ عَمَلَهُ لِكُلِّ حَسَنَةٍ سَبْعِمِائَةٍ...» (1)

هرگاه مومن کارش را نیکو انجام دهد، خداوند هرکار نیک او را هفتصد برابر گرداند...

البته از این احادیث شریف درمی یابیم همانند باغبانی که نهالی را پس از کاشتن، با زحمات فراوان مواظبت می نماید تا به مرحله ثمردهی رسیده و محصولات پرسودی به بار آورد، مومن نیز باید مواظب اعمال خود باشد، تا از ابتدای انجام آن الی انتها به آفتهای مختلف عجب، ریا، کم کاری و... مبتلا نشده و برای آخرت وی اندوخته گردد. همانطور که عمل مهم است، نیت آن نیز مهم بوده و چه بسا از خود عمل مهمتر باشد. شاید اکمال و اتمام را بتوان اینگونه معنی کرد که هم نیت انجام عمل را خالص کنیم و هم خود عمل را به طور صالح و تا انتها انجام دهیم. مطمئناً نتیجه خالص بودن عمل و به دور بودن آن از آفات ریا و سمعه به خود شخص برگشته، و قرب مومن به خداوند، بیشتر و درجه اش رفیعتر خواهد شد.

انجام کار خیر باید طبق شرائطی که خداوند مقرر فرموده انجام

ص: 268

---

1- المحاسن 1/255 - تفسیر العیاشی 1/146 - تفسیر الصافی 1/230 - البرهان فی تفسیر القرآن 1/541 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/247؛ 82/116؛ 93/291 - تفسیر نور الثقلین 1/181 - تفسیر کنز الدقائق و.. 2/269 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 4/443

گیرد تا میوه درخت احسان پخته گردد وگرنه میوه خراب، سرمازده یا آفت زده، چه فایده ای برای صاحبش خواهد داشت؟ حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ لَمْ يَرِبْ مَعْرُوفَهُ فَكَأَنَّهُ لَمْ يَصْنَعَهُ» (1)

هرکه خوبی و احسان خود را نپروراند، گویی اصلاً خوبی نکرده است.

حال باید دید چه عواملی می تواند يك کار خیر را به کمال برساند:

«إِكْمَالُ الْمَعْرُوفِ أَحْسَنُ مِنْ ابْتِدَائِهِ» (2)

به کمال رساندن احسان، نیکوتر از آغاز کردن آنست.

یعنی تایید عمل خیر به آغاز آن نیست بلکه به پایان و کمال رساندن آن عمل است که در توضیح این مطلب، حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«الصَّنِيعَةُ إِذَا لَمْ تُرَبَّ أَخْلَقَتْ كَالثُّوبِ الْبَالِي وَالْأُنْبِيَّةُ الْمُتَدَاعِيَةُ» (3)

احسان و نیکی هرگاه پرورانده نشود (به کمال نرسد) مانند جامه کهنه

ص: 269

---

1- غرر الحکم و درر الکلم 664 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 387 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/439

2- غرر الحکم و درر الکلم 104 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 388

3- غرر الحکم و درر الکلم 127 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 382

و ساختمانهای درهم شکسته کهنه فرسوده می شود.

«مَنْ لَمْ يَرْبِ مَعْرُوفَهُ فَقَدْ ضَيَعَهُ» (1)

هرکه خوبی و احسان خود را نپروراند، آن را تباه کرده است.

دور نگه داشتن عمل از آفت، یکی از مراحل پرورش عمل است. اتمام عمل نیز از دیگر مراحل آنست. جهت دهی عمل به کسی که شرایط و استحقاق آن عمل را داشته باشد نیز نباید از ذهن دور بماند. اگر احسان بجای اهل آن که در روایات بسیار بر آن تاکید نموده اند، به نا اهل و غیر مستحق برسد، گناه را بجای ثواب در کارنامه فرد عامل ثبت می نماید. چرا که خواسته پروردگار ضایع شده و بنده ای که خدا را عبادت می کرد، معطل مانده و کسی که از حق روگردان است جذب آن احسان نموده و آنرا از جای خویش به در آورده و به ظلم استفاده می نماید. امام معصوم (علیه السلام) می فرماید در تورات نوشته شده است:

«هر کس به احمق خوبی کند، آن نیکی و خوبی برایش گناه نوشته می شود» (2)

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

ص: 270

---

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 424 - غرر الحکم و درر الکلم 662 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/439

2- امالی مفید (رحمة الله) 137 ح 7

«ظَلَمَ الْمَعْرُوفَ مَنْ وَضَعَهُ فِي غَيْرِ أَهْلِهِ» (1)

کسی که به نا اهل احسان کند، به خیر و نیکی ستم کرده است.

پس انسان برای انجام کار خیر می بایستی جایگاه صحیح آنرا بیابد. در واقع تمام تاکیدات ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز همین موضوع بسیار مهم می باشد که چنین امری را صادر فرموده اند:

«لَا تُصَاحِبُ إِلَّا مُؤْمِنًا، وَلَا يَأْكُلُ طَعَامَكَ إِلَّا تَقِيٌّ» (2)

با کسی جز مومن همنشینی مکن و کسی جز مومن متقی غذای تو را نخورد.

همینطور برای تصاحب مقام و رع که از شرایط یک مومن است، نباید بر سر هر سفره ای بنشیند مگر سفره مومن. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند:

«..وَلَا تَأْكُلُ طَعَامَ الْفَاسِقِينَ» (3)

..از غذای فاسقان تناول نکن.

ص: 271

---

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 324 - غرر الحکم و درر الکلم 440 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/353

2- الأمالی (للطوسی) 535 - الوافی 26/194 - وسائل الشیعة 24/274 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/84

3- الأمالی (للطوسی) 535 - مکارم الأخلاق 466 - مجموعة ورام 2/61 - وسائل الشیعة 24/274 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 8/114



در ادامه روایت قبلی که احسان را فقط به اشخاص متدین دارای ثمر می دانند، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، احسان نابجا را دارای عواقبی می دانند:

«برای کسی که بیجا و به افرادی که مستحق و نا اهل هستند نیکی کند از احسان و نیکی بهره ای نباشد (یعنی به عنوان خیر در پیشگاه حق مورد قبول نمی شود)، مگر ستایش فرومایگان، مدح نابکاران و سخن نادان» (1)

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند:

«صِلَةُ الْفَاجِرِ لَا تَكَادُ تَصِلُ إِلَّا إِلَى فَاجِرٍ مِثْلِهِ» (2)

خوبی کردن نابکار جز به نابکاری (فاجر) مانند خودش نمی رسد.

### اولین شرط، تقواست

احسان و نیکی در واقع نوعی بیع و معامله بوده و دارای شرایطی می باشد. طرف مقابل خیر، خدای متعال می باشد. پس اگر قرار است در برابر نیکی و احسان، پاداش به فرد خیر تعلق گیرد، باید با قوانین و شرایط خریدار (خداوند تبارک و تعالی) سازگار بوده و طبق فرمان خدا اجرا شود.

ص: 272

---

1- نهج البلاغه خطبه 142

2- الجعفریات (الأشعثیات) 172 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/420

بحث اینجا است که اگر نتوان آن شرایط را تحت هر عنوانی ایجاد نمود، آیا باید از عمل نیک و احسان به خلایق دست کشید؟ جواب اینست که نیکویی نسبت به مخلوقات فی نفسه عملی است شایسته و برآورنده انسانیت تا جائیکه حتی غیر مسلمانان نیز خود را به این صفات آراسته اند و خداوند متعال از روی رأفت و ارزش قائل شدن برای این صفت عالی، اعمال نیک را در همین دنیا برای همه مخلوقات برکت، خرمی، ازدیاد مال و برطرف شدن بلاها قرار داده است. عملیست بسیار پسندیده و فارغ از اینکه شخص، مسلمان باشد یا نه؛ یا مقید به دین و احکام نماز و روزه بوده و یا بی اعتناست، عمل وی پذیرفته شده، اما در صورت عدم تقید به ایمان، پاداش وی فقط در همین دنیا رقم خواهد خورد. نکته مهم آنست که اگر دارای شرایط خاصی که خداوند متعال فرموده است، نباشد، وارد معامله با خدا نمی شود و پاداش اخروی به آن تعلق نمی گیرد، اما چون صفت پسندیده ای است و از صفات حق تعالی می باشد، احتمال می رود در آخرت مورد نظر خداوند قرار بگیرد. مانند حاتم طایی و...

همینطور، نقل است که عذابشان به نوعی از دیگران کمتر است و از تخفیفات ویژه حق تعالی بخاطر صفت احسان و سخاوتشان برخوردار می شوند و نیز در دنیا نتیجه اعمال خیر و احسان آنها نسبت

به مخلوقات باعث برکات و دفع بلاها خواهد شد و خداوند پاداش آنها را به وسیله نزول برکاتی جبران خواهد کرد در حالیکه در آخرت از پاداش الهی بی بهره اند، زیرا شرایط معامله با خدا را که باعث قرب و پاداشهای فراوان در آخرت است رعایت نکرده اند.

اولین مرحله این معامله، تقواست. طبق آیه قرآن مجید، خداترسی که همان پرهیز از گناهان می باشد، محک و معیار اعمال است که خداوند در آیه شریفه 27 در سوره مبارکه مائده می فرماید:

(..إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ)

«همانا خداوند (عمل نیک را) از افراد باتقوا می پذیرد»

در رابطه با اخلاص و تقوا، خدای متعال در سوره مبارکه حج آیه شریفه 37 می فرماید:

(لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤهاَ وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ..)

«گوشت و خون قربانیها به خدا نمیرسد، اما تقوای شما به او می رسد..»

آنچنان تقوا در پیشگاه خداوند با ارزش و دارای امتیاز است که هیچ عمل نیکی را نمی خردند مگر به تقوا و پارسایی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره فرمودند:

«لَوْ صَلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْأوتَارِ وَصُمْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْحَنَائِيا لَمْ يَقْبَلْ

ص: 274

اللَّهُ مِنْكُمْ إِلَّا بِوَرَعٍ» (1)

«اگر چندان نماز بخوانید که چون چله کمان (خم) شوید و چندان روزه بگیرید که مانند نخ لاغر و نحیف شوید، خداوند از شما نپذیرد مگر آن که با تقوا و پارسایی همراه باشد.

«صِفَتَانِ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ الْأَعْمَالَ إِلَّا بِهِمَا التَّقَى وَالْإِخْلَاصَ» (2)

دو صفت است که خداوند متعال بدون آنها عملی را نمی پذیرد: تقوا و اخلاص.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«لَا خَيْرَ فِي عَمَلٍ إِلَّا مَعَ الْيَقِينِ وَالْوَرَعِ» (3)

خیری در عملی نیست، مگر اینکه با یقین و ورع (پرهیزگاری) همراه باشد.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«...وَلَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا زَكَاةَ لَهُ وَلَا زَكَاةَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ» (4)

کسی که زکات ندهد نمازش بیحاصل است و کسی که ورع نداشته

ص: 275

---

1- بحار الأنوار (ط - بیروت) 81/258

2- غرر الحکم و درر الکلم 423 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 155 - ضیافت 359

3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 534 - غرر الحکم و درر الکلم 793

4- دعائم الإسلام 1/247 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 46 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 81/252؛ 93/29 - مستدرک الوسائل و

مستنبط المسائل 7/8

باشد، زکاتش پذیرفته نیست.

و اما تقوا چیست و چگونه باید دارای این مقام ارزشمند شد؟ امام معصوم (علیه السلام) در این مورد فرموده اند:

«أَنْ لَا يَفْقِدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمْرَكَ وَلَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ» (1)

تقوا این است که خداوند تو را در هر موردی که امر به آن نموده است، مفقود نبیند و در هر موردی که تو را از آن بازداشته است، حاضر نبیند.

معنای دقیقتر تقوا اینست که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده اند:

«ای ابوذر (رحمة الله)! انسان از زمره اهل تقوا نیست مگر اینکه از نفس خویش سخت تر از محاسبه شریک از شریکش حساب بکشد تا اینکه بداند خوراکش از کجا و نوشیدنیش از کجا و لباسش از کجاست از حلال یا حرام؟» (2)

معنی زیباتر تقوا، که از شدت احتیاط تبدیل به ورع می گردد از کلام حضرت پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) مشخص می شود که می فرمایند:

«... يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنَ الشَّيْءِ الَّذِي لَا يَتَّقِي مِنْهُ خَوْفًا

ص: 276

---

1- عدة الداعي ونجاح الساعي 303 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 67/285 - منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة (خوئی) 3/219

2- مكارم الاخلاق 397

ای ابوذر، متقین کسانی هستند که به خاطر ترسشان از افتادن در مورد مشکوک (یعنی شبهه ناک و مواردی که محل شك در حرام بودنش است)، ملاحظه خداوند - عز و جل - را در چیزهایی می کنند که (معمولاً) از آنها اجتناب نمی شود.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ، فَإِنَّهُ الدِّينُ الَّذِي نُلَازِمُهُ وَنَدِينُ اللَّهِ بِهِ، وَنُرِيدُهُ مِمَّنْ يُوَالِينَا، لَا تُتَعَبُونَ بِالشَّفَاعَةِ» (2)

بر شماست رعایت ورع! به درستی که ورع آن دینی است که ما ملزم به آن هستیم و خدا را بوسیله آن بندگی می کنیم. و همین را از اهل ولایت و محبت خود انتظار داریم، ما را به خاطر شفاعت به زحمت نیندازید.

آن انتظاری که ائمه اطهار (علیهم السلام) مخصوصاً حضرت امام زمان (علیه السلام) از ما دارند تقواست که آن، بهترین احسانهاست و تقوی احتیاط در امور شبهه ناک و دقت در خطاها و گناهان بسیار ریز و کوچک است و هر

ص: 277

---

1- مکارم الأخلاق 468 - مجموعة ورام 2/62 - أعلام الدين في صفات المؤمنين 199 - الوافي 26/196 - بحار الأنوار (ط - بيروت)

74/86 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 17/323

2- الأمالی (للطوسی) 281 - وسائل الشيعة 15/248 - بحار الأنوار (ط بيروت) 67/306

کسی می خواهد امام خویش (علیه السلام) را خوشحال کند باید ملزم به ورع شود. سر هر سفره ای ننشیند، برای کسب معاش به هر شغلی دست نزند، پا به هر جایی نگذارد، گوشش هر چیزی را نشنود، چشمش هر چیزی را نبیند و پای هر دیدنی و لغویاتی ننشیند. برای رفع گرفتاری خویش دست به هر عمل شبهه ناکی نزند. در مجموع از تمام اموری که احتمال مقدار کمی، حرام بودن می دهد، باید اجتناب کرد. پس در واقع حقیقت دینداری، نیکی و احسان، همان بر تن نمودن لباس مقدس ورع است. و هیچ احسانی به محمد و آل محمد (علیهم السلام) و شیعیان‌شان بهتر از کسب مقام پارسایی و خداترسی در امور زندگی، نیست. معنای تقوا این است که بنده، خداوند را ناظر بر اعمال خویش ببیند. چرا که این خداترسی بهترین نیکوئیهاست. از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) درباره نیکی و احسان سوال شد، ایشان در جواب فرمودند:

«..أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ» (1)

احسان اینست که خدای را چنان پرستی که گویی او را می بینی، زیرا اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در حقیقت احسان و سخاوت

ص: 278

---

1- مجموعة ورام 1/235 - الوافی 11/26؛ 26/129 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 7/330؛ 8/100 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 62/116؛ 64/313؛ 66/203..

«إِنَّمَا الْكِرْمُ التَّنْزُّةُ عَنِ الْمَعَاصِي» (1)

براستی که کرم و بخشایش آنست که شخص از گناه بدور و پاکیزه باشد.

## اخلاص

پس از تقوا نوبت به مسئله ای بسیار مهم می رسد. مسئله ای که بدون آن همه اعمال صالح نابود می شوند. نه تنها عمل صالح بلکه دین فرد به تباهی کشیده می شود. جهت گیری نیت فرد از خدا برای غیر او یا هم برای خدا و هم برای غیر او آفتی است که مومن خیر را تهدید می کند. دیگر آفات مانند تظاهر، تفاخر، عجب و سمعه نیز مانند ریا ایزاری هستند که ابلیس (لعنت الله علیه) از آنها برای به دنیّت کشیدن مومن و دین وی استفاده سوء نموده و مومن باید برای رهائی از آنها پس از توکل از اکسیری بنام اخلاص بهره برد تا همه این کثافات را از عمل، بشوید و ملاتکه آن عمل را صاف و خالص به پیشگاه حق تعالی و نماینده و حاجتش، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عرضه کنند. چرا که در عالم بالا عملی را می خرنند که فقط برای خدا باشد. چنانکه فرموده اند:

ص: 279



«کارهای خود را (فقط) برای خدا انجام دهید

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يَقْبَلُ مِنَ الْعَمَلِ إِلَّا مَا كَانَ لَهُ خَالِصًا وَابْتَغَى بِهِ وَجْهَهُ» (1)

خداوند متعال تنها آن عملی را می پذیرد که خالص و محض رضای او باشد.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«الْعَمَلُ كُلُّهُ هَبَاءٌ إِلَّا مَا أُخْلِصَ فِيهِ» (2)

اعمال، همه بر باد است، مگر آنچه از روی اخلاص باشد.

اگر احسان و انفاق، تحت شرایط اخلاص قرار نگیرد به پیشگاه حق تعالی نمی رسد تا بر آن پاداشی تعلق گیرد، بلکه زحمتی است بیهوده. پس برای بدست آوردن رضایت حق تعالی باید اخلاص ورزید و سستی در کسب مقام اخلاص جز بی عقلی، چیز دیگری نیست. فرمایش بسیار شگفت حضرت امام محمد باقر (علیه السلام)، هر وجدان خفته ای را بیدار می نماید و پرده جهالت را از روی عقل انسانهای خیر برمی دارد تا با نیکو اندیشیدن، اعمال خیر خود را به بهترین وجه، خالصاً لوجه الله به اتمام برسانند و چه زیبا فرمودند:

ص: 280

---

1- نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم)) 300

2- غرر الحکم و درر الکلم 75 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 155

«میان حق و باطل چیزی جز کم عقلی نیست. عرض شد: چگونه، ای زاده رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)؟ فرمودند: آدمی کاری را که رضای خدا در آنست، برای غیر خدا انجام می دهد در صورتی که اگر آن را محض رضای خدا انجام می داد، خداوند او را به هدفی که از آن کار داشت، زودتر می رساند» (1)

بنابراین رسیدن به آمال، آرزو و قبولی اعمال در انحصار اخلاص است. بعلاوه امتیاز دیگری نیز دارد که درباره آن حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ أَخْلَصَ بَلَغَ الْأَمَالَ» (2)

هر که اخلاص ورزد به آرزوهایش برسد.

پس می بایستی عمل را فقط برای او انجام داد تا درخت احسان، میوه های گوارایی را بعمل آورد که فرموده اند چون مومن به درجه اخلاص رسید، مستحق چنین امتیازی می گردد. چنانچه حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«الْمُخْلِصُ حَرِيٌّ بِالْإِجَابَةِ» (3)

ص: 281

---

1- میزان الحکمه 3/384 - المحاسن 1/395/884

2- غرر الحکم 76075

3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 51 - غرر الحکم و درر الکلم 47 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 193

از دیگر امتیازات عمل با اخلاص، طبق فرمایش حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) آن است که فرمودند:

«شخص با اخلاص، با بصیرت می شود، اعمالش پاکیزه می گردد، از پستی دور می ماند، ضامن موفقیت کارها می گردد، به کامروایی می رسد و اعمالش بالا می رود و حکمت بر زبانش جاری می شود» (1)

حیف از انسانها که در بدست آوردن چنین مقامی با این همه برکات، اهمال می ورزند و خوشا به سعادت آن کسانی که با دیده عقل و با تفکری صحیح برای همه اعمال خویش، هدفی جز خدا و معصومین (علیهم السلام) ندارند. اما حقیقت اخلاص پس از این دو مرحله، آنست که مومن در احسان و نیکویی، مدح و ثنای کسی جز خدا را نخواهد. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«..وَالْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ..» (2)

عمل خالص آنست که نخواهی کسی جز خداوند - عز و جل - تو را بر

ص: 282

---

1- غررالحکم 2248؛ 6510؛ 8447؛ 7578؛ 4242 - عیون اخبار الرضا (علیه السلام) 2/69 ح/321

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/16؛ (ط - دارالحديث) 3/46 - الوافی 4/362؛ 4/375 - تفسیر الصافی 5/201 - وسائل الشیعة 1/60

- هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 1/41 - البرهان فی تفسیر القرآن 3/80؛ 5/435 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 67/230؛

{ وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا \* إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا } (1)

«و به [پاس] دوستی [خدا]، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می دادند \* ما برای خشنودی خداست که به شما می خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم»

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«إِنَّ لِكُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَ مَا بَلَغَ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِخْلَاصِ حَتَّى لَا يَحِبَّ أَنْ يَحْمَدَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ عَمَلِ اللَّهِ» (2)

هر حقی را حقیقتی است. بنده به حقیقت اخلاص نرسد مگر آنگاه که دوست نداشته باشد در برابر کاری که برای خدا می کند تمجید و ستایش شود.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«إِخْلَاصُ الْعَمَلِ مِنْ قُوَّةِ الْيَقِينِ وَ صَلَاحِ النَّيَّةِ» (3)

اخلاص عمل ناشی از نیروی یقین و درستی نیت است.

ص: 283

---

1- سورة مبارکه دهر آیه شریفه 8 و 9

2- روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة) 2/414 - عدة الداعی و نجاح الساعی 217 - بحار الأنوار (بیروت) 69/304 -

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 1/100؛ 1/1012

3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 71؛ 127 - غرر الحکم و درر الکلم 72/1348

خوشا به حال بنده ای که با تفکر صحیح، گام در وادی اخلاص گذارد و برای انجام کارهایش نه سرزنش، بدی و فحاشی را بشنود و نه مدح و ثنای مخلوقات را. فقط در پی رضایت حق تعالی باشد که پاداش چنین خلوصی، اینچنین است:

«قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَا أَطَّلِعُ عَلَى قَلْبٍ عَبْدٍ فَأَعْلَمُ فِيهِ حُبَّ الْإِخْلَاصِ لِبَطْنِي لَوْجَهِي وَابْتِغَاءِ مَرْضَاتِي إِلَّا تَوَلَّيْتُ تَقْوِيمَهُ وَسِيَّاسَتَهُ» (1)

خداوند عز و جل می فرماید: هرگاه دل بنده ام را بنگرم و دریابم که از روی اخلاص و برای خشنودی من، طاعتم را بجا می آورد، اصلاح و تربیت او را خود به عهده گیرم.

قدم بعدی پس از دوری از محرمات، بنا به فرمایش حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) اینست که:

«أَوَّلُ الْإِخْلَاصِ الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ» (2)

سرآغاز اخلاص، مایوس شدن از آنچه در دست مردم است، می باشد.

«الْعِبَادَةُ الْخَالِصَةُ أَنْ لَا يَرْجُوا الرَّجُلَ إِلَّا رَبَّهُ وَلَا يَخَافُ إِلَّا ذَنْبَهُ» (3)

ص: 284

---

1- مصباح الشريعة 92 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 82/136 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 4/483

2- عيون الحكم و المواعظ (لليثي) 124 - تصنيف غرر الحكم و درر الكلم 198؛ 398

3- غرر الحكم و درر الكلم 122

عبادت خالص اینست که آدمی جز به پروردگار خویش امید نبندد و جز از گناه خویش نترسد.

چنین توفیق عظیمی بدست نمی آید مگر به رسانیدن اخلاص به کمال آن که فرموده اند:

«تَمَامُ الْإِخْلَاصِ تَجَنُّبُ الْمَعَاصِي» (1)

کمال اخلاص به دوری کردن از گناهان است.

چون مومن به خاطر اخلاص، افتخار شاگردی پیدا کرد و تحت تربیت قرار گرفت، همه اشیا به طاعت او در می آیند. با ممارست، در مقام اخلاص برای حق تعالی به جایی می رسد که حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَخْشَعُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ ثُمَّ قَالَ عِ إِذَا كَانَ مُخْلِصًا قَلْبُهُ لِلَّهِ أَخَافَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى هَوَامَ الْأَرْضِ وَ سِبَاعَهَا وَ طَيْرَ السَّمَاءِ» (2)

همه اشیا در برابر مومن خاشعند و از هیبت او می هراسند. اگر برای خدا اخلاص ورزد خداوند همه چیز حتی گزندگان و درندگان زمین و پرندگان هوا را از او بترساند.

ص: 285

---

1- کنز الفوائد 1/279 - أعلام الدین فی صفات المؤمنین 187 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/213؛ 75/91

2- میزان الحکمه 33/38 - بحار الانوار 70/248/21 - صفات الشیعة 36 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 11 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 64/71؛ 67/248؛ 64/305؛ 66/285

اخلاص موضوع کوچکی نیست. همه انبیاء و اوصیاء خود را ملزم به آن می دیدند. حکایتی از اخلاص حضرت موسی (علیه السلام) نقل شده است. زمانی که حضرت موسی (علیه السلام) نزد حضرت شعیب (علیه السلام) رفت، حضرت شعیب (علیه السلام) آماده خوردن شام بود پس به موسی (علیه السلام) گفت: ای جوان! بنشین و شام بخور. موسی (علیه السلام) گفت: پناه به خدا. شعیب (علیه السلام) گفت: چرا؟ مگر گرسنه نیستی؟ حضرت موسی (علیه السلام) گفت: چرا، اما می ترسم این پاداش آبی باشد که برای خانواده تو از چاه کشیدم. من از خاندانی هستم که اگر همه زمین پر از طلا شود، کمترین عمل آخرتی را به آن نمی فروشیم. شعیب (علیه السلام) گفت: ای جوان، به خدا این پاداش آن کار (که برای خدا انجام دادی) نیست، بلکه این میهمان نوازی و اطعام، رسم و عادت ما و پدرانمان است. در این هنگام بود که موسی (علیه السلام) برای خوردن شام نشست. [\(1\)](#)

اگر اخلاص ورزیدن تا این اندازه باید مورد توجه قرار بگیرد، پس در برابر نیکیهائی که نسبت به تهیدستان انجام می گیرد باید کوچکترین ریاء، ... را از آن، دور نگه داشت. برای بدست آوردن اخلاص می فرمایند:

ص: 286

«به سراغ قسمتهای ناپاک اموالتان نروید تا از آن انفاق کنید در حالی که خود شما حاضر نیستید آن را بپذیرید، مگر از روی کراهت و ناچاری» (1)

این عمل از آثار عدم اخلاص است. در تفسیر این آیه شریفه، حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«این آیه شریفه درباره کسانی نازل گردید که هنگام انفاق، خرماهای خشک و کم گوشت و نامرغوب را با خرماهای خوب مخلوط می کردند و بعد به عنوان انفاق و احسان پخش می کردند، که به آنها دستور داده شد از این کار بپرهیزند» (2)

بنابراین مومن چون در معامله با خدا وارد شد، باید بهترینها را انفاق نماید، زیرا که صداقت در اخلاص همان است که در حدیث فوق فرموده اند و رعایت چنین مواردی باعث خلوص عمل می گردد که بر آن تاکید نیز گشته است.

«وَ اَخْلِصِ الْعَمَلَ فَاِنَّ النَّاقِدَ بَصِيرٌ» (3)

عملت را خالص کن چون خداوند آگاه و بیناست.

ص: 287

---

1- سورة مبارکه بقره آیه شریفه 267

2- یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث 367

3- الإختصاص 341 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 13/432



حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«..لَيْسَ يَعْنِي أَكْثَرَ عَمَلًا وَ لَكِنْ أَصْوَبَكُمْ عَمَلًا وَ إِنَّمَا الْإِصَابَةُ خَشْيَةُ اللَّهِ وَ النَّيَّةُ الصَّادِقَةُ وَ الْحَسَنَةُ..» (1)

منظور (خدای متعال) کسانی از شما که اعمال بیشتری دارند نیست. بلکه مقصود، درستکارترین شماست و درستکاری به سه چیز محقق می شود: ترس از خدا و نیت صادق و کار خوب.

این سه مطلب ستونهای اخلاص را تشکیل می دهند و با رعایت این سه مرحله، حتی اعمال بسیار جزئی هم، بزرگ نوشته می شود. بنابراین زیادی عمل خیر، مهم نیست بلکه کیفیت (خلوص) ملاک است. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«إِنَّكَ لَنْ يَتَّعَبَلَ مِنْ عَمَلِكَ إِلَّا مَا أَخْلَصْتَ فِيهِ وَ لَمْ تَشُبْهُ بِالْهَوَى وَ أَسْبَابِ الدُّنْيَا» (2)

هرگز عملی از تو پذیرفته نمی شود، مگر آن که خالصانه انجام داده باشی.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

ص: 288

---

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/16؛ (ط - دارالحديث) 3/46 - الوافی 4/375 - البرهان فی تفسیر القرآن 3/80 - بحار الأنوار (بیروت)

67/230؛ 54/11 - تفسیر نور الثقلین 2/340

2- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 155 - غرر الحکم ح 2913 ص 155

«كُلُّ حَسَنَةٍ لَا يَرَادُ بِهَا وَجْهُ اللَّهِ تَعَالَى فَعَلَيْهَا قُبُحُ الرِّيَاءِ وَ تَمَرَّتْهَا قُبُحُ الْجَزَاءِ» (1)

هر کار نیکویی (انفاق، احسان و...) که برای رضای خداوند متعال انجام نگیرد، زشتی ریا بر آن است و میوه اش زشتی کیفر باشد.

هنگامی که نفس رام نشده باشد اخلاص فراهم نمی گردد و آدمی را به سوی بدیها می کشاند. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرماید:

«كَيْفَ يَسْتَطِيعُ الْإِخْلَاصَ مَنْ يَغْلِبُهُ الْهَوَى» (2)

چگونه اخلاص دارد کسی که هوای نفس بر او چیره شده است؟

یکی از مضرات اصلی و بزرگ هوای نفس، آرزوهای است که طمع و حرص به مال اندوزی را در انسان رشد می دهد. بنده برای ارضای نفس و در صدد طلبیدن اموال دنیا، در آرزویش بسر می برد و سرچشمه این آرزوها که طمع و حرص انسان است، مانع از کسب مقام والای اخلاص می شود و آنهایی که در طلب جمع آوری اموال دنیا هستند، خود می توانند بفهمند که آیا در اعمال خود اخلاص دارند یا

ص: 289

---

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 376 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 93 - شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم 4/545/6919

2- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 306 - شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم 4/560/6977؛ الفهرست 7/428 - میزان الحکمه 3/380 - المحجة البيضاء 8/131

خیر؟ اینکه به راحتی و در راه خدا بدون آنکه کسی بفهمد (در صورت متمکن بودن) به اندازه کفاف مومن گرفتار احسان نموده و گرفتاری وی را حل کند. این گوهر گرانبها بدست نمی آید مگر به ترك آرزوهای دنیوی که حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«قَلِّ الْأَمَالَ تَخْلُصْ لَكَ الْأَعْمَالُ» (1)

آرزوهایت را کم کن، اعمالت خالص می شود.

یعنی به دنبال امیال دنیوی نباش و در جمع آوری مال دنیا حرص نُوَز. چرا که با داشتن چنین رذیله ای، اخلاص بوجود نمی آید. پس می بایستی برای کسب رضای حق تعالی و پاداشهای عظیم الهی و امتیازی که در دنیا و آخرت بر مقام اخلاص مترتب است، پا به وادی خلوص که شعار عملی آن کار "فقط برای خدا" است گذاشت که آن موقع به عمل کم هم پاداشهای بزرگ داده می شود. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«أَخْلِصْ قَلْبَكَ يَكْفِكَ الْقَلِيلُ مِنَ الْعَمَلِ» (2)

دلت را خالص گردان، عمل اندک تو را بس باشد.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

ص: 290

---

1- غرر الحکم و درر الکلم 820 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 155

2- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 8/323 - بحار الأنوار (ط بیروت) 72/175

«كُونُوا بِقَبُولِ الْعَمَلِ أَشَدَّ اهْتِمَامًا بِالْعَمَلِ فَإِنَّهُ لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَى وَكَيْفَ يَقِلُّ عَمَلٌ يَتَقَبَّلُ» (1)

همیشه برای قبول شدن عمل بیشتر کوشش کنید تا برای کمی یا زیادی خود عمل. زیرا عمل کم ولی با تقوا و اخلاص، کم به شمار نمی آید. چگونه بگوییم عمل کم در حالیکه در درگاه خداوند بی ریا قبول شده است.

وقتی که توفیق حاصل شد تا در اعمال، مراتب اخلاص رعایت شود، باید کوشش مضاعفی نیز آغاز شده تا با وجود اخلاص در ابتدای آن، در ادامه با آفات مخلوط نگردد. رعایت اخلاص، گنجی است مخصوص خواص از بندگان حق، زیرا شیطان با تمام نیروهایش طبق آیه شریفه قرآن که قسم یاد کرده همه را اغفال کند، در صدد متلاشی نمودن عمل با اخلاص است و سخت تر از عمل خالص، ابقاء و محافظت نمودن آن است. چنانکه حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«الْإِبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ» (2)

پایداری بر عمل تا خالص بماند، سخت تر از خود عمل است.

ص: 291

---

1- مجموعه ورام 1/64 - مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام 174

2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/16؛ (ط - دارالحديث) 3/46 - الوافی 4/375 - وسائل الشيعة 1/60 - البرهان فی تفسیر القرآن 3/80؛

5/435 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 67/230؛ 67/250

حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«نگهداری عمل از خود انجام عمل دشوارتر است. عرض شد: منظور از نگهداری عمل چیست؟ حضرت فرمودند: آدمی برای خدای یگانه، بخشش و انفاق می کند و این عمل پنهانی برایش نوشته می شود، اما سپس کارش را به زبان می آورد که در نتیجه آن، ثواب نهانی (که بیشتر است) پاک می شود و برایش (ثواب) آشکار می نویسند، بار دیگر آنرا به زبان می آورد که در این صورت عملش پاک می گردد و عمل ریایی نوشته می شود» (1)

اگر عملی بر اثر اغفال شیطان به ریاء مخلوط شود و فرد عامل در پی مدح و تحسین خلق باشد طبق فرمایش حضرت امام باقر (علیه السلام)، نادانسته به یکی از ابواب شرک مبتلا می شود.

«لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَمِلَ عَمَلًا يَطْلُبُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ وَالْآخِرَةَ وَادْخَلَ فِيهِ رِضَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ كَانَ مُشْرِكًا» (2)

اگر بنده ای عملی برای رضای خدا و سرای آخرت به جا آورد، ولی در آن رضای فردی از مردم را نیز در نظر داشته باشد، مشرک است.

اگر کسی به عمل فراوان همراه با رنج بدن و شب زنده داری بپردازد،

ص: 292

---

1- الکافی 2/296/16

2- المحاسن 1/122 - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 242 - وسائل الشیعة 1/67 - البرهان فی تفسیر القرآن 3/691 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 69/297؛ 69/301

خدا ابا دارد (از این که به او پاداش بدهد) الا این که عمل او را در چشم کسانی که به گوششان می رسد کوچک می کند (برایشان کوچک می کند). (1)

حضرت امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) فرمودند:

«سزاوار عاقل است که چون عملی انجام می دهد و می داند همه نعمتها فقط از خدا است، پس خجالت بکشد از خدا که عمل را برای دیگری انجام دهد. (ریا کند.)»

انسان با خرد دائما باید با مواظبت نمودن از اعمال نیک، از گوهر اخلاص محافظت کند و برای تقویت این مرتبه، از حق تعالی عذر و استغفار طلبد چرا که ریا، گناهیست بس عظیم، که در دعاها می خوانیم.

«بارخدا یا از تو آموزش می طلبم از برای گناهی که به علت کار خیری که می خواستم برای رضای تو انجام دهم پس در آن کار جز تو کس دیگری را در نظر گرفتم و چیزی که نیتم را برای تو ناخالصانه می ساخت در عملم شرکت جست یا مرا ملزم ساخت که جز تو کسی را در آن بخواهم و بسیاری از کارهایم به این نحو بوده است»

ص: 293

گفتنی است که جوهره هر عملی با نیت است. نیت، جهت هر عملی را مشخص نموده و خروجی آن را به سوی هدف، هدایت می نماید. حضرت امام سجاد (علیه السلام) فرمودند:

«عمل انسان بستگی به نیت دارد» (1)

امام معصوم (علیه السلام) در ذیل آیه شریفه 2 از سوره مبارکه مُلک:

(الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ)

«آن کس که مرگ و زندگی را خلق کرده تا شما را بیازماید که عمل کدام یک از شما بهتر از دیگران است و او «عزیز» و «غفور» است»

«شما را آزمایش می کنند تا معلوم شود کدامیک بر عمل باقی می مانید و خلوص پیدا می کنید. چه عمل نیکو و خالص آنست که صاحب عمل خیر، توصیف و ستایش کردن مردم وی را بر آن عمل قصد نکند بلکه جز رضا و خشنودی حق تعالی منظوری نداشته باشد و نیت انسان افضل از عمل است سپس این آیه را قرائت کرد»

{ قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ.. } (2)

ص: 294

---

1- بحار الانوار 15/184

2- سوره مبارکه اسراء آیه شریفه 84

«هرکس عمل می کند بر طبق نیت خود...» (1)

از آثار و امتیازات نیت پاک، دور بودن از ریا است زیرا مومن در نیت خود ریا ندارد الا اینکه بر اثر اغفال شیطان در مرحله عمل، مبتلا به آفتی شود. در این رابطه حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«نیت که امر قلبی است، ریا بردار نیست فقط برای خدا و از جهت ارتباط دل با اوست. خدای مهربان هم در مقابل این نیت و تصمیم قلبی ثواب و پاداشی به او عنایت می فرماید؛ مثلاً بنده مومن در روز تصمیم جدی و حتمی می گیرد که سحرگاه از خواب برخیزد و نماز شب بخواند اتفاقاً خواب عمیق او را فرا می گیرد و موفق نمی شود، خداوند مهربان در برابر این تصمیم و نیت، ثواب نماز شب و تهجد را به او عنایت فرموده و نَفَسَش را تسبیح و خوابش را صدقه و انفاق به حساب می آورد» (2)

حیف از بنده ای که چنین خدای مهربان و رئوفی را واگذارده و اوامر و نواهی او را که در واقع، برای سعادت خود وی است نادیده گرفته و اعمالش را برای غیر آن یگانه معبود، انجام دهد. از آثار نیت که قبل از فعل می باشد، کارهای نیکی است که در دفتر اعمال بدون

ص: 295

---

1- تفسیر جامع 7/233 - الکافی 2/16

2- بحار الانوار 15/91



آنکه آنرا انجام داده باشد فقط صرف نیت صادق و پاک، ثبت می گردد. حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«نیت مومن از عملش بهتر است از این جهت که شخص با ایمان آرزو دارد و دلش می خواهد کارهای زیادی را انجام دهد ولی فرصت و عمرش رسایی ندارد» (1)

### شتاب و عجله

تحمل فقر و سختی نیاز، کار آسانی نیست و در هنگام ورود مشکلات، تنها مسئله ای که ذهن فرد مبتلا را به خود مشغول نموده خروج از مشکلات است. با کمی تأمل درمی یابیم خواسته قلبی هر فردی، روا شدن هرچه سریعتر حاجت خویش است. پس بر فرد خیر و مومن متقی واجب است در انجام کار خیر شتاب ورزیده و عجله به خرج دهد تا باعث خشنودی و رضایت حق تعالی شود که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُعَجَّلُ» (2)

ص: 296

1- بحار الانوار 15/191

2- الكافي (الإسلامية) 2/142؛ 3/274؛ (دارالحدیث) 3/366؛ 6/35 - الوافی 4/379؛ 7/207 - وسائل الشیعة 1/112؛ 4/122 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 1/46 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 8/335؛ 15/29 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/222

خداوند کار خیری را که با شتاب صورت گیرد دوست دارد.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«هر چیز میوه ای دارد میوه احسان، تعجیل در آن است»

یکی از دلایل مهمی که، باید برای انجام اعمال خیر عجله نمود اینست که، شیطان با تمام قوا سعی بر آن دارد که تا مومن موفق به انجام عمل خیر نگردد و لذا قبل از رسیدن وساوس شیطانی به دل شخص خیر باید کار نیک را انجام داد. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِذَا هَمَّ أَحَدُكُمْ بِخَيْرٍ أَوْ صِلَةٍ فَإِنَّ عَنْ يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ شَيْطَانَيْنِ فَلْيَبَادِرْ لَّا يَكْفَاهُ عَنْ ذَلِكَ» (1)

هرگاه یکی از شما آهنگ کاری نیک یا بخششی کند در طرف راست و چپ او دو شیطان قرار می گیرند، پس بشتابد که آن دو شیطان او را از تصمیمش باز ندارند.

حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ هَمَّ بِشَيْءٍ مِنْ الْخَيْرِ فَلْيُعَجِّلْهُ، فَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ فِيهِ تَأْخِيرٌ، فَإِنَّ»

ص: 297

---

1- الكافي (ط - الإسلامية) 2/143؛ (ط - دارالحديث) 3/368 - الوافي 4/381 - وسائل الشيعة 1/113 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 68/224

هر که قصد کار خیری کند زود آن را انجام دهد، زیرا در هر چیز که تاخیر افتد، شیطان در آن مهلتی پیدا می کند.

دلیل دیگر تعجیل در امر خیر، رد شدن ابر توفیق از سر بندگان است که بنا به فرموده امام (علیه السلام)، فرصت ها مانند ابرها می گذرند و تا ابر توفیقات بر سر انسانها سایه افکنده است، باید از باران رحمت آن استفاده کرد که هر لحظه این ابرها در حال حرکت و جابجایی می باشند و همچنین حضرتش فرمودند:

«مَنْ فُتِحَ لَهُ بَابُ خَيْرٍ فَلْيُنْتَهِرْهُ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَتَى يُغْلَقُ عَنْهُ» (2)

هر کس در و باب کار خیری به رویش گشوده گردد، باید در استفاده از این فرصت بشتابد، زیرا او نمی داند که این در چه زمانی به رویش بسته می شود.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«إِذَا هَمَمْتَ بِخَيْرٍ فَبَادِرْ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يُحْدِثُ» (3)

ص: 298

1- الكافي (ط - الإسلامية) 2/143؛ (ط - دارالحدیث) 3/369 - الوافي 4/381 - وسائل الشيعة 1/113 - مرآة العقول في شرح أخبار

آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) 8/337 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 68/225

2- عوالي اللئالی العزیزية فی الأحادیث الدینیة 1/289؛ 4/354 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 74/165 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/141

3- الكافي (ط - الإسلامية) 2/142 - مجموعة ورام 2/196 - الوافي 4/379 - وسائل الشيعة 1/111 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة

(عليهم السلام) 1/46 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) 8/334 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 68/222

هرگاه آهنگ کار خوبی کردی، بشتاب زیرا نمی دانی که چه پیش خواهد آمد.

شاید حوادثی پیش آید که انسان از آن عبادت عظیم (کار خیر) باز ماند. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«لَا تُؤَخِّرْ إِنَالَةَ الْمُحْتَاجِ إِلَى غَدٍ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَعْرِضُ لَكَ وَ لَهُ فِي غَدٍ» (1)

عطا کردن به نیازمند را به فردا مینداز، زیرا نمی دانی که فردا برای تو و او چه پیش خواهد آمد. (همانند حوادثی مثل مرگ یا برطرف شدن نیاز نیازمند از راهی دیگر).

یکی از پیشامدهایی که خبر نمی کند، آمدن ملك الموت است که در حال صحت و سلامت نیز ناگهان به سراغ انسان می آید و هیچ تضمینی از برای ساعاتی بعد برای زنده ماندن نیست که فرموده اند:

«در امر آخرت (عمل خیر) تاخیر روا مدارید که اگر به فردا افتد، شاید مرگ مهلت ندهد» (2)

ص: 299

---

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 526 - غرر الحکم و درر الکلم 758 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 449

2- نصایح 67

چه بسا طبق روایات بر اثر عملی خیر، مرگ نیز به عنایت حق تعالی به تاخیر افتد که در این مورد، قضایای زیادی نقل شده و به تجربه بزرگان رسیده است. دلیل بعدی در عجله نمودن امر خیر اینست که ممکن است انسان به دلیل اشتغال به کارهای روزمره از این عمل عظیم و خداپسندانه باز بماند و کارها و مشغله های زندگانی، توفیق عمل خیر را از او بگیرند. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«..بَادِرُوا بِعَمَلِ الْخَيْرِ قَبْلَ أَنْ تُشْغَلُوا عَنْهُ بِغَيْرِهِ..» (1)

در انجام کار خیر شتاب کنید، پیش از آنکه به سبب پرداختن به عمل دیگری از آن باز مانید.

عجله در انجام امور مومنین همواره مورد توجه ائمه معصوم (علیهم السلام) بوده است. در صورت ترجیح دادن امور شخصی بر انجام عمل صالح و کاهلی در زدودن هم و غم از افراد مومن، ندامت فراوان به دنبال خواهد داشت. حضرت امام سجاد (علیه السلام) برای تربیت بندگان، به درگاه حق، خود را اینچنین مقصر قلمداد می نمود:

«..وَمِنْ ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أُؤْتِرْهُ..» (2)

ص: 300

- 
- 1- تحف العقول 110 - الخصال 2/620 - وسائل الشيعة 7/261 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 10/99؛ 68/215
  - 2- الصحيفة السجادية 166 - المصباح للكفعمي 389 - رياض السالكين في شرح صحيفة سيد الساجدين 5/273

..(خدایا) از تو عذر می‌خواهم از نیازمندی که نیاز خود را بر من عرضه کرده است و او را پاسخ نداده و بر خود برتری نبخشیدم..

تامل در فرمایش حضرت امام سجّاد (علیه السلام) برای اهمیت دادرسی و ترجیح امور آنان بر امورات شخصی، عملی است بجا؛ تا با مرور دیگر بر چنین حدیث گرانبهایی، جایگاه اهمیت آن مشخص گردد. دلیل دیگر شتاب نمودن، رفع اضطرار، ناراحتی و استرس شخص گرفتار است که هرچه سریعتر برای انجام کار او و گشودن غم و ناراحتی وی باید آماده شد. گاهاً پیش آمده که بر اثر کاهلی در برطرف نمودن مشکل مومنی، کار از کار گذشت و اگر شتاب بخرج داده می‌شد، مسئله به جاهای باریک کشیده نمی‌شد.

زیبایی احسان و انفاق در خوشحال نمودن فرد مبتلاست. هرچه سریعتر اضطرار و مشکل او برطرف شود، باعث ازدیاد خشنودی او که خشنودی خداوند و ائمه اطهار (علیهم السلام) است، می‌شود. حضرت امام کاظم (علیه السلام) فرمودند:

«کسی که به مومن احسانی کند، جز با سه چیز آن را به کمال نرسانده باشد: کوچک شمردن آن، پوشاندن آن عمل و شتاب ورزیدن در انجام آن. زیرا کسی که احسان خود را به مومن کوچک شمارد

برادر دینی خویش را بزرگ (محترم) داشته است و کسی که خوبی خود به مومن را پوشیده دارد، کاری بزرگوارانه کرده است و هر که در انجام وعده خود برای عمل خیر شتاب ورزد عطایش را گوارا (وزیبا) ساخته است» (1)

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) درباره معطل کردن فرمودند:

«الْمَطْلُ أَحَدُ الْمَنْعَيْنِ» (2)

امروز و فردا کردن، خود یک نوع خودداری از عطا کردن است.

و نیز فرمودند:

«أَفَةُ الْعَطَاءِ الْمَطْلُ» (3)

آفت عطا نمودن، امروز و فردا کردن است.

تقریباً می توان این طور برداشت کرد، که شخصی که برای رساندن خیر به مومنین امروز و فردا می کند مانند آنست که اصلاً قصد انجام آن را نداشته و در واقع منع خیر می کند.

ص: 302

---

1- تحف العقول 403

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 27 - غرر الحکم و درر الکلم 86 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 380

3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 182 - غرر الحکم و درر الکلم 279 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 381

کسی که در انجام وعده، تاخیر کند؛ در واقع آنرا (وعده) به جا نیاورده است.

### وفای به عهد

وفای به عهد از راستگویی و نیت صادق نشأت گرفته و مبین درستکاری فرد است. از سوی دیگر نشان از ایمان به آخرت نیز می تواند باشد. از آنجا که فرد مومن (ایمان آورده) پایان کار خویش را در مرگ نمی بیند و خود را پس از مرگ در پیشگاه الهی حاضر دیده و در موقف و حساب مقصر می شمارد، بنای همه اعمال خویش، همینطور نیت که اهم اعمال است را بر اساس صداقت و راستگویی گذارده و چون عهد می کند، وفای به عهد را نیز از جمله واجبات شمرده و ایفای معهود می نماید. وفای بعهده جایگاه خاصی را در دین به خود اختصاص داده است. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره فرمودند:

«هرکس به خدا و قیامت ایمان دارد، وقتی وعده می دهد وفا کند»

متأسفانه بدعهدی و بی وفایی در اجتماع مومنین امروزی نیز رسوخ

ص: 303



کرده است و خلف وعدهها زیاد دیده می شود. انسان مستمند و مضطر را با وعده های خویش گرفتارتر و با امروز و فردا کردن، خود را مورد غضب خداوند و گرفتار آه و ناله مومن تهیدست قرار می دهند. دیده شده است بر اثر تاخیر در وعده و متعاقب آن، آه مومن گرفتار، شخص به ضرر و زیانهای مالی، گرفتار و یا به امراض صعب العلاج مبتلا گشته است. نباید کسی را به امیدی چشم انتظار نگه داشت چرا که عملیست بسیار قبیح؛ و بار و غمی است عظیم بر گرفتاریهای شخص مضطر و گرفتار. پس يك شخص خیر می بایستی به عهد و پیمان پایدار بوده و قول و قرار را رعایت کند تا خداوند هم حال او را مراعات کند.

«..اِزْحَمُ تُرْحَمُ..»

..رَحْمَ كُنْ تَا بَه تُو رَحْمَ شُوْد..

حضرت پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«..وَأَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ..» (1)

آن کس که به پیمان خود وفادار نیست، دین ندارد.

این حدیث هشداریست بسیار سنگین، اما در عین حال حقیقتی است که به ناگزیر باید پذیرفت و خویش را مورد ملامت قرار داد.

ص: 304

پرهیز از این اخلاق رذیله (خلف وعده) که سبب زایل شدن دین می گردد، نیز در فرمایشات ائمه معصوم (علیهم السلام) نیز تاکید شده است. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«از اینکه به مردم وعده بدهی و تخلف ورزی، سخت پرهیز، زیرا این عمل موجب خشم عظیم در نزد خدا و مردم خواهد شد چنانکه قرآن مجید می فرماید:

{ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ } (1)

«از حیث غضب نزد خداوند متعال بزرگ است آنچه را بگویند، ولی خودتان عمل نکنید»

{ .. وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا } (2)

«به عهد وفا کنید همانا از عهد [در قیامت] پرسیده می شود»

پابندی به عهد از ویژگیهای مومنان است که در حدیثی، حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

{ عِدَّةُ الْمُؤْمِنِ أَخَاهُ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ فَمَنْ أَخْلَفَ فَيُخْلَفِ اللَّهُ } (3)

ص: 305

1- سورة مبارکه صف آیه شریفه 3 - نهج البلاغه نامه 53

2- سورة مبارکه اسراء آیه شریفه 34

3- الکافی (ط - الإسلامیة) 2/363 - كشف الغمة فی معرفة الأئمة (ط - القديمة) 2/268 - الوافی 5/925 - تفسیر الصافی 5/168 - وسائل الشیعة 12/165 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 5/175 - البرهان فی تفسیر القرآن 5/362 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 11/21 - بحار الأنوار (ط بیروت) 72/96 - تفسیر نور الثقلین 5/310 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 13/220 - مستدرک الوسائل و.. 8/459 - مجمع البحرین 5/244

وعدۀ مومن به برادرش نذری است که کفاره ندارد. هر کس تخلف کند، پس به خدا تخلف کرده است.

هر کس خلف وعده نماید با خدا مخالفت کرده و خویش را در معرض خشم خداوند قرار داده است و این همان است که قرآن مجید می فرماید:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ } (1)

«ای ایمان آورندگان چرا حرفی را می زنید که بدان عمل نمی کنید»

حضرت امام صادق (علیه السلام) در حدیثی، خلف وعده را دارای تبعات خوانده و فرمودند:

«هر کس به برادر مومنش وعده ای بدهد که در آن تخلف ورزد، به تخلف از خداوند آغاز کرده و به دشمنی او درآویخته و اینست قول حق تعالی [در سوره مبارکه صف آیه شریفه 2] که چرا حرفی می زنید که عمل نمی کنید» (2)

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

ص: 306

---

1- سوره مبارکه صف آیه شریفه 2 - اصول کافی ج 2 باب خلف الوعد

2- اصول کافی ج 4 باب خلف وعده ح 1 ص 61

«سُرُّ النَّوَالِ مَا تَقَدَّمَهُ الْمَطْلُ وَتَعَقَّبَهُ الْمَنْ» (1)

بدترین بخشش آن است که با تاخیر انجام گیرد و پشت سر آن منت باشد.

و در نامه ای به مالک اشتر (رحمة الله) نوشتند:

«..أَوْ أَنْ تَعْدَهُمْ فَتَتَّبِعَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ..» (2)

..بپرهیز از اینکه.. یا مبادا به (مردم) وعده ای دهی که به کار نبندی..

و نیز فرمودند:

«الْمَطْلُ عَذَابُ النَّفْسِ» (3)

تعقل و رزیدن (در احسان) شکنجه روح است. (که به شخص وارد می گردد).

حضرت امام رضا (علیه السلام) می فرمایند:

«لَا يَتِمُّ الْمَعْرُوفُ إِلَّا بِثَلَاثِ خِصَالٍ تَعْجِيلِهِ وَ تَصْغِيرِهِ وَ سِتْرِهِ فَإِذَا عَجَّلْتَهُ

ص: 307

---

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 294 - غرر الحکم و درر الکلم 411 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 389

2- نهج البلاغة (للصباحی صالح) 444 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/96؛ 74/264 - مکاتیب الأئمة (علیهم السلام) 1/491

3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 32 - غرر الحکم و درر الکلم 40 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 463

احسان نمودن کامل نمی شود مگر با سه ویژگی: یکی اینکه این کار را سریع انجام دهد، دوم اینکه کار خود را نزد فرد نیازمند کوچک جلوه دهد (یعنی رعایت خضوع و فروتنی و... را در برابرش داشته باشد تا باعث خجالت و احساس حقارت فرد نیازمند نشود.) سوم اینکه آن عمل را از دیگران پنهان نگه دارد. سپس فرمودند: سرعت در اجابت امر خیر، باعث شیرینی و کوچک شمردن عمل خیر باعث بزرگی آن می گردد و پنهان نگه داشتن آن، باعث کمال آن عمل می گردد.

تفکر در این سه مرحله که از لسان گهربار امام معصوم (علیه السلام) بیان شده، بسیار مهم و جدی است. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«لَا يَسْتَقِيمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ بِاسْتِصْغَارِهَا لِتَعْظُمَ وَبِاسْتِكْتَامِهَا لِتُظْهَرَ وَبِتَعْجِيلِهَا لِتَهْتُنُو» (2)

برآوردن نیازها و حوایج (مردم) به مرتبه کمال نرسد مگر با رعایت

ص: 308

- 
- 1- رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام) 547 - الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا (علیه السلام) 374 - معدن الجواهر وریاضة الخواطر 33 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/413 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 12/362
  - 2- نهج البلاغة (للصباحی صالح) 485 - نزهة الناظر و تنبيه الخاطر 50 - وسائل الشيعة 16/315 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/318

سه چیز: اول کوچک شمردن تا اینکه بزرگ جلوه دهند، دوم پنهان کردن عمل خیر و به رخ نکشیدن آن تا اینکه خود آشکار شود.  
و در جای دیگر فرموده اند:

«از شماست پنهان کردن (عمل خیر) و از ماست آشکار نمودن آن و سوم تعجیل در برآوردن حاجات مومنین»

در تفسیر این آیه شریفه که می فرماید:

{ 1 } { إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ.. }

فرمودند:

«زکات واجب را که صدقه است آشکار و علنی دهید، ولی صدقات مستحب و احسان را پنهانی باید به مستحقین رسانید» (2)

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«وَعَدُّ الْكَرِيمِ نَقْدٌ وَتَعْجِيلٌ» (3)

جوانمرد وعده اش نقد و فوری است.

ص: 309

- 
- 1- سورة مبارکه بقره آیه شریفه 271
  - 2- تفسیر جامع 1/548 - کافی 3/502 ح 17
  - 3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 504 - غرر الحکم و درر الکلم 725 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 252

اما مسئله بسیار مهمی که مومنین به ویژه خیرین محترم، باید مراعات فرمایند، حفظ آبرو، شخصیت و شأن انسان مستمند و گرفتار است تا موجبات حقارت او نزد خانواده و همسایگان فراهم نگردد. چرا که طبق آیه قرآن، مومنین تهیدست به جهت حفظ آبرو و مناعت طبع، فقر خود را پنهان می کنند و کمبودهای ناشی از تهیدستی را در خفا نگه می دارند. مضاف بر اینکه احسان نمودن آشکار به مومن مستمند، هرچند از روی سهوا انجام بگیرد، کاریست ناپسند و مذموم. از محسنات پنهان کردن احسان و انفاق، دور شدن از ریا و سمعه می باشد.

گوهر اخلاص را باید با پنهان کردن اعمال صالح، از تیررس شیطان، سالم نگه داشت. حفظ شخصیت و آبروی مومن شاید مهمتر از احسان به او باشد. چرا که اتفاق افتاده است که کمکهای آشکاری به بعضی از مومنین تهیدست شده که ایشان فقر خویش را در اجتماع نشان نداده اند. پس از اعانت، نزد خانواده خود شرمنده و خجل گشتند تا جایی که اظهار داشتند:

“ای کاش می مردیم و اینچنین کمکهایی به ما نمی شد“

حتی خانواده و فرزندان آنها نیز احساس حقارت خواهند کرد و

بدتر آنکه بعضی از خیرین گرامی به وسیله همسران خویش کمکهایی را به همسران مومنین تهیدست می‌رسانند در حالیکه نمی‌دانند چه ضایعات اسفناک روحی برای مومن فقیر و مجموع خانواده او فراهم می‌سازند و این احسان جز خون دل، دل شکستن و فراهم کردن احساس حقارت بین فرزندان و همسر شخص مومن، چیز دیگری به همراه نخواهد داشت. ولو این که احسان از کمیت بالائی برخوردار باشد، جز تشدید غصه های مومن و گرفتاریهای روحی خود و خانواده اش با این نوع انفاق، چیز دیگری نیست. پس کجا نام این عمل را اعانت مومن می‌گذارند؟ در صورتیکه به وسیله دادرسی، مومن باید خوشحال شود که فرموده اند:

هر که مومنی را شاد کند (به وسیله رفع گرفتاری او) به حقیقت که ما چهارده نفر (ائمة اطهار (علیهم السلام)) را شاد نموده است.

اگر انفاق، احسان و کمک مالی با شرایط حفظ آبرو و انجام بگیرد باعث شادی و خوشحالی مومن می‌شود. از آنجا که حفظ آبروی مومن پیش خداوند و ائمة اطهار (علیهم السلام) مهم بوده، لازمست که انسان، شأن و بزرگی مومن فقیر را مد نظر داشته و رفتاری مطابق با احادیث در پیش گیرد. (در صفحات قبلی درباره عظمت و منزلت مومنین تهیدست احادیثی نقل شد).



در حدیث ذیل دستوراتی جهت حفظ حرمت و آبروی مومن از ائمه اطهار (علیهم السلام) داده شده است:

«وقتی به کسی کمکی کردی، دست راست از دست چپ خبردار نگردد»

حتی يك نفر هم نباید از اعانت مومن که باعث افشای تهیدستی او و منجر به حقارتش می گردد، آگاهی داشته باشد. برای افراد خاص با آبرو باید مانند ائمه اطهار (علیهم السلام) به تنهایی وارد عمل شد. آنهم با خضوع و احترام ویژه و با جملات محبت آمیزی که فرد فقیر احساس حقارت نکند و به گرفتن احسان راغب شود. حضرت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) در ارزش حیثیت اشخاص می فرمایند:

«إِنذُلْ مَالَكَ لِمَنْ بَدَلَ لَكَ وَجْهَهُ فَإِنَّ بَدَلَ الْوَجْهِ لَا يُوَازِيهِ [لَا يُوَازِنُهُ] شَيْءٌ» (1)

مالت را به آن کس ببخش که آبرویش را پیشت می ریزد زیرا که در میزان سنجش هیچ چیزی پیاپی آبرو نمی رسد.

«إِنَّ قَدْرَ السُّؤَالِ أَكْثَرُ مِنْ قِيَمَةِ النَّوَالِ فَلَا تَسْتَكْثِرُوا مَا أُعْطِيْتُمْوهُ»

ص: 312

---

1- غرر الحکم و درر الکلم 149 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 381 - شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم

2/236

همانا ارزش درخواست بیشتر از بهای انفاق است. پس هیچگاه عطای خود را زیاد و بزرگ شمارید که هرگز احسان شما به اندازه درخواست کردن قیمت ندارد.

از اهمیت مسئله حفظ آبرو و پنهان نمودن احسان که سیره و روش ائمه اطهار (علیهم السلام) بوده، قضایا و حکایات زیادی نقل گشته است. حتی هنگام کمک نمودن از پشت درب دست مبارک خویش را بیرون می آوردند تا شخص فقیر با روبرو شدن چهره آنها، خجل و شرمند نشود. وقتی مراعات حال اشخاص عامه که روی سوال و درخواست را دارند اینگونه باشد، خود به انصاف بسنجید آبروی مومنی که از شدت فقر و نداری جز به خداوند و ائمه اطهار (علیهم السلام) از کسی درخواست و سوال نمی نماید، تا چه اندازه باید مراعات گردد.

### دوری از منت

پس از پنهان کردن عمل، قدم به مرحله جدیدی از شرایط نیکی و احسان خواهیم گذاشت که تاکید فراوان شده است و آن منت

ص: 313

نگذاشتن است. این صفت رذیله می باید با اظهار خضوع و فروتنی در هنگام اعانت فقرای حقیقی از انسان دور شود. زیرا طبق روایات صفحات قبل؛ با وجود شأن و منزلت مومن فقیر که باعث ترقی، دفع بلا و فراهم شدن روزی و سبب سلامتی و پاداشهای اخروی برای خیر می شود، وقتی [تهیدستان] از خیرین و متمولین، احسان و انفاق را قبول می کنند، در واقع بر ایشان (خیرین) منت می نهند.

اینگونه رفتار (اظهار فروتنی) که شایسته انسانهای نیکوکار است، اکسیر نادری است که آفات منت، کبر، عجب و تفاخر آن را از بین می برد و اگر در هنگام بذل و بخشش، خضوع و رفتار مهرآمیز نباشد، قطعاً جای آن، صفت زشت منت جلوه گر خواهد شد، هر چند صاحب احسان، منظوری از این حالات (عدم گشاده رویی) نداشته باشد، ناخودآگاه در ذهن شخص مستمند، رفتار منت گذاری تداعی می گردد.

خُلُق نیک و روی گشاده در هنگام اعانت و دادرسی، حتماً و الزاماً باید حاکم باشد تا از ابطال اعمال (توسط منت و یا...) رهایی جست؛ زیرا هر چیزی، سنگ محکی دارد و معیار و ملاک اعمال نیک، منت نگذاشتن است:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى.. } (1)

«ای کسانی که ایمان آورده اید، صدقه های خود را با منت و آزار، باطل مکنید،.»

و در روایات نیز فرموده اند:

«کار نیک را با منت باطل نکن» (2)

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«مَلَائِكُ الْمَعْرُوفِ تَرَكُ الْمَنِّ بِهِ» (3)

ملائک و معیار خوبی کردن، منت ننهادن است.

و در جای دیگر می فرمایند:

«أَحْيُوا الْمَعْرُوفَ بِإِمَاتَتِهِ فَإِنَّ الْمِنَّةَ تَهْدِمُ الصَّنِيعَةَ» (4)

با مرگ آن (منت) معروف را زنده بدارید همانا که منت ننهادن، احسان را ضایع می کند.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

ص: 315

1- سورة مبارکه بقره آیه شریفه 264

2- نصابیح 40

3- غرر الحکم و درر الکلم 702 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 390

4- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 90 - غرر الحکم و درر الکلم 154 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 381 - مستدرک الوسائل و

مستنبط المسائل 12/439

«شَرُّ النَّوَالِ مَا تَقَدَّمَهُ الْمَطْلُ وَ تَعَقَّبَهُ الْمَنْ» (1)

بدترین بخشش آن است که با تاخیر انجام شود و به دنبالش منت باشد.

و چقدر قبیح و زشت است چنین روشی در هنگامه دادرسی از مضطربین که زهری است بجای عسل در دهان تهیدست. چنانکه حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«الْمَطْلُ وَالْمَنْ مُتَكِّدُ الْإِحْسَانِ» (2)

تعطل ورزیدن و منت نهادن، عمل خیر و احسان را ناگوار می سازد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«...تَصَدَّقُوا مِنْ غَيْرِ مَخِيلَةٍ فَإِنَّ الْمَخِيلَةَ تُبْطِلُ الْأَجْرَ...» (3)

..بی چشمداشت صدقه بدهید، زیرا که چشمداشت اجر را از بین می برد..

یعنی نه مدح و ستایش شخص مستمند را باید شنید و نه بد و ناسزا و فحاشی او را که در موارد خاصی پیش آمده است. یکی از خیرین

ص: 316

---

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 294 - غرر الحکم و درر الکلم 411 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 389

2- تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 389 - شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم [الفهرست] 7/365

3- مجموعه ورام 2/120

تقل می کرد ”وقتی برای جهت امداد پیرزنی به منزل مخروبه وی رفته بودند، به جای تشکر و سپاس به سبب کهولت سن، ما را مورد فحاشی و تندخوییهای زننده قرار می داد و ما نیز بدون توجه به ناسزاهای پیرزن به احسان و امداد خود ادامه می دادیم“.

بهترین کار در برابر چنین اشخاصی به جای مقابله به مثل با آنها، خوشرویی است. زیرا طرف معامله، خداوند متعال است. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

«خوشروئیهها (هنگام بخشش) بخشش دیگری است»

یکی از راه های مبارزه با منت، فراموش کردن عمل خیر به اشخاص است. چنانکه حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«إِذَا صُنِعَ إِلَيْكَ مَعْرُوفٌ فَادْكُرْهُ إِذَا صَنَعْتَ مَعْرُوفًا فَانْسَهُ» (1)

هرگاه به تو خوبی شد آن را یادآوری کن و هرگاه تو احسان و نیکویی کردی، آن را از یاد ببر.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«اگر به کسی خوبی کردی آن را با منت گذاشتن زیاد و به رخ کشیدن تباه مساز، بلکه با خوبی و بهتری ادامه اش بده، زیرا این کار برای اخلاق تو زیبنده تر است و پاداش آخرت را واجب تر

ص: 317

امام معصوم (علیه السلام) در مذمت منت گذاشتن، می فرماید:

«خداوند با کسی که منت گذارد، حرف نمی زند (به دیده رحمت نمی نگرد)» (2)

از اهمیت این مطلب همین بس که امر فرموده اند به دعا تا خداوند ما را در هنگام نیاز گرفتار چنین اشخاصی (منت گذار) نگرداند. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند یا علی (علیه السلام) این طور دعا کن:

«اللَّهُمَّ لَا تُحَوِّجْنِي إِلَى شِرَارِ خَلْقِكَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ شِرَارُ خَلْقِهِ قَالَ الَّذِينَ إِذَا أُعْطُوا مَنُّوا وَإِذَا مُنِعُوا عَابُوا» (3)

خدایا! مرا به آفریده های بدت محتاج مکن. عرض کردم ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)! آفریدگان بد خدا چه کسانی هستند؟ فرمودند: کسانی که اگر چیزی بدهند منت گذارند و اگر ندهند سرزنش و نکوهش کنند.

هر مومن و هر خیری باید این صفت زشت را برای رضای خداوند متعال از خویش دور نماید و با راهنمائیهای معصومین (علیهم السلام)، افکار و

ص: 318

---

1- بحار الانوار 78/283/1

2- بحار الانوار 96/141

3- بحار الأنوار (ط - بیروت) 90/325 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 5/263 - مجموعة ورام 1/39 - میزان الحکمه 3/257 - تنبيه الخواطر 1/39

اعمال خویش را تصحیح و اصلاح کند. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در این باره، در نامه ای که به جناب مالک اشتر نوشتند، این مطلب مهم را متذکر شده اند:

«..وَإِيَّاكَ وَالْمَنْ عَلَى رِعْيَتِكَ بِإِحْسَانِكَ..» (1)

مبادا با خدمتهایی که انجام دادی بر مردم منت گذاری.

### احسان انسانهای بی بضاعت

با توجه به مطالبی که عرض شد و احادیثی که درج گردید، سوالی مطرح می شود و آن اینست که آیا انجام اعمال خیر مختص به مومنین ثروتمند است یا اینکه مومنین بی بضاعت یا کم درآمد و یا مومنین متوسط الحال که دستشان از اموال دنیا کوتاه است، راهی برای انجام کارهای نیک و احسان برایشان وجود دارد؟ جواب سوال اینست که، خداوند متعال به نیت افراد توجه دارد و پذیرفتن اعمال نیز، منوط بر نیت صادق است و اگر نیت داشته باشد که برای انجام عمل صالح و نیکی قدمی بردارد ولی بستر آن عمل فراهم نگردد، حق تعالی به نیت شخص، آن عمل را برایش در نامه اعمالش ثبت می گرداند. حضرت

ص: 319

---

1- نامه حضرت (علیه السلام) به جناب مالک اشتر (رحمة الله) - نهج البلاغة (للصبيحی صالح) 444 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 33/611؛ 72/96 - تفسیر نور الثقلین 5/454 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 8/459؛ 13/171



امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«گاهی بنده مومن مستمند و تهیدست می گوید: خدایا به من روزی فرما و یا تمکن مالی عنایت کن تا کارهای نیک انجام داده و از برنامه های خیرات و خدمات چنین و چنان کنم و چون خداوند متعال راستی و صدق و حسن نیت او را می داند همان اجر و پاداشی که در صورت انجام عمل شامل حال او می شد به او خواهد داد»

«إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ» (1)

حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«همانا مومن برای حاجتی از برادرش به او مراجعه می کند که وی نمی تواند انجام دهد ولی بدان کار همت می گمارد و دل می بندد، یعنی تلاش برای برآورده شدن حاجت برادرش می نماید ولی نتیجه ای حاصل نمی گردد و حاجت برادر دینی روا نمی گردد، خدای تبارک و تعالی او را به سبب همتش به بهشت وارد می کند» (2)

پس بخاطر بی بضاعتی و سختی زندگی، نباید خود را از ثواب احسان نمودن حتی به مقدار اندک محروم نمود. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) نیز برای انجام عمل خیر حتی کوچک و ناچیز می فرمایند:

ص: 320

---

1- بحار الانوار 15/203

2- اصول کافی ج 3 باب روا کردن حاجت مومنین ح 16

«هیچ کار خوبی که بر انجام آن توانایی داری ناچیز مشمار و بخاطر خوبی ای بزرگتر، آن را ترك مکن، زیرا خوبی و کمک اندك در صورتی که آن شخص به آن نیاز داشته باشد، سودمندتر از آن خوبی (كمك بسیاری) است که در حال بی نیازی به کسی شود» (1)

یعنی برای رفع اندوه افراد مضطر و پریشان حال، اگر اندك عملی هم برآید، چون سخت نیازمند است، همان کم هم برایش موثر و ارزشمند است. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«هرکس رضای خدای عزوجل را با عمل اندکش اراده کند، حق تعالی برای او آن را بیش از آنچه خود می خواسته آشکار می کند» (2)

همچنین اتفاق مومن بی بضاعت حتی به جزئی ترین دارائی مثل پرداخت پول چند آجر برای ساختن منزلی برای مومنی فقیر، بالاتر از ساختن يك منزل به وسیله شخص ثروتمند، می باشد. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«ثوابهای شخص توانگر کمتر از فقیر است هر چند ده هزار درهم اتفاق کند. همچنین سایر کارهای خیر» (3)

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

ص: 321

---

1- میزان الحکمه 7/315

2- اصول کافی کتاب الایمان و الکفر باب الریاء ح 13

3- نصابیح 101

بخشش اندك تهيدست، بسيار است. (1)

آنچیزی که در پیشگاه خداوند متعال، ارزنده است، اخلاص در عمل است و از آثار خلوص، ادامه اعمال خیر است هر چند اندك. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«بهترین کارها آنست که دائم باشد، هر چند کم باشد» (2)

در نهایت مومینی که کاملاً دستشان برای احسان خالی است، از بهترین راه ها می توانند این خلاء را پر کنند آنهم به بهترین وجه. حضرت پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) برای ترغیب مومنین به جنگ با کفار بیاناتی می فرمودند. جمعی از اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) ما بدنهایمان ضعیف است و اموالی نداریم چه عملی در عوض جهاد رفتن و احسان نمودن به جا بیاوریم؟ حضرت پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«راستی و صداقت شما باید با زبان و هم از روی خلوص و پاکی دل باشد»

عرض کردند: چگونه باشیم؟ فرمودند:

«دل‌های خود را از تعلق و پیوندهای دنیوی آزاد سازید و منحصرأ

ص: 322

1- نصایح 42

2- نصایح 22

دوستی و محبت خدا، پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و فرزندان ایشان (علیهم السلام) را در دل‌های خود جای دهید و از دشمنی و بغض با آل محمد (علیهم السلام) بپرهیزید و زبان را به ذکر خدا و صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) مشغول بدارید تا خداوند شما را به مقام ارجمند و ثواب بزرگ نایل فرماید» (1)

فضیلت صلوات که به نوعی بهترین احسان به بهترین اشخاص یعنی آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) است، باید قابل توجه مومنین خیر اعم از بی بضاعت و غنی قرار گیرد. راه خیر برای همه طبقات و اقشار جامعه در هر رتبه ای باز است. حال اگر با عمل نشد، طبق فرمایش معصومین (علیهم السلام) نیت، کفایت این امر را می‌کند و این از صداقت مومن بی بضاعت است که برای انجام عمل خیر تلاش می‌کند و برای اقدامات وسیعتر دستش کوتاه است و این حزن او قطعاً باعث قریش در پیشگاه حق تعالی خواهد بود، چنان که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«تَجِدُ الْمُؤْمِنَ مُجْتَهِدًا فِيمَا يَطِيقُ مُتْلَهْفًا عَلَى مَا لَا يَطِيقُ» (2)

مومن را در انجام کارهایی که در توان اوست کوشا می‌یابی و بر انجام

ص: 323

---

1- تفسیر جامع 1/328 - تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) 442 - 448 ح 294

2- میزان الحکمه 1/457 - نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم)) 379

آنچه از توانش بیرون است اندوهناک.

اما آنهایی که دستشان از مال دنیا خالی و امور زندگیشان مخصوصاً در اجتماع حاضر، به زحمت و سختی می گذرد به اندک احسانی که در توانشان می باشد، باید خود را به خدا عرضه بدارند چرا که خداوند از هر کسی به اندازه توانش تکلیف می خواهد. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«لَا تَسْتَحِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ فَإِنَّ الْحِزْمَانَ أَقَلُّ مِنْهُ» (1)

از عطای اندک، شرم مکن، زیرا محروم کردن اندکتر از آن است.

سپس راوی سوال کرد: فدایت گردم آیا نیکویی کردن به برادران در حالت ثروت و تهیدستی است؟ فرمودند:

«برای صاحب ثروت، احسان کردن آسان است، خداوند آنهایی که تهیدست هستند و احسان می کنند، مدح فرموده است. آنگاه آیه شریفه 9 از سوره مبارکه حشر را تلاوت فرمودند» (2)

ص: 324

- 
- 1- نهج البلاغة (للصباحي صالح) 479 - روضة الواعظين و بصيرة المتعظين (ط - القديمة) 2/384 - مشكاة الأنوار في غرر الأخبار  
232 - الوافي 26/128 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 93/172  
2- تفسير جامع 7/126 - كافي 4/41 - امالي طوسي (رحمة الله) 1/65

## واسطه گری بین خیر و نیازمند

مرحله بعدی احسان، بخش واسطه گری است. آنهاییکه دستشان از اموال دنیا کوتاه است، می توانند با واسطه گری و راهنماییهای خویش، افراد متمکن را به سوی اعمال نیک سوق داده و خلاء انفاق و احسان خویش را پُر کنند و با همین عمل، به ثوابهای عظیم دست یابند. این واسطه بودن میان افراد غنی و فقیر، توفیق عظیمی است، زیرا تا پل (واسطه) نباشد از رودخانه پر تلاطم نمی توان عبور کرد. درباره ارزش والای این عمل، حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«مَنْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ فَاعِلِهِ» (1)

اجر کسی که به عمل خیر راهنمایی کند، مانند اجر کسی است که آن را انجام دهد.

همچنین فرد واسطه، مثل صاحب احسان ثواب می برد. امام معصوم (علیه السلام) فرمودند:

«در هر احسانی سه کس سهیم می باشند: اول حضرت باری تعالی که به حول، قوه و توفیق او انجام می گیرد، دوم صاحب مال و سوم کسی که واسطه صاحب مال در رسانیدن احسان گردد و در بعضی از روایات اگر واسطه تا هفتاد نفر هم باشند در آن عمل شریکند»

ص: 325

حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«الْمُعْطُونَ ثَلَاثَةَ اللَّهِ الْمُعْطَى وَالْمُعْطَى مِنْ مَالِهِ وَالسَّاعِي فِي ذَلِكَ مُعْطٍ» (1)

عطا کنندگان سه نفرند، خداوند که عطا می کند و کسی که از مالش می دهد و کسی که در این راه می کوشد.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«لَوْ جَرَى الْمَعْرُوفُ عَلَى ثَمَانِينَ كَفَّ الْأَجْرُ وَكُلُّهُمْ فِيهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ صَاحِبُهُ مِنْ أَجْرِهِ شَيْئاً» (2)

اگر احسان و کمک هشتاد دست بگردد، همه آنها به سبب آن، پاداش می یابند بی آنکه از اجر صاحبش چیزی کم شود.

### اصلاح بین دو مؤمن

باری آن چیزی که در دین و اجتماع و در حیطة انسانیت از ارزش فوق العاده ای برخوردار است واسطه گری در انجام کارهای نیک است  
علی الخصوص در مورد اصلاح و آشتی قلوب از هم رمیده، که بر اثر

ص: 326

---

1- الخصال 1/134 - وسائل الشیعة 9/426 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 93/175

2- الکافی (ط - الإسلامية) 4/18؛ (ط - دارالحدیث) 7/247 - الوافی 10/211 - وسائل الشیعة 9/425 - مرآة العقول فی شرح أخبار

آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 16/145 - ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین 3/298

اختلافات، قهر و کینه توزیها به وجود می آید. اشخاصی که خوی جوانمردی آنها بیشتر است، فعالتر و دلسوزتر در حل اختلافات هستند که هم در پیشگاه خداوند متعال و ائمه معصوم (علیهم السلام) و هم در دیدگاه مردم از احترام و محبت خاصی برخوردار می شوند و این موضوع آنچنان حیاتی است که حق تعالی در قرآن شریفش مومنان را به آن امر فرموده و رحمت خویش را در گرو این واسطه گریها قرار داده است که در آیه شریفه 10 از سوره مبارکه حجرات می فرماید:

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ)

همانا مومنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان آشتی دهید و از خدا پروا کنید که بر شما رحمت آورد.

جایگاه این عمل عبادی در نزد امام معصوم (علیه السلام) آنقدر عظیم و ارزشمند است که می فرمایند:

«أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مَنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّدَقَةِ وَالصَّلَاةِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَ فَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَ هِيَ الْحَالِقَةُ» (1)

آیا شما را به چیزی با فضیلت تر از نماز، روزه و صدقه (زکات) آگاه

ص: 327

---

1- میزان الحکمه 6/269 - به همین مضمون بحار الانوار 75/99 - مجموعه ورام 91 - نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم)) 240



نکنم؟ آن چیز اصلاح میان مردم است، زیرا اختلاف و خصومت میان مردم، مهلك و دین برانداز است.

حال چرا این عمل با فضیلت تر از نماز و روزه... است؟ زیرا اصلاح بین دو مومن باعث پایداری، گسترش و رونق دین می گردد. ولی اختلاف و جدایی، از هم فروپاشی دین و ایمان را در برمی گیرد که آخرین فرمایش حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) نیز سفارش به اصلاح بین مومنان بود:

«صَلَّحْ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ وَإِنَّ الْبُغْضَةَ حَالِقَةُ الدِّينِ وَفَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ» (1)

(به فرزندان نشان فرمودند) من از جدّ شما، رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) شنیدم که می فرمودند: اصلاح (صلح و آشتی) میان مردم از نماز و روزه هم برتر است.

سپس برای این امر مهم حضرتش تاکید فرمودند:

«ثَابِرُوا عَلَى صَلَاحِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُتَّقِينَ» (2)

ص: 328

- 
- 1- کتاب سلیم بن قیس الهمالی 2/925 - الکافی (ط - الإسلامیة) 7/51؛ (ط - دارالحدیث) 13/453 - دعائم الإسلام 2/349 - الوافی 2/330؛ 10/564 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 23/86؛ 42/248؛ 42/256؛ 72/24؛ 75/99 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 13/441؛ 13/442 - نهج البلاغه نامه 47
- 2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 218 - غرر الحکم و درر الکلم 334 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 450

بر اصلاح میان مومنان و متقین مداومت کنید.

آری بهترین کار نیک و صدقه ای که حق تعالی از آن خشنود می شود، اصلاح بین مسلمانان است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«يَا أَيُّهَا أَيُّوبُ أَلَا أُخْبِرُكَ وَ أَدُلُّكَ عَلَى صَدَقَةٍ يَجِبُهَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ تُصْلِحُ بَيْنَ النَّاسِ إِذَا تَقَاسَدُوا وَ تَبَاعَدُوا» (1)

ای ابو ایوب؛ آیا تو را به صدقه ای که خدا و رسول او، آنرا دوست دارند آگاه و راهنمایی نکنم؟ (آن صدقه این است) که: هرگاه مردم با هم بد شدند و از یکدیگر دوری کردند، میان آنها را اصلاح کنی.

همچنین حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در سفارشی به حضرت امام حسن (علیه السلام) و حضرت امام حسین (علیه السلام) فرمودند:

«أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ وَ صَالِحِ ذَاتِ بَيْنِكُمْ» (2)

شما دو تن (حسنین (علیهما السلام)) و همه فرزندانم و خانواده ام و هر کس که سختم به او می رسد را سفارش می کنم به ترس از خدا در خلوتها و نظم در امر شما و ایجاد صلح و آشتی در میانتان.

ص: 329

---

1- میزان الحکمه 6/269 - مجموعه ورام [تنبيه الخواطر] 1/6 - مجموعه ورام 57

2- نهج البلاغة (للصبيح صالح) 421 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 42/256؛ 72/24 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 13/441

اندیشه در این روایات شگفت و اینکه ائمه اطهار (علیهم السلام)، از هیچ چیزی برای آشتی و حل اختلاف مومنین دریغ نمی کردند، چشم مومن را به بخشی از وظیفه اش می گشاید. وظیفه ای شاید حتی واجب؛ تا آنجایی که حضرت امام صادق (علیه السلام) به مفضل فرمودند:

«إِذَا رَأَيْتَ بَيْنَ اثْنَيْنِ مِنْ شِيعَتِنَا مُنَازَعَةً فَأُفْتِدِهَا مِنْ مَالِي» (1)

هنگامی که میان دو نفر از محبین و پیروان ما مشاجره ای، (اختلاف و دعوی) افتاد، از مال من غرامت پرداز و آنها را با هم صلح بده.

حال اگر ارزش وساطت مشخص شد، باید عزم را جزم نموده، برای بجا آوردن این عبادت عظیم باید از ابزار و وسایلی که باعث رفع کدورت و کینه ها می گردد، استفاده کرد. یکی از این شیوه ها که باعث مودت و محبت بین قلوب از هم فراری می گردد، حرفهای دروغین و ساختگی بوده که نشانی از محبت و دوستی را داشته و بین طرفین جدل گفته می شود تا راهی برای آشتی و صلح، باز گردد. زیرا حضرت امام صادق (علیه السلام) در این مورد فرموده اند:

ص: 330

---

1- توحید المفضل 4 - الکافی (ط - الإسلامية) 2/209؛ (ط - دارالحدیث) 3/532 - الوافی 5/539 - تفسیر الصافی 5/52 - وسائل الشیعة 18/440 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 9/145 - تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب 12/338؛ [الخاتمة] 4/97

«سخن سه گونه است: راست، دروغ و اصلاح میان مردم (1)... از کسی سخنی درباره دیگری می شنوی که اگر آن سخن به گوش وی برسد، ناراحت می گردد، پس تو آن شخص را می بینی و برخلاف آنچه شنیده ای به او می گویی از فلانی شنیدم که در مدح، خوبی و ثنای تو چنین و چنان می گفت» (2)

و همچنین فرمودند:

«الْمُصْلِحُ لَيْسَ بِكَاذِبٍ» (3)

شخص آشتی دهنده، جزو دروغگویان نیست.

یعنی فرد مصلح برای اصلاح طرفین، مجبور به گفتن دروغ می شود اما چنین فعل حرامی برای وی ثبت نمی گردد. در وصیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) به امیرالمومنین علی (علیه السلام) آمده است:

«... يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبَّ الْكَذِبِ فِي الصَّلَاحِ وَ أَبْغَضَ الصِّدْقَ فِي الْفَسَادِ...» (4)

ص: 331

---

1- مقصود این سخن دروغ برای اصلاح میان مردم از قسم دروغ است ولی دروغ محسوب نمی شود.

2- الکافی 2/341 ح 16

3- الکافی (ط - الإسلامية) 2/210؛ (ط - دارالحدیث) 3/533 - الوافی 5/540 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 9/146 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 73/46

4- الوافی 26/169 - وسائل الشیعة 12/252 - الفصول المهمة فی أصول الأئمة (علیهم السلام) (تکملة الوسائل) 3/364 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 5/178 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/47 - نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)) 313

..یا علی! خداوند دروغ صلح آمیز را دوست دارد و از راست فتنه انگیز بیزار است..

البته پخش سخنان محبت آمیز بین طرفین دعوا، کاریست بسیار ظریف و دقیق، که می باید با توسل به ائمه اطهار (علیهم السلام) و با خبرگی و مهارت خاصی این عمل انجام بگیرد. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در دشواری آشتی دادن فرمودند:

«..إِزَالَةُ الرَّوَاسِي أَسْهَلُ مِنْ تَأْلِيفِ الْقُلُوبِ الْمُتَنَافِرَةِ..» (1)

..از جای کردن کوه های استوار آسان تر از الفت دادن دل‌های از هم ریمیده است..

از ملزومات اصلاح میان دو نفر، استفاده از نصایح، گفتارها و تجربه های پندآموز است تا قدرت خاموش نمودن آتش غضب دو طرف دعوا را داشته باشد. با خُلق مهربان و رأفت ناصح و نصایحی که بکار می گیرد، به اذن خدای متعال موثر در دو طرف شده و خواسته شیطان از بین می رود. میانجی جایگاه بسیار ارزنده ای نزد خداوند منان و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) و مردم می یابد. زیرا کار همه

ص: 332

انبیاء و امامان معصوم (علیهم السلام) نصیحت خلاق برای رهایی از ظلمت بوده است که در این زمینه روایاتی را برای صدق این گفتار، بیان می داریم. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ» (1)

بزرگترین مردم از نظر منزلت و مقام در روز قیامت در پیشگاه خداوند متعال، کسانی هستند که در روی زمین بیشتر به نصیحت بندگان خدا پرداختند.

البته شخص ناصح که در رأس آنها محمد و آل محمد (علیهم السلام) قرار گرفته اند همه نصایح و پندهایشان پیرامون رعایت قوانین دینی است. تا با بجا آوردن امرها و دوری از مناهی، بتوانند در دنیا، زندگی مطلوبی داشته و آنرا به آرامش ابدی بهشت وصل کنند. به همین دلیل یکی از مهمترین حقوق دینی، اعانت، احترام و دستگیری مخلوقات نسبت به همدیگر است. از ویژگی های شخص ناصح آنست که با نرمی و خوش اخلاقی و حلم فراوان برای برطرف نمودن زشتیها و عیوب بندگان قیام

ص: 333

---

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/208 - الوافی 5/536 - وسائل الشیعة 16/382 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 5/607  
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 9/143 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/358

می کند، چنانکه حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«بِلَيْنِ الْجَانِبِ تَأْتِسُ النَّفْسُ» (1)

با نرمی خلق و نیک برخورد افراد به هم نزدیک و مردم با یکدیگر انس و الفت می گیرند.

در نظر گرفتن روحیات افراد از ضروریات شخص ناصح و مصلح است. نرمگویی و خوشخلتی باعث رعایت احوال اشخاص مشاجره کننده شده و سبب دستیابی به هدف (آشتی) می گردد. چگونگی نصیحت در فرموده حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) اینگونه بیان شده است که:

«مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ» (2)

کسیکه برادر خود را پنهانی موعظه میکند او را زیبا و نیکو می سازد و کسی که آشکارا به وی اندرز می گوید باعث زشتی او می شود.

این امر بر هر مومنی واجب گشته است تا با رافت، گفتاری نیکو و منطقی در خفا، برادر خود را از گمراهی، تاریکی و خطاها نجات

ص: 334

---

1- عیون الحکم و الموعظ (للیثی) 188 - غرر الحکم و درر الکلم 300 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 250

2- تحف العقول 489 - کنز الفوائد 1/93 - الوافی 26/285 - حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار (علیهم السلام) 4/601 -

بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/166؛ 75/82؛ 75/374

بخشد که چنین کسانی مورد تفقد و تشویق ائمه اطهار (علیهم السلام) قرار گرفته اند. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي» (1)

محبوبترین برادرانم نزد من آن کسی است که عیوب مرا به من هدیه بدهد.

و نیز حضرتش فرمودند:

«خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ» (2)

بهترین برادران شما کسی است که عیبهایتان را به شما اهدا کند.

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«مَثَلُ الْإِخْوَانِ مَثَلُ الْيَدَيْنِ تَغْسِلُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» (3)

دو برادر دینی همانند دو دستند که هر کدام دیگری را می شویند، با یکدیگر کمال همکاری را دارند و عیوب هم را پاک می کنند.

ص: 335

- 
- 1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/639؛ (ط - دارالحدیث) 4/687 - تحف العقول 366 - الوافی 5/573 - وسائل الشیعة 12/25 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 5/138 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 12/532 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/249 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 8/329
- 2- مجموعة ورام 2/123 - نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)) 470 - میزان الحکمه 1/86
- 3- المحججه البيضاء 3/319



حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمودند:

«اوقات شبانه روز را چهار قسمت کنید؛ یک قسمتش را صرف رفت و آمد و معاشرت با برادران مورد اعتمادی که شما را به عیوبتان آگاه می سازند و قلباً نسبت به شما محبت و خلوص دارند، نمائید...» (1)

اهمیت نصیحت کردن برادر مومن آنچنان زیاد است که اگر در برابر خطاهایش سکوت کنیم، جزو خیانتکاران به شمار خواهیم آمد. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ رَأَى أَخَاهُ عَلَى أَمْرٍ يَكْرَهُهُ فَلَمْ يَرُدَّهُ عَنْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَقَدْ خَانَ» (2)

کسی که برادر خود را گرفتار عمل نامطلوبی می بیند و می تواند او را از این کار باز دارد اگر سکوت کرده و منعش نکند، درباره وی خیانت کرده است.

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«الْمُؤْمِنُ مِنْ مِرَاةِ أَخِيهِ يَمِيطُ عَنْهُ الْأَذَى» (3)

ص: 336

---

1- بحار الانوار (ط - بیروت) 75/321 - تحف العقول 307

2- الأمالی (للسدوق) 270 - روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة) 2/292 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/190؛ 72/65

3- مصادقة الإخوان 42 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 106؛ 189 - وسائل الشیعة 12/210 - رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه

مومن برای برادر خویش همانند آینه است، نامالایمات و بدیها را از او دور می سازد.

در این راستا، یکی از حقوقی که برادران مومن باید نسبت به همدیگر مراعات نمایند، نصیحت و هدایت به سوی اعمال خیر است. حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمودند:

«..أَخْبِرْكَ أَنَّ مِنْ أَوْجِبِ حَقِّ أَخِيكَ أَنْ لَا تَكْتُمَهُ شَيْئاً يَنْفَعُهُ لَا مِنْ دُنْيَاهُ وَلَا مِنْ آخِرَتِهِ» (1)

از واجبتین حقوق برادرت اینست که او را به خیر و صلاحش متوجه کنی (نکته بسیار مهم) و هیچ چیزی که برای امر دنیا و امور آخرتش مفید و نافع است از وی پنهان نداری.

می توان گفت هر که در این امر کوشاتر از دیگران بود، از بقیه دلسوزتر و خداترس تر است. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرموده اند:

«أَشْفَقُ النَّاسِ عَلَيْكَ أَعُوذُكَ لَكَ عَلَى صَلاَحِ نَفْسِكَ وَأَنْصَحُهُمْ لَكَ فِي

ص: 337

---

1- بحار الأنوار (ط - بیروت) 2/75؛ 2/209؛ 75/329 - رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال (مع تعليقات مير داماد الأسترآبادی) 2/755 - رجال الکشی - إختيار معرفة الرجال 455 - رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام) 496

مهربانترین افراد نسبت به تو کسی است که در خیر و صلاحیت بیش از دیگران تو را یاری دهد و در امر دینت با خلوص زیادتاری به تو نصیحت می کند.

تعریف برادری در کلام ائمه هدی (علیهم السلام)، شامل هرگونه دفع ضرر از یکدیگر است. پند، نصیحت، دستگیری و اعانت از جمله حقوق برادری اند و سراسر این اعمال و افعال هم برای برادر و هم برای عامل، رحمت و برکت، و صفا و هدایت است. حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«..إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَخُو الْمُؤْمِنِ عَيْنُهُ وَ دَلِيلُهُ..» (2)

مومن، برادر مومن است و نیز چشم و راهنمای اوست، در این صورت نسبت به او خیانت، ستم و غش روا ندارد و با او خلف وعده نکند.

### عفو بهترین احسان

یکی از مهمترین آثار دوستی و محبت به برادران دینی، چشم پوشی

ص: 338

---

1- غرر الحکم و درر الکلم 218 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 416

2- المؤمن 42؛ 43 - الکافی (ط - الإسلامیة) 2/166؛ (ط - دارالحدیث) 3/425 - الوافی 5/553 - وسائل الشیعة 12/205 - مرآة

العقول فی شرح أخبار آل الرسول 4 9/11 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 60/71

از خطاها و تغافل نسبت به اعمال، و اغماض از اشتباهات، و عفو و گذشت در برابر بدیها و ناشایستی و مدارا نمودن با آنان است. محبت به دوستان مومن همین عفو و گذشت است. زیرا دوستی از دو بخش تشکیل گشته و در دو کفه ترازو قرار می گیرد؛ یکی دادرسی مالی و رفع مشکلات و دیگر کفه که سنگینتر از دادرسی باید باشد، اغماض و بی اعتنایی و عفو کردن بدیهای مومنان است که با کلام گهربار معصومین (علیهم السلام) اهمیت عفو و دوری از اختلافات مشخص می گردد و بارور کردن درخت ایمان با آبیاری گذشت و عفو و مدارا، میوه های شیرین و بی نظیری را، به بار خواهد آورد.

وقتی قلب و روح مومن با فرمایشات ائمه اطهار (علیهم السلام) سیراب شد و عفو و مدارا در بندند وجودش مانند خون جاری گشت، عمل مومن از دایره تعبد الهی خارج نمی شود. بغض، کینه و عداوت که ریشه اش از غاصبین خلافت حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) سرچشمه می گیرد، می خشکد. این رذایل از حربه های بسیار ظریف و دقیق شیطان (لعنت الله علیه) است که برای دور کردن و پراکنده نمودن مومنان از دایره ولایت و محبت اهل بیت (علیهم السلام) در از هم پاشیدگی جماعت مومنین است و کینه و عداوت از زهر آلوده ترین تیرهای شیاطین بر قلب مومنین است که قسم یاد کرده است، همه را مورد اصابت این تیر قرار

{ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزِينَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ \* إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ } (1)

«گفت خدایا بخاطر اینکه مرا فریفتی، برایشان در زمین همه چیز را زیبا می کنم و همه ایشان را فریب می دهم \* مگر بندگان مخلصت را»

پیروزی در این مرحله از امتحان، پاداشهای عظیمی را که از درك و وصف اوهام بشر خارج است، برای مومن به ارمغان خواهد آورد که روایات آن در ادامه خواهد آمد. همچنین مغلوب شدن در برابر نفس اماره، و کینه و بغض را بر محبت و گذشت ترجیح دادن، عقابها و عذابهای وحشتناکی را در پی خواهد داشت که آن، قطع ولایت معصومین (علیهم السلام) و رفتن به جنگ با ائمه اطهار (علیهم السلام) بوده و مستوجب عذابهای الیم آخرت است.

بنابراین مومن مطیع اهل بیت (علیهم السلام) طبق فرمان ائمه معصوم (علیهم السلام) قلب خود را از کینه و بغض خالی و بسوی صفا، پاکی و نورانیت هدایت می کند، تا بدین سبب مورد عنایت خاصه ائمه اطهار (علیهم السلام) و خداوند تعالی قرار گیرد و به خاطر گذشت از خطاهای مومنین به مقام

ص: 340

عبودیت الهی رسیده و در بزم محفل انس نیکان راه پیدا کند و کم کم به خاطر کسب امتیازات پیرامون اعانت مومنین (دادرسی مالی و عفو) و دوری از گناهان و اختیار نمودن ورع و پارسایی در شعاع شیعیان و خواص حضرت بقیة الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گیرد و شامل بهترین پاداشها، که همانا خشنودی خدای تعالی از مومن است، شود. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) به قنبر برای واکنش به کسیکه به حضرت (علیه السلام) ناسزا گفته بود، پس از نصایح در مورد جواب ندادن به او فرمودند:

«..فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَزْصَى الْمُؤْمِنُ رَبَّهُ بِمِثْلِ الْحِلْمِ..» (1)

قسم به خدایی که دانه را شکافت و خلائق را بیافرید، مومن پروردگار خود را با چیزی همانند بردباری و گذشت خشنود نکرد.

حال کدامین عمل در برابر عفو و حلم ورزیدن می تواند باب رضا و خشنودی حق تعالی را بگشاید؟ حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«الْعَفْوُ أَحْسَنُ الْإِحْسَانِ» (2)

ص: 341

---

1- الأمالی (للمفید) 118 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 68/424 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 11/291

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 27؛ 43 - غرر الحکم ص 27/315؛ ص 57/1099

عفو از (خطا و زشتی دیگران) زیباترین چهره احسان است.

آری شیاطین چون تحمل گرمی بازار ائمه معصوم (علیهم السلام) که با محبت و مودت در بین دوستانشان ایجاد شده است، را ندارند، لذا از راه دعوا و مشاجره، سپس کینه، دام خود را برای دوستان اهل بیت (علیهم السلام) می گسترانند. و به وسیله وسوسه های نفسانی که پس از گفتگوهای تند و پر خاشگری آنرا تبدیل به انتقام و عداوت می گردانند تا بدین وسیله درصدد از هم پاشیدگی اجتماع با صفای [هر چند کم] مومنان شوند. اما مومن واقعی به تبعیت از فرمانهای امام معصوم (علیه السلام) در این برخوردها و مشاجره ها راه خود را انتخاب و محبت و کلام امام (علیه السلام) را بر هوای نفس و بغض و کینه ترجیح می دهد و بوسیله اغماض، تغافل و حلم، پا به مقام قرب و خشنودی الهی می گذارد و فریب وسوسه های شیطان را که در دل او القاء می کند، نمی خورد. هر چند، وسوسه ظاهراً منطقی باشد و شیطان برای برافروختن غضب او دلایل دروغینی به وی ارائه کند.

مثلاً بگوید او (طرف دعوا) آبرو و حیثیت تو را برده در میان جمع هتک حرمت نموده، و چنین و چنان کرده است، باید با او مقابله به مثل نمایی و از حق خودت دفاع کنی. او اهل تکبر است. می بایستی در برابر انسان مغرور بایستی باید حق خویش را بگیری و انتقام بکشی

ص: 342

در صورتیکه امام معصوم (علیه السلام) همه اینها را می دانست که حق با مومن است و او مظلوم واقع گشته و چه رنجها و اندوه هایی را طرف مقابل بر مومن وارد ساخته، با این وصف فرمان عفو و گذشت را صادر می فرمایند و رسیدن به مقامات عالیة بندگی را در همین چشم پوشی از خطاها قرار داده اند. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در ذیل آیه شریفه؛

(..صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ..)

در سوره مبارکه حمد، فرموده اند:

«این نعمت ثروت دنیا و یا تندرستی بدن نبوده است، گرچه تمامی اینها از نعمتهای آشکار خداوند است. مگر نمی بینی گاهی کافران بیدین دارای این نعمتها هستند ولی شما را تشویق نفرموده است که دعا کنید تا راه آنها را به شما نشان دهد بلکه فقط دستور داده به تقیة نیک و سپس مامور گشته اید تا از خداوند بخواهید که شما را به شناختن حقوق برادران مومنتان راهنمایی فرماید. و هیچ بنده ای نیست که خود را موظف به ادای حقوق برادرانش بداند و با کوشش خویش حقوق آنان را به طور کامل و یا به اندازه ای که برایش مقدور باشد پردازد و عفو از خطاهای برادرانش مایه خشنودیش شود؛ لغزشهای ایشان را جستجو و کنجکاوی نکند و آنها را نادیده بگیرد و درگذرد، مگر این که خداوند در روز قیامت به او بگوید: ای بنده من



تو حقوق برادرانت را (با این عفو) پرداختی و در حقهایی که بسود تو (در اختلافی که حق با تو بود) و زیان آنها بود پی جویی نکردی، پس من که بخشنده ترم و بزرگواریم بیشتر است، شایسته است همانگونه که تو کرم و گذشت کردی، با تو مسامحه و بزرگواری نمایم، بنابراین امروز تنها آنچه را که به تو نوید داده ام می دهم بلکه از بخشش و فضل بی پایانم بیشتر از آنچه وعده داده بودم، به تو خواهم داد و کوتاهیت را در برخی از حقوقم پیگیری نخواهم کرد»

سپس امام (علیه السلام) فرمودند:

«پس خداوند متعال او را با محمد و خاندانش (علیهم السلام) ملحق می سازد و از برگزیدگان پیروان ایشان قرارش می دهد» (1)

ص: 344

1- معانی الاخبار 1/80 باب 22 - در ادامه امام معصوم (علیه السلام) منظور از آن نعمت را میفرماید: «به تقیه نیک شما را راهنمایی کند که بدان وسیله از گزند و آزار مردم ایمن شوید، تقیه ای که با آن از افزودن گناهان و کفرورزی دشمنان خدا جلوگیری می شود. اینگونه با آنها مدارا کنید و آنها را به مرزی نکشید که تحریک شده و به تو و مومنین آزار رسانند و همچنین هیچ مردی و زنی نیست که محمد و آل محمد (علیهم السلام) را دوست بدارد و با دشمنان آنان دشمنی کند مگر آنکه خود را جهت جلوگیری از عذاب خداوند در پشت دژی استوار و سپری محکم قرار داده باشد و نیز هرکس از بندگان از مرد و یا زن که با مردمان به بهترین وجه سازش و مدارا کند و از این کار به باطل مبتلا نگردد و از مرز حق گام بیرون نهد تا آنجا که پروردگار هر نفس او را تسبیحی قرار دهد و عملش را پاکیزه گرداند و بینشی به او دهد که بتواند راز ما را پوشیده نگهدارد و خشم خود را فرو برد و در برابر هرچه از دشمنان می شنود بردباری ورزد. اگر چنین باشد خداوند پاداش کسی را به او می دهد که در راه خداوند در خون خود غوطه ور گشته است»

حال با بررسی و نگرشی بر این فرمایش گهربار امام، طریق پیروزی در امتحان الهی را در برابر برادران دینی خواهیم آموخت.

«به بهترین وجه سازش و مدارا کنید»

و در قبالش، هر نفس او را تسبیحی قرار می دهند و چنانچه خشم خود را فرو برد و در برابر سخنان زشت دشمنان، بردباری ورزد، مستحق پاداش کسی که در راه خدا در خون خود غوطه ور گشته است، می شود.

حال وقتی اغماض و مدارا در برابر دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) به خاطر امر تقیه، اینهمه امتیاز و پاداش دارد، به دیده انصاف و عقل سلیم، جایگاه گذشت از برادر دینی کجاست؟ اگر در روایت فوق با تأمل، تعمق و انصاف چند بار مرور کنیم، هیچ روزنه ای برای فرار از عفو و مدارا نمی ماند. مگر اینکه انسان، فرمایش امام (علیه السلام) را که به عنوان دستورالعمل صادر شده است، با بی اعتنایی و ادبار رد نماید و در مقابل کلام و امر امام (علیه السلام)؛ رضایت نفس را به وسیله اظهار بغض و کینه در برابر برادر مومن، ترجیح دهد و بدین سبب مورد سخط و غضب خداوند متعال قرار گیرد و با تندی، ناسزا گفتن؛ و کینه برادر دینی را در دل گرفتن، اعلان جنگ با حق تعالی کند. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

ص: 345

«قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيَأْذَنَ بِحَرْبٍ مِنِّي مَنْ أَدَى عَبْدِي الْمُؤْمِنَ» (1)

خداوند عز و جل فرموده است هر که بنده مومن مرا بیازارد به من اعلان جنگ می دهد.

کسی که گذشت را پیشه خود می کند عنایت خاصه و فضل بیکران حق تعالی را نصیب خود می نماید. کاری بسیار سخت اما دارای پاداشی بسیار بزرگ. امام هدایت (علیه السلام) می فرماید:

«خطاهای برادرت را، نادیده بگیر»

در صورتیکه امام (علیه السلام) می دانستند که در این اختلاف حق با تو بوده است، ولی امر می فرمایند برای جلب خشنودی حق تعالی، بدی و زشتی برادرت را نبینی و نشنوی و سعی در فراموشی آن داشته باشی که با این عمل، وارد معامله با حق تعالی خواهد شد. حق تعالی در برابر عفو و گذشت از اشتباهات برادر مومن نیز خود، عفو و گذشت پیش می گیرد و می فرماید:

«من هم برخی از کوتاهیهای که در حقوق و بندگی من داشتی، نادیده خواهم گرفت»

از خود گذشتگی از مال و عفو بدیهای برادر دینی، امتحانی است بسیار بزرگ که جز مخلصین نمی توانند برای رضایت امامشان و برای

ص: 346

گرامی داشتن گوهر محبت ذوات مقدسه (علیهم السلام) که در سینه برادرشان نهفته است پا بر نفس گذارند. اخلاص در دین یعنی، به پای برادرت مال بریزی و از کردار و خطاهای او درگذری. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرموده اند:

«دوست بدارید دوستان ما را، هر چند که قاتل فرزند یا پدرت باشند و دشمن بدارید دشمنان ما را هر چند که فرزند یا پدرت بوده باشند»

نشان صداقت در محبت به امیرالمومنین علی (علیه السلام)، گذشت و عفو از بدیهای محبین ائمه معصوم (علیهم السلام) است تا جایی که اگر قاتل فرزند یا پدرت شد از او بگذری همچون مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی (از مراجع قدیم) که از قاتل فرزندش که نور چشم و پاره جگرش بود، درگذشت. درست است که بسیار سخت است اما حداقل وسع ما محبین و اجتماع شیعیان، همان گذشت از اشتباهات، توهین و ناسزاهای آنها است که باید برای رضای خدا، ندیده و نشنیده بگیریم.

بنابراین طبق فرمان امام هدایت (علیه السلام)، اگر برادرمان بر اثر عصبانیت با ما پرخاش و درشتی کرد، در جواب آن باید، برای رسیدن به مقام عالیه و ترجیح فرمایش امام (علیه السلام) بر هوای نفس، او را ببخشیم و گذشت کنیم. هر چند که در همان لحظات اولیه، این کار سخت است ولی بعد از چند ساعت یا چند روز، باید برای پیروزی در امتحان عفو و

گذشت، با دوست ایمانیمان پیوند برقرار سازیم، هرچند که او از ما بریده باشد. از آنهایی نباشیم که در مشاجره و دعوا بر اثر غلبه غضب، همه حرمت‌های برادری را هتک کرده و زبان به ناسزا، یا غیبت بگشاییم چرا که این کار، محاربه با خداست و حساسیت خداوند در دعوا و مشاجره بین دو برادر دینی آنقدر زیاد است که سرسختی و تندی یکی از آندو بر اثر کینه و ناسزا گفتن با وجود اعمال صالح و نیک و یک عمر عبودیت، وارد کفر می شود. حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

«وقتی مومن به برادر ایمانی اش "اف" می گوید، از ولایت خارج می شود و وقتی به او بگوید تو دشمن منی، یکی از ایشان کافر می شود. زیرا که خداوند از احدی عملی را نمی پذیرد در حالی که از روی خیرخواهی به سرزنش و ملامت مومنی پردازد و آبروی او را بریزد و شخصیتش را خرد کند» (1)

پذیرفتن اعمال طبق روایت اول کتاب، منوط بر اعانت و محبت برادران دینی است و مردود شدن و ابطال اعمال نیک، در گرو تندی، ملامت و سرزنش مومن است. چرا که ملامت منجر به ریختن آبرو و شکستن دل مومن می گردد، هر چند که از روی خیرخواهی باشد. این خود نشان دهنده عزت و ارزش مومن نزد خداوند متعال می باشد.

ص: 348

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«مَنْ أَحْزَنَ مُؤْمِنًا ثُمَّ أَعْطَاهُ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ كَفَّارَةً لَهُ وَ لَمْ يُوجِرْ عَلَيْهِ» (1)

هر که مومنی را اندوهناک سازد و سپس دنیا را به او بدهد، گناهش بخشوده نمی شود و در برابر آن پاداشی نمی بیند.

پس با یقین به کلام گهربار معصومین (علیهم السلام)، باید احترام مومن را در برخوردها بسیار نگه داشت. زیرا پس از شکستن دل او اگر تمام دنیا را به او بدهند، باز گناه این عمل پاک نمی گردد زیرا حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَزْصَدَ لِمَحَارِبَتِي...» (2)

خداوند تبارک و تعالی فرموده است: هر که به یکی از دوستان من تحقیر و توهین روا دارد، برای جنگ با من آماده شده است.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

ص: 349

- 
- 1- میزان الحکمه 1/125 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/150 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/99
- 2- المؤمن 32؛ 69؛ .. - الکافی (ط - الإسلامية) 2/351؛ ..؛ (ط - دارالحدیث) 4/70؛ .. - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 322 - الوافی 5/960؛ .. - وسائل الشیعة 12/266 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 10/380 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 64/65؛ .. - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 2/94؛ ..

«إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ الصُّدُودُ لِأَوْلِيَائِي فَيَقُومُ قَوْمٌ لَيْسَ عَلَى وُجُوهِهِمْ لَحْمٌ فَيَقَالُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ آذَوْا الْمُؤْمِنِينَ...» (1)

روز قیامت ندا کننده ای ندا در دهد: کجایند آزار دهندگان دوستان من؟ پس گروهی برخیزند که صورتشان گوشت ندارد و گفته می شود اینان کسانی هستند که مومنان را آزار دادند و با آنان دشمنی و مخالفت کردند در دینشان برایشان سخت گرفتند، سپس به درافکندنشان در جهنم فرمان داده می شود.

در عواقب خطرناک خوار کردن مومن، حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«لَا تَسْتَحِفَّ بِأَخِيكَ الْمُؤْمِنِ فَيَرْحَمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ اسْتِحْفَافِكَ وَيَغَيِّرَ مَا بِكَ» (2)

(مواظب باش) که برادر مومن خود را سبک نگردانی، که خداوند متعال او را مورد ترحم قرار می دهد و برنامه های تو را دگرگون می سازد.

همچنین با خوار کردن مومن، انسان مورد غضب خدا قرار خواهد گرفت. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

ص: 350

---

1- الكافي (ط - الإسلامية) 2/351؛ (ط - دارالحديث) 4/70 - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 257 - مشكاة الأنوار في غرر الأخبار

107 - الوافي 5/959 - تفسير الصافي 4/203 - وسائل الشيعة 12/264 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 72/149

2- المؤمن 68 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/105

«اگر کسی از مومن چیزی نقل کند که وی را خوار و سبک و پیش مردم کوچک کند، خداوند او را از ولایت خویش خارج می کند و در ولایت شیطان قرار می دهد» (1)

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«مَا مِنْ إِنْسَانٍ يَطْعُنُ فِي عَيْنِ مُؤْمِنٍ إِلَّا مَاتَ بِشَرِّ مِيتَةٍ وَكَانَ يَتَمَنَّى إِلَّا يَرْجِعَ إِلَى خَيْرٍ» (2)

هیچ انسانی چشم در چشم مومن به او طعن نزند جز اینکه به بدترین مرگ بمیرد و نیز سزاوار باشد که به خیر برنگردد.

اذیت مومن مذموم است، مخصوصاً اگر در هنگام برخورد با مومن، از او با روی گشاده استقبال نگیرد و عمداً با سردی و بی اعتنائی روبه رو شود، شخص آزار دهنده مصداق این فرمایش خواهد بود. حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«..وَمَنْ لَقِيَ أَخَاهُ بِمَا يَسُوؤُهُ لِيَسُوؤَهُ أَسَاءَهُ وَبَعْدَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (3)

..هر که در دیدار برادر دینی اش کاری کند تا او ناراحت شود، خداوند

ص: 351

1- کتاب کیش پارسایان 127

2- المحاسن 1/100 - الكافي (ط - الإسلامية) 2/361؛ (ط - دارالحدیث) 4/92 - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 239 - وسائل

الشيعة 12/299 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (عليهم السلام) 11/13 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 72/145

3- مصادقة الإخوان 62 - وسائل الشيعة 16/356 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 71/305



هم در روز دیدارش (قیامت) او را ناراحت می کند.

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«...مَنْ شَمِتَ بِمُصِيبَةٍ نَزَلَتْ بِأَخِيهِ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْتَنَ» (1)

..هر که در مصیبتی که به برادر مومنش رسیده، خوشحال شود و به شماتت او پردازد از دنیا نرود مگر اینکه گرفتار فتنه شود.

خدا نکند از آنهایی باشیم که برای انتقام از بدیهای برادر مومن با عملی دل او را بلرزانیم که آزار و ترساندن مومن، طبق روایت، اذیت خداست. امام هدایت (علیه السلام) این عمل را بطور کامل نهی فرمودند. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«لَا يَجِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَرَوْعَ مُسْلِمًا» (2)

بر هیچ مسلمانی روا نیست که مسلمانی را به رعب و وحشت اندازد.

یکی از راه های ایجاد وحشت در دل مومن، پشت سر او به ضررش حرف زدن است که باعث از بین رفتن آبرو و حیثیت او می گردد و از ترس از بین رفتن آبروی خویش در دلهره و رعب بسر خواهد برد که

ص: 352

---

1- الكافي (ط - الإسلامية) 2/359؛ (ط - دارالحدیث) 4/88 - الوافی 5/976 - وسائل الشیعة 3/266 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/216

2- عیون أخبار الرضا (علیه السلام) 2/71 - وسائل الشیعة 12/271؛ 12/304 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 5/187 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/147 - نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)) 680

در این باره قرآن مجید می فرماید:

«کسانی که مردان و زنان مومن را بی آنکه گناهی کرده باشند، می آزارند، تهمت و گناه آشکاری را به دوش می کشند» (1)

و مقارن این آیه شریفه، بیان گهربار حضرت امام صادق (علیه السلام) است که فرموده اند:

«کسی که بر ضرر مومنی به نصف کلمه حرفی بزند، خداوند عزوجل را در قیامت ملاقات کند در حالی که در پیشانی او نوشته باشد از رحمت خدا مایوس است» (2)

وجود گرامی حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«يَسْلُطُ اللَّهُ الْجَرَبَ عَلَى أَهْلِ النَّارِ فَيَحْكُونَ حَتَّى تَبْدُوا عِظَامَهُمْ فَيَقَالُ لَهُمْ هَلْ يُؤْذِيكُمْ هَذَا فَيَقُولُونَ إِي وَ اللَّهِ فَيَقَالُ هَذَا بِمَا كُنْتُمْ تُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ» (3)

«خداوند خارش را بر اهل جهنم مسلط می کند و آنقدر بدنهایشان را می خاراند تا استخوانهایشان پیدا شود و گوشتهایشان بریزد. از آنها (اهل آتش) پرسیده می شود آیا در این حالت اذیت می شوید؟ میگویند بله به خدا قسم. پس به آنها گفته می شود، این برای آن است که (در

ص: 353

---

1- سورة مبارکه احزاب آیه شریفه 58

2- کافی 2/368

3- مجموعه ورام 1/56

دنیا) به مومنین اذیت و آزار می رسانیدند»

آزار برادر مومن و اذیت او، جنگ با خداست، اینکار مملو از نارضایتی خدا و رسول (صلی الله علیه و آله وسلم) است چرا که آزرده دوستان اهل بیت (علیهم السلام)، آزرده ذوات مقدسه (علیهم السلام) می باشد. حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«مَنْ آذَى مُسْلِمًا فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ» (1)

هر که مسلمانی را بیازارد، به تحقیق مرا آزار داده است و کسی که مرا بیازارد حقاً خدا را آزرده است.

خدا نکند کسی بر اثر غلبه کینه بر محبت، با برادر مومن خود تندگویی کرده و یا با نگاه های تیز و تند، برادر خود را بیازارد که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«مَنْ نَظَرَ إِلَى مُؤْمِنٍ نَظْرَةً لِيُخَيِّفَهُ بِهَا أَخَافَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ» (2)

هر کس به مومنی نگاه ترسناکی کند (با غضب نگاه کند)، خداوند

ص: 354

- 
- 1- نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)) 772  
2- الکافی (ط - الإسلامية) 2/368؛ (ط - دارالحدیث) 4/107 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 100 - الوافی 5/963 - وسائل الشیعة 12/303 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (علیهم السلام) 5/187؛ 6/52 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 11/54 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/150؛ 72/151؛ 72/363؛ 74/192؛ 75/274 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/147 - مکاتیب الأئمة (علیهم السلام) 4/148

متعال او را در روزی که سایه ای جز سایه او نیست، بترساند.

و مهمتر اینکه فرمودند:

چون مومنی به برادرش «اف» بگوید (نوعی اظهار ناراحتی به وسیله تغییرات و دگرگونی در چهره و ظاهر نمودن آن در لسان می باشد) رشته دوستی میان آنها بریده شود.

آنچنان حق تعالی از درگیری و دلخوری دو مومن، منتفر و منزجر می شود که می فرماید:

«چون یکی از آن دو به دیگری بگوید تو دشمن منی، یکی از آندو کافر شوند»

پس باید قبول کنیم که یکی از راه های سقوط به وادی کفر، اهانت و بدگفتن نسبت به برادران دینی می باشد. در حدیثی نقل شده که:

«چون برادرش را متهم سازد، ایمان در دلش آب شود، همانند نمک در میان آب»

جای بسی شگفتی است که اثبات ایمان، منوط بر احترام مومن و محو ایمان از دل بستگی بر اهانت مومنان به همدیگر است پس می فرمایند:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ وَلِيُّ اللَّهِ يَعْينُهُ وَيَصْنَعُ لَهُ وَلَا يَقُولُ عَلَيْهِ إِلَّا الْحَقَّ وَلَا يَخَافُ

ص: 355

مومن دوست خداست، خدا در امورش یاریش کرده و آنها را برایش می سازد و مومن جز حق و برای خدا نگوید و از غیر او نترسد.

اگر طرف دعوا، دوست خداست، جنگ با او جنگ با حق تعالی می باشد و محبت به او مودت خداوند است و اگر خطا و اشتباهی نسبت به مومن مرتکب شد، از روی نفاق قلبی نیست. حضرت امام کاظم (علیه السلام) فرمودند:

«..لَيْسَ مِنْ أَخْلَاقِ الْمُؤْمِنِينَ الْغُشُّ وَلَا الْأَذَى..» (2)

دغل کاری و آزار از اخلاق مومنان نیست.

وای بر کسی که از روی دغل کاری در صدد اذیت مومنان برآید. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«دورترین حالات انسان از خدا این است که با کسی طرح دوستی بریزد تا لغزشها و خطاهای او را به خاطر بسپارد تا روزی او را رسوا

ص: 356

- 
- 1- المؤمن 29 - الكافي (ط - الإسلامية) 2/171؛ (ط - دارالحديث) 3/438 - الإختصاص 28 - الوافي 5/560 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (عليهم السلام) 9/37 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 64/64
- 2- الكافي (ط - الإسلامية) 8/128 - الوافي 2/206 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلى الله عليه وآله وسلم) 25/302 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 48/244؛ 75/332

حضرت امام صادق (علیه السلام) در جای دیگر فرمودند:

«کسیکه درباره انسان مومن هرچه را دیده یا شنیده (پیش دیگران) باز گوید، جزو کسانی است که قرآن درباره آنان فرموده:

{إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ}» (2)

«همانا برای کسانی که دوست دارند بدیها را در کسانی که ایمان آورده اند منتشر کنند، عذاب دردناکی در دنیا و آخرت قرار داده شده و خدا می داند و شما نمی دانید»

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«افراد زبون و پست مانند مگس روی ناپاکیها و آلودگیها می نشینند و دنبال کارهای زشت و عیوب مردم هستند و خوبیهای آنان را نادیده می گیرند، همانطور که مگس دنبال نقاط فاسد بدن می گردد و مواضع صحیح و سالم را ترك می کند» (3)

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

ص: 357

---

1- اصول کافی 2/355 ح 7

2- تفسیر برهان 3/128 - اصول کافی 2/357 - امالی شیخ صدوق (رحمة الله) 276 ح 16 - سفينة البحار 2/297 - نقطه های آغاز در اخلاق عملی 233 - سورة مباركة نور آیه شریفه 19

3- نقطه های آغاز در اخلاق عملی 234 - سفينة البحار 2/295

«لِيَكُنْ أَبْغَضُ النَّاسِ إِلَيْكَ وَأَبْعَدُهُمْ مِنْكَ أَطْلَبُهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ» (1)

باید دشمن ترین مردم نزد تو و دورترین آنها از تو کسانی باشند که بیشتر در صدد یافتن خطاهای مردم هستند.

مومن باید برای بدست آوردن صفای باطن و دلی بی کینه، فرمان امامش را در برابر برادران مومنش رعایت کند. حضرت امام باقر (علیه السلام) در این باره، فرمودند:

«يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يَسْتُرَ عَلَيْهِ سَبْعِينَ كَبِيرَةً» (2)

هر مومنی وظیفه دارد هفتاد گناه کبیره برادر مومنش را بپوشاند (نادیده بگیرد و افشاء نکند).

چشم پوشی از گناه که جای خود دارد، گاهی اوقات از یک خطا و اشتباه برادر مومن هم گذشت نمی شود.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم):

«الْمُتَسَابِغَانِ شَيْطَانَانِ يَتَعَاوَيَانِ وَبَتَّهَاتِرَانِ» (3)

اگر دو نفر به یکدیگر دشنام دادند؛ حکم هر دو مانند دو شیطانی

ص: 358

---

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 405 - غرر الحکم و درر الکلم 549

2- الکافی (ط - الإسلامیة) 2/207؛ (ط - دارالحدیث) 3/528 - الوافی 5/565 - وسائل الشیعة 16/379 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 5/607 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 9/140 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/301

3- مجموعه ورام 1/111

است که بر هم بانگ می زنند و آبروی یکدیگر را می برند.

بنابراین اگر مومنی توهینی شنید، اجازه ندارد مقابله به مثل کند چون حکم او هم مانند فرد فحاش می شود. در این مواقع باید یا سکوت کند و یا از روی خیرخواهی، زبان به نصیحت بگشاید.

### غیبت بدترین گناه

متأسفانه از مستمسکات زشت و ناجوانمردانه ای که در دعوایها و اختلافات بدان تمسک می جویند، افشای اسرار و جریانات خصوصی طرف مقابل است. در برابر برادران دینی بلکه در همه اوقات باید از آن اجتناب کرد. این کار غیبت بوده و عقابش شدید است. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«بر حذر باش از غیبت، که آن تو را نزد خدا و مردم مبعوض می سازد و اجر اعمال تو را نابود می نماید» (1)

حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«..وَالْغَيْبَةُ تَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ..» (2)

غیبت، اعمال صالح و نیکو را نابود می کند همچنانکه آتش هیزم را از بین می برد.

ص: 359

---

1- غررالحکم 4425

2- بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/257 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/118



حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«الْغَيْبَةُ أَسْرَعُ فِي دِينِ الرَّجُلِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْأَكْلَةِ فِي جَوْفِهِ» (1)

سریعتر از آنکه بیماری جذام و... در درون انسان پیشرفت کند، بیماری غیبت در انسان، دین او را از بین می برد.

غیبت مانند فاش کردن اسرار و خطاهای پنهان مومن است و در نظر حضرت رسول ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله وسلم) خیانت محسوب می شود. چنانچه فرمودند:

«..وَ إِفْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ..» (2)

فاش کردن راز برادرت خیانت است، پس از این کار دوری کن.

مجازات غیبت، افروختن آتشی است که غیبت کننده و غیبت شنونده هر دو را، خواهد سوزاند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به جناب ابوذر فرمودند:

«اگر نزد مسلمانی از برادر مسلمانش غیبت و بدگویی کنند و او توان یاری شخص غیبت شونده را هرچند با بیان يك کلمه داشته باشد و این کار را انجام دهد، خداوند او را در دنیا و آخرت یاری خواهد کرد و

ص: 360

---

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/357 - الوافی 5/977 - وسائل الشیعة 12/280 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 10/406 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/220

2- مکارم الأخلاق 470 - الوافی 26/198 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/89 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 8/399

اگر آن شخص به دفاع شخص غیبت شونده کاری نکند خداوند در دنیا و آخرت او را به ذلت خواهد نشانید» (1)

همچنین گوش کننده غیبت، شریک در چنین معصیت بزرگی خواهد بود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«السَّمْعُ لِلْغَيْبَةِ أَحَدُ الْمُعْتَابِينَ» (2)

گوش دهنده غیبت هم، یکی از غیبت کنندگان است.

و نیز فرموده اند:

«هر مومنی، در غیبتی که شنیده است و آن غیبت را رد کند (قبول نکند) خداوند متعال هزار باب از شر دنیا و آخرت را از او رد می کند. و اگر رد نکند غیبت را (دفاع نکند) در حالیکه بتواند، گناه او هفتاد بار بیشتر از غیبت کننده است»

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«وَمَنْ مَشَى فِي عَيْبِ أَخِيهِ وَكَشَفَ عَوْرَتَهُ كَانَ أَوَّلَ خُطْوَةٍ خَطَاَهَا وَوَضَعَهَا فِي جَهَنَّمَ وَكَشَفَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ...» (3)

ص: 361

---

1- بحار الأنوار 74/89

2- عيون الحكم و المواعظ (لليثي) 27 - كشف الريبه 18 - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم)

10/412 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 72/226 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/133

3- کیش پارسایان 166 - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال 288 - كشف الريبه 10 - وسائل الشيعة 12/286 - بحار الأنوار (ط -

بيروت) 7/216؛ (ط - بيروت) 73/367

کسی که به قصد (غیبت از برادر مومن و) کشف عیوب او گام بر می دارد، اولین گامی که بر می دارد، در جهنم قرار می گیرد. و نیز خداوند متعال عیوب او را در قیامت برای همگان آشکار می کند.

اما پس از آگاهی از عواقب بسیار سخت غیبت، باید به هر طریق ممکن این زشتی را از دامن وجود مومن پاک کرد. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«..وَإِنْ اِعْتَبْتَ فَبَلِّغِ الْمُعْتَابَ فَاسْتَحِلَّ مِنْهُ فَإِنْ لَمْ تَبْلُغْهُ وَ لَمْ تَلْحَقْهُ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ لَهُ..» (1)

هرگاه غیبت کردی اگر (شخص غیبت شده) از غیبت تو با خبر شد باید نزد او بروی و او را از خود راضی گردانی و در صورتی که از غیبت تو اطلاعی نداشته باشد برای او استغفار کنی.

با مرور بر این فرمایشات اثبات می‌گردد، آن چیزی را که شیطان به وسیله آن، مجادله بین دو مومن را شعله ورتر می‌سازد و مورد غضب و تنفر شدید حضرت حق تعالی قرار می‌گیرد، غیبت است. دوری از آن در اخلاقیات دینی ما، جایگاه ویژه ای دارد و آن معصیتی نابخشودنی است که فرموده اند:

ص: 362

«خداوند متعال از تمام گناهان مومن می گذرد، جز از غیبت کردن برادران دینی»

{..وَلَا يَغْتَبُ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ..} (1)

{..وَأَكُلُ لَحْمِهِ مِنْ مَعْصِيَةِ اللَّهِ..} (2)

و خوردن گوشت او (غیبت کردن او) معصیت خداست.

برای درک و فهم درست این مسئله، غیبت به این مضمون معروف است که شخص در خفا عملی را انجام داده است و دوست ندارد آن عمل زشت فاش گردد و غیبت کننده، آن عمل بد را برای دیگران بازگو می کند. این روایت شریف این موضوع را واضحتر می سازد. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

«هر کس درباره مومنی چیزی بگوید که به چشمش دیده و به گوشش شنیده است، در زمره کسانی باشد که خداوند فرموده: کسانی که دوست می دارند بدی را نسبت به مومنین فاش کنند برای

ص: 363

1- سورة مبارکه حجرات آیه شریفه 12

2- تفسیر القمی 1/291 - کنز الفوائد 1/217 - وسائل الشیعة 29/20 - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 8/62 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 21/212؛ 72/148؛ 72/255 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/138

اگر به چشم خویش خطا و بدی برادر مومن را دیدیم، به احترام نور محبت امیرالمومنین علی (علیه السلام) که در سینه وی جای گرفته، حق ضایع کردن او را نداریم. چرا که عذابی بسیار دردناک در انتظار غیبت کننده است.

محبت امیرالمومنین علی (علیه السلام) نوری است که همه تاریکی های برادر ایمانی را محو می کند. چنانکه همه ما نیز خطاها و ظلمهایی را درباره دیگران و خود روا داشته ایم و از مردم پنهان است. همگان در عصر غیبت در گناهان و تقصیرات و ظلم به یکدیگر در حال غرق شدن هستیم و به نوعی دستمان آغشته به ظلم است. چه بسا در ترازوی عدل الهی رنجها و اندوه هایی که ما بر دیگران وارد ساخته ایم، بیشتر از کسی باشد که از او رنجیده ایم. بنابراین پرده پوشی و تبعیت از خدای متعال که در همه اوقات عیوب بندگان خویش را می پوشاند، به جوانمردی نزدیکتر و در رساندن مومن به آسایش، اثر بخش تر است. همچنانکه خدا و ائمه اطهار (علیهم السلام) به سادگی از اعمال، کردار و گناهان بزرگ ما چشم پوشی می کنند، ما نیز در عوض شکر این نعمت، برادر

ص: 364

ایمانی را عفو نمائیم. او را تحمل کرده و لباس جوانمردی و مدارا را بر تن کنیم. خصوصاً اینکه شخص مورد نظر انسان کریم و جوانمردی باشد. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در این باره می فرمایند:

«أَقْبِلُوا ذَوِي الْمُرُوءَاتِ عَثْرَاتِهِمْ فَمَا يَعْتُرُ مِنْهُمْ عَاثِرٌ إِلَّا وَ يَدُهُ بِيَدِ اللَّهِ يَرْفَعُهُ» (1)

از لغزش مردان بزرگ، کریم و جوانمرد بگذرید. زیرا دست ایشان در دست خداوند است که هرگاه بخواهد رفعتشان می دهد.

مراعات حقوق الهی، در حالیکه کسی ب فکر رعایت حقوق دیگران نیست، کار بسیار مشکلی است. چنانکه فرموده اند:

«در آخرالزمان، دینداری مانند نگه داشتن آتش در کف دست است»

برای اعانت برادر دینی، باید از پول و مال گذشت. بلکه باید از نفس نیز گذشت و با عفو کریمانه خویش در برابر خطاهای وی، به مقام ارجمند بزرگواری نزد حق تعالی رسید. هر کس از نفس گذشت به امام (علیه السلام) رسید و مهمان ضیافت الله شد و لقاءالله را که همان قرب به حضرت امام زمان (علیه السلام) است، بدست آورد و در دنیا مورد الطاف خاصه و کریمانه حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گرفت که کمترین آن،

ص: 365

اجابت دعا و حل مشکلات است و تجربه های بزرگان، گواه این مطلب است.

درست است که گذشت و عفو در مواقعی، آنهم از برادر دینی بسیار سخت است، ولی باید دانست که رتبهٔ اعلاى بندگی؛ قبولی در امتحان و ورود به معامله با خدا، در همین خون دل خوردن و عفو کردن است. شیعه در زمان حضرت امام حسین (علیه السلام) با دادن خون خود امتحان می شدند. اما امروز با خون دل خوردن و مدارا نمودن آزمایش می شوند. آن روز عبودیت و نصرت امام (علیه السلام) فقط شمشیر و جنگیدن بود، ولی امروز یاری و نصرت امام عصر (علیه السلام) اعانت برادران مومن است. هر چه در این وادی گامهای بزرگتری برداریم، امام زمان (علیه السلام) خویش را خوشحالتتر کرده ایم. حضرت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ارواحنا فداه فرموده اند:

«هر فردی از شما باید اعمالی را که به وسیلهٔ آن به محبت ما نزدیک می شود انجام دهد»

و در ادامه که قابل توجه است، می فرمایند:

«و از اعمالی که موجب ناراحتی و خشم ما می گردد پرهیز کند» (1)

{..وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيَجَادِلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ

ص: 366

«.. همانا شیاطن به دوستان خود وحی می کنند که با شما مجادله نمایند و اگر شما از ایشان اطاعت کنید، قطعاً مشرک خواهید شد»

بنابراین هرچه اصرار در اختلاف، جدایی و کینه توزی داشته باشیم باعث خوشحالی دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) خصوصاً ابلیس (لعنت الله علیه) می شویم. آیا غیر از این است؟! طبق این روایت، پافشاری در این اختلاف؛ مساوی است با غم و اندوه حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و فرود آمدن خشم و عذاب امام (علیه السلام) بر شخص اصرار کننده، که در این لجاجت و پافشاری در جنگ و دعوا بین دو برادر دینی، چه آبروریزیها و هتک حرمتها و بی احترامیها انجام می گیرد و در این نزاع ها و دعواها، متاسفانه فرد برای اثبات حقوق خویش مجبور به غیبت می شود. متاسفانه بسادگی در برابر عین الله و اذن الله آنرا، تحت عنوان "دارم صفاتش را بیان می کنم"، توجیه نموده و به غیبت مشغول می شود. اما باطن این عمل چیزی جز غیبت نیست. امام هدایت (علیه السلام) می فرماید:

«غیبت عمل و صفت زشتی است که شخص در خفا آن را انجام می دهد ولی شما آن را آشکار می سازید و باعث آبروریزی وی می شود»

این عمل بسیار وقیحانه و ناجوانمردانه ای است، زیرا فرد غیبت

ص: 367



شونده، در مجلس غیبت حاضر نیست تا در مقابل از خویش دفاع کند. اگر آن اعمال ناپسند در او نباشد و کسی آن را اظهار کند، به گناه کبیره تهمت نیز، مبتلا شده است.

{ وَ مَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا } (1)

«اگر کسی اشتباه یا گناهی در کارنامه اش کسب نماید سپس آنرا به کسی که مرتکب نشده [بری] نسبت دهد، به تحقیق بهتان و گناه آشکاری را بر خود حمل نموده است»

در باب غیبت بار دیگر به خاطر اهمیت این گناه کبیره این روایت را عرضه می داریم:

«خداوند متعال از تمام گناهان مومن می گذرد، الا غیبت برادران مومن را» (2)

حضرات معصوم (علیهم السلام) بهترین طریق برای رهایی از اختلاف و به آسایش و آرامش روحی رسیدن را عفو نمودن معرفی کردند که ایشان می فرمایند:

«لذتی (آرامش و آسایش) که در عفو کردن است در انتقام نیست»

ص: 368

---

1- سوره مبارکه نساء آیه شریفه 112

2- بحار الانوار ج 15

آنچنان در این عفو از خطاها میدان را وسیع نموده اند که باعث شگفتی است که اهمیت آن از این سخن گهربار مشخص می گردد:

«يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يَسْتُرَ عَلَيْهِ سَبْعِينَ كَبِيرَةً» (1)

بر مومن واجب است که هفتاد گناه کبیره برادر مومن را بپوشاند.

تا جایی که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«مبادا از برادر دینیت دوری کنی زیرا عمل (صالح) با قهر از برادر مومن قبول نمی شود. من شما را از قهر برادرانتان باز می دارم ولی اگر مجبور بودی، بیش از سه روز قهرت را طول نده که اگر کسی در حال قهر از برادر دینی خود بمیرد، آتش جهنم به او سزاوارتر است»

همچنین حضرت امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

«إِذَا وَقَعَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَخِيكَ هَنَةٌ فَلَا تُعِيرُهُ بِذَنْبٍ» (2)

اگر بین تو و برادر مسلمانان چیزی اتفاق افتاد، او را برای گناهِش مورد ملامت و توبیخ قرار نده.

و نیز حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«از مردم عیب جوئی نکنید و برای هر لغزشی مورد ملامت قرار ندهید»

ص: 369

- 
- 1- الوافی 5/565 - وسائل الشیعة 16/379 - هداية الأئمة إلى أحكام الأئمة (عليهم السلام) 5/607 - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (صلی الله علیه و آله وسلم) 9/140 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 71/301
- 2- الزهد 61 - الإختصاص 229 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/112

قرآن مجید نیز بر این موضوع تاکید دارد:

{..وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا} (1)

«هرگاه بر عمل لغو و بیهوده ای گذرشان افتد با بزرگواری از آن می گذرند»

وسعت اغماض و تغافل آنچنان زیاد است که با بکار بستن آن تحمل آزار مخلوقات بسیار آسان می شود. گذشته از آن دارای ارزش و اجر فراوانی خواهد بود. چنانکه حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«مومنی که با مردم می آمیزد و آزار آنان را تحمل می کند در پیشگاه الهی اجرش بزرگتر است از آن مومنی که با مردم آمیزش ندارد و بر اذیت آنها صبر نمی کند» (2)

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«هیچ جرعه گوارایی را همانند فرو بردن خشم ننوشیده ام»

چه زیباست مومن از خطاهای برادرانش بگذرد و برای جلب خشنودی پروردگار و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای آشتی آغوش گشوده و با لبخند بر چهره به استقبال برادر خویش رفته و با معانقه، ظلم و بدیهای وی را قصاص نماید. حتی اگر اندوهی که از برادر مومن به مومن رسیده،

ص: 370

---

1- سوره مبارکه فرقان آیه شریفه 72

2- کتاب روایات تربیتی از مکتب اهل البیت (علیهم السلام) 227 - مجموعه ورام ح 1 ص 9

بسیار بزرگتر از آن باشد که بتوان به تَوَدُّد (1) پرداخت، یا شرایط بنحوی گره خورده که برای دوستی تنگاتنگ جائی نمانده باشد، باید از قهر درآمده و صداقت خویش را با دعای قلبی در برآورده شدن حاجات برادر خویش و عفو وی را از خدای متعال خواستن، نشان داده و برای برادر ایمانی طلب مغفرت، علی الخصوص در آزاری که از وی دیده است از درگاه باریتعالی درخواست نماید. باید خویش را با این عمل به امام هدایت، حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نزدیک نموده و برای خود در نزد خدا، بهانه ای برای عفو در روز رستاخیز مهیا نماید.

چنین عمل خداپسندانه ای چه در دنیا و چه در عقبی به نفع مومن خواهد بود. در فرمایشی حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) هر عمل صالحی را برای صاحب عمل دارای منفعت می دانند. همه دین در همین دادرسی مالی و گذشت از کردار زشت و ستم محبین حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) است؛ که در ایجاد این دوستی و محبت نسبت به شیعیان، حق تعالی می فرماید:

«آیا شده دوستی انتخاب کنی و از برای رضای من با او دوستی نمایی؟ و برای خشنودی من، دشمنی بورزی با دشمنان من؟»

که فرموده اند:

ص: 371

«..أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ» (1)

..بهترین اعمال دوست داشتن برای خدا و دشمنی ورزیدن برای خداست.

با تمامی سختیها و مرارتها عمل به این نوع از کردار، توفیقی است برای رسیدن به مقامات عالی بندگی. چرا که توان عبادت خالصانه برای ما ضعفای شیعه مقدور نیست. در روایتی نقل گشته است که شیطان، همانند خون در رگهای ما جاری است. بنابراین مواظبت و حراست بیشتری برای بازخواست روز قیامت نیاز است.

### عواقب اهانت به مؤمن

با مرور بر این احادیث، عقل حکم می کند که مومن، باید بغض برادر را با محبت حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام)، معامله کند تا در سود بی نظیری که عایدش می شود، کرم وافر حق تعالی را در این دنیا و در قیامت ببیند.

شخصی خدمت حضرت امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) عرض کرد: فدایت شوم درباره یکی از برادران دینی من کاری را نقل می کنند که من آن عمل را ناخوش ندارم ولی هنگامی که از خود او سوال می کنم انکار

ص: 372

می‌نماید، با اینکه گروهی از افراد موثق و مورد اعتماد این خبر را برای من نقل کرده‌اند. حضرت در جواب فرمودند:

«گوش و چشم خود را در مقابل برادر مومن تکذیب کن و اگر پنجاه نفر به عنوان شاهد قسم یاد کردند و درباره او چیزی به تو گفتند ولی خود او انکار نمود به گواهی آنان ترتیب اثر مده و سخن برادرت را بپذیر و گفته آنها را درباره او قبول نکن. [سپس فرمودند] مبدا چیزی را که مایه عیب و ننگ او و وسیله درهم کوبیدن شخصیت و شرف انسانی او می‌گردد، منتشر کنی، زیرا در زمره کسانی قرار خواهی گرفت که خداوند درباره آنها فرموده است:

{إِنَّ الَّذِينَ يَجُوبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ..} (1)

«آنها کسانی هستند که دوست دارند زشتیها در میان مومنان پخش شود برای آنهاست عذابی دردناک در دنیا و آخرت..» (2)

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«آن کس که نسبت به برادر دینی اش از لحاظ دین و مذهب سابقه خوبی سراغ دارد دیگر نباید به سخنانی که این و آن درباره او

ص: 373

---

1- سوره مبارکه نور آیه شریفه 19

2- نقطه های آغاز در اخلاق عملی 235 - تفسیر برهان 3/128

می گویند گوش فرا دهد...» (1)

در واقع گوش ندادن به غیبت و دفاع از حقوق و آبروی مومن، یاری مظلوم است و کاهلی در این امر و دفاع نکردن از مومن، مورد خشم خدا قرار گرفتن است. اهمیت والای آن در، مناجاتی از حضرت امام سجاد (علیه السلام) که برای تربیت مومنین با خداوند متعال داشته، مشخص است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِحَضْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ..» (2)

خداوندا از تو عذر می خواهم نسبت به ستمدیده ای که در جامعه به او ستم شده و من به یاری او برنخاسته ام.

غیبت، باطل کننده اعمال نیز هست بلکه بسیاری از اعمال را نابود می کند. شعاع سوزاننده آن در حدیثی، چهل روز بطلت عمل، ذکر شده است. حضرت رسول ختمی مرتبت (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«مَنْ اغْتَابَ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ تَعَالَى صَلَاتَهُ وَلَا صِيَامَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا أَنْ يُغْفَرَ لَهُ صَاحِبُهُ» (3)

ص: 374

1- نهج البلاغه صبحی خطبه 141

2- الصحيفة السجادية 166 - المصباح للكفعمي (جنة الأمان الواقية) 389

3- جامع الأخبار (للشعيري) 146 - كشف الريبه 10 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 72/258 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل

9/122؛ 7/322

هرکس غیبت مرد یا زن مسلمانی را بکند، خداوند تا چهل شبانه روز نماز و روزه اش را قبول نمی کند مگر آن که کسی که مورد غیبت واقع شده، از او راضی شود.

در مورد رضایت طلبی به نقل از کتاب «در ضیافت ضریح» نقل است که توبه و ندامت، وظیفه ای است که همه فقهای معاصر به وجوب آن فتوا داده اند، اما در مورد طلب حلالیت از فرد مورد غیبت قرار گرفته و نیز استغفار برای او، برخی از فقهای معاصر مانند مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله وحید خراسانی احتیاط واجب دارند، (1) و برخی از مراجع احتیاط مستحب کرده اند. (2) اما اینکه غیبت چیست و حدود آن تا کجاست، حضرت امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمودند:

«هر کس پشت سر مردی چیزی را بگوید که در او هست و مردم همه می دانند غیبت نکرده و هر کسی پشت سر کسی چیزی را بگوید که در او هست ولی مردم نمی دانند، غیبتش را کرده است و هر که پشت سر کسی چیزی بگوید که در او نیست به او بهتان و تهمت زده است» (3)

ص: 375

- 
- 1- منهاج الصالحین حضرت آیت الله خویی (رحمة الله) با حاشیه حضرت آیت الله وحید خراسانی ج 1 مسئله 29
  - 2- منهاج الصالحین حضرت آیت الله خویی (رحمة الله) و حضرت آیت الله سیستانی ج 1 مسئله 29
  - 3- اصول کافی 2/358 ح 60



{وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا} (1)

«اگر کسی اشتباه یا گناهی در کارنامه اش کسب نماید سپس آنرا به کسی که مرتکب نشده نسبت دهد، به تحقیق بهتان و گناه آشکاری را بر خود حمل نموده است»

به عنوان مثال کسی که علناً فسق می کند مثلاً در میان مردم به ربا خواری دست زده و مشهور است، می توان پشت سرش، آن عمل را افشاء کرد.

### نحوه سخن گفتن

یکی از عوامل مهمی که شیطان، به عنوان ابزار اختلاف بین دو برادر استفاده می کند، اظهار گفتارهایی است که باعث رنجش دو طرف شده و باعث برداشته شدن پرده های احترام و ادب می شود. در صورتی که در برخورد با برادران دینی در حال گفتگو باید رعایت ادب و احترام را نمود و اگر غیر از چنین روشی در برابر برادران دینی اتخاذ گردد و تحت عنوان شوخی، هر چیزی بیان شود، در آخر منجر به بحث، مجادله و بی حرمتی ها می گردد. در این باره حضرت امام سجاد (علیه السلام)

ص: 376

«..احْفَظْ لِسَانَكَ تَمَلِّكْ بِهِ إِخْوَانَكَ..» (1)

زیانت را نگه دار تا برادرانت را نگه داری.

بنابراین اولین حربه شیطان برای جدایی محبین اهل بیت (علیهم السلام)، بی پرده صحبت کردن است. حارث اعور به حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) عرض کرد: ای امیرالمومنین علی (علیه السلام)! به خدا سوگند که دوست می دارم حضرت فرمودند:

«ای حارث اگر واقعا مرا دوست می داری، پس سعی کن با من مشاجره نکنی، مرا به بازی نگیری، برای خودنمایی با من بحث نکنی، با من شوخی نکنی و مرا از آنچه هستم پائینتر و یا بالاتر نبری» (2)

پایداری دوستی کمک به پایداری دین مومن می نماید و تداوم دوستی به حفظ حرمتها وابسته است. حضرت امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«..إِنْ أَرَدْتَ أَنْ يَصْفُوَ لَكَ وَدُّ أَخِيكَ فَلَا تُمَارِ حَتَّةً وَلَا تُمَارِيَهُ وَلَا تُبَاهِيَهُ وَلَا تُشَارِنَهُ وَلَا تُطْلِعَ صَدِيقَكَ مِنْ سِرِّكَ إِلَّا عَلَى مَا لَوْ أُطْلِعَ

ص: 377

1- بحار الأنوار (ط - بيروت) 68/229؛ 89/243

2- میزان الحکمه 1/72 - الخصال 334/35

عَلَيْهِ عَدُوُّكَ لَمْ يَضُرَّكَ فَإِنَّ الصَّادِقَ قَدْ يَكُونُ عَدُوَّكَ يَوْمًا..» (1)

اگر می خواهی محبت برادرت برای تو خالص باشد، هرگز با او شوخی بیجا مکن، از جدال با او بپرهیز، بر او فخر مفروش و با او ستیزه مکن و دوستت را از رازت آگاه مکن مگر آنچه اگر بر دشمنت آگاه کنی به تو ضرری نرساند. پس به درستی که روزی دوست، دشمن می شود.

در برخوردها با برادران دینی اگر نصایح معصومین (علیهم السلام) لحاظ گردد قطعاً راه نفوذ شیاطین که تمامی همت آنها از هم پاشیدگی تجمع با صفای برادران است بسته خواهد شد و برخورد محترمانه، مهر، محبت و نرم-خویی، باعث تداوم و پایداری دوستی خواهد گشت که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«..وَ خَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ مَأْلَفَةً لِلْمُؤْمِنِينَ..» (2)

..بهترین مومنان کسی است که مومنان به او الفت گیرند..

### تغافل و چشم پوشی

لفت مومن به جهت تغافل از کارهای مردم است که برای بدست

ص: 378

- 
- 1- تحف العقول 312 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/291 - عوالم العلوم.. 20/647 - مکاتیب الأئمة (علیهم السلام) 4/221  
2- الأمالی (للطوسی (رحمة الله) ) 462 - وسائل الشیعة 12/18 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 64/298؛ 72/265 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 8/450

آوردن آسایش و دوری از جنگ و ستیز باید از خطاهای ایشان چشم پوشی نماید، چنانکه حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده اند:

«..وَإِنَّ الْعَاقِلَ نِصْفُهُ أَحْتِمَالٌ وَنِصْفُهُ تَغَافُلٌ» (1)

عاقل نصف اتفاقات را حمل بر نیکی کرده و نیمی دیگر را با تغافل [معنی اصطلاحی=ندیده گرفتن] جواب می دهد.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«مِنْ أَشْرَفِ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ تَغَافُلُهُ عَمَّا يَعْلَمُ» (2)

یکی از زیباترین و شریفترین اعمال برای انسانهای کریم، تغافل نسبت به چیزهایی است که می دانند.

و در جای دیگر حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) می فرمایند:

«..وَعَظُمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدُّنْيَا مِنَ الْأُمُورِ..» (3)

با تغافل از امور پست، مرتبه و ارزش خود را بالا نگه دارید.

با توجه به گذر زمان و تغییر در نهاد انسانها و برجیده شدن عرف تمدن، اجتماع بشر که تبدیل به چیزی شبیه جنگل شده است، برای

ص: 379

---

1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 84 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 245

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 467 - غرر الحکم و درر الکلم 675 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 72/49 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 8/379

3- تحف العقول 224 - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار 180 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 75/64 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل

مومن جای امنی نیست. هر آن افراد جامعه با نوع نگرش فارغ البالی نسبت به معاد، نزدیک است با هر توجیه غیر موجه یا هر کلام بدون منطقی بر مومن یورش برنند. لذاست که باید به شدت از جامعه و افراد، پرهیز کرد. بنا به فرمایش امام (علیه السلام) که فرموده اند:

«مومن در میان سگ، گرگ، .. و درندگان دیگر زندگی میکند در صورتی که خود همانند گوسفندی می ماند که اکثر اعضایش منفعت و پرسود است و چه مظلوم است گوسفندی در میان درندگان» (1)

پس باید برای گذاردن امور و دور شدن از تهاجم مردم بی قید و بند، چشم پوشی کرد. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«تَغَافِلُ يُحْمَدُ أَمْرُكَ» (2)

از لغزشهای مردم تغافل کن، تا کارِ معیشت و زندگی تو سامان گیرد.

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«إِنْ تَقَدَّتْ النَّاسَ تَقْدُوكَ وَإِنْ تَرَكْتَهُمْ تَرَكُّوكَ» (3)

اگر از مردم انتقاد کنی، از تو انتقاد خواهند کرد و اگر مردم را واگذاری، تو را واگذارند.

ص: 380

---

1- مرآة العقول 19/178

2- رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام) تصنیف غرر 451 ح 10372

3- النهایة فی غریب الحدیث و الأثر 5/104 - لسان العرب 3/426 - الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول 6/290 - تاج العروس من جواهر القاموس 5/284

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«مُنَازَعَةُ السُّفْلِ تَشِينُ السَّادَةَ» (1)

اگر کسی با افراد پست و فرومایه وارد دعوا شد سیادت و عزت خود را لکه دار کرده است.

«لَا تُنَازِعِ السُّفَهَاءَ وَلَا تَسْتَهْتِرْ بِالنِّسَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ يَزِرِي بِالْعُقَلَاءِ» (2)

با افراد پست و نادان وارد منازعه نشو، زیرا این کار (دعوا و نزاع) باعث کوچک و کم شدن شأن عقلا می شود.

باید در برابر اشتباهات و خطاهای خلاق چه مومن و غیر آن، بی اعتنایی کرد. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَلَا يَغْضُ [لَا يَتَقَاضِ] عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَغَّصَتْ عَيْشَتُهُ» (3)

اگر انسان از بسیاری از وقایع و اموری که در زندگی رخ می دهد تغافل و چشم پوشی نکند، زندگیش ناقص می شود.

اصلاح و آسایش زندگی نیز به تغافل کردن است که فرموده اند:

ص: 381

---

1- رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام) 418 - تصنیف غررالحکم 482 ح 11131 - تصنیف غررالحکم و درر الکلم 482

2- تصنیف غررالحکم 409 ح 9383 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 519 - غرر الحکم و درر الکلم 765

3- تصنیف غررالحکم 451 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 451

صلاح زندگی و آمیزش مردم دو سوم فهم و زیرکی و یک سوم آن تغافل و بی‌اعتنایی به بسیاری از مسائلی است که در کنار انسان اتفاق می‌افتد.

رعایت تغافل برای برادران دینی ارجحتر از رعایت آن بر مردم عوام است. یعنی باید از اعمال بدشان چشم‌پوشی کرده و بی‌اعتنایی و عفو را پیشه خود سازند و بستر آشتی بین دو مومنی را که با نزاع و دعوا از یکدیگر جدا شده‌اند، آماده نمود. درصد تغافل بعضی از مومنان به دلیل داشتن منش جوانمردانه و ایمان قوی، بیشتر از دیگران می‌باشد. و آن رعایت امر امامان معصوم (علیهم السلام) در مورد اغماض و تغافل است. اما متأسفانه عده‌ای دیگر بر اثر شدت ناراحتیهایی که از طرف مقابل دیده‌اند، حاضر به آشتی نمی‌شوند، در صورتیکه باید دانست که این عمل، بسیار قبیح و از نظر امام معصوم (علیه السلام) مردود بوده و مورد نفرین الهی قرار خواهد گرفت. در این باره حضرت امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند:

«..مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ رَجُلٌ يَبْدُوهُ أَخُوهُ بِالصُّلْحِ فَلَمْ يَصَالِحْهُ..» (1)

ملعون است ملعون، کسی که برادرش دست صلح و آشتی به سوی او دراز کند و او آشتی نکند.

ص: 382

حضرت امام باقر (علیه السلام) فرمودند:

«..أَيُّمَا مُسْلِمٍ أَتَى مُسْلِمًا زَائِرًا أَوْ طَالِبَ حَاجَةٍ وَهُوَ فِي مَنْزِلِهِ فَاسْتَأْذَنَ لَهُ وَ لَمْ يَخْرُجْ إِلَيْهِ لَمْ يَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ حَتَّى يَلْتَقِيَ..» (1)

..هرگاه مسلمانی برای دیدار مسلمانی دیگر یا حاجت خواهی از او، به منزل وی رود و اجازه ورود بخواهد و او بیرون نیاید، تا زمانی که همدیگر را دیدار کنند، پیوسته در لعنت خدا باشد..

متأسفانه رفتارهایی از این دست، در بین بعضی از مومنین دیده می شود. این افراد باید بدانند عدم پذیرش برادر دینی مساوی است با لعن و نفرین امام (علیه السلام) و خدای تعالی. قطعاً امام معصوم (علیه السلام) نیز می دانست که از دو طرف مورد مخاصمه، یکی مظلوم، و مورد اهانت واقع شده است، باز در چنین حالتی امر به عفو می فرماید. عدم سازش با برادر مومن که محل اختلاف و دعواست مورد لعن و نفرین امام (علیه السلام) است. اگر بدانیم نفرین و دوری از رحمت خدا یعنی چه، لحظه ای برای آشتی کردن درنگ نخواهیم نمود. مومن برای امر امام (علیه السلام) خویش، کمر همّت می بندد تا از لعن و نفرین حق تعالی دور گردد و او با بصیرتی که از کلام امام معصوم (علیه السلام) یافته است، در مقابل خطاهای

ص: 383

---

1- الکافی (ط - الإسلامية) 2/365؛ (ط - دارالحدیث) 4/101 - الوافی 5/991 - وسائل الشیعة 12/229 - بحار الأنوار (ط - بیروت)

72/192



برادرش، روشی را اتخاذ می کند که حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرموده اند:

«عَاتِبْ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَازْدُدْ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ» (1)

برادرت را با نیکی کردن به او، سرزنش کن و بدیش را با بخشش به او پاسخ ده.

و حضرت امام رضا (علیه السلام) نیز فرموده اند:

«با هدیه دادن کینه ها از بین می رود»

راه دیگر برطرف کردن عداوت و کینه، مصافحه کردن است که امام معصوم (علیه السلام) این دستور را طبق آیه قرآن برای دشمن و اشخاص عوام مطرح می کنند، حال جایگاه آشتی با برادر مومن را بنگر. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«با دشمن دست بده و مصافحه کن ولو اینکه او مایل نباشد این دستور خدا در قرآن است که فرموده: بدی را به بهترین وجه از خود بگردان. آنگاه کسی که بین شما دشمن بوده، چون دوستی مهربان خواهد شد. اما این روش را جز مردان صابر و صاحبان بهره فراوان، به کار نیندند»

ص: 384

---

1- نهج البلاغة (للصبيح صالح) 500 - خصائص الأئمة (عليهم السلام) 108 - عيون الحكم و المواعظ (لليثي) 339 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 68/427

غیر از صاحب عقل کسی نمی تواند برای جلب رضایت امام زمانش که رضایت خدا است گذشت و عفو کند. چرا که ایشان به دنبال توشه و بهره های فراوان می گردند و تفسیر «انعمت علیهم» را که پس از ولایت معصومین (علیهم السلام)، عفو از خطاهای برادران است؛ جامه عمل می پوشانند. حضرت امام رضا (علیه السلام) در این باره فرمودند:

«مِنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ.. وَ الْمُؤَسَاةُ لَهُ فِي مَالِهِ.. وَ لَا يَقُولُ لَهُ..» (1)

از حقوق مومن بر مومن اینست که با مال و ثروتش او (برادر دینی) را کمک و مواسات نماید.. و به او آف نگوید..

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«..أَحْمِلْ نَفْسَكَ مِنْ أَخِيكَ عِنْدَ صَرْمِهِ عَلَى الصَّلَاةِ.. وَ عِنْدَ جُمُودِهِ عَلَى الْبَدْلِ.. وَ إِيَّاكَ أَنْ تَضَعَ ذَلِكَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِهِ أَوْ أَنْ تَفْعَلَهُ بِغَيْرِ أَهْلِهِ..» (2)

چون برادرت از تو ببرد، خود را به پیوند با او وادار... و چون بخل ورزد از بخشش دریغ نکن... مبدا این نیکی را در آن جا کنی که

ص: 385

---

1- الدعوات (للراوندي) 272 - مشكاة الأنوار في غرر الأخبار 104 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 71/232 - عوالم العلوم.. 20/823 -

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/46

2- نهج البلاغة (للصبيحي صالح) 403 - مجموعة ورام 2/105 - بحار الأنوار (ط - بيروت) 71/168؛ 74/209

نباید یا درباره آن کس که نشاید.

نوع کلام ائمه هدایت (علیهم السلام) درباره گذشت، اغماض و تغافل همینطور تشدید جدال بین محبین امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می رساند این مسئله و رفتار در مسائل بین برادران ایمانی بسیار مورد نظر و اهتمام ائمه هدایت (علیهم السلام) بوده و باید با تامل و تعمق بیشتر در روایات و عمل به آنها، خود را از خشم و نفرین امان هدایت (علیهم السلام) دور نموده و زمینه شفاعت و بهانه آنرا برای ایشان و در واقع برای خود مهیا نمائیم. نصایح و پندهای آن بزرگواران را در اختلافات به عمل آوریم. چرا که از بزرگترین امتحانات الهی که منجر به قطع ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) می گردد، دعوا و نزاع بین دو برادر دینی است و آن باعث خوشحالی شیاطین و دشمنان می گردد. حضرت امام رضا (علیه السلام) طبق پیامی که به جناب عبدالعظیم (رحمة الله) فرستادند، غضب و ناراحتی وجود مبارکش را از کسانی که با همدیگر به جدال می افتند اینچنین اظهار فرمودند:

«ای عبدالعظیم؛ سلام مرا به دوستانم برسان و به آنان بگو که شیطان را بر خود مسلط نسازید و به راستی، امانتداری، سکوت و ترك جدال، آنان را امر نما و به دیدار یکدیگر که موجب خشنودی من است ایشان را توصیه کن. مبدا که به هتك حرمت و پرده دری از یکدیگر مبادرت جویند که سوگند یاد کرده ام آن کس که چنین کند و دوستی از

ص: 386

دوستانم را آزرده سازد، از خداوند بخواهم که او را در دنیا به سخت ترین عذاب گرفتار سازد و در آخرت در زمره زیانکاران قرارش دهد.

ایشان را آگاه کن که خداوند نیکوکاران ایشان را می بخشد و از بدکارانشان در می گذرد جز آن که به او شرك ورزیده و یا دوستی از دوستان مرا آزار رسانیده و یا قصد سویی نسبت به او در دل پنهان کرده باشد خداوند چنین کسی را نمی بخشد و چون به کارش (دعوا، هتك حرمت) اصرار ورزد روح و حقیقت ایمان از قلبش رخت بر بندد و از ولایت من بیرون رود و از آن هیچ برخوردار نگردد که از این (قطع ولایت) به خدا پناه می جویم»

با این فرمایش، برای افرادی که با برادران خویش در اختلاف و نزاع هستند جای هیچ درنگی نخواهد ماند، که این امتحانی است بس عظیم و مردودی در آن عذابی است بزرگ و ابدی. بنابراین مومن چون در برابر اوامر رهبرانش خاضع و مطیع است، تصمیم به عملی کردن دستورات امامش (علیه السلام) می گیرد. راه حل رهایی از این درگیریها و اختلافات را حضرت امام صادق (علیه السلام) این چنین اظهار می فرمایند:

«... نیکی کن به افرادی که به تویی احترامی و توهین کرده اند سلام کن (از در آشتی و مسالمت وارد شو) با آن که او تو را ناسزا و فحش داده است و انصاف نما با کسی که با تو دشمنی ورزیده و عفو کن به

کسی که به تو ظلم و ستم نموده چنانکه تو خود نسبت به گناهان امید عفو از درگاه حضرت احدیت داری. آیا نمی بینی آفتابش به افراد نیک و بد یکسان می تابد و باران رحمتش بر خوبان و بدان مساوی می بارد» (1)

امام (علیه السلام) می فرماید وقتی که مومن گذشت کند، طرف مقابل وی نیز که با اهانت و تسدی رفتار نموده بود، از مرکب خشم و غضب پیاده شده و رفتار نرمتری را در پیش می گیرد. در واقع آتش غضب با آب فروتنی و نرمخویی خاموش می شود. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«..وَلَا تَصْرِمُ أَخَاكَ عَلَىٰ اِزْتِيَابٍ وَلَا تَقْطَعُهُ دُونَ اسْتِعْتَابٍ وَلِإِنْ لِمَنْ عَاظَكَ فَإِنَّهُ يُوْشِكُ أَنْ يَلِيْنَ لَكَ..» (2)

با کوچکترین سوء ظنی با برادر خود قطع رابطه نکن و بدون رضایت طلبی با او (رابطه ات را) قطع مکن، با کسی که با تو درشتی کرده نرمی کن، باشد که به زودی با تو نرم شود.

دستورات پیشوایان هدایت در پرهیز از قطع رابطه، رویگردانی از

ص: 388

---

1- بحار الانوار 78/284

2- تحف العقول 82 - الوافی 26/239 - وسائل الشیعة 12/217 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/209

برادران ایمانی، جدائی و پراکندگیست. حضرت امام صادق (علیه السلام) میفرمایند:

«دو شخص (مومن) با آزردهی از هم جدا نمی شوند مگر آنکه یکی از آنها مستحق بیزاری و لعنت خدا می شود و بسیار می شود که هر دو مورد تنفر و لعنت حق می گردند»

کسی گفت: اگر یکی مظلوم باشد چرا مستحق لعنت خدا می گردد؟ فرمودند:

«برای اینکه چرا نیامد نزد دیگری که او را (به لطف و خوشی) وادار کند به صله و احسان کردن و از کار بد او درگذرد» (1)

همچنین در روایتی دیگر فرمودند:

«پیوسته شیطان در فرح و شادی است تا مادامی که دو مومن از یکدیگر دور باشند و از هم دوری کنند و چون آن دو با هم (به دوستی) ملاقات نمایند، زانوهای شیطان از غصه به هم میخورد و بندهایش جدا می شود و فریاد می کند که چه بلایی بر سرم آمد» (2)

اختلاف و نزاع، چه مظلوم و چه ظالم را مورد لعن و نفرین خدا و معصومین (علیهم السلام) قرار می دهد. پس باید به جای کینه ورزی یا خشم و

ص: 389

---

1- بحار الانوار 15/184؛ 70

2- منتخب عین الحیوة مجلسی (رحمة الله) 446

ناراحتی که مطرودند، دوستی و بخشش را مد نظر قرار داد؛ تا شامل رحمت خداوندی قرار گرفت. حضرت امام صادق (علیه السلام) در مورد چشم پوشی و بخشش فرمودند:

«الْمُبَادَرَةُ إِلَى الْعَفْوِ مِنْ أَخْلَاقِ الْكِرَامِ» (1)

سرعت گرفتن در عفو و اغماض، از خصلت افراد کریم و بلند مرتبه است.

حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«..أَحْسِنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ..» (2)

..به آن که به تو بدی می کند، نیکی کن..

و مهمتر آنکه می فرمایند:

«..و اعْفُ عَمَّنْ جَنَى عَلَيْكَ..» (3)

..و آن کس که بر تو جنایت ورزید، عفو کن..

حضرت امام صادق (علیه السلام) مکارم اخلاق را اینچنین توصیف

ص: 390

- 
- 1- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 27 - غرر الحکم و درر الکلم 84/1602 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 245
  - 2- مصباح الشریعة 159 - دعائم الإسلام 2/487 - الأمالی (للصدوق (رحمة الله) ) 72 - الإختصاص 339 - کنز الفوائد 2/31 - الوافی 26/276 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 13/430
  - 3- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 76 - غرر الحکم و درر الکلم 133 - تصنیف غرر الحکم و درر الکلم 388

«..الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ..» (1)

..گذشت و اغماض کن نسبت به کسی که به تو ستمی روا داشته است..

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دسترسی به جایگاه رفیع نزد خدای متعال را در گرو عفو و اغماض می دانند:

«تَجَاوَزُ عَنِ الزَّلَلِ وَأَقْلِلِ الْعَثَرَاتِ تُرْفَعْ لَكَ الدَّرَجَاتُ» (2)

از لغزشها درگذر و اشتباهات را نادیده بگیر، تا منزلت بلندی بیابی.

همچنین حضرت امام صادق (علیه السلام) در فرمایش بسیار ظریف و دقیقی به تفصیل، تغافل و عفو را که بهترین عمل در مهالک جدال و اختلاف هستند را پیش کشیده و می فرمایند:

«..وَأَحْتَمِلْ أَحَاكَ عَلَى مَا فِيهِ وَلَا تَكْثُرِ الْعِتَابَ فَإِنَّهُ يورِثُ الضَّغِينَةَ وَاسْتَعْتَبْ مَنْ رَجَوْتَ عُتْبَاهُ..» (3)

ص: 391

---

1- الكافي (ط - الإسلامية) 2/107؛ (ط - دارالحدیث) 3/277 - الأمالی (للصدوق) 280 - الأمالی (للمفید) 181 - الوافی 4/437 - وسائل الشیعة 12/172؛ 15/199 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 66/368؛ 66/397؛ 68/399 - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل 9/9

2- عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 200 - غرر الحکم و درر الکلم 324

3- تحف العقول 84 - عیون الحکم و المواعظ (للیثی) 79 - بحار الأنوار (ط - بیروت) 74/212؛ 74/231 - مکاتیب الأئمة (علیهم السلام) 1/549



برادرت را با همه آنچه دارد (عیب‌ها) تحمل کن. پس مبادا با درشتی و نزاع برادرانتان را از دست بدهید. چون برادرت از تو جدا شد تو پیوند دوستی را برقرار کن، اگر روی برگرداند تو مهربانی کن و چون بخل ورزند، تو بخشنده باش. هنگامیکه دوری می‌گزیند تو نزدیک شو، و چون سخت می‌گیرد تو آسان گیر و به هنگام گناه، عذر او را بپذیر، چنانکه گویا بنده او می‌باشی و او صاحب نعمت تو شد. مبادا دستورات یاد شده را با غیر دوستان انجام دهی یا با انسانهایی که سزاوار آن نیستند. دشمن دوست خود را دوست مگیر تا با دوست، دشمنی نکنی. در پند دادن دوست، بکوش. خوب باشد یا بد، خشم خود را فرو خور که من، جرعه ای شیرینتر از آن ننوشیدم و پایانی گوارتر از آن ندیدم، که با آنکس که با تو درشتی کرده نرم باش که امید است بزودی در برابر تو نرم گردد. با دشمن خود با بخشش رفتار کن، زیرا سرانجام، دو پیروزی شیرین است. اگر خواستی از برادرت جدا شوی (قهر کنی) برای دوستی راهی باقی بگذار تا اگر روزی خواست بسوی تو باز گردد، بتواند. کسیکه به تو گمان نیک بُرد او را تصدیق کن و هرگز حق برادرت را به اعتماد دوستی ای که با او داری، ضایع نکن، زیرا آن کس که حقش را ضایع می‌کنی با تو برادر نخواهد بود.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرمایند:

«سزای آن کس که تو را شاد می کند، بدی کردن نیست» (1)

ما شیعیان هر چقدر هم که از هم دور باشیم و نسبتی بین ما نباشد، از نظر خدای متعال برادر محسوب می شویم. این برادری، دارای شرایطی است و وظائفی را بر دوش همه ما قرار می دهد. این وظائف یکطرفه نیست چرا که هر آن برادری از برادران ایمانی به مشکلی مبتلا شده، یا در اثر اسائه رفتار، جوّ بدی را به برادران خویش تحمیل می کند. اینجاست که دیگر برادران ایمانی باید با زدودن غم و مشکل از دیگر برادران خویش، یا تحمل خطاهای آنان، ایمان خویش را اثبات کرده و با عمل به روایات، به یاری حضرت امام زمان (علیه السلام) بشتابند.

متأسفانه این احادیث را خواندیم و ندانستیم که چه برکاتی به خاطر حضرت امام عصر (علیه السلام) نازل و چقدر بلاها به دعای ایشان دفع می گردد، و چه عذابهایی در قبر و قیامت مرتفع می شود، و چه اندازه نعمتهای (بهشتی) نصیب ما تا ابدیت می گردد. اما شیعیان در قبال این همه خوبیها که از ساحت مقدس امام (علیه السلام) عاید ایشان می شود به کدامین عمل توانستند این امام مهربان را اعانت نمایند. هزار افسوس که سر سفره امام کریم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نشسته ایم اما بدون سپاس. حتی بعضاً با

ص: 393

رفتار ناشایست خود اهانت می‌نمائیم. آری آن کس که خوبی می‌کند، سزایش بدی و ناسپاسی نیست.

{ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ } (1)

«آیا جزای احسان چیزی جز احسان است؟»

بنابراین وجدانی سالم نیاز است تا هر که خود را به محاکمه کشانده، و پس از تفکری صحیح با همّتی از روی انصاف و جوانمردی پس از دادرسی از برادران دینی، مستقیماً توجهی به سوی امام مظلوم و غریب خویش داشته و اعانت به امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را توسط دعا و درخواست از خدای متعال برای تشریف فرمائی آن وجود نورانی و مقدس به منصفه ظهور رسانیده تا از عهده وظیفه خویش در برابر امام (علیه السلام) برآید.

{ وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ مِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقْتُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ } (2)

«و نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته و [نیز] پیمانی [در باره امام غائب] را که شما را به [انجام] آن متعهد گردانیده، به یاد آورید، آنگاه که گفتید: "شنیدیم و اطاعت کردیم" و از خدا پروا دارید که خدا به راز دلها آگاه است»

ص: 394

---

1- سورة مبارکه الرحمن آیه شریفه 60

2- سورة مبارکه مائدة آیه شریفه 7

{ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا  
عُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ } (1)

«پیامبر [خدا] بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتابها و فرستادگانش ایمان آورده اند [و گفتند:]: «میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمیگذاریم» و گفتند: «شنیدیم و اطاعت کردیم»، پروردگارا، آمرزش تو را [خواستاریم] و فرجام به سوی تو است»

حال به عنوان سپاس از نیکیهای چنین امام رئوفی بیائیم هر روزه عهدی داشته باشیم و در کنج خلوت از سویدای دل با تمام ملائک آسمانها این ندای انبیاء و اولیاء را همنوا شویم.

اللهم عجل لوليك الفرج

اللهم عجل لوليك الفرج

اللهم عجل لوليك الفرج

اللهم عجل لوليك الفرج

ص: 395

قرآن کریم

نهج البلاغه

صحیفه سجادیه

1. مشکاة الانوار، ابوالفضل علی بن حسن بن فضل طبرسی (رحمة الله)
2. کافی، کلینی (رحمة الله) محمد بن یعقوب - انتشارات اسوة چاپ 11 سال 1389
3. کنز العمال فی نفس الاعمال والافعال، المتقی هندی - علی بن عبد الملک علاءالدین موسسة الرسائل مصر 1409 (جماعت عامه)
4. وسائل الشیعة، حر عاملی محمد بن حسن - موسسة آل البيت لاحیاء التراث قم چاپ اول
5. غرر الحکم، آمدی عبد الواحد - ترجمه محمد علی انصاری - انتشارات حضرت امام عصر عج چاپ هشتم 1390
6. الخصال، صدوق - انتشارات فکر آوران 1384 هـ.
7. تفسیر عیاشی، ابوالنصر محمد بن مسعود بن عیاش السلمی السمرقندی مکتب علمیة اسلامی تهران
8. کامل الزیارات، جعفر بن موسی بن قولویه قمی - انتشارات پیامبر حق م 367
9. کمال الدین و تمام النعمه، صدوق (رحمة الله) محمد بن علی بن حسین بابویه - انتشارات دار الکتب اسلامی قم چاپ دوم
10. اعلام الوری، امین الاسلام فضل بن حسن طبرسی (رحمة الله) - دار الکتب الاسلامی تهران
11. مستدرک الوسائل، نوری میرزا حسین - موسسة آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث قم چاپ اول
12. علل الشرایع، محمد بن علی بن حسین بن بابویه - انتشارات مکتبه الوری قم
13. تفسیر حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام)، حضرت امام عسکری حسن بن علی (علیهما السلام) - انتشارات مدرسه حضرت امام هادی (علیه السلام) قم چاپ اول
14. تحف العقول، حرانی حسن بن شعبة - موسسة انتشارات اسلامی چاپ دوم
15. ثواب الاعمال، شیخ صدوق (رحمة الله) - انتشارات راز توکل چاپ اول 1390

16. اختصاص، شيخ مفيد (رحمة الله) محمد بن نعمان

17. تنبيه الخواطر، ورام بن ابي فراس حلي (رحمة الله)

18. ارشاد، شيخ مفيد محمد بن نعمان (رحمة الله)

19. المحاسن برقي، ابو جعفر بن خالد برقي - مجمع عامي اهل البيت (عليهم السلام) 1413 هـ.

20. كنز الفوائد، ابوالفتح كراچكي - انتشارات دار الذخاير قم 1410 هـ.

21. معاني الاخبار، شيخ صدوق - تولد 311 هـ - ق، وفات سال 381 هـ ق - سال انتشار (تهران، صدوق، 1379ق) و (قم، دارالعلم، 1379ق)

22. امالي طوسي (رحمة الله)، شيخ طوسي م 460 هـ ق انتشارات دار الثيقاف قم 1414 هـ ق

23. المحجة البيضاء في تهذيب الاحياء، فيض كاشاني، محمد بن شاه مرتضى - ناشر: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم محل نشر: قم سال نشر: 1376

24. امالي صدوق (رحمة الله)، محمد بن علي بن حسين بن بابويه - انتشارات كتابخانه اسلاميه

25. الاعلام، شيخ مفيد محمد بن نعمان - چاپ كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد چاپ اول

26. اعلام الدين في صفات المؤمنين، ديلمى، حسن بن محمد ناشر: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لاحياء التراث - محل و سال نشر: قم؛ 1366

27. معراج السعادة، ملا احمد نراقي

28. مجمع البيان، فضل بن حسن طبرسي - انتشارات ناصر خسرو تهران 1406 هـ.

29. عيون اخبار الرضا (عليه السلام)، شيخ صدوق، مؤسسة انصاريان قم 1384 هـ.

30. من لا يحضره الفقيه، صدوق محمد بن علي بن حسين بابويه مؤسسة انتشارات اسلامي چاپ سوم

31. ارشاد، شيخ مفيد (رحمة الله) محمد بن نعمان

32. ارشاد القلوب، ديلمى، حسن بن محمد

33. التمهيد، سيد بن طاووس رضى الدين (رحمة الله)

34. الخصال، صدوق - انتشارات فكر آوران 1384 هـ.

35.المقنعه، شيخ مفيد (رحمة الله) محمد بن محمد - كنگرة شيخ مفيد قم 1413 هـ.

ص: 397

36. بلغة الفقيه (4 جلد)، بحر العلوم، محمد بن محمد تقی - ناشر: مكتبة الصادق (عليه السلام) - محل نشر: تهران

37. مهج الدعوات و منهج العبادات، سيد بن طاووس دار الكتب اسلامية تهران 1416 هـ.

38. التوحيد و الشرك في القرآن، نصير الدين طوسی، محمد بن محمد - ناشر: مؤسسۀ حضرت امام صادق (عليه السلام) - محل نشر: قم

39. مصباح الشريعة، مؤسسة اعلى للمطبوعات چاپ اول

40. احرام محرم، نيشابورى عبد الحسين - انتشارات دليل ما چاپ ششم 1389

41. مجموعة ورام، ورام بن ابى قراس - انتشارات مكتبة فقيه قم

42. برهان، سيد هاشم بحراني (رحمة الله) - دار المجتبى قم 1428 هـ.

43. البرهان، الزركشي وفات: 794 - جماعت عامه سال چاپ: 1376 - 1957 م ناشر: دار إحياء الكتب العربية، عيسى البابي الحلبي وشركاه

44. الاحتجاج، طوسی احمد بن علی - نشر مرتضى مشهد مقدس س 1403ق

45. الاحتجاج على اهل اللجاج، شيخ طبرسى

46. منهاج الصالحين (خويى (رحمة الله))، خويى، ابو القاسم - ناشر: مدينة العلم، آيت الله العظمى السيد الخويى (رحمة الله) محل نشر: قم

47. مرآة العقول فى شرح اخبار آل الرسول (26 جلد)، مجلسى، محمدباقر بن محمد تقى - ناشر: دار الكتب الاسلامية - محل و سال نشر: تهران؛ 1363

48. سفينة البحار، قمى عباسى - مؤسسۀ آستان قدس چاپ دوم سال 1384

49. عصر زندگى، حكيمى محمد - انتشارات دفتر تبليغات حوزه علميه چ دوم 1374 قم

50. ميزان الحكمه، ريشهرى محمد - انتشارات دار الحديث چاپ اول

51. صفات و علامات متقين، حاجيانى دشتى عباس - انتشارات محلاتى 1378 قم

52. تفسير جامع، حاج سيد ابراهيم بروجردى - انتشارات انصار المهدي چاپ اول 1388

53. نقطه هاى آغاز در اخلاق عملى، مهدى كنى محمد رضا - انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامى چاپ هفتم 1384 تهران



54. القطره، سيد احمد مستنبط - ترجمه محمد ظريف - نشر الماس نهم
55. چرا مرا آفريدند، حسن ميلاني - انتشارات حضرت علي چاپ اول 1384 قم
56. رساله حقوق حضرت امام سجاد (عليه السلام)، رساله حقوق حضرت امام سجاد (عليه السلام)
57. اسرار موفقيت، مجتهدی سيستاني مرتضى انتشارات نشر الماس چاپ ششم 1385 ش
58. ترجمه كتاب المومن، حسيني نجومی مرتضى انتشارات بوستان كتاب قم چاپ 1382
59. نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاينده
60. نصايح الكافيه، محمد بن عقيل علوی 1371 بنياد بعثت تهران
61. نسيم هدايت، حسيني شيرازي سيد صادق انتشارات برگ رضوان چاپ اول 1383 تهران
62. يكصد موضوع اخلاقی در قرآن و حديث، مكارم شيرازي ناصر انتشارات دارالكتب اسلاميه چاپ چهارم 1386 تهران
63. كيش پارسايان، تهراني مجتبي انتشارات پژوهشگاه فرهنگ اسلامي چ سوم 1378 تهران
64. روايات تربيتي از مكتب اهل البيت (عليهم السلام)، فرید مرتضى - انتشارات نشر فرهنگ اسلامي چاپ 1377 تهران
65. در ضيافت ضريح، بنی هاشمی محمد - انتشارات منير چاپ 1388 تهران



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می‌شود.

برای خدمت‌رسانی بیشتر شما هم می‌توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک می‌گوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه‌ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبادی - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

